اطلاعات

دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷ - ۱۶ ربیع الثانی ۱۴۴۰ - ۲۴ دسامبر ۲۰۱۸ - سال نودوسوم - شماره ۲۷۱۷۹ - ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - تک شماره ۱۰۰۰ تومان

ظریف: حمایت از فلسطین سیاست مبنایی جمهوری اسلامی است

* وزیر امور خارجه: متأسفانه امروز برخورد با مقاومت از درون جهان اسلام صورت می‌گیرد
* دبیر شورای عالی امنیت ملی: آنچه موجب نابودی رژیم صهیونیستی خواهد شد، فساد گسترده سران آن و بیداری ملت‌هاست

صفحه ۲

مخالفت بغداد با ورود نیروهای خارج شده ارتش آمریکا از سوریه به عراق

* «عادل عبدالمهدی»، نخست‌وزیر عراق با درخواست واشنگتن برای ورود نظامیان آمریکایی از سوریه به کشورش مخالفت کرد
* اقلیم کردستان عراق: ورود نظامیان آمریکایی به عراق منوط به کسب اجازه از بغداد است

صفحه ۱۶

فرمانده معظم کل قوا در دیدار فرماندهان و مسئولان نیروی انتظامی:

عملکرد نیروی انتظامی باید همراه با درایت و اعتماد آفرین باشد

* رهبر معظم انقلاب با تقدیر از تلاش‌های حافظان نظم و امنیت نیروی انتظامی را در معرض نگاه و قضاوت عمومی دانستند
* باید به نحوی عمل کنید که برداشت مردم از نیروی انتظامی یک نیروی مقتدر، عادل و هوشیار باشد
* حضرت آیت الله خامنه‌ای لازمه رسیدن این نیرو به جایگاهی در تراز انقلاب و نظام اسلامی را پیشرفت بدون توقف خواندند
* بخش‌های مختلف نیروی انتظامی از جمله کلانتری‌ها پاسگاه‌ها و گشت‌های انتظامی در پیش چشم مردم قرار دارد و قضاوت درباره عملکرد نیروی انتظامی به مجموعه نیروهای مسلح و نظام اسلامی تعمیم پیدا می‌کند
* سردار اشتری فرمانده نیروی انتظامی: سربازان جان‌برکف ملت ایران در نیروی انتظامی با روحیه انقلابی مدیریت جهادی، تفکر بسیجی و با عزم و اراده راسخ برای حفظ امنیت و آرامش کشور و پاسداری از ارزشها تلاش می‌کنند و حافظان جان و مال و ناموس مردم و اقتدار نظام هستند

صفحه ۲

تقدیر رهبر معظم انقلاب از فعالیت های فرهنگی آقایان سرهنگی و بهبودی

صفحه ۲

شماری از نمایندگان مجلس در گفتگو با اطلاعات:

مشکلات اقتصادی با تقویت مدیریت اجرایی و نظارتی حل می‌شود

* سیدکاظم دلخوش، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس: علل اصلی افزایش یکباره دلار سیاست‌های غلط بانک مرکزی و تحریم‌هاست
* تیم اقتصادی دولت از یک طرف قیمت‌ها را بالا می‌برد و بعد کمی از آن می‌کاهد و می‌گوید ارزان کردیم در حالی که به این موضوع نابسامانی در اقتصاد گفته می‌شود نه ارزانی
* حسینی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس: به خاطر فاصله طبقاتی هر نوع فساد موجب نگرانی مردم نسبت به دستگاه حاکمه می‌شود
* رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس: هزینه‌های جاری مملکت بسیار سنگین است و باید اصلاح شود
* نادری عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: تیم اقتصادی دولت می‌توانست روند افزایش دلار را مهار کند
* نوسانات قیمت دلار روی مواد اولیه، تولید و صادرات تأثیر سوء می‌گذارد

صفحه ۲

سونامی شبانه در اندونزی ۲۲۲ قربانی گرفت

* امواج سونامی در آب‌های تنگه سوندا ۸۴۳ مجروح و ۲۸ مفقود به جا گذاشت
* ۴۳۰ خانه و ۹ هتل در جزیره سوماترا تخریب شده است

اندونزی: وقوع سونامی در سواحل غرب اندونزی واقع در تنگه سوماترا و جزایر سوماترا و جاوه درآستانه سال نو میلادی ۲۲۲ کشته، ۸۴۳ مجروح و ۲۸ نفر مفقود برجاگذاشت.

بقیه در صفحه ۱۳

تغییرات فرهنگی در گفتگو با دکتر آزاد ارمکی

باید نخبگان را به میدان آورد

* باید بپذیریم یک جامعه متنوع و متکثر هستیم و به سیاست‌ها و فتواها و زمزمه‌های متنوع و متکثر نیاز داریم

ضمیمه جامعه

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان

ابوالقاسم قاسم‌زاده

ترامپ اول!

اعلام رسمی ترامپ در بازگشت سربازان آمریکایی از سوریه به خانه، همچون بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و فرمان‌های او نه تنها در آمریکا، در اغلب رسانه‌های بین‌المللی طوفان خبری، تبلیغاتی و سیاسی ایجاد کرده و در آستانه تعطیلات آخرسال میلادی (کریسمس) و آغاز سال جدید، رئیس جمهور آمریکا را بار دیگر در صدر قرارداده است.

از دوران مبارزات انتخاباتی تا پیروزی و بعد از گذر دو سال از دوران چهارساله ریاست‌جمهوری، ترامپ مسیر تصمیم‌گیری‌های آنی و جنجالی را طی کرده است تا همواره در صدر خبرها قرار داشته باشد. به‌طوری‌که بسیاری او را رئیس جمهور غیرقابل پیش‌بینی بنماید. تا آنجا که نماینده قبلی او در سازمان ملل، «نیکی هیلی» هندی تبار آمریکایی که بسیار مورد تأیید ترامپ بود، گفت: «ترامپ از الگوی مرد دیوانه» که در زمان نیکسون کیسینجر آن را طراحی کرد تا همواره رئیس آمریکا غیرقابل پیش‌بینی بنماید، پیروی می‌کند! در واقع شعار انتخاباتی ترامپ که بارها آن را تکرار می‌کند «آمریکا اول» اکنون به تلاش او برای حک کردن «ترامپ اول» مبدل شده است. این الگوی رفتاری رئیس جمهور آمریکا موجب شده است بسیاری در غرب (آمریکا و اروپا) ترامپ را از نگاه روانشناسان، فردی نامتعادل و البته «خطرناک» بدانند که نه تنها آرامش را در واشنگتن که در جهان به‌هم ریخته است. اعلام بازگشت سربازان آمریکایی از سوریه به خانه! اگرچه وعده انتخاباتی او نیز بوده است که در صورت پیروزی و رئیس جمهوری آمریکا شدن، نخواهد گذاشت دیگر خون جوانان آمریکایی در کشورهای دیگر ریخته شود! با ترک سربازان آمریکایی از افغانستان بعد از ۱۷ سال حضور و اشغال آن توسط ارتش آمریکا، تکمیل شده است. ترامپ در اعلام این تصمیم‌گیری خطاب به خانواده‌های آمریکایی گفت: «وعده‌ای که به شما در دوران انتخابات ریاست جمهوری دادم را اکنون عملی کردم.» از این منظر و نگاه، خروج سربازان آمریکایی از سوریه و به احتمال بسیاری از افغانستان، چندان غیرقابل پیش‌بینی نبوده و انجام شعاری است که رئیس‌جمهور آمریکا از دوران مبارزات انتخاباتی چندین بار آن را بازگو کرده بود.

سوی دیگر از نگاه تفسیری بسیاری از تحلیلگران سیاسی چنین است که، بحران جنگ در سوریه به پایان مسیر خود رسیده است و سیاست دوران ریاست جمهوری اوباما در سوریه به شکست کامل رسیده است. اکنون سازمان ملل با همراهی روسیه، ایران و ترکیه به موضوع آینده سوریه از مسیر انتخابات و در نهایت تثبیت قانون اساسی جدید، فعال شده‌اند و گروه‌های تروریستی از داعش، النصره و... به اضمحلال رسیده‌اند. گروه‌های معارض سوری نیز بازگشت به میز مذاکره و حرکت سیاسی برای انجام انتخابات تغییر استراتژی داده‌اند. ترامپ می‌گوید، ما (آمریکا) داعش را در سوریه نابود کردیم و ماموریت ما در این کشور به لحاظ نظامی پایان یافته است. آمریکا از این پس می‌خواهد به لحاظ آینده سیاسی و نه نظامی در سوریه فعال شود.

از دو سال قبل تاکنون جمهوری اسلامی ایران بارها در مجامع بین‌المللی و از جمله در سخنرانیهای رئیس‌جمهور روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل اعلام کرد که «بحران سوریه راه حل نظامی ندارد» و تنها گفتگو و مذاکره سوری ـ سوری به این فاجعه بزرگ می‌تواند پایان دهد. گویا، اکنون ترامپ به این نگاه و باور به آن نزدیک شده است. همین مسیر برای پایان بحران یمن نیز جواب داد.

یکی از کارشناسان روابط بین‌الملل درباره نگاهی به تبعات خروج آمریکا از سوریه می‌نویسد:

«دونالد ترامپ همان‌طور که در مناظرات انتخاباتی اعلام کرده بود که در صورت پیروزی، سربازان آمریکایی را به کشور برمی‌گرداند، عمل کرد از نظر او دلیلی برای کشته شدن سربازان آمریکایی و همان‌طور پول دادن وجود ندارد در حالی که کشورهایی که در خاورمیانه از این موضوع بهره‌مند می‌شوند نه کمک می‌کنند و نه به اندازه آمریکا سرباز اعزام می‌کنند. از طرفی تغییر استراتژی به وجود آمده در منطقه به این معناست که اسرائیل، آمریکا و عربستان سعودی، مثلثی که در مورد ایران تصمیم می‌گرفتند به این نتیجه رسیدند که فشار را از روی سوریه بردارند و همان فشار را به ایران منتقل کنند. بشار اسد در مصاحبه‌اش با عمرالبشیر که از او خواست به دنیای عرب بازگردد، عنوان کرد که هیچ وقت از دنیای عرب جدا نبوده است و ارتباطات را هم بیشتر خواهد کرد. قرار است طی روزهای آینده رئیس‌جمهور عراق و پادشاه اردن به سوریه سفر کنند. بنابراین این مساله دارای اهمیت بسیار است چون برداشتن فشار از روی بشار اسد با توجه به اینکه هدف آمریکا و عربستان سعودی سرنگونی حکومت بشار اسد بود، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بشار اسد بماند. با تغییر استراتژیکی که آمریکا در مورد خاورمیانه دارد، قصد ندارد که خودش را به خاطر چند هزار سرباز کردی که در شمال سوریه هستند، اسیر کند.»

دیروز شبکه مشهور خبری «ان بی سی نیوز» آمریکا خبرداد که ترامپ با اعلام ترک سربازان آمریکایی از سوریه با اردوغان تماس تلفنی داشت و گفته است، اردوغان به‌عنوان یک دوست قول نابودی بقایای داعش را در سوریه به من داده است! امروز خبرگزاریها، خبر داده‌اند که ارتش ترکیه آماده حمله به منطقه کردنشین سوریه شده است و ۳۵تانک آن از مرز «جرابلس» گذشته‌اند.

در ترسیم نگاه به تصمیم ترامپ درباره خروج سربازان آمریکایی از سوریه در جملاتی به اختصار می‌توان نوشت:

۱ـ پوتین و روسیه تا اینجای کار برنده اصلی در بحران سوریه‌اند. جهت‌گیری پوتین، پایان جنگ در سوریه از طریق سیاسی و گفتگوی سوری ـ سوری است.

۲ـ جمهوری اسلامی ایران در دفاع از استراتژی «مقاومت» و مقابله با شعاری که در ابتدای جنگ در سوریه، برخی از دولت‌های عربی همچنین رژیم صهیونیستی و گروه‌های مسلح در سوریه می‌دادند و در روزنامه‌ها این عنوان و بعد از سقوط دمشق، فروپاشی در تهران را مطرح کردند و این تیتر را نوشتند، «امروز دمشق، فردا تهران» پیروز میدان شد و برای پایان‌دادن به بحران سوریه طرح گفتگوی سوری ـ سوری را ارائه کرد که امروز در دستور کار همه طرف‌های درگیر شده است.

۳ـ ترکیه از بحران سوریه، سرکوب کردهای معارض با ترکیه را دنبال می‌کند. موضوع آوارگان سوری بیشترین هزینه را برای ترکیه داشت. در آن دوره با سیاست آمریکا درباره سوریه همراه شد، اما امروز هماهنگ با روسیه و نظرهای پوتین به بحران سوریه نگاه می‌کند. تلاش می‌کند تا با جمهوری اسلامی ایران در موضوع بحران سوریه در تعارض قرار نگیرد. ترکیه امروز به پایان بحران در سوریه می‌اندیشد.

۴ـ رژیم صهیونیستی از بحران در سوریه بر اساس استراتژی بنیادین خود، «بحران‌های پیرامونی» و تضعیف کشورهای مسلمان عربی و غیرعربی (ایران) حرکت می‌کند. سوریه ویران شده برای اسرائیل بزرگترین دستاورد است و هنوز ادامه جنگ را می‌خواهد.

۵ ـ سعودیها، اکنون با عقب‌نشینی ترامپ در پی تجدیدنظر در نگاه خود نسبت به آینده سوریه هستند.

۶ ـ آمریکا بر اساس اعلام نظر ترامپ، از مجموعه خاورمیانه، بخصوص کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس، دلارهای نفتی را می‌خواهد، حال با فروش تسلیحات یا پرداخت هزینه‌های حضور برای حفاظت از رژیم‌های منطقه. ترامپ دریافته است که بحران سوریه به پایان مسیر رسیده و در آینده هر چه بیشتر با پوتین درباره آینده سوریه هماهنگ خواهد شد.

یک میلیون و ۳۶۴ هزار خودرو در تهران معاینه فنی گرفتند

مدیرعامل ستاد معاینه فنی خودروهای تهران، گفت: در ۹ ماهه اول امسال نزدیک به یک میلیون و ۳۶۴ هزار خودرو در تهران معاینه فنی دریافت کرده‌اند که یک رکورد محسوب می‌شود.

به گزارش مهر، سید نواب حسینی منش با اشاره به اجرای رسمی فاز دوم طرح کاهش از اوایل امسال، اظهار داشت: این طرح یک حرکت بود تا خودروهای فاقد معاینه فنی و آلاینده در شهر تردد نداشته باشند.

وی با اشاره به استقبال شهروندان از فاز دوم طرح کاهش، بیان کرد: شهروندان در ماه‌های اخیر مشارکت فعالی در اجرای این طرح داشتند، به طوری‌که آمار مراجعات نشان می‌داد تنها در یک ماه گذشته ۲۰۰ هزار خودرو به مراکز معاینه فنی تهران مراجعه کرده‌اند.

مدیرعامل ستاد معاینه فنی خودروهای شهر تهران با بیان این که در ابتدای طرح ۱۵ تا ۲۰ درصد خودروهای سنگین فاقد معاینه فنی بودند، اظهار داشت: با هماهنگی و همکاری پلیس و استقرار سامانه سیار، برگه‌های معاینه فنی و میزان آلایندگی این خودروها صحت سنجی شده است و بالغ بر دو هزار و ۴۰۰ خودرو دیزل اعم از سرویس ادارات، خودروهای پخش بار، حمل زباله و نخاله کنترل شد.

به گفته حسینی منش، میزان خودروهای مردودی یا فاقد معاینه فنی در ابتدای اجرای فاز دوم طرح کاهش ۳۰ درصد بود که در حال حاضر به ۲۳درصد رسیده است.

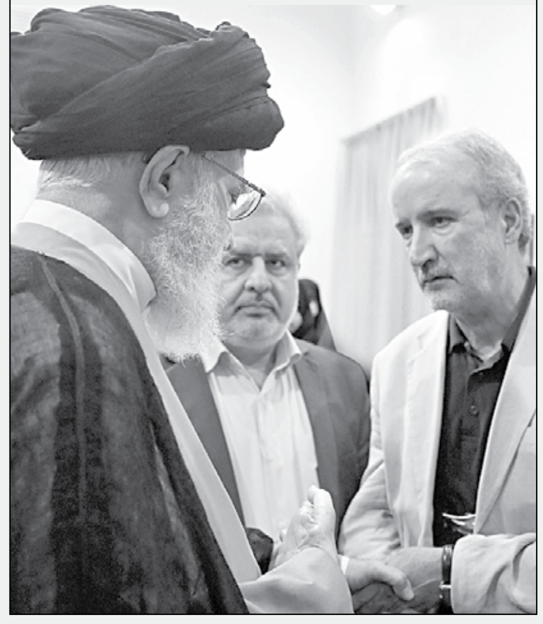
فرمانده معظم کل قوا: عملکرد نیروی انتظامی باید همراه با درایت و اعتماد آفرین باشد

رهبر معظم انقلاب با تقدیر از تلاش‌های حافظان نظم و امنیت، نیروی انتظامی را در معرض نگاه و قضاوت عمومی دانستند و تأکید کردند: باید به نحوی عمل کنید که برداشت مردم از نیروی انتظامی یک نیروی مقتدر، عادل و هوشیار باشد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ظهر یکشنبه در دیدار فرماندهان و مسئولان نیروی انتظامی، لازمه رسیدن این نیرو به جایگاهی در تراز انقلاب و نظام اسلامی را پیشرفت بدون توقف خواندند و افزودند: بخش‌های مختلف نیروی انتظامی از جمله کلانتری‌ها، پاسگاه‌ها و گشت‌های انتظامی در پیش چشم مردم قرار دارد و قضاوت درباره عملکرد نیروی انتظامی به مجموعه نیروهای مسلح و نظام اسلامی تعمیم پیدا می‌کند. ایشان با اشاره به پیشرفت‌های خوب نیروی انتظامی از جمله بهبود رفتار با مردم و مراجعان در مراکز انتظامی نسبت به گذشته، بر لزوم استمرار پیشرفت‌ها تأکید کردند و افزودند: عملکرد نیروی انتظامی باید عاقلانه، مدبرانه و برای مردم کاملاً اطمینان‌بخش و اعتمادآفرین باشد. پیش از سخنان رهبر انقلاب اسلامی، سردار اشتری فرمانده نیروی انتظامی گفت: سربازان جان‌برکف ملت ایران در نیروی انتظامی با روحیه انقلابی، مدیریت جهادی، تفکر بسیجی و با عزم و اراده راسخ برای حفظ امنیت و آرامش کشور و پاسداری از ارزشها تلاش کرده و حافظان جان و مال و ناموس مردم و اقتدار نظام جمهوری اسلامی هستند.

در این دیدار نماز ظهر و عصر به امامت رهبر انقلاب اسلامی اقامه شد.

تقدیر رهبر معظم انقلاب از فعالیت‌های فرهنگی آقایان سرهنگی و بهبودی



در حاشیه دیدار دست‌اندرکاران کتاب «فرنگیس» که ۸ مهر ماه امسال جاری برگزار شد، مرتضی سرهنگی مدیر دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه‌ی هنری نیز با رهبر معظم انقلاب دیدار و گفتگو کرد.

به گزارش ایرنا از دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای، متن بیانات رهبر انقلاب در آن دیدار، عصر دیروز (یکشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۲) در مراسم تجلیل از فعالیت‌های فرهنگی آقای سرهنگی، منتشر شد.

متن این گفتگوی کوتاه به شرح زیر است:

رهبر معظم انقلاب: واقعاً کتابهایی که این خانم‌ها نوشته‌اند(۱) ـ آنهایی که من خوانده‌ام و دیده‌ام– از لحاظ تصویر و مانند اینها، حقاً جزو برترین نوشته‌های خوب داستانی است؛ رمان نیست، خاطره است، امّا واقعاً زیبا است. من واقعاً باید از شما تشکر کنم

آقای سرهنگی: نه، ما زیر پای بچّه‌ها را جارو می‌کنیم.

رهبر انقلاب: بکنید، اشکالی ندارد،(۲) امّا بالاخره شما [بودید که] همّت کردید؛ خدا را شکر. من خواستم بگویم شما و آقای بهبودی، شما دو نفر، کار بزرگی تا حالا انجام داده‌اید و با خودم فکر می کردم که ان‌شاءالله شماها باید همّت کنید که تا ۲۰ سال دیگر – یعنی یک مهلت بیست‌ساله برای خودتان قرار بدهید، یک افقی را در نظر بگیرید–ان‌شاءالله همین‌طور بتازید و بروید جلو؛ و می توانید ان‌شاءالله. خدا ان‌شاءالله حفظتان کند.

ظریف: حمایت از فلسطین سیاست مبنایی جمهوری اسلامی است

وزیر امور خارجه حمایت از فلسطین را یکی از سیاست‌های مبنایی جمهوری اسلامی بیان کرد و گفت: متاسفانه امروز برخورد با مقاومت از درون جهان اسلام صورت می‌گیرد.

به گزارش مرکز دیپلماسی رسانه ای وزارت امور خارجه، محمود الزهار رئیس و دیگر اعضای فراکسیون حماس در مجلس فلسطین صبح دیروز با محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه دیدار و درباره آخرین تحولات فلسطین بحث و تبادل نظر کردند.

وزیر امور خارجه در این دیدار با بیان این که جهان اسلام باید به رغم برخی اختلافات حول محور حمایت از فلسطین گردهم آیند تا جلو سوءاستفاده‌ها گرفته شود افزود: متاسفانه امروز برخورد با مقاومت از درون جهان اسلام صورت می گیرد و این فشارها بر همه کشورها و جریانات اسلامی هم وجود دارد.ظریف تصریح کرد: حمایت از فلسطین یکی از سیاست‌های مبنایی جمهوری اسلامی است و امیدواریم برخی دولت‌های اسلامی که به حمایت صهیونیست‌ها و آمریکا دل بسته اند به جهان اسلام بازگردند و بدانند صهیونیست‌ها دوست و شریک مطمئنی برای هیچکس نیستند.محمود الزهار هم در این دیدار با بیان این که ایران از فلسطین 'حمایت حقیقی' به عمل می‌آورد، ابراز امیدواری کرد پروژه صهیونیسم با مقاومت مردم فلسطین و حمایت جهان اسلام هرچه زودتر پایان یابد.رئیس فراکسیون مقاومت در مجلس فلسطین با اشاره به اعلام انحلال مجلس فلسطین توسط محمودعباس خاطرنشان کرد: مجلس فلسطین به طور قانونی انتخاب شده و باید دوره خود را تمام کند.

وی تصریح کرد: بر اساس قانون اساسی فلسطین مجلس تحت هیچ شرایطی حتی وضع اضطراری هم نمی‌تواند منحل شود و باید به کار خود پایان دهد.

وزیر امور خارجه کشورمان هم با ابراز تاسف از اعلام انحلال مجلس فلسطین این اقدام را خلاف اصول دموکراتیک و موجب سوء استفاده صهیونیست‌ها برشمرد و بر ضرورت وحدت ملت فلسطین حول محور مقاومت تاکید کرد.

شمخانی: فساد درونی، رژیم صهیونیستی را نابود می‌کند

دبیر شورایعالی امنیت ملی هم دردیدار محمود الزهار گفت:آنچه‌موجب‌نابودی‌رژیم‌صهیونیستی‌خواهد شد، فساد درونی و گسترده سران آن، بیداری ملت‌ها و هشیاری نسبت به توطئه‌ها و ظلم‌هایی است که این رژیم کودک‌کش در حق بشریت مرتکب شده است.به گزارش دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، شمخانی افزود: مهمترین اولویت جهان اسلام حمایت از آرمان فلسطین و آزادی قدس شریف است و هرگونه اقدامی‌که موجب ایجادانحراف‌در‌مسیر‌مبارزه‌بارژیم‌صهیونیستی‌به‌عنوان اصلی‌ترین تهدید جهان اسلام شود خیانت به مسلمانان جهان تلقی می‌شود.

نماینده مقام معظم رهبری در شورای عالی امنیت ملی با تجلیل از تلاش رزمندگان مقاومت و ایستادگی مردم غزه و کرانه باختری در مقابل رژیم صهیونیستی، پیروزی تحسین برانگیز مقاومت در جنگ پنج روزه اخیر را حاصل پایبندی به آرمان فلسطین و فداکاری در برابر زیاده خواهی رژیم صهیونیستی و ضعف و زوال بیش از پیش این رژیم دانست.شمخانی بیان کرد: آنچه موجب نابودی رژیم صهیونیستی خواهد شد، فساد درونی و گسترده سران آن، بیداری ملت‌ها و هشیاری نسبت به توطئه‌ها و ظلم‌هایی است که این رژیم کودک کش در حق بشریت مرتکب شده است.

وی با تجلیل از ایستادگی و مقاومت مردم فلسطین دربرابر‌اشغالگران‌وضرورت‌مقابله‌مستمر‌باسیاست‌های سرکوبگرانه رژیم صهیونیستی علیه مسلمانان تاکید کرد: امروز حامیان فلسطین در سراسر جهان معتقدند تنها راه پیروزی و احقاق حق مردم، تکیه بر اراده داخلی و مقاومت اسلامی‌است.دبیر شورایعالی امنیت ملی با انتقاد از سازمان ملل به دلیل عدم اجرای تعهدات خود برای بازسازی غزه و تامین حداقل‌های معیشتی و خدماتی برای ساکنین تحت محاصره، بر حمایت قاطع ایران از مقاومت و ملت مظلوم فلسطین و تداوم ارسال کمک‌های غذایی و دارویی به مردم غزه تاکید کرد.

رژیم صهیونیستی در سراشیبی افول است

محمود الزهار وزیر خارجه سابق فلسطین، از رهبران برجسته و عضو دفتر سیاسی و رئیس پارلمانی حماس هم در این دیدار با قدردانی از حمایت‌های رهبری، دولت و مردم جمهوری اسلامی ایران از مقاومت فلسطین گفت: ما رژیم صهیونیستی را غاصب، فاقد مشروعیت و در سراشیبی افول می‌دانیم و هر اقدامی‌که منجر به تایید این رژیم و چشم‌پوشی از بازپس گیری سرزمین‌های فلسطین شود را مردود می‌دانیم.

وی با بیان این که بیداری اسلامی‌رو به افزایش است و بدون شک ما پیروز خواهیم شد، تاکید کرد: مواضع ایران همیشه اثربخش بوده است و مردم فلسطین این را به‌خوبی احساس می‌کنند که کسانی هستند که آنها را حمایت کنند و ان‌شاءالله به‌زودی همگی در مسجد الاقصی نماز خواهیم خواند.

وی با تقبیح حاکم شدن سیاست‌های تفرقه‌آمیز در جهان اسلام که موجب کاهش حساسیت نسبت به فلسطین و استیفای حقوق مردم مظلوم آن شده است، اظهار داشت: برخی کشورهای عربی با تلاش برای مقابله با جمهوری اسلامی‌که عامل ثبات و صلح در منطقه است مسیر تضعیف جبهه مقاومت و همکاری با دشمنان جهان اسلام را می‌پیمایند.

موسویان: مثلث مسکو ـ تهران ـ آنکارا بحران سوریه را مدیریت کند

یک دیپلمات پیشین کشورمان گفت: خروج آمریکا از سوریه به شرطی به نفع مثلث مسکو ـ تهران ـ آنکارا خواهد بود که بتوانند همکاری‌های مشترک را تعمیق بخشند و هرچه سریعتر بحران سوریه را مدیریت کنند.

حسین موسویان در گفتگو با ایسنا در مورد خروج آمریکا از سوریه با اشاره به این‌که "اختلاف‌نظر داخل آمریکا جدی است" گفت: پنتاگون و اکثریت کنگره مخالف این تصمیم هستند. تصمیم گیری در شورای امنیت ملی آمریکا هم به خاطر اختلافات اعضا تاکنون اتخاذ نشده و ترامپ رأسا تصمیم خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه را به پنتاگون اعلام کرده است. وی ادامه داد: ترامپ در مبارزات انتخاباتی، وعده خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه و افغانستان را داده بود و همین خط را دنبال می‌کند. او معتقد است کشورهای منطقه اعم از ایران، روسیه، ترکیه، عربستان و روسیه در منطقه هزینه می‌کنند و در این شرایط آمریکا هم باید هرچه سریعتر خود را از این منجلاب بیرون کشد.این دیپلمات پیشین کشورمان در پاسخ به این پرسش که خروج آمریکا از سوریه چه تاثیری بر رفتار و اهداف روسیه، ایران و ترکیه خواهد داشت؟ اظهارنظر کرد: خروج آمریکا از سوریه به شرطی به نفع مثلث مسکو ـ تهران ـآنکارا خواهد بود که بتوانند همکاری‌های مشترک را تعمیق بخشند و هرچه سریعتر بحران سوریه را مدیریت کنند.

تصمیم گیری برای تأمین نیاز صنعت دارو و بخش درمان کشور

شورای عالی هماهنگی اقتصادی روز یکشنبه به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری و با شرکت روسای قوای مقننه و قضائیه تشکیل جلسه داد.

رئیس کل بانک مرکزی در این جلسه گزارشی از اقدامات انجام شده برای کنترل بازار پول و ارز ارائه داد. در این زمینه، پیشنهادهای بانک مرکزی در چارچوب انضباط و تقویت مؤسسات اعتباری کشور و حفظ و ارتقاء اعتماد عمومی به نظام بانکی و نحوه ساماندهی و مدیریت مؤسساتی که در گذشته با مشکلات منابع روبرو بوده‌اند مورد بحث و بررسی قرار گرفت و تصمیم‌های لازم اتخاذ شد.در این جلسه همچنین نسبت به تأمین اعتبارات مورد نیاز برای تأمین نیاز صنعت دارو و بخش بهداشت و درمان کشور تصمیم‌گیری لازم به عمل آمد.

تقدیر روحانی از وزیر دفاع به دلیل صرفه‌جویی در هزینه‌ها

رئیس دفتر رئیس جمهوری مراتب تقدیر و تشکر رئیس جمهور را به امیر سرتیپ حاتمی وزیر دفاع ابلاغ کرد.

به گزارش ایسنا، محمود واعظی رئیس دفتر و سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری در نامه‌ای مراتب تقدیر و تشکر رئیس جمهوری را به دلیل صرفه‌جویی‌های انجام شده در وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح طی ماه‌های اخیر به وزیر دفاع ابلاغ کرد.در پی تاکیدات رئیس‌جمهوری در دومین نشست هم اندیشی مدیران ارشد دولت تدبیر و امید در رابطه با لزوم صرفه جویی توسط دستگاه‌های اجرایی، گزارش اقدامات وزارت دفاع به استحضار روحانی رسید که به دلیل فعالیت‌های صورت گرفته، رئیس جمهوری مراتب تقدیر و تشکر خود را به وزیر دفاع ابلاغ کرد.

خرازی: مذاکرات «سوئد» پیروزی انصارالله بود

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی گفت: قبول مذاکره از سوی عربستان به عنوان رهبر ائتلاف متجاوز به یمن خود یک پیروزی برای نیروهای مقاومت انصارالله به حساب می‌آید.

سید کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در گفتگو با مهر، پیرامون نتایج به دست آمده از مذاکرات یمن و مواضع ایران در قبال آن، اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران از مذاکرات صورت گرفته در استکهلم استقبال کرده است، چرا که این موضوع نشان دهنده اقتدار ملت یمن است.

وی گفت: عربستان سعودی که همواره در جهت مبارزه با مردم یمن تلاش می‌کرد تا با بمباران‌های متعدد آنها را وادار به تسلیم کند، با جنگی نافرجام مواجه و نهایتا مجبور به نشستن پای میز مذاکره شد.

خرازی با بیان این که قبول مذاکره از سوی عربستان به عنوان رهبر ائتلاف متجاوز به یمن خود یک پیروزی برای نیروهای مقاومت انصارالله به حساب می‌آید، تصریح کرد: امیدواریم توافق‌های حاصل شده در مذاکرات سوئد استمرار داشته باشد و در نهایت این مردم یمن باشند که بتوانند تعیین کننده سرنوشت کشور خود باشند.

وی بیان کرد: ایران از مذاکرات یمنی یمنی و به دست آمدن نتایج مثبت از آن در جهت ایجاد صلح، ثبات و امنیت در آن کشور همواره استقبال کرده است و خواهد کرد.

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در پایان خاطرنشان کرد: دستگاه دیپلماسی کشور در تلاش است در جهت حمایت از ملت یمن اقدامات لازم را تداوم بخشد تا مردم یمن بتوانند به خواسته خودشان دست یابند.

جرائم تخلف از اجرای قانون صندوق مکانیزه فروش تعیین شد

نمایندگان مجلس با تصویب موادی، مصادیق تخلف از اجرای قانون صندوق مکانیزه فروش و سامانه مودیان را تعیین کردند.

به گزارش مهر، در ادامه جلسه علنی دیروز مجلس و در جریان بررسی لایحه پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان فصل پنجم این لایحه در مورد ضمانت‌های اجرائی به تصویب رسید.

با تصویب ماده ۲۲این لایحه، تخلفات زیر حسب مورد، موجب تعلق جریمه به شرح زیر خواهد شود:

الف – عدم صدور صورتحساب الکترونیکی، معادل ۱۰ درصد (۱۰٪) مجموع مبلغ فروش انجام شده بدون صدور صورتحساب الکترونیکی یا ۲۰ میلیون ریال ، هر یک که بیشتر باشد .

ب – عدم عضویت در سامانه مؤدیان، عدم استفاده از پایانه فروشگاهی، عدم استفاده از حافظه مالیاتی، استفاده از حافظه مالیاتی متعلق به سایر مؤدیان، یا واگذاری حافظه مالیاتی خود به دیگران، معادل ۱۰درصد (۱۰٪) مجموع مبلغ فروش انجام شده از آن طرق، یا ۲۰ میلیون ریال، هر یک که بیشتر باشد و محرومیت از اعمال معافیت‌های مالیاتی، نرخ صفر و مشوق‌های موضوع قانون مالیات‌های مستقیم در همان سال مالی.

پ – عدم اعلام شماره حساب یا حساب‌های بانکی واحد اقتصادی که گردش مالی واحد از طریق آن یا آنها انجام می شود به سازمان، معادل ۱۰ درصد (۱۰٪) مجموع مبلغ فروش انجام شده از طریق آن حساب یا ۲۰ میلیون ریال، هر یک که بیشتر باشد و محرومیت‌از‌اعمال‌معافیت‌های‌مالیاتی،نرخ‌صفرو‌مشوق‌های‌موضوع‌قانون‌مالیات‌های مستقیم در همان سال مالی.

ت – عدم تحویل صورت حساب چاپی به خریدار، حذف یا مخدوش کردن صورتحساب، معادل دو درصد (۲٪) مبلغ صورت حساب‌های مذکور یا معادل ۲۰ میلیون ریال هر یک که بیشتر باشد .

ث – عدم رعایت احکام مذکور در مواد (۱۲)، (۱۳) و (۱۶) این قانون، معادل یک درصد (۱٪) مبلغ فروش گزارش نشده یا معادل ۱۰ میلیون ریال، هر یک که بیشترباشد.

طبق تبصره ۱ –مبلغ جریمه‌های ثابت مندرج در این قانون، متناسب با نرخ تورم بر اساس آخرین اعلام بانک مرکزی، هر سال توسط سازمان اعلام می شود.

بر اساس تبصره ۲ – سازمان نمی تواند بیشتر از ۵۰ درصد (۵۰٪) جرائم موضوع این‌ماده‌را‌امور‌دبخشودگی‌قرار‌دهد.همچنین‌طبق‌تبصره۳–درصورت‌اعمال‌جریمه‌های موضوع بند «الف» و «ث» این ماده جریمه موضوع ماده (۱۹۹) قانون مالیات‌های مستقیم اعمال نمی شود و صورت اعمال جریمه مذکور در بند «ب» جریمه مذکور در بندهای «الف» و«ت» اعمال نمی شود.علاوه بر این با تصویب ماده ۲۳مقرر شد، هر شخصی که به قصد تقلب یا اخلال در نظام مالیاتی کشور، اقدام به تولید، عرضه با استفاده از تجهیزات سخت افزاری و نرم افزاری و پایانه‌های فروشگاهی معیوب یا تجهیزات معیوب کننده کند، یا پایانه فروشگاهی خود یا دیگران را تخریب کند، علاوه بر جبران ضرر و زیان، حسب مورد به یک یا چند مورد از مجازات‌های تعزیری درجه شش به غیر از حبس، محکوم می شود.

تبصره ۱– تکرار جرم موضوع این ماده برای بیش از سه بار، موجب مجازات‌های تعزیری درجه پنج به غیر از حبس، حسب مورد می شود. تبصره ۲– اقدام به جرم موضوع این ماده به صورت گروهی و سازمان یافته، موجب مجازات‌های تعزیری درجه چهار به غیر از حبس، حسب مورد می شود.

طبق ماده۲۶مصوب شد در صورت عدم رعایت احکام مذکور در ماده (۲) این قانون، سازمان موظف است مراتب تخلف را به وی و مرجع صادر کننده مجوز فعالیت واحد متخلف اعلام کند.مرجع مذکور مکلف است حداکثر ظرف مدت یک هفته از اعلام سازمان، نسبت به اخطار کتبی به واحد متخلف اقدام کند. چنانچه واحد مذکور ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ دریافت اخطار، نسبت به عضویت در سامانه مؤدیان اقدام نکند، برای بار اول به مدت دو هفته و برای بار دوم از دو تا شش ماه با اعلام مرجع صدور مجوز، توسط نیروی انتظامی، و در مورد کسب و کارهای مجازی، توسط کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه، تعطیل یا مسدود خواهد شد.

در صورتی که پس از گذشت ۱۵ روز، مرجع صادر کننده مجوز تعطیلی واحد متخلف را به نیروی انتظامی با کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه ابلاغ نکند، سازمان موظف است رأسا تعطیلی واحد متخلف را به نیروی انتظامی یا کارکرده مذکور ابلاغ کند. در این صورت، مرجع صادر کننده مجوز با متخلف در پرداخت مالیات و جریمه‌ها مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

تبصره ۱– در صورت تداوم تخلف واحد کسب و کار پس از گذشت یک سال، مجوز فعالیت واحد متخلف توسط مرجع صادر کننده مجوز ابطال خواهد شد.

تبصره ۲–بانک مرکزی موظف است درگاه‌ها و پایانه‌های پرداخت واحد متخلف را در زمان تعطیلی یا تعلیق فعالیت آن واحد، مسدود کند.

شعبه بررسی پرونده رئیس سازمان خصوصی سازی

۵۵نماینده مجلس در نامه ای به رئیس قوه قضائیه خواستار تشکیل شعبه ویژه‌ای برای بررسی پرونده‌های مربوط به رئیس سازمان خصوصی سازی و جلوگیری از خروج وی شدند.

متن کامل نامه ۵۵نماینده مجلس به رئیس قوه قضائیه به این شرح است:

«حضرت آیت‌الله آملی لاریجانی

رئیس محترم قوه قضائیه / با سلام و احترام؛

به عرض می‌رساند در مدت تصدی آقای عبدالله پورحسینی به سمت ریاست سازمان خصوصی‌سازی، تخلفات معتنابهی در واگذاری شرکت‌های دولتی انجام شده و پرونده‌های قضایی علیه ایشان در دادگستری تشکیل شده است.

واگذاری شرکت‌های آلومینیوم المهدی و طرح هرمزال، ماشین‌سازی تبریز، ریخته‌گری تبریز، ایران‌ایر تور، آلومینیوم‌سازی اراک، کشت و صنعت مغان، پتروشیمی کرمانشاه، نیشکر هفت‌تپه و سیلوها، بخشی از واگذاری‌های پرابهام است که متأسفانه حداقل در بخشی از آنها به صراحت قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴قانون اساسی نقض شده و به روشنی اموال ملت مورد تضییع قرار گرفته است.

هرچند ما نمایندگان بر اصل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴قانون اساسی و قانون ذیربط تأکید داریم، اما فروش اموال ملت به ثمن‌بخس و انتخاب خریداران فاقد اهلیت که بعضی از آنها به دلیل تخلفات متعدد و ارتکاب جرائم در بازداشت بوده‌اند و چشم‌پوشی سازمان خصوصی‌سازی نسبت به عدم انجام تعهدات خریداران و عدم پرداخت اقساط آنها و به تعطیلی کشاندن برخی از بنگاه‌ها و بسترسازی برای ایجاد اعتراضات کارگری با اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴و قانون مربوط به آنها در تضادی آشکار است.

اکنون که وزیر اقتصاد در پایان مدیریت پوری‌حسینی در سازمان خصوصی‌سازی تأکید داشته است و از طرفی علاوه بر تشکیل پرونده اتهامی در زمینه اهمال منجر به تضییع اموال عمومی، موضوع ماده ۵۹۸قانون مجازات اسلامی در مورد واگذاری شرکت آلومینیوم المهدی و طرح هرمزال، طرح تحقیق و تفحص مجلس از واگذاری‌های سال‌های اخیر نیز به جریان افتاده است و گزارش تخلفات مربوط به خصوصی‌سازی، موضوع ماده ۲۳۴قانون آئین‌نامه داخلی مجلس نیز آماده قرائت در صحن مجلس است و از آنجا که بنا بر اخبار واصله، تاکنون اراده جدی برای تسریع در رسیدگی به پرونده‌ها و تشکیل پرونده‌های جدید برای جلوگیری از خسارت به اموال عمومی ماده ۲۹۰قانون آیین دادرسی کیفری در قوه قضائیه کمتر دیده شده است و گزارش‌های سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات کشور در زمینه برخی تخلفات مربوط به خصوصی‌سازی به نتیجه روشنی منجر نشده است، لذا مستدعی است ترتیبی اتخاذ فرمایید تا با تشکیل شعبه‌ای ویژه و با نظارت عالیه جنابعالی، کلیه پرونده‌های مربوط به خصوصی‌سازی مطابق قانون، تجمیع و به تخلفات و اتهامات احتمالی، رسیدگی دقیق صورت گیرد. در این زمینه تقاضا دارم تدابیر قضایی لازم برای امکان دسترسی به متهمان در زمان رسیدگی به پرونده‌ها اتخاذ شود».

همچنین عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: استیضاح وزیر کشاورزی چهارشنبه هفته جاری در دستور کار صحن علنی مجلس قرار خواهد گرفت.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس اظهارداشت: استیضاح حجتی هفته گذشته از کمیسیون کشاورزی به هیات رئیسه ارسال و اعلام وصول شد و به گفته هیات رئیسه، در دستور کار جلسه علنی قرار خواهد گرفت.

شماری از نمایندگان مجلس در گفتگو با اطلاعات: مشکلات اقتصادی با تقویت مدیریت اجرایی و نظارتی حل می‌شود

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: به نظر می رسد روزهای پرالتهاب ارز کم کم جای خود را به ثبات می دهد و بازار ارز کمی آرام گرفته است، با این حال قیمت‌های اجناس در بازار قصد پایین آمدن ندارد و این موضوع این روزها دغدغه اصلی زندگی مردم شده است.

مردم از آینده زندگی اقتصادی خود نگرانند و می‌خواهند بدانند چه آینده ای پیش روی بازار ارز و کالاست و با توجه به وضع اقتصادی فعلی، چه برنامه‌هایی قرار است در سال ۹۸ اجرا شود؟

در این باره ، شماری از نمایندگان مجلس درگفتگویی با خبرنگاراطلاعات به تحلیل وضع فعلی اقتصاد ایران پرداختند و وضع آینده کشوررا ارزیابی کردند که درپی می آید:

سخنگوی کمیسیون اقتصادی

سیدکاظم دلخوش، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس درپاسخ به سئوالی، علل اصلی افزایش یکباره دلار را در سیاست‌های غلط بانک مرکزی و تحریم‌ها خلاصه می کند و می گوید: در کشور ۸۵ درصد ارز حاصل از صادرات، تجارت و امثالهم در اختیار خود دولت است. ۵۵ درصد از فروش نفت و ۳۰ درصد از صادرات پتروشیمی‌ها ارز وارد کشور می شود که مدیریت آن با دولت است. متاسفانه در یکی دو سال گذشته با روند صعودی ارز و سکه، جوی در بازار ایجاد شد که به نفع کشور نبود؛ عدم ساماندهی صرافی ها هم که به هرحال کار توزیع ارز را انجام می‌دهند شرایط را به سمتی پیش برد که هم در بازار دوگانگی ایجاد شد و هم مردم به سمت سرمایه‌گذاری در بازار ارز و سکه گام برداشتند. به اعتقاد من بانک مرکزی باید از روز اول این مشکل را کنترل می‌کرد که متاسفانه ناموفق بود.

وی در پاسخ به این پرسش که صرافی ها سال‌هاست ساماندهی نشده است و به این روش عمل می‌کنند، چرا یکباره معضل افزایش بهای ارز خود را نشان داد، اظهار می دارد: اقتصاد کشور ما بیمارگونه است. اگر شما به جای تزریق دارو به بیمار، وی را در هوای سرد قرار دهید، بیماری اش اوج می‌گیرد. نابسامانی صرافی‌ها هم در بحران خود را نشان داد. از طرفی دشمن انگشت روی نقطه ضعف اقتصادی ما گذاشت. رئیس جمهوری آمریکا بحث تحریم را از زمانی مطرح کرد که بازار به‌هم ریخت. شاید برخی هم در پشت صحنه علاقه مند بودند بازار این گونه به‌هم بریزد تا آنان استفاده خود را ببرند.

ما در صحنه بین المللی با تحریم‌های دشمن مواجه شدیم و در صحنه داخلی با عدم مدیریت؛ این روند ما را به سمت افزایش صعودی ارز پیش برد. اگر خاطرتان باشد دو سه سال گذشته درباره خودرو هم این اتفاق افتاد. یکباره به صورت افسار گسیخته قیمت خودرو پراید از ۸ میلیون تومان به ۲۰ میلیون تومان افزایش یافت. پس مدیریت مهم است، نباید هرکس چون با من هست پس همراه من باشد و چون با من نیست همراه من نباشد. قطعا شایسته‌سالاری از مشکلات کم خواهد کرد.

دلخوش دلیل کاهش قیمت دلار را هم در تغییر مدیریت بانک مرکزی می داند و می گوید: تقریباً بعد از آنکه کمی از چاله‌های بانک مرکزی پر شده است، توقفی به افزایش داده‌اند. همه می‌دانند ارز در دست بانک مرکزی است، اما مشکلی که وجود دارد، این است که این نابسامانی هنوز وجود دارد، چرا؟ چون وقتی قیمت ارز پایین می‌آید به تناسب باید قیمت کالا هم کاهش یابد، اما قیمت کالاها بیشتر هم شده است. فروشندگان البته ناراحت هستند و عنوان می‌کنند که مراجعین آنها به یک دهم تقلیل یافته‌اند. من معتقدم نباید به این بازار دلخوش بود، چون این امری غیرطبیعی است که قیمت کالا و خدمات در حال افزایش و ارز در حال کاهش است. معنای این عدم تناسب چیست؟

به گفته وی تیم اقتصادی دولت از یک طرف قیمت‌ها را بالا می‌برد و بعد کمی از آن می‌کاهد و می‌گوید ارزان کردیم در حالی که به این موضوع نابسامانی در اقتصاد گفته می‌شود نه ارزانی.

دلخوش درباره اینکه آیا نگرانی تولیدکنندگان از عدم ثبات نظام ارزی کشور را دلیل اصلی بالا نگهداشتن قیمت‌ها نمی‌دانید، می گوید: خیر، نگرانی نیست، ضعف مدیریت در برخی از بخش‌هاست. بخش‌هایی مثل گمرک، ترخیص کالا و ثبت سفارش. وقتی واردکننده قادر به وارد کردن کالای خود نیست یا با تاخیر هفت هشت ماهه کالا وارد می کند، هم کالا حیف می‌شود، هم زندگی مردم آسیب می‌بیند.

از طرفی نظارت هم در کشور ضعیف است و معنای واقعی ندارد. بسیاری فکر می‌کنند نظارت مجلس یعنی همین نظارت بر مغازه‌دار؛ نه این گونه نیست. نمایندگان مجلس با سئوال و استیضاح بر امور مملکت نظارت می‌کنند. نمایندگان تاکنون ۷۰۰۰ سئوال از وزرا کردند. ابزار نمایندگان همین تذکر، استیضاح و سئوال است، اما تعداد سئوالات آنقدر زیاد است که از خاصیت می‌افتد. مثلاً از من خواستند تا سئوالم را از وزیر کشور به صحن بیاورم. اصلاً فراموش کردم سئوالم درباره چه موضوعی بوده، چون یک سال از طرح آن می گذرد. علاوه بر این موضوع، مگر چند وزیر را می‌توان استیضاح کرد؟ من به ۴ وزیری که اخیرا انتخاب شدند گفتم که عده‌ای اظهار می‌داشتند وزرای قبلی خوب کار نکردند، اما نکند جریان شما هم مثل پیرمرد آسیابانی شود که محصول مردم را آرد می‌کرد و از هر کیسه یک کاسه برمی‌داشت تا اینکه فوت کرد. به خواب فرزندانش آمد و گفت: من خلاف می‌کردم، اما شما نکنید که پشت سر من خدا بیامرزی نبود. بچه‌ها فکر کردند که چه کنند تا اینکه به این نتیجه رسیدند پدر یک کاسه می‌دزدید آنها دو کاسه بدزدند تا این گونه مردم بگویند خدا پدر آنها را بیامرزد که یک کاسه می دزدید. وزرا باید کارشان را درست انجام دهند. نگرش مردم و انتخاب آنها هم تأثیرگذار است. وقتی برخی مردم با ۵۰۰۰ تومان حق رأی خود را می‌فروشند و برخی با حب و بغض و مسائل محلی چه در دولت چه در مجلس فرد انتخاب می‌کنند، باید انتظار داشته باشیم مجلس و دولت ضعیف باشد. همچنین قوای ما باید تقویت شوند، افراد متخصص و کارشناس روی کار آیند، نباید سلیقه‌ای و با سیاسی‌بازی افراد مسئول را انتخاب کنیم.

گلایه از عدم هماهنگی بخش‌ها

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس همچنین از عدم هماهنگی بین بخش‌های مختلف کشور گلایه می کند و می گوید: ما یک مجموعه آب جدا دانه جدا هستیم. با همدیگر نمی‌نشینیم، حرف همدیگر را قبول نداریم. چه در دولت و چه در مجلس با هم هماهنگ نیستیم و این موضوع حل مشکلات را زمانبر می کند. از طرفی ما در کشور اقتصاددان واقعی کم داریم و از نظرات همین اقتصاددانان باتجربه هم بهره مند نمی شویم. شما کدام همایش و جلسه تخصصی و اصولی را سراغ دارید که این افراد کارشناس را فرابخوانند و از نظریات آنان بهره ببرند؟

دلخوش در پاسخ به این پرسش که چرا مجلس در این راه گام برنداشته است، اظهار می دارد: در مجلس هم مشکلات مربوط به عدم شایسته‌سالاری وجود دارد. وقتی در کمیسیون لابی می‌شود، در رأی‌گیری‌ها و حضور در مجامع، فرد ی که باتجربه است کنار می‌نشیند و کم تجربه جلو می‌آید، نتیجه همین می‌شود. این درد در کل کشور وجود دارد. نباید یک طرف را محکوم کنیم. در برهه کنونی، متاسفانه همه مسئولان را زیر سئوال می‌برند، اما من می گویم مردم هم مقصر ند. سرنوشت مملکت دست خود مردم است، می توانند بهتر از این انتخاب کنند.

شرایط بازار ارز نامتعادل است

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس، شرایط بازار ارز را در برهه کنونی متعادل نمی داند و می گوید: با توجه به تشدید تحریم‌ها و قطع ارتباطات بانک‌های ما با دنیا می توان گفت شرایط این بازار متعادل نیست. متاسفانه هنوز مجلس و دولت در خواب هستند و مردم هم اطلاع کافی ندارند. وقتی کالاهای وارداتی با چند برابر هزینه وارد می شوند و فقط یک کشور مثل هند در قبال نفت، قول فروش کالا آن هم معلوم نیست با چه کیفیتی را داده و کشورهایی مثل چین و امثالهم خود را کنار کشیدند، قطعا بازار ارز هم تحت تاثیر قرار می گیرد. از طرفی خود ما هم در عرصه بین‌المللی یک حرف واحد نمی‌زنیم و هماهنگ نیستیم؛ ضمن آنکه آدم‌های وطن‌فروش آن سوی مرزها هم بسیار هستند. دولت آمریکا هم ضعف و نقض‌های بسیاری دارد اما آیا آمریکایی‌های ساکن در سایر کشورها، کشورشان را می‌فروشند؟ خیر. متاسفانه در خارج از کشور ۳۱۶ کانال به زبان فارسی ملت و مملکت خود را می‌فروشند. تهمت می‌زنند، اتهام می‌زنند و برخی در کشور این تبلیغات را گسترش می‌دهند و برخی هم قبول می‌کنند.

دلخوش در پاسخ به این که اگر نمی‌توان در عرصه بین‌المللی جلو تحریم‌ها را گرفت، اما در عرصه داخلی چرا رانت ، اختلاس و فساد هست که خودعامل بی‌اعتمادی مردم است، اظهار می‌دارد: بخش‌هایی از اختلاس‌ها و رانت‌ها، تبلیغات است و قسمتی هم وجود دارد. وقتی شما از یک فرد حمایت می‌کنید و آن فرد عوامل خود را روی کار می‌آورد، تبدیل به معضل می‌شود. معتقدم باید با سوء استفاده‌گران واقعی برخورد شدید کرد. ناگفته نماند برخی هم برای پنهان کردن دزدان واقعی، افراد سالم را می‌زنند.

وی با بیان این که هزینه آب، برق و هزینه‌های جانبی در کشور ما بالاست؛ ضمن آنکه مکث کردن، نگهداشتن تولیدکننده، پشت نوبت نگهداشتن کالاها، به تأخیر انداختن و عدم توجه به حل مشکلات هزینه‌ها را افزایش می دهد، تاکید می کند که راه حل مشکلات این است که افراد توانمند را در بخش‌های مختلف به کار گماریم.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات

محمد حسینی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در پاسخ به این سئوال که به نظر شما فساد و اختلاس‌ها ریشه در ضعف قانون دارد یا نظارت و آیا مجلس برنامه‌ای برای رفع این معضل دارد ، می گوید: متاسفانه فساد در جامعه وجود دارد، اما نسبت به کل گردش منابع مالی و پولی، خیلی بالا نیست که احساس عدم اعتماد کنیم؛ با این حال همین میزان هم شایسته نظام ما نیست و به خاطر فاصله طبقاتی این نوع اقدامات موجب نگرانی مردم نسبت به دستگاه حاکمه می‌شود. ما قوانین و مقررات کافی برای پیشگیری از فساد داریم. دستگاه‌های نظارتی متعدد درون و برون سازمانی با اختیارات کافی هم داریم. آنچه در کشور ما منشأ این فسادها شده اول، گردش معیوب پول است. زمانی می‌توانیم فسادها را ریشه‌کن کنیم که چرخش پول کشورمان مثل سایر کشورها در یک شرایط غیرنقد صورت گیرد.

بحث بعدی، نوع بروکراسی اداری است. بروکراسی‌های بسیار پیچیده، هزینه افراد را بالا می‌برد، مردم برای اینکه این هزینه‌ها را کمتر کنند، با استفاده از پورسانت و رشوه تلاش می کنند فرایند قانونی را سرعت ببخشند. ما باید این فرایندها را اصلاح کنیم. متاسفانه سرمایه‌گذار باید چندین استعلام از دستگاه‌های متعدد در زمان سرمایه‌گذاری بگیرد در صورتی که در قانون ششم توسعه بحث پنجره واحد را به صراحت اعلام کردیم و باید به دنبال اجرای آن باشیم. از آن طرف باید به هر شکل، رابطه مستقیم مردم با کارکنان در رابطه با مباحث کاری را به نوعی صفر کنیم یا از طریق سیستم‌های الکترونیکی، کارها را سریع‌تر انجام دهیم، کاری که دنیا انجام داده است تا بتوانیم در یک اتاق شیشه‌ای شفاف قدم برداریم. متأسفانه شاهد ایجاد رانت یا زیاده‌خواهی توسط برخی افراد ذینفوذ هستیم که باید تحت نظارت باشند وازکارشان جلوگیری شود. همه اینها قابلیت اجرایی دارد فقط باید عزمی برای اجرا باشد.

در کشور دستگاه‌های اجرایی متعددی وجود دارند که شاید بتوان گفت این تعدد، خود منشأ یک سری فساد می شود. دستگاه‌های نظارتی اختیارات لازم را در حوزه‌های مختلف دارند، بنابراین باید در این بخش فضای خوب ایجاد کنیم و چون اقتصاد ما بانک محور است، در سیستم‌های بانکی گردش پول را با توجه به اصلاح قانون بانکداری سریعتر انجام دهیم تا مشکلات مربوط به فساد و اختلاس کمرنگ شود .

اصلاح نظام بانکداری

به گفته حسینی، قانون نظام اصلاح بانکداری به صورت کامل حدود دو سه ماه قبل توسط کمیسیون اقتصادی مصوب شد. این قانون ۳۰۰ ماده دارد و قرار بود از طریق اصل ۸۵ نهایی شود ولی متاسفانه دوستان رأی ندادند، اکنون این قانون در دستور صحن علنی هست که یقیناً اعلام می‌شود و مجلس می تواند وارد شود.

وی معتقد است اقدامات این‌چنینی شروع شده است ولی باید سرعت بیشتری یابد .

به گفته این نماینده مجلس، همچنین همه وقت مجلس به قانونگذاری نمی گذرد. وی می گوید: بحث نظارت اکنون در دستور کار قرار گرفته است، ولی شیوه‌های نظارت را باید از طرق مختلف انجام دهیم و تقویت کنیم. باید دسترسی اطلاعات را برای نمایندگان بیشتر کنیم و نمایندگان هم قضاوت‌های درست داشته باشند تا جامعه به سمت شفافیت حرکت کند.

وی باز هم تاکید می کند که قانون اصلاح سیستم بانکی می تواند مشکلات بانکی را به عنوان نبض اقتصاد کشور تحت تأثیر قرار دهد و امید است این قانون تا پایان امسال به نتیجه برسد.

علت افزایش قیمت‌ها

حسینی درباره علل افزایش قیمت‌ها با وجود کاهش قیمت ارز می گوید: ما با ارزهای آنچنانی کالایی وارد نکردیم که اکنون انتظار کاهش قیمت‌ها را داشته باشیم. ما برای واردات از مبادی رسمی ، ارز سامانه نیما یا دولتی داریم پس اینکه برخی با ارز ۱۱ تا ۱۲ هزار تومان قیمت‌گذاری می‌کنند آثار روانی در بازار دارد. علت افزایش قیمت و اینکه کاهش پیدا نمی‌کندبه میزان آثار تورم در حوزه اقتصاد برمی گردد. ما در تیر و مرداد، دو آثار تورمی بالایی را تجربه کردیم که در چند سال اخیر تجربه نکرده بودیم؛ این افزایش قیمت حاصل افزایش تورم است. ما باید برای کاهش تورم سیاستگذاری کنیم.

تورم تیر و مرداد امسال حدود ۴ و ۵ درصدبود در حالی‌که در اقتصاد معمولی ، این نوسانات بین ۱ یا کمتر از یک درصد است. جهش‌های تورمی در حوزه اقتصاد باعث افزایش قیمت شده است .به گفته وی اگر مردم فکر می‌کنند ارز به ۳۰۰۰ تومان برسد، قیمت‌ها کاهش می‌یابد، خیر این گونه نیست، بنابراین ما باید در جهت کاهش تورم و رونق تولید گام برداریم تا بتوانیم قیمت‌ها را در سطح قابل قبولی داشته باشیم .

حسینی درباره علل دو نرخی شدن تورم هم می گوید: سیاست اقتصادی دولت در دوره یازدهم ، یک سیاست کاهش تورمی بود. ما تورم حدود ۳۵ تا ۴۰ درصدی را به کمتر از ۱۰درصد رساندیم. باید بانک مرکزی و حوزه سازمان برنامه و بودجه در چارچوب این سیاست حرکت می‌کردند که این گونه نشد. وقتی حوزه‌های مختلف با یک سیاست واحد همراهی نکنند، خیلی موفق نخواهد شد و موجب تکانه‌های ارزی می‌شود. باید میزان افزایش حجم نقدینگی را کنترل می‌کردیم که نکردیم.

باید کاهش نرخ سود سپرده بانکی و سود تسهیلات می‌داشتیم تا تولیدکننده ما در یک شرایط بهتر قرار می گرفت . وقتی اینها با هم همخوانی ندارد، شبه‌پول در اقتصاد تولید می شود و این حجم نقدینگی خود به خود پایه پولی را تغییر می‌دهد.

گفته‌های رئیس کمیسیون عمران مجلس

محمدرضا رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس هم درباره این که آیا مجلس برای کاهش تورم در سال آینده برنامه‌ای دارد و آیا برای کاهش بودجه جاری دولت که عامل اصلی تورم است و افزایش بودجه عمرانی اقدامی صورت خواهد داد یا خیر، می گوید: هزینه‌های جاری مملکت بسیار سنگین است. خیلی از همایش‌ها، سفرها، ساختمان‌های اداری و خودروها، بودجه‌جاری را سنگین کرده است. بودجه جاری دولت حدود ۲۰۰هزار میلیارد تومان است. در بخش عمرانی چیزی نداریم، اگر هم هست در حال پیش‌فروش در قالب اوراق و اسناد خزانه اسلامی هستیم. پولی که در می‌آوردیم صرف هزینه‌های جاری می‌کنیم. اگر نگاه واقعی به بودجه داشته باشیم باید هزینه جاری کشور اصلاح شود. وی در پاسخ به این سئوال که آیا اصلاح این رویه در بودجه۹۸ دیده شده است، اظهار می دارد: خیر، همان شرایط قبل در حال تکرار شدن است و طبیعی است که مجلس باید وارد عمل شود. یکی از اولویت‌های مجلس باید پایین آوردن هزینه اضافی دولت باشد. مجلس باید حکم دهد که ساخت و سازهای اضافی ممنوع شود، پروژه‌های غیراولویت دار از رده خارج و خیلی از پروژه‌ها به بخش خصوصی واگذار شوند. ما همه بار را روی دولت گذاشتیم و دولت هم هر روز در حال چاق شدن است.

وی خواستار افزایش بودجه عمرانی کشور می شود و اضافه می کند: اکنون معادل ۶۰۰هزار میلیارد تومان پروژه عمرانی نیمه تمام داریم . هرچقدر بودجه جاری کشور کاهش یابد می‌تواند به افزایش بودجه عمرانی کمک کند.

رضایی کوچی درباره تسهیلات مسکن در سال آینده با توجه به شرایط تورمی فعلی می گوید: قرار است سقف تسهیلات مسکن افزایش و سود اقساط کاهش پیدا کند. دوره بازپرداخت هم افزایش می یابد. باید زمین‌های دولتی در اختیار انبوه‌سازان قرار گیرد و با کنترل مصالح ساختمانی، قیمت‌ها را کاهش دهیم تا در مجموع قیمت تمام شده مسکن کاهش یابد؛ مسکن مهر هم جزو پروژه‌های اولویت دار وزارت راه و شهرسازی است و ما حداقل حدود ۵۰۰۰میلیارد تومان بودجه برای سامان بخشیدن به مسکن مهر نیازمندیم که برای بودجه۹۸ مبلغی را درنظر گرفتیم.

گفته‌های عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

شهاب نادری عضو کمیسیون اقتصادی مجلس هم با اشاره به نوسانات بازار ارز می گوید: تیم اقتصادی دولت می‌توانست افزایش دلار را مهار کند. ما دلار را در کل بودجه کشور براساس برنامه ششم توسعه ۳۵۰۰ تومان بستیم، اما در کل بودجه کشور متأسفانه تا ۲۰هزار تومان بالا رفت. تأثیر ارز مازاد این کجا رفته و کجا هزینه شده است، اصلاً مشخص نیست. بله دولت می توانست افزایش قیمت دلار را همان زمان مهار کند همانگونه که اکنون توانست.

وی در پاسخ به این سئوال که تولیدکنندگان در شرایط عدم ثبات نظام ارزی، نگرانند و قیمت کالاهای خود را قطعاً پایین نمی‌آورند، مجلس چه برنامه‌ای برای رفع این نگرانی و ثبات بازار دارید، اظهار می دارد: دولت باید به تولید کننده و مصرف کننده کمک کند.

وقتی گفته می‌شود پسته به کیلویی ۲۰۰هزار تومان رسیده است، چه تأثیرات منفی روی مصرف کننده دارد؟ دولت باید برای یاری رسانی پا پیش بگذارد و دراین مسیر گام بردارد. اکنون مبحث بودجه در مجلس داغ است. خب، بودجه را براساس چه نرخی برای سال آینده باید درنظر بگیریم؟ باید حتما رقم بودجه از یک الگویی پیروی کند. از بازار، از مباحث علمی، از چه چیزی؟

بقیه در صفحه ۱۴

ماسوله برای ثبت جهانی معرفی می‌شود



رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری گفت: ماسوله در قالب پرونده جنگل‌های هیرکانی تیرماه سال آینده اجلاس میراث جهانی مطرح می‌شود و امیدواریم این پرونده در فهرست میراث جهانی ثبت شود.

به گزارش ایلنا، علی‌اصغر مونسان (معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری) در دیدار با جبار کوچکی‌نژاد (نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی) گفت: ماسوله یکی از نقاط زیبا و دیدنی کشورمان است و باید از ظرفیت‌های آن برای توسعه گردشگری استفاده شود.

معاون رئیس‌جمهوری همچنین با اشاره به داشته‌های فرهنگی و تاریخی در سراسر کشور، افزود: ماسوله باید در حوزه گردشگری و به ویژه در بخش بومگردی به مقصد گردشگران داخلی و خارجی تبدیل شود.

رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری اضافه کرد: با توجه به اینکه هر کشور سالیانه یک سهمیه برای ثبت جهانی آثار تاریخی خود دارد، ما تلاش کردیم با اقدامات ابداعی آثار بیشتری را در قالب یک پرونده به ثبت جهانی برسانیم، ثبت جهانی محور ساسانی که ۳۰۰کیلومتر وسعت دارد و بناهای تاریخی بسیاری را در خود جای داده است، نمونه‌ای از این اقدام است.

مونسان ادامه داد: ماسوله هم در قالب پرونده جنگل‌های هیرکانی، تیرماه سال آینده در اجلاس میراث جهانی یونسکو مطرح می‌شود و امیدواریم با دفاع کارشناسان سازمان این پرونده امسال در فهرست میراث جهانی به ثبت برسد.

معاون رئیس‌جمهوری همچنین پس از ارائه گزارش در مورد میزبانی رشت برای رویداد گردشگری خوراک از سوی طراح این ایده، گفت: سازمان میراث‌فرهنگی حمایت و پشتیبانی لازم را برای برگزاری این رویداد خواهد داشت، اما برگزاری چنین رویدادی در سطح بین‌المللی نیازمند یک متولی و تعیین بودجه مورد نیاز است.

رئیس سازمان میراث‌فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری در این نشست با بررسی وضعیت کاروانسرای شاه عباسی رشت و شنیدن سخنان سرمایه‌گذار این بنای تاریخی گفت: موضوعات مربوط به کاروانسرای شاه عباسی رشت باید با در نظر گرفتن مفاد قرارداد پیگیری و رفع شود، صندوق احیاء و بهره برداری از اماکن تاریخی و سرمایه‌گذار باید به توافق و تفاهم برسند.

جبار کوچکی‌نژاد (نماینده رشت در مجلس شورای اسلامی) نیز گفت: خوراک، تاریخ و فرهنگ گیلان این ظرفیت را دارد که به دنیا معرفی شود. گیلان آثار تاریخی و فرهنگی بسیار زیادی دارد که باید به گردشگران داخلی و خارجی معرفی شود.

او تصریح کرد: ماسوله یکی از نقاط دیدنی استان گیلان است که قابلیت ثبت جهانی را دارد، با ثبت جهانی این شهر بی‌تردید گردشگری و توسعه اقتصادی شهر، روند سریع‌تری خواهد یافت.

کوچکی‌نژاد اضافه کرد: شهر رشت به عنوان شهر خلاق غذا در دنیا به ثبت رسیده است و باید از این ظرفیت نیز برای رونق گردشگری استان گیلان استفاده شود.

بزرگداشت مرضیه برومند در کتابخانه ملی ایران



سرویس فرهنگی، هنری: نخستین برنامه از سلسله نشست های معرفی و بررسی سرمایه های نمادین معاصر به کارنامه «مرضیه برومند» اختصاص داشت که عصر روز یکشنبه دوم دی ماه در محل کتابخانه ملی ایران برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، این نشست که عنوان آن، «پناهگاهی به نام قصه» است، با ارائه مقاله علی مسعودی‌نیا و سرگه بارسقیان به ترتیب با عنوان «مروری تحلیلی بر خصایص ساختاری و معنایی آثار هنرمند» و «نگاهی به تاثیر جامعه و سیاست روی آثار هنرمند و برعکس» برگزار شد. همچنین امیر اثباتی، فرهاد توحیدی و مرجان پورغلامحسین محمد به ترتیب با موضوعات «هویت اجتماعی و هویت فردی هنرمند»، «کارگردانی، عروسک و بچه‌های عروسکی» و «تلاش فردی در امر صنفی» سخنرانی کردند.

مرضیه برومند کارگردان، بازیگر و عروسک گردان ایرانی است که کارشناسی هنرهای نمایشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران دارد.

در ادامه نمایش مستندی ساخته پوریا عالمی با نام «پناهگاهی به نام قصه» پخش شد.

اشرف بروجردی، رئیس کتابخانه ملی ایران نیز در کتابی که در این همایش ارائه شد درباره مرضیه برومند نوشت: عزیز بزرگواری که دوران سختیها و اندوه ها و ناملایمات مردم بویژه در زمان جنگ را به دوران عشق ورزی، محبت و مهربانی تبدیل کرد و با نگاره های زیبایش شادی آفرین جمع خانواده ها شد. به کودکان آرامش بخشید و روان زلال و صاف آنها را صیقل داد و به آنها یاد داد که برای موفقشدن باید در کنار هم و با هم باشند، اگر چه از زبان موشها بود اما رفتاری انسانی و دوستانه و کاری جمعی را به نمایش گذاشت.

تلاش های عشق آفرینت ستودنی است. پس بنویس و بنگار که این مردم عزیز قدردان همه خوبی هایت هستند.

اما مرضیه برومند در این مراسم درباره اینکه «چطور قصه تعریف کنیم؟» سخنانی ایراد کرد

مرضیه برومند در این رابطه گفت: چطور قصه تعریف کنیم؟

فکر نمی‌کنم قاعده خاصی وجود داشته باشد غریزی است و اکتسابی نیست، اول باید در ذات هنرمند وجود داشته باشد. به‌فعل درآمدن در فعالیت‌های بیرونی و پیرامونی باید مشخص شود من کنجکاوی ، توجه و دقت به اطرافم زیاد بوده ومنجر شد به بازگوکردن آنچه به نظرم جالب بود. در ۸ سالگی دیدم و تعریف کردم، زینت‌سادات و شمسی‌خانم و خواهرم گفت بگو، شب یلدا نمی‌شود گفت، از محله ما بود. همچنان از ذخیره میدان کلانتری استفاده می‌کنم.

در این داستان کوچک همه چیز هست؛ جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روانشناسی هنوز هم کنجکاو و فضولم، دنبال قصه‌های مردم هستم، تعریف می‌کنم و می‌گویم خودم در دبستان گروه کودک داشتم. دوستی هم مثل سوسن تسلیمی داشتم. اولین دوربین مخفی را من و سوسن طرح کردیم. من همیشه شیطان و بازیگوش بودم. در دوران دانشجویی هم ادامه داشت. دیوان شعر در خانه ما پر بود، از همان بچگی از طریق کتابخانه پدرم با کتاب دوست شدم، خواهرم احترام، داشت کتابی به‌نام دزیره می‌خواند مادرم باید ما را هر هفته می‌برد سینما. اگر خودش هم نمی‌توانست، به رفتگر محل می‌سپرد. در ۱۳ سالگی اتفاقی افتاد و دبیر شیمی به ما گفت کتابخانه درست کنید پول جمع کنید پول جمع کردیم. از راههای مختلف پول جمع کردیم. اگر دوستامون حاضر نبودن کمک کنند، پول بچه‌ها را قاب می‌زدیم.

با راهنمایی خانم هاشمی کتاب‌ها را خریدیم. باید هفته‌ای یک کتاب می‌خواندیم. در همان زمان شیمی هم بر کتاب اضافه شد ما زنگ کتاب داشتیم غرق شدم، همراهشان زندگی کردم، به همه این سرزمین سفر کردم دردها و رنج‌ها را لمس کردم. قصه پناهی شد که حرف بزنم و آرمانهایم را تصویر کنم باور داشتم که گفتم و ساختم ولی به شر و خیر مطلق باور ندارم.

در کارهایم آدم خوبه و آدم بده ندارم برای مخاطب خاص قصه نگفتم شخصیت‌های کارهایم را دوست دارم بهشان حس دادم، همیشه یک نفر بوده که درست کارکرده. قصه‌هایم را آب نبستم، اما ریتم آنها کند بوده حالا که نگاه می‌کنم به آینده بهتر امیدوارم.

دوست ندارم مخاطب را آزار بدهم، حتی وقتی قصه ام خوب تر می شود.

فقط باید هر کدام قصه خودمون را بگوییم این قصه حتما درست است.

به یاد منظر هاشمی سیاهپوش کف بزنید!

کوتاه فرهنگی

برگزاری دومین نمایشگاه گروهی نقاشی وعکاسی در نگارخانه آشیانه مهر

نگارخانه آشیانه مهر (انجمن احیای ارزش ها) به دنبال ارتقاء سلامت اجتماعی و رفع تبعیض از دو گروه معلولان جسمی و مبتلایان به ایدز است.در این راستا هنرمندان به اسامی:منوچهر معتبر، ناصر اویسی، محمد بزرگی، رضا بانگیز، بهرام دبیری،سعید شهلا پور، نصراله کسراییان، محمد هادی فدوی و جمعی دیگر از هنرمندان؛ آثار نقاشی، عکاسی ومجسمه سازی خود را در گالری آشیانه مهر به نمایش خواهند گذاشت تا عواید حاصل از فروش آثارشان صرف کودکان توانیاب ، ایتام و ایدز شود. افتتاحیه نمایشگاه جمعه ۷ دی ماه از ساعت ۱۶ الی ۲۰ برگزار خواهد شد.

علاقه مندان به آثار هنری می توانند از ساعت ۱۰ الی۱۷ و روزهای پنجشنبه وتعطیل از ساعت ۱۵ الی ۱۸ به میدان انقلاب خیابان کارگر شمالی بعد از خیابان فرصت کوچه جعفرزادگان پلاک ۲ مراجعه نمایند.

نکوداشت جلال شباهنگی برگزار می‌شود

کامل‌ترین مجموعه آثار جلال شباهنگی در موسسه صبای فرهنگستان هنر به نمایش گذاشته می‌شود.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی فرهنگستان هنر، آیین نکوداشت جلال شباهنگی، نقاش، گرافیست، مجسمه‌ساز و عضو پیوسته فرهنگستان هنر، دهم دی ماه سال جاری در این فرهنگستان برگزار می‌شود.

مسعود ناصری، دبیر هنری نمایشگاه مروری بر آثار استاد جلال شباهنگی، درباره این برنامه اظهار کرد: «روایتی از زندگی استادانه» عنوان سلسله برنامه‌هایی است که فرهنگستان هنر با محوریت مروری بر آثار و احوال هنرمندان و روایتی از زندگی هنری آنها برگزار می‌کند که نخستین روایت به «مروری بر زندگی و آثار استاد جلال شباهنگی» اختصاص دارد.

ناصری درباره ویژگی نمایشگاه آثار شباهنگی تصریح کرد: این نمایشگاه متنوع‌ترین نمایشگاهی است که از آثار استاد شباهنگی برگزار می‌شود و شامل مجموعه نقاشی‌ها و آثار حجمی است که وی از ابتدای فعالیت هنری خود تاکنون خلق کرده است.

دبیر هنری نمایشگاه مروری بر آثار جلال شباهنگی درباره آثار حجمی شباهنگی یادآور شد: مجموعه آثار حجمی استاد شباهنگی نیز، شامل آثار منحصر به فرد شیشه‌ای است که وی در جزیره مورانو ایتالیا ساخته است.

روایت زندگی استادانه جلال شباهنگی روز دوشنبه، ۱۰ دی ماه برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای شرکت در این مراسم به نشانی خیابان ولی‌عصر(عج)، پایین‌تر از چهارراه طالقانی، شماره ۱۵۵۲ مراجعه کنند.

سخنرانی فرید العطاس در افتتاحیه همایش ملی اخلاق علم و آموزش عالی

همایش «اخلاق علم و آموزش عالی» چهارشنبه پنجم دی ماه از سوی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برگزار می‌شود.

در مراسم افتتاحیه این همایش سید فرید العطاس، استاد جامعه شناسی دانشگاه سنگاپور سخنرانی می‌کند.

در این همایش معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مرکز نشر دانشگاهی، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، انجمن ایرانی اخلاق در علوم وفناوری و انجمن آموزش عالی ایران انجمن جامعه‌شناسی ایران، انجمن انسان‌شناسی ایران و انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات همکاری دارند.

نمایشگاه«سمای قلم» در موزه فلسطین

به گزارش هنرآنلاین، با آثاری از ۵۸ هنرمند در حوزه نقاشی، عکاسی، مجسمه و دیجیتال‌آرت نمایشگاه سمای قلم در موزه هنرهای معاصر فلسطین برپا می‌شود.

آیین گشایش نمایشگاه دوشنبه ۳ دی ماه از ساعت ۱۶ تا ۱۸ با حضور هنرمندان و علاقه‌مندان هنرهای تجسمی برگزار خواهد شد.

علاقه‌مندان جهت بازدید از نمایشگاه سمای قلم تا ۱۰دی ماه فرصت خواهند داشت همه روزه به جز روزهای تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۸ به موزه هنرهای معاصر فلسطین واقع در خیابان ولیعصر(عج)، خیابان بزرگمهر، خیابان برادران شهید مظفر، پلاک ۷۴ مراجعه کنند.

نقد «انبساط» در خانه هنرمندان ایران

جلسه نقد و بررسی نمایشگاه "انبساط" با حضور مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کیوریتورهای نمایشگاه و منتقدان برگزار می‌شود.

به گزارش هنرآنلاین، جلسه نقد و بررسی نمایشگاه سالانه انجمن هنرمندان سفالگر با عنوان "انبساط" با حضور هادی مظفری؛ مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کیوریتورهای نمایشگاه، فواد نجم‌الدین و زروان روح‌بخشان، دوشنبه سوم دی‌ماه ساعت ۱۷ تا ۲۰ در سالن استاد جلیل شهناز خانه هنرمندان ایران برگزار خواهد شد.

در ابتدای جلسه، هادی مظفری درباره اهمیت و جایگاه فعالیت‌های هنرمندان سفالگر و سیاست‌های اداره کل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد در این حوزه سخنرانی خواهد کرد. بهزاد اژدری کیوریتور نمایشگاه "تکثر"، رجحانه حسینی کیوریتور نمایشگاه "تحول‌انگاره"، مجید ضیایی کیوریتور نمایشگاه "نگران" و امید قجریان کیوریتور نمایشگاه "ناکجایی" در این جلسه حضور خواهند داشت و درباره جریان‌های معاصر سرامیک در ایران و رویکردهای خود با یکدیگر و منتقدان حاضر در جلسه به گفت‌وگو می‌نشینند.

نشست یکی از مستندهای برگزیده سینما حقیقت

ششمین برنامه از سلسله نشست‌های «عصرانه مستند» به فیلم «زمان» به کارگردانی ماریا ماوتی اختصاص یافت.

به گزارش ایسنا به نقل از روابط عمومی خانه مهر رضا، مستند «زمان» با حضور ماریا ماوتی کارگردان و مهدی مطهر تهیه کننده این مستند، سه شنبه ۴ دی ماه در خانه مهر رضا نمایش داده می شود و مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

این مستند هفته گذشته در دوازدهمین جشنواره «سینماحقیقت» موفق به دریافت تندیس و دیپلم افتخار بهترین کارگردانی فیلم مستند نیمه‌بلند شد.

این فیلم برشی از زندگی مردی است که هفت سال پیش به همراه خانواده‌اش به ترکیه پناهنده شده و برحسب اتفاقاتی غیرمنتظره، مسیرش از همسر و بچه‌هایش جدا می‌شود.

در خلاصه موضوع این مستند ۴۶ دقیقه‌ای آمده است: «چی باعث شد قید کشورتو بزنی؟ – بخاطر آینده بچه‌هام، آینده اونها رو روشن کردم – خب الان بچه‌هات کجان؟»

مراسم نقد و بررسی و نمایش فیلم مستند «زمان » سه‌شنبه ۴ دی ماه ساعت ۱۷:۳۰ در خانه مهر رضا به نشانی خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از بیمارستان دی، نرسیده به پل همت، نبش کوچه نیلو، پلاک یک برگزار می‌شود و ورود برای عموم رایگان و آزاد است.

تاریخ شفاهی مطبوعات به روایت روزنامه‌نگاران پیشکسوت

هم‌اندیشی تخصصی «تاریخ شفاهی مطبوعات» روز سه‌شنبه (چهارم دی ماه) با حضور برخی از پیشکسوتان عرصه مطبوعات در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، هم‌اندیشی تخصصی «تاریخ شفاهی مطبوعات» روز سه‌شنبه (۴ دی ماه) با حضور برخی از پیشکسوتان عرصه مطبوعات از ساعت ۱۴ تا ۱۶ در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها برگزار می‌شود.

محمد بلوری (روزنامه‌نگار روزنامه ایران و پیشکسوت مطبوعات)، بیژن نفیسی (روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه)، منصور سعدی (پیشکسوت مطبوعات)، هوشنگ اعلم (سردبیر ماهنامه فرهنگی آزما و پیشکسوت مطبوعات) و حمید ضیایی‌پرور (مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها) در این هم‌اندیشی سخنرانی می‌کنند.

فراخوان سومین جشنواره فجر هنرهای سنتی و صنایع دستی



با توجه به استقبال هنرمندان صنایع دستی از برگزاری دو دوره جشنواره فجر هنرهای سنتی و صنایع دستی، فراخوان سومین جشنواره فجر هنرهای سنتی و صنایع دستی اعلام شد.

به گزارش ایرنا از سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، بر اساس فراخوان اعلام شده، هنرمندان صنایع دستی تا ۲۵ دی ماه ۹۷ فرصت دارند، آثار خود را برای شرکت در این جشنواره ارسال کنند.

آثار ارسالی به این جشنواره باید مبتنی بر شیوه‌های تولید صنایع دستی خلق شده باشد و مهم‌ترین شاخص انتخاب آثار، وجوه متمایز صنایع‌دستی از لحاظ طراحی، کیفیت اجرا، اصالت برند و هویت و کاربرد خلاقانه است و هر هنرمند مجاز به ارسال ۵ اثر از جدیدترین محصولات هنری است.

آثار ارسالی نباید در جشنواره‌های پیشین به نمایش در آمده باشد. همچنین آثار ارسالی باید دارای شناسنامه (نام اثر، معرفی تکنیک، مواد مورد استفاده، نام سازنده اثر) باشند.

متقاضیان باید تصویر آثار خود را به همراه اطلاعات اثر شامل نام اثر، تکنیک، نام سازنده اثر، شهر و شماره تلفن ثابت و همراه، نشانی دقیق پستی را تا تاریخ ۲۵ دی ۹۷ به آدرس ichtotarvij@gamil.com ارسال کنند.

انتخاب آثار در دو مرحله صورت می پذیرد، در مرحله اول تصاویر توسط شورای هنری بررسی شده و در مرحله دوم اصل آثار به انتخاب داوران، به نمایشگاه راه خواهد یافت.

پذیرفته شدن آثار در مرحله اول به معنای راه یابی به نمایشگاه نبوده و آثار نهایی در مرحله دوم توسط هیئت داوران انتخاب خواهند شد.

آخرین مهلت ارسال آثار ۲۵ دی ۹۷ است و نتایج اولیه ۱ بهمن اعلام خواهد شد و در تاریخ ۱۷ بهمن ضمن اعلام نتایج نهایی مراسم تقدیر از برگزیدگان نیز برگزار خواهد شد .

به ۶ هنرمند برگزیده نشان سرو زرین ویژه جشنواره فجر صنایع دستی به همراه جایزه غیر نقدی و به ۶ هنرمند دیگر دیپلم افتخار اعطا خواهد شد.

خانه هنرمندان به عنوان محل نمایش آثار برگزیده انتخاب شده است.

متقاضیان برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند به آدرس تقاطع خیابان آزادی و بزرگراه یادگار امام، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، معاونت صنایع دستی، دفتر توسعه و ترویج مراجعه کنند و یا با شماره ۶۱۰۶۳۴۱۹ تماس بگیرند.

همکاری ایران، آذربایجان و فرانسه در پروژه موسیقایی هفت پیکر

نشست خبری پروژه موسیقایی هفت پیکر که قرار است بر اساس اشعار نظامی گنجوی با همکاری هنرمندان سه کشور آذربایجان، ایران و فرانسه اجرا شود، در موزه موسیقی برگزار شد.

به گزارش ایسنا، در ابتدای نشست سعید خاورنژاد (آهنگساز پروژه هفت‌پیکر) گفت: ما در این پروژه گروه آهنگسازی داریم که به عنوان مشاور به من کمک می‌کنند. اینکه پروژه به شکل گروهی کار می‌شود، به دلیل این است که بخشی از آن در قالب موسیقی الکترونیک و بخشی نزدیک به موسیقی دستگاهی آذربایجان و ایران است.او ادامه داد: این پروژه هفت پیکر نام دارد و بر اساس اشعار نظامی گنجوی است و مابین سه کشور آذربایجان و ایران و فرانسه انجام می‌شود. دوستان زیاد و مجموعه‌های معتبری به ما کمک می‌کنند. پروژه به سه زبان فارسی و فرانسوی و آذری خواهد بود.

خاوری‌نژاد اضافه کرد: اشعار به سه زبان است و ممکن است به شکل مستقیم روایت داستان هفت پیکر نباشد. بخش زیادی از اشعار روایی است و اگر بخواهیم آن را موسیقایی کنیم باید بخش اعظم آن مورد خوانش قرار بگیرد اما در این پروژه بخش‌هایی از کار انتخاب شده است. بخش‌هایی در هر زبانی که زیبا بوده انتخاب کرده و بهترین گزینه را انتخاب کردیم که بیان بهتری به خود اختصاص بدهد و مخاطب با آن ارتباط برقرار کند. ما همچنین بخش‌هایی کرال به زبان لاتین داریم.

در ادامه این نشست، عالیم قاسم‌اف (خواننده شناخته شده آذربایجانی) بیان کرد: این پروژه با تمام جدیت آغاز شده و به خوبی پیش می‌رود. با نام بزرگ گنجوی جمع شدیم و می‌خواهیم یک اثر جهانی بزرگ بسازیم.

شعیب شهابی (خواننده دیگر این پروژه) بیان کرد: پروژه میان سه کشور صاحب فرهنگ است. آذربایجان و ایران از دور با هم ارتباط تنگاتنگی داشتند. در این پروژه من بخش آوازهای ایرانی و فرانسوی را اجرا می‌کنم.

حسام ناصری نیز که به عنوان نوازنده و تنظیم‌کننده در «هفت پیکر» حضور دارد، گفت: من تنظیم بخش‌های الکترونیک که فضای غالب برخی قطعات را تشکیل می‌دهد همکاری می‌کنم.

در ادامه خاورنژاد درباره سازبندی ارکستر اظهار کرد: ترکیبی از سازهای زهی و ایرانی و پرکاشن در اجرا حضور دارد. ویولنسل و پرکاشن به شکل سولو با نوازنده‌های فرانسوی نواخته خواهد شد. همچنین من کمانچه و کمانچه آلتو و آقای ناصری سازهای مضرابی می‌نوازیم. مشاور پروژه یک فرد فرانسوی است که شناخته شده هستند که سال گذشته در موزه هنرهای معاصر درباره موسیقی فیلم نشستی داشت.

قاسم‌اف درباره حضور در این پروژه بیان کرد: هرکس از من دعوتی می‌کند من کارهای او را بررسی می‌کنم اگر مورد قبول من شد همکاری می‌کنم. کارهای خاورنژاد برای من قابل توجه بود. در آذربایجان هم جوانان فعال موسیقی به من مراجعه می‌کنند اگر کار آن‌ها مورد قبول من بود با آن‌ها همکاری می‌کنم.او با بیان خاطره‌ای اظهار کرد: نزدیک به ۳۰ سال داشتم که پاپ خواندم و مورد انتقاد سختی قرار گرفتم بعد متوجه شدم کار من مورد توجه جوانان قرار گرفته و باعث شد جوانان به موسیقی کلاسیک علاقه‌مند شوند و این، ادامه همان همکاری‌ها است.

شعیب شهابی نیز درباره رزومه کاری خود گفت: اجرای جدی من سال ۹۳ در برج میلاد تهران بود در چند سال اخیر سعی کردم روی خودم کار کنم و شروع جذاب‌تری داشته باشم.

خاورنژاد با بیان اینکه خواننده‌های مطرح از خواندن به زبان خارجی می‌ترسند، گفت: من شهامت شهابی را تحسین می‌کنم. شاید ۲۰ درصد لهجه شرقی در کار او وجود دارد که به ژن برمی‌گردد و من به آن اهمیت می‌دهم. موزیکالیته در آن لحظه برای من مهم است. شکستن این قواعد برای من جذاب است. به نظرم تجربه موفقی است فرم زبانی را به لهجه زبان دیگری بیان کرد.

قاسم‌اف نیز درباره اینکه چرا آذربایجان نظامی را شاعر خود می‌داند، اظهار کرد: بزرگان متعلق به کل بشریت هستند و همه تلاش می‌کنند افسانه‌ها را متعلق به خود بدانند. من هفت پیکر را به دقت از نظر هنری مورد بررسی قرار دادم.

خاورنژاد در پاسخ به پرسش ایسنا درباره اینکه آیا این آلبوم اجرای صحنه‌ای هم خواهد داشت یا نه؟ بیان کرد: شاید یک کلیپ پیش از انتشار آلبوم به مخاطبان تقدیم شود.

هفت کلیپ خواهیم داشت.

درباره اجرای صحنه‌ای اجازه بدهید خبری ندهم این اثر مشکلات پلاتیک زیادی برای اجرا دارد و شاید در خاورمیانه قابل اجرا نباشد.

بسیار مایلم در خاورمیانه اجرا داشته باشیم و به شدت دنبال آن هستیم.او ادامه داد: در فرانسه مراسمی خواهیم داشت که بخشی از آن اجرای صحنه‌ای خواهد بود. هرسه این موارد صد درصد مورد توجه و علاقه ما است و سعی می‌کنیم خودمان را با شرایط تطبیق بدهیم.

کیان محمدی‌ها (تهیه‌کننده اثر) نیز گفت: هماهنگی پروژه‌ها و حضور استاد در ایران و ساخت موزیک‌ویدئو در هفت کشور کار سختی است. اگر آقای خاورنژاد اجازه بدهند ما در ایران و ترکیه کنسرت‌ها را برگزار کنیم.او همچنین توضیح داد که کارگردان کلیپ‌ها امین حسین‌پور است.

کوتاه آموزشی

برگزاری دوره‌های آموزشی آنلاین ویژه اعضای هیات علمی دانشگاه های علوم پزشکی

دوره‌های آموزشی آنلاین با همکاری مرکز سنجش آموزش پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی مجازی برای اعضای هیات علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، دکتر آبتین حیدرزاده، رئیس مرکز سنجش آموزش پزشکی با اعلام این خبر اظهار کرد: ثبت نام این دوره‌های آموزشی ارزیابی و آزمون‌سازی از تاریخ ۱۵ دی ماه از طریق دانشگاه مجازی، آغاز و دوره‌ها در سه سطح مقدماتی، متوسط و عالی برگزار خواهد شد.

وی ادامه داد: اعضای هیات علمی علاقه مند دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور در تمام رشته‌های بالینی و علوم پایه که قصد طراحی و ارسال سوال برای گنجینه‌های سوال منطقه ای یا ملی داشته باشند و برای شرکت در این دوره‌ها ثبت‌نام کنند، در این دوره‌ها شرکت خواهند کرد.

استادان پیمانی فرصت های مطالعاتی را در مراکز صنعتی می گذرانند

وزیرعلوم، تحقیقات و فناوری، گفت: استادان پیمانی جدید الاستخدام از ابتدای سال ۹۸ موظف به گذراندن فرصت های مطالعاتی در مراکز صنعتی می شوند.

منصور غلامی در گفت و گو با ایرنا، اظهار داشت: این استادان، باید حداقل شش ماه به صورت تمام وقت یا یکسال به صورت پاره وقت متناسب با رشته و تخصص شان، در قالب فرصت های مطالعاتی در مراکز صنعتی حضور یابند و کار کنند. حقوق این استادان را دانشگاه ها می پردازند.

غلامی گفت: استادان در مدت گذراندن فرصت های مطالعاتی، با مسائل مختلف و حوزه کاربردی خود آشنا شده و دوباره به محیط دانشگاه باز می گردند، اما با رسمی شدن حکم در دانشگاه، باید بار دیگر این فرصت ها را بگذرانند. وزیر علوم افزود: در زمان حاضر تاکید وزارتخانه بر روی فرصت های مطالعاتی داخل کشور است، هر چند استادان می توانند برای فرصت های مطالعاتی به خارج از کشور هم سفر کنند.

هیچ ناشر کمک‌آموزشی در جشنواره کتاب رشد برگزیده نشده است

دبیر جشنواره کتاب رشد خبر داد امسال هیچ کتاب کمک درسی در جشنواره رشد برگزیده نشد و ادعای برخی ناشران در این زمینه تکذیب می شود.

به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی وزارت آموزش‌وپرورش، محمد ناصری در واکنش به مصاحبه یکی از مدیران موسسه‌ای کمک آموزشی که در آن گفته بود در جشنواره اخیر کتاب رشد به عنوان ناشر برگزیده مورد تقدیر قرار گرفته و جایزه دریافت کرده است، این ادعا را رد کرد و گفت: هیچ کتابی از این ناشر در دوره اخیر جشنواره رشد نه برگزیده شده است نه مورد تقدیر قرار گرفته است.

دبیر جشنواره کتاب رشد با ابراز تعجب از تصریح مدیر مسئول این موسسه کمک آموزشی در این زمینه، افزود: اسامی آثار برگزیده و تقدیری این جشنواره در شبکه‌های خبری بازتاب یافته است و با مراجعه به آن به آسانی می‌توان نسبت به نادرستی این ادعا پی برد.

همکاری پژوهشی کاخ گلستان با هامبورگ

مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان: مرکز پژوهشی نسخه های خطی فرهنگی هامبورگ پروژه‌های پژوهشی مهمی در اکثر نقاط دنیا مدیریت و اجرا کرده است.

مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان از انجام همکاری‌های آموزشی و پژوهشی بین «کاخ گلستان»، «مرکز پژوهشی نسخه‌های خطی فرهنگی هامبورگ» و «دانشگاه سنت اندروز اسکاتلند» در صورت موافقت رییس سازمان میراث فرهنگی خبر داد.

به گزارش ایسنا، به نقل از روابط عمومی کاخ گلستان، مسعود نصرتی گفت: در نشستی که با حضور پرفسور «مایکل فردریش» رئیس مرکز پژوهشی نسخه‌های خطی فرهنگی هامبورگ و «ایلسه استارکنبوم» از دانشگاه سنت اندروز اسکاتلند در کاخ گلستان برگزار شد، درباره همکاری‌های آموزشی و پژوهشی، برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی، کنفرانس‌های بین‌المللی، چاپ و نشر آثار فرهنگی و تاریخی گفت‌وگو و تبادل نظر شد.او با بیان این‌که مرکز پژوهشی نسخه‌های خطی فرهنگی هامبورگ یکی از مهمترین مراکز پژوهشی در این زمینه است، افزود: این مرکز پژوهشی تا کنون پروژه‌های پژوهشی مهمی در اکثر نقاط دنیا مدیریت و اجرا کرده و در این راستا آثار منحصر به فردی را از شرق آسیا تا غرب آفریقا به دنیا معرفی کرده است.

صدور مجوز موسسات آموزشی بازنگری می شود

سازمان مدارس و مراکز غیردولتی و مشارکت های مردمی، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی و مرکز سنجش وزارت آموزش و پرورش موظف به بازنگری در نحوه تعامل، صدور مجوز و هماهنگ شدن سیاست ها با رویکردهای جدید این وزارتخانه شدند.

به گزارش ایرنا از مرکز اطلاع‌رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش، وزیر آموزش و پرورش در پنجمین نشست ویژه بررسی مجوز فعالیت موسسات آموزشی ضمن ابلاغ وظایفی به واحدهای ستادی درباره تبلیغات و انتشار کتاب های کمک درسی، اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه، مقرر کرد در نشستی مشترک با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موضوع صدور مجوز چاپ و انتشار کتب کمک درسی و ضرورت جلوگیری از تبعات و انحرافات تربیتی بررسی شود.

سید محمد بطحایی با اشاره به اهمیت و ضرورت ساماندهی فعالیت موسسات آموزشی اظهار داشت: اکنون بخشی از مشکلاتی که در وزارتخانه وجود دارد ناشی از ملاحظه کاری ها است و باید برای ارتقای نظام آموزشی و پرورشی این ملاحظات کارشناسی شود تا خسرانی به فرآیند تعلیم و تربیت وارد نشود. وی با بیان اینکه تاکنون برای انتقال پیام تغییر رویکرد آموزش و پرورش به جامعه، تلاش‌های زیادی صورت گرفته، یادآورشد: رویکردهای آموزش و پرورش تحولاتی داشته اما علاوه بر مفاهیم شناختی، بر اساس محتوای سند تحول بنیادین باید به ساحت‌های دیگر هم توجه شود و از این پس وزارتخانه در برنامه‌های خود پیگیری‌های حقوقی و قانونی را برای رفع موانع و اجرای رویکردهای جدید اعمال خواهد کرد.

امکان شرکت هنرستانی‌ها در کنکور به شرط دادن امتحانات نهایی

مدیرکل دفتر آموزش های فنی و حرفه ای وزارت آموزش و پرورش گفت: شرکت در امتحانات نهایی رشته های دیگر و شرکت در کنکور با سهم سوابق تحصیلی، برای هنرستانی ها مهیاست اما اجباری نیست.

محسن حسینی مقدم در گفت‌وگو با مهر در پاسخ به این پرسش که اگر هنرستانی ها بخواهند در کنکور شرکت کنند آیا مشمول تاثیر سوابق تحصیلی می شوند یا خیر، گفت: دوره هنرستان از امسال ۱۲ساله شد و با این حساب آنها می توانند در کنکور سراسری شرکت کنند.

وی ادامه داد: در حال حاضر دانش آموزان هنرستانی می توانند به طور مثال در کنکور ریاضی فیزیک و برای یک رشته مهندسی و ... شرکت کنند و اگر بخواهند می توانند برای تاثیر سوابق تحصیلی اقدام کنند. در این صورت باید در امتحانات نهایی گروه ریاضی شرکت کنند و ۱۰درس رشته های نظری پایه ۱۲را که به صورت نهایی برگزار می شود، امتحان بدهند. به گفته وی این امر اختیاری است. هر چند با توجه به این نکته که بسیاری از رشته های دانشگاهی امروزه از از کنکور آزاد است و بر اساس سوابق تحصیلی پذیرش می کند به نظر می رسد اگر هنرستانی ها در فکر رفتن ادامه تحصیل خارج از حالت کاردانی و بدون کنکور هستند، باید در این امتحانات شرکت کنند.

بررسی پرچم‌داران موسیقی دهه ۶۰ در یک مستند



کارگردان مستند «قطار مسیر ۶۰» گفت: برای ساخت این مستند با چالش‌های بسیای مواجه شدیم و پروسه ساخت آن در سال ۹۲به پایان رسید اما نتوانست در این سال‌های به اکران عمومی برسد.

به گزارش ایسنا، نشست خبری فیلم مستند «قطار مسیر ۶۰» به کارگردانی کتایون جهانگیری که به وقایع حوزه موسیقی ایران در دهه اول انقلاب پرداخته و از هشتم دی‌ماه در گروه سینمایی «هنر و تجربه» اکران خواهد شد، دوم دی ماه پس از نمایش این فیلم، در مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برگزار شد.

کتایون جهانگیری کارگردان مستند «قطار مسیر ۶۰» در این نشست بیان کرد: این فیلم سال ۹۱ساخته شد و تحقیقات آن از سال ۸۷آغاز شده بود.

او با بیان اینکه «ما برای ساخت این مستند به چالش‌هایی برخوردیم» توضیح داد: طرح اولیه این فیلم پذیرفته شد اما به مرحله ساخت نرسید تا اینکه مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی برای ساخت آن موافقت کرد. البته تولید آن به دو بخش تبدیل شد و دو برهه را در برگرفت. بخش اول «فریاد شد آواز» بود و سپس «قطار مسیر ۶۰» ساخته شد. در نهایت این مستند سال ۹۲آماده شد اما به دلیل تغییر تحولات مدیریتی فیلم در آرشیو باقی‌ماند و از آن زمان به بعد به غیر از چند نمایش خصوصی، به اکران عمومی نرسید.

این کارگردان بیان کرد: سال ۹۴این اثر در شورای هنروتجربه پذیرفته شد اما باز هم در بخش گرفتن مجوز باقی‌ماند و شاید اگر «بزم رزم» اکران نمی‌شد، با نمایش این فیلم موافقت صورت نمی‌گرفت و به دلیل موضوعش پروانه نمایش به آن داده نمی‌شد. با این حال قرار بود این اثر زودتر از «بزم رزم» نمایش داده شود اما این اتفاق نیفتاد. خوشحالم که اکنون بستر نمایش این فیلم‌ها به وجود آمده است.

او درباره اشخاصی که در این مستند حضور داشتند و انتقاداتی که وارد شده، توضیح داد: این آدم‌ها از افراد دست اول دهه شصت بودند و چهره‌هایی بودند که از پرچم‌داران موسیقی دهه ۶۰بودند. من درجریان ساخت این مستند، دنبال نظراتی بودم که بی‌طرفانه باشد و سعی کردم تمام جوانب را بررسی کنم و اگر چیزی خوب یا بد است باید از همه جهات دیده شود.

جهانگیری اضافه کرد: این فیلم روایتگر اتفاقاتی در حوزه موسیقی است که در بستر ایران رخ داده نه خارج از کشور. در آن‌دوره‌ای که این فیلم ساخته شد هنوز اثری در این زمینه تولید نشده بود و خط قرمزهای زیادی وجود داشت و خوشبختانه مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی هیچ سانسوری برای این فیلم اعمال نکرد با این حال برای مجوز گرفتن و پروانه نمایش در ارشاد قسمت‌های کوچکی از آن سانسور شد اما بعد که با دولت اصلاحات همزمان شد، نمایش آن متوقف شد.

این‌مستندساز با اشاره به اینکه «من نمی‌خواستم در این مستند تحلیلگر باشم و به دنبال آدم‌هایی رفتم که صاحب نظر بودند» بیان کرد: با خیلی از هنرمندان مانند آقای لطفی، کامکار ها و ... هم مصاحبه کردم. اما برخی‌شان نگاه‌های جانب دارانه داشتند. مشکل بین این افراد زیاد بود و خیلی هایشان منکر کارها و حرف‌هایشان هم می‌شدند و حاضر نبودند جلوی دوربین قرار بگیرند.

وی افزود: من سراغ تمام این آدم‌ها در پروسه تحقیقم رفتم و به این نتیجه رسیدم که در فیلم حضور نداشته باشند. نتیجه هم آن‌چیزی است که در فیلم می‌بینید و البته پای آن هم هستم. در زمان ساخت این مستند هنوز تحقیقاتی انجام نشده بود و هیچ منبع مکتوبی وجود نداشت بنابراین باید به سراغ تاریخ شفاهی و آدم‌ها می‌رفتم.

در ادامه نشست سید علیرضا میرعلینقی پژوهشگر و منتقد حوزه موسیقی درباره مستند «قطار مسیر ۶۰» گفت: در ابتدا باید بگویم فیلم یک برش یا مقطع زمانی را به تصویر می‌کشد و مانند یک مرجع کامل نیست که همه چیز باید در آن وجود داشته باشد. در این میان باید حرف‌ها به درستی زده شود.

او ادامه داد: بیشتر مشکلات بین خود اهالی موسیقی وجود دارد تا وزارت ارشاد و آن هم انگار گذشته‌ای است که در دهه ۶۰انجام داده‌اند. گاهی کار با آنها بسیار طاقت‌فرسا می‌شود. حوزه موسیقی بسیار محدود است و شاید نهایتا ۱۰۰ نفر باشند. بودجه‌هایش بسیار کم است و افراد برای رسیدن به خواسته‌هایشان هرکاری می‌کنند. در نهایت وظیفه فیلمساز در این شرایط بسیار سخت می‌شود.

این‌منتقد همچنین گفت: این افرادی که در فیلم حضور دارند از اشخاص دست اول حوزه خود هستند و از چهره‌های مطرح زمانه خودشان بودند اما این افرادی که زیاد دیده می‌شدند کسانی نبودند که جهت دهی و خط دهی برای مردم داشته باشند بلکه کسانی این کار را انجام می‌دادند که کمتر دیده می‌شدند.

در حاشیه این مراسم هم از پوستر این مستند رونمایی شد.

به گزارش ایسنا عوامل مستند «قطار مسیر ۶۰» عبارتند از: نویسنده و کارگردان: کتی جهانگیری، تدوینگر و صداگذار: فرشاد اکتسابی،مدیرتولید:اکبر آقامحمدی،تصویربرداران: محمد رضایی، رسول رفیع زاده، صدابردار: هومن جهانشاهی،آهنگساز: امید فتح الهی، طراح پوستر: بهزاد خورشیدی، عکاس : اکبر آقامحمدی، مشاور رسانهای: سعیده الله دادی

افزایش اجباری پذیرش دانشجو در دانشگاه تهران

رئیس دانشگاه تهران گفت: در سال جاری به صورت اجباری بخشی از ظرفیت پذیرش دانشجو در این دانشگاه افزایش یافت.

محمود نیلی احمدآبادی در گفتگو با مهر افزود: در دانشگاه تهران کیفیت آموزشی و پژوهشی اولویت است، اما در سال جاری به صورت اجباری بخشی از ظرفیت این دانشگاه افزایش یافت.

وی با بیان اینکه دانشگاه تهران تصمیمی درخصوص کاهش ظرفیت پذیرش دانشجو ندارد، افزود: طی سال های اخیر در این دانشگاه سعی شده که ظرفیت پذیرش دانشجو منطقی باشد.

رئیس دانشگاه تهران خاطرنشان کرد: ظرفیت پذیرش دانشجو در این دانشگاه براساس تعداد اعضای هیات علمی، به روز بودن رشته ها و تقاضای جامعه است.

نیلی احمدآبادی اظهار داشت: برنامه داریم در دانشگاه تهران پذیرش را براساس زیرساخت ها مدیریت کنیم تا کیفیت دچار مشکل نشود.

شب «شیون فومنی» برگزار می‌شود

شب «شیون فومنی» به مناسبت هفتاد و دومین زادروز این شاعر و ترانه‌سرای معاصر برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، به گفته حامد فومنی – رییس بنیاد فرهنگی و هنری شیون فومنی –، این مراسم به همت مجله بخارا و این بنیاد روز سه‌شنبه چهارم دی‌ماه ساعت پنج بعدازظهر در تهران، تالار فردوسی خانه اندیشمندان علوم انسانی واقع در خیابان استاد نجات‌اللهی، نبش خیابان ورشو برگزار می‌شود.

او در توضیحی اظهار کرد: در «شب شیون فومنی»، چهره‌های برجسته ادبیات، شعر، هنر و پژوهش معاصر: دکتر محمد روشن، دکتر قدمعلی سرامی، دکتر محمد سریر، شمس لنگرودی، دکتر فرهاد طهماسبی، دکتر علیرضا حسن‌زاده و علی دهباشی با سخنرانی‌های تخصصی خود به ویژگی‌ها و ارزش‌های ادبی و جایگاه ممتاز شیون فومنی در شعر گیلکی و شعر فارسی اشاره خواهند داشت. حامد فومنی در ادامه بیان کرد: در این برنامه اجرای موسیقی اصیل ایرانی بر اساس یکی از غزل‌های فارسی شیون فومنی توسط استاد علی جهاندار (خواننده و ردیف‌دان برجسته) را خواهیم داشت. همچنین نمایش نماآهنگ «در سفر گمشدن» (خواننده: محمد نوری، موسیقی: محمد سریر، شعر: شیون فومنی) و نماآهنگ «کاغذنویس» (خواننده: فریدون پوررضا، ترانه‌سرا: شیون فومنی به همراه تصاویر شعرخوانی شاعر) از دیگر بخش‌های «شب شیون فومنی» است. شیون فومنی (میراحمد فخری‌نژاد) سوم دی‌ماه ۱۳۲۵ چشم به جهان گشود. او که در شعر گیلکی از مفاخر و مشاهیر ادبیات شمال کشور به شمار می‌رود شعرهای گیلکی‌اش را در قالب آلبوم‌های صوتی «گیله اوخان» (پژواک گیلان) دکلمه کرد. همچنین در شعر فارسی در جهت پیوند سنت و نوآوری در غزل کوشید. ترانه‌سرایی نیز از دیگر فعالیت‌های ادبی شیون است و کلام آهنگینش مورد استفاده آهنگسازان و خوانندگان بوده است.

شیون فومنی در غروب ۲۳ شهریور ۱۳۷۷ در تهران چشم از جهان فروبست و در سلیمانداراب رشت آرمید.

جهانگیری خواستار تسریع در تعیین تکلیف و ترخیص کالاهای گمرکی شد

جلسه بررسی مسائل گمرکی کشور به ریاست معاون اول رئیس جمهوری برگزار شد.

دکتر اسحاق جهانگیری در این جلسه با اشاره به اهمیت جلوگیری از رسوب و انباشت کالا در بنادر، گمرکات و انبارهای متعلق به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی، بر سازماندهی لازم به منظور تسهیل در روند ترخیص کالا و تامین نیازهای اساسی کشور در مقطع حساس کنونی تاکید کرد.

معاون اول رئیس جمهوری هدف دشمنان ملت ایران را از اعمال تحریم ایجاد اخلال در جریان واردات کالا به کشور ارزیابی کرد و اظهار داشت: دشمنان می خواهند با ایجاد اختلال در مسیر تجارت خارجی، کشور را در تامین کالاهای مورد نیاز مردم با مشکل روبرو کرده و در نتیجه کشور را با ناآرامی و بی ثباتی مواجه کنند.

وی افزود: دولت هم در مقابل، برنامه ریزی‌های لازم را انجام داده است و در جلسات متعدد نظیر جلسات ستاد مقابله با تحریم و جلسات شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا تصمیمات مناسبی اتخاذ شده است تا جریان واردات کالا تحت هر شرایطی انجام شود و کالاهای مورد نیاز در اختیار مردم کشور قرار گیرد.

معاون اول رئیس جمهوری به سفر اخیر خود به استان هرمزگان و بازدید از بندر شهید رجایی و گمرک بندر عباس اشاره و تصریح کرد: باید با هماهنگی همه دستگاه ها و رفع برخی مقررات زائد و دست و پا گیر از رسوب کالاها و مایحتاج کشور در گمرکات کشور جلوگیری شده و به سرعت درباره این کالاها تعیین تکلیف و مراحل ترخیص آن انجام شود.

وی با اشاره به گزارشات ارائه شده از روند کاهشی میزان کالاهای متروکه و بلاتکلیف در بنادر و گمرکات کشور، از استانداران، سازمان بنادر و کشتیرانی و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی کشور خواست تا به طور منظم درباره میزان رسوب کالاها در بنادر و گمرکات کشور به هیات دولت گزارش های لازم را ارائه کنند.دکتر جهانگیری با بیان اینکه گمرکات در مبادی اصلی کشور باید به طور ۲۴ساعته فعال باشند، بر همکاری وزارت جهاد کشاورزی و بانک مرکزی برای تامین مساله ارز مورد نیاز برخی اقلام و محصولات کشاورزی به منظور معطل نشدن کشتی ها در بنادر تاکید کرد.

وی ضمن قدردانی از زحمات همه مدیران و کارکنان سازمان بنادر و کشتیرانی و گمرکات کشور، خواستار تلاش بیشتر برای تسریع در زمان بارگیری و تخلیه کالا شد.

در این جلسه وزیر امور اقتصادی و دارایی هم گمرک را پیشانی تجارت خارجی کشور توصیف کرد و گفت: گمرک برای اینکه بتواند وظایف و تکالیف خود را به نحو مطلوب انجام دهد، نیازمند تکمیل زیرساخت های سخت‌افزاری و نرم افزاری است که باید با حمایت‌های دولت، این نیازها تامین شود.

وزیر کشور هم در این جلسه بر مدیریت واحد و هماهنگی دستگاه ها به منظور جلوگیری از رسوب کالا و مقابله با قاچاق تاکید کرد و خواستار برنامه ریزی در استان های مرزی برای تسهیل در جریان صادرات و واردات شد.سپس رئیس سازمان بنادر و کشتیرانی گزارشی از آخرین وضع رسوب کالا در بنادر تجاری کشور ارائه کرد و گفت: مدت زمان ماندگاری کالا در بنادر کشور از مدت زمان نرمال جهانی بالاتر است که باید برای کوتاه تر شدن این مدت تلاش و برنامه ریزی کنیم.

وی همچنین گزارشی از آخرین آمار رسوب کالا در بنادر کشور و مهمترین علل تاخیر ترخیص کالا ارائه کرد و به بیان راهکارها و پیشنهادات برای تسریع در روند ترخیص کالا پرداخت.رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران هم ضمن ارائه گزارشی از آخرین چالش‌های موجود در گمرکات کشور، به تشریح علل و عوامل ترخیص نشدن به موقع کالاها پرداخت و گفت: باید اطلاعات مربوط به کالاهای وارداتی پیش از ورود به کشور و در حین حمل در اختیار گمرک قرار گیرد تا روند ترخیص کالا با سرعت بیشتری انجام شود.

در این جلسه که وزیر دادگستری، استاندار هرمزگان، رئیس سازمان ملی استاندارد، رئیس کل دیوان محاسبات، رئیس سازمان بازرسی کل کشور و رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز هم شرکت داشتند، پس از بحث و تبادل نظر مقرر شد کارگروهی با نظارت وزارت امور اقتصادی و دارایی برای جلوگیری از انباشت کالاهای متروکه در انبارها تشکیل شود.

همچنین به منظور تسریع در موضوع تعیین مابه التفاوت قیمت ارز مقرر شد وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد خود را در کمیسیون اقتصاد ارائه کند.

وزیر مسکن: ۴۰۰ هزار واحد مسکونی جدید می‌سازیم

اجاره بهای مسکن در اغلب شهرهای بزرگ کشور ظرف چندماه اخیر به حدی افزایش یافته که بطور متوسط بیش از ۶۰ درصد از درآمد اجاره نشینان را به خود جذب می کند.

اینک در کلانشهری نظیر تهران که بیشتر واحدهای استیجاری کشور را در خود جای داده است، بهای اجاره هر متر مربع از واحدهای مسکونی بیش از ۴۰ درصد نسبت به پارسال رشد کرده و بسیاری از اجاره نشینان را به ترک تهران و اسکان در شهرک های اقماری وادار کرده است.در این میان دولت با هدف تعدیل فوری اجاره بهای مسکن طرح هایی را برنامه ریزی کرده است که پیش بینی می شود تاحدی از شتاب رشد اجاره بها در کلانشهرها را بکاهد.

مهندس محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی در یک برنامه تلویزیونی با اشاره به این طرح‌ها گفت: ما ناچاریم سالانه حداقل ۹۰۰ هزار واحد مسکونی جدید تهیه و آماده عرضه کنیم تا بخشی از تقاضای سالانه مسکن پاسخ درستی دریافت کند.

وی با اشاره به اینکه از دو هفته پیش برنامه ایجاد ۴۰۰ هزار واحد مسکونی به سازمان های مربوطه ابلاغ شده است،گفت: این برنامه در ۳ بخش به اجرا گذاشته خواهد شد که در بخش اول ۱۰۰ هزار واحد مسکونی شهری در شهرهای زیر ۵۰ هزار نفر جمعیت توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایجاد می شود.

اسلامی گفت: بنا داریم تقاضای اجاره را جایگزین تقاضای تملک واحدهای مسکونی با قیمت مناسب کنیم.به همین منظور شناسایی و اعطای ۲۰۰ هزار هکتار زمین های موجود در بافت فرسوده شهری به انبوه سازان و احیاگران مدنظر قرار دارد.

وی از واگذاری مجوزهای رایگان ساخت و ساز به سازندگان و پیمانکاران مسکن به عنوان دیگر اولویت این وزارتخانه یاد کرد و ادامه داد: دولت با تزریق تسهیلات ریالی به بانک تجارت قصد ایجاد تحرک در بازار مسکن را دارد که پیمانکاران و سازندگان مسکن بتوانند در پیشبرد ساخت و ساز شان تسریع داشته باشند.

وزیر راه و شهرسازی افزود: اصلاح تراکم سازه های شهری از دیگر اولویت های وزارت راه و شهرسازی در شهرهای بزرگ (غیر کلانشهرها) است، به گونه ای که در صورت امکان، تراکم برخی سازه ها افزایش خواهد یافت.

وی همچنین از سیاست دریافت مالیات بر عایدی سرمایه دفاع کرد و با اشاره به اینکه حدود ۲/۵ میلیون واحد مسکونی گران قیمت می تواند حجم زیادی از درآمدهای مالیاتی کشور را تأمین کند، از وجود طرح مکملی در دل طرح ساخت ۴۰۰ هزار واحد مسکونی خبر داد و افزود: صدور کارت خرید مصالح ساختمانی و بهره مندی از موضوعات فنی مهندسی از زیر مجموعه های طرح مکمل هستند که سبب ایجاد بازار تعهدی و نقدی می شوند. تفاهمنامه این طرح تا هفته آینده با بانک عامل قطعی خواهد شد و این امر سبب می شود قدرت خرید انبوه سازان افزایش یابد.

اسلامی ادامه داد: بخش دوم این طرح ایجاد ۱۰۰ هزار واحد مسکونی در بافت های فرسوده است که ۲۷۰ محله هدف در ۳۱ استان برای این منظور در نظر گرفته شده است. همچنین در بخش سوم احداث ۲۰۰ هزار واحد مسکونی در ۲۱ شهر جدید هدف گذاری شده است که تمام این ۴۰۰ هزار واحد مسکونی باید حداکثر تا پایان سال ۹۹ احداث شوند.

وی از شهرهای طبس و مَکُران در جنوب کشور به عنوان شهرهای جدیدی یاد کرد که قرار است بخش زیادی از واحدهای مسکونی در آنها ایجاد شود و اضافه کرد: مصوبه شهر طبس حدود ۲۵ سال قبل انجام شد، اما به دلایلی کلنگ آن نخورد، کلنگ احداث این ۲ شهر به زودی به زمین خواهند خورد. البته اولویت ما در ایجاد شهرهای جدید تکمیل پروژه‌های مسکن مهر در حاشیه کلان شهرهاست؛ به طور مثال در شهر جدید اندیشه ظرفیت‌های زیادی وجود دارد که به آنها رسیدگی خواهد شد. در هشتگرد، پرند و پردیس هم ظرفیت های باقی مانده ای وجود دارد که مورد رسیدگی قرار می گیرد.

گزارش خبرنگارما می افزاید: یکی از مهمترین انتظارات متقاضیان خرید مسکن در ماه های اخیر، افزایش قدرت خرید از محل بالارفتن میزان تسهیلات بانک مسکن است که وزیر راه و شهرسازی با این تقاضا مخالفت کرد و گفت: مطمئن هستیم اجرای این طرح تاثیرات منفی برای متقاضیان و جامعه هدف خواهد داشت. بنابراین هیچ برنامه ای برای افزایش سقف وام مسکن در دستور کار نداریم.

خبر دیگری در همین رابطه حاکیست، یک عضو هیأت مدیره شرکت بازآفرینی شهری دیروز درباره تسهیلات ساخت سالانه ۱۰۰ هزار واحد مسکونی در بافت فرسوده شهرها گفت: به دنبال جذب ۲۱۵۰ میلیارد تومان از محل منابع صندوق توسعه ملی برای اجرای طرح ملی بازآفرینی شهری هستیم.

مجید روستا گفت: این منابع باید در اختیار بانک‌های عامل قرار گیرد تا مردم بتوانند با استفاده از این منابع، در کلانشهرها ۵۰ و در سایر شهرها ۴۰ میلیون تومان تسهیلات با سود ۹ درصد دریافت کنند.

وی همچنین با بیان اینکه در تهران ۳۲۰۰ هکتار بافت فرسوده داریم که ۲۷۰ هزار واحد در این بافت‌ها قرار دارد، گفت: اگر بتوانیم از ظرفیت توسعه‌گران در این بخش استفاده کنیم، قطعا مشکلات برطرف و اهداف زودتر به نتیجه خواهد رسید.

عضو هیأت مدیره شرکت بازآفرینی شهری تاکید کرد: اگر بخواهیم به تمام ابعاد بازآفرینی شهری توجه کنیم، در یک سال شدنی نیست، چرا که به هرحال تسهیلات مورد نیاز و ابزارهای قانونی باید فراهم باشد.

وی ادامه داد: بازسازی سالانه ۲۷۰ محله کار یک سال نیست چرا که رویکرد محلات شهری از ابعاد مختلفی مانند کالبدی، محیط زیستی و مسکن برخوردار است و نباید این‌گونه تصور شود که می‌توانیم این مسائل را در بافت فرسوده یکساله حل کنیم.

روستا در مورد اینکه دولت قصد مداخله مستقیم در فرآیند بازآفرینی شهری را دارد، اظهار داشت: دولت قصد مداخله مستقیم در فرآیند بازآفرینی شهری را ندارد و هدف دولت استفاده از سرمایه‌های مردمی و بخش خصوصی در این زمینه است.

وی با اشاره به رشد مهاجرت روستاییان به شهرها به دلیل بروز پدیده خشکسالی، گفت: همه موارد و اقدامات در ایران با پول حل نمی‌شود، چرا که اگر نگاه‌ها تغییر کند به پول نیاز نخواهیم داشت، پس واقعیت آن است که همه چیز بازآفرینی شهری در کشور پول نیست، بلکه ابزار است.

از سوی دیگر، بر اساس گزارش دفتر برنامه ریزی و اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی، میانگین قیمت هر مترمربع آپارتمان در ماه گذشته نسبت به ماه مشابه سال قبل،۹۲ درصد و نسبت به آبان امسال ۵ درصد افزایش داشته است.بر اساس این گزارش، در ماه گذشته ۶۹۵۰ فقره معامله مسکن در شهر تهران به امضاء رسید و میانگین قیمت هر متر مربع واحد مسکونی در پایتخت ۹ میلیون و ۶۳۱ هزار تومان ثبت شده است.

با توجه به اینکه در آبان ۷۰۱۷ فقره معامله در تهران به ثبت رسیده بود، شاهد کاهش یک درصدی میزان معاملات در آذر هستیم. در زمینه قیمت هم در آبان میانگین قیمت هر متر مربع واحد مسکونی در پایتخت ۹ میلیون و ۱۸۵ هزار تومان بود که با این حساب، میانگین قیمت در آذر نسبت به آبان ۵ درصد افزایش داشته است.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۴۵/۵۹ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۵۳/۸۲ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۵۳/۹۲ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۵۵/۷۷ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۲۵۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۳۴۳۵۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۱۷۱۵۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۰۲۰۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۶۱۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۳۰۷۰۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۰۲۵۶/۷ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی)	۱۰۶۵۰ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۷۹۰/۵ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۱۷۶۸/۲ تومان
یورو(نرخ صرافی)	۱۱۷۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۳۰۸/۶ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۲۹۱۳/۳ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی)	۱۳۰۰۰ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۴۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۲۷۶۳/۱ تومان
درهم امارات (نرخ صرافی)	۲۷۸۰ تومان

دستیابی قوای مجریه و قضائیه به بانک‌های اطلاعاتی یکدیگر

قوه مجریه و قضائیه توافق کردند که به بانک های اطلاعاتی یکدیگر دستیابی داشته باشند.

به گزارش روابط عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، با امضای امیر ناظمی رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران و حجت الاسلام حمید شهریاری رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه، تفاهمنامه همکاری بین سازمان فناوری اطلاعات ایران به نمایندگی از وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه دیروز منعقد شد.

این تفاهمنامه برای تحقق اهداف سند چشم انداز ۲۰ساله و برنامه ششم توسعه به منظور تحقق برنامه های توسعه ای مصوبات شورای عالی فضای مجازی و مصوبات توسعه دولت الکترونیک به امضا رسید.

ایجاد شفافیت و استقرار دولت الکترونیک، عدالت الکترونیک و پیشگیری از جعل و تضمین صحت اسناد و قراردادهای رسمی و دستیابی قوه مجریه و قضاییه به بانک های اطلاعاتی از محورهای همکاری این تفاهمنامه است.

بر اساس این گزارش، ایجاد زیرساخت های لازم برای انجام استعلام هویت اشخاص حقیقی و حقوقی، تلاش برای تحقق کاهش مراجعه حضوری به دستگاه های اجرایی، همکاری در ایجاد امکان ثبت همه معاملات راجع به املاک و اراضی به صورت الکترونیک، تبادل الکترونیک اطلاعات و پاسخگویی الکترونیک و بر خط به استعلام های مورد نیاز مراجع قضایی و استقرار فضای مرکز داده به منظور استقرار تجهیزات مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه برای ارائه خدمات به شبکه ملی تبادل اطلاعات (NIX) از دیگر محورهای این تفاهمنامه است.

حذف پرداخت سود روزشمار سپرده های کوتاه‌مدت

بر اساس تصمیم جدید شورای پول و اعتبار، بانک‌ها دیگر اجازه پرداخت سود روزشمار به سپرده‌های کوتاه‌مدت را نخواهند داشت.

به گزارش تسنیم، بر اساس بخشنامه جدید بانک مرکزی که به شبکه بانکی کشور ابلاغ شده، از این پس بانک‌ها حق ندارند به سپرده‌های کوتاه‌مدت سود روزشمار پرداخت کنند و باید ضوابط جدید را برای پرداخت سود به این سپرده‌ها رعایت کنند.براساس مصوبه شورای پول و اعتبار، معیار پرداخت سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری عادی از روزشمار به ماه‌شمار تغییر می‌یابد. همچنین در این مصوبه تأکید شده که حداکثر نرخ سود علی‌الحساب برای سپرده‌های کوتاه‌مدت عادی ۱۰ درصد در سال است.

هدف اعضای شورای پول و اعتبار از تصویب این طرح کاهش فعالیت‌های سفته‌بازی بوده و بانک مرکزی معتقد است این طرح منافع خیلی از سوداگران را به خطر می‌اندازد. موضوع مهم دیگر در بخشنامه سودی بانک مرکزی این است که سود سپرده‌های کوتاه‌مدت فقط در صورتی باید به حساب سپرده‌گذار واریز شود که برداشتی از این حساب در طول ماه انجام نشده باشد.

قبلاً بانک‌ها حتی در صورت واریز و برداشت به حساب‌های کوتاه‌مدت، سود روزشمار را در پایان هر ماه به حساب سپرده گذاران پرداخت می‌کردند اما در این بخشنامه که برگرفته از تصمیم اخیر شورای پول و اعتبار است، تأکید شده که حداقل مبلغ مانده حساب در یک ماه برای محاسبه سود آن ماه در نظر گرفته شود.

بانک مرکزی البته در این بخشنامه هشدار داده که درصورت تخلف در پرداخت سود به سپرده های کوتاه مدت با آنها برخورد جدی خواهد شد.در بخشنامه بانک مرکزی به بانک ها آمده است که این بانک علاوه بر رصد عملکرد شبکه بانکی در این باره، نحوه عمل شرکت های پشتیبانی فناوری اطلاعات بانک ها و موسسات اعتباری را هم تحت پایش خواهد داشت و در صورت مشاهده و کشف هرگونه مغایرت یا هرگونه اقدامی که منجر به کتمان یا غیرواقعی جلوه دادن رویدادهای مالی شود، شرکت‌های مذکور در فهرست اشخاص فاقد شرایط و صلاحیت لازم برای همکاری با شبکه بانکی کشور قرار خواهند گرفت.

آغاز دور جدید صحت سنجی ترازوها در واحدهای صنفی

سازمان ملی استاندارد دور جدید صحت سنجی ترازو در واحدهای صنفی را آغاز کرد.

مانیا فرزان رئیس اداره اندازه شناسی اداره کل استاندارد استان تهران دیروز به خبرگزاری صدا و سیما گفت: طبق ماده ۸ اصلاح قوانین ملی استاندارد و بند ۷ ماده ۲۰ قانون مذکور وظیفه آزمون صحت سنجی دوره‌ای مورد استفاده در داد و ستد عمومی به عهده سازمان استاندارد است.

وی با اشاره به اینکه آزمایشگران اداره استاندارد با مراجعه به صنوف و بررسی صحت سنجی دستگاه‌های توزین به وسایل برچسب می‌زنند، ادامه داد: برابر آزمون و آزمایشی که انجام می‌شود قبلاً هزینه‌ای در نظر گرفته شده که مبلغ این هزینه ۲۷۲ هزار و ۵۰۰ ریال بوده است که با توجه به افزایش هزینه‌ها و رفاه حال اصناف و عموم مردم طبق دستور مدیرکل استاندارد استان تهران این هزینه فعلاً به ۱۶۰ هزار ریال کاهش یافته است.

فرزان اضافه کرد: فقط دستگاه‌هایی که برچسب مورد نظر استاندارد را دارد، قانونی است و غیر از آن دستگاه غیر قانونی بوده است.وی در پایان به صنوف هشدارداد تا در صورت مراجعه بازرسان و آزمایشگران سازمان استاندارد حتماً کارت شناسایی معتبر و معرفی نامه آن‌ها را رویت کنند و تنها با کسانی که این مدارک را همراه دارند، همکاری کنند.

حجم واردات پوشاک قاچاق به ۲/۴ میلیارد دلار رسید

جدیدترین برآوردهای رسمی نشان می دهد که حجم قاچاق پوشاک و منسوجات به کشور در سال به ۲/۴ میلیارد دلار رسیده است.

حمید رضا دهقانی‌نیا سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با بیان این مطلب به فارس گفت:حجم کل پوشاک مصرفی در کشور سالانه ۸ میلیارد دلار است که ۵/۶ میلیارد دلار از آن توسط تولید داخلی تأمین و حدود ۲/۴ میلیارد دلار مابقی به صورت قاچاقی وارد کشور می‌شود.

وی گفت: اکنون مجموع ارزش کل قاچاق ورودی و خروجی ایران به حدود ۱۲/۵ میلیارد دلار در سال رسیده که بخش عمده آن مربوط به خروج سوخت از کشور است.

به گفته سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، اگر طبق نرخ فوب خلیج‌فارس بهای هر لیتر سوخت را بطور متوسط ۵۰ سنت در نظر بگیریم، روزانه ۵/۵ تا ۶ میلیون دلار حامل‌های انرژی از کشور به خارج قاچاق می‌شود.

قیمت جدید خودرو هفته آینده تعیین خواهد شد

هنوز دو هفته از موافقت وزیر صنعت با افزایش بهای برخی خودروهای تولید داخل نگذشته است که با قیمت گذاری ستاد تنظیم بازار، قیمت جدید خودروهای پرفروش تا هفته آینده اعلام خواهد شد.

رضا رحمانی وزیر صنعت، معدن و تجارت در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دو سیما اعلام کرد: خودروسازان موظفند خودروهایی که با قیمت قطعی فروخته اند با همان قیمت واگذار کنند.

وی با اشاره به اینکه دو خودروساز اصلی کشور تنها مجوز پیش فروش ۳۰ درصد از ظرفیت تولیدشان را دریافت کرده اند، افزود: دو علت اصلی بدقولی خودروسازان در عمل به تعهداتشان مشکلات ورود قطعات از خارج و کاهش تولید خودرو بود.

وزیر صنعت با اشاره به بازار ۷۰ هزار میلیارد تومانی خودرو در کشور گفت: ۵۰۰ هزار نفر در ۲ هزار واحد صنعتی قطعه ساز در ۱۵ استان کشور در این صنعت مشغول به کار هستند.

وی افزود: چند ماه پیش تولید خودرو در کشور به شدت کاهش یافته بود و در وضع خطرناکی بودیم اما اکنون روند نزولی تولید خودرو کاهش یافته و شاهد افزایش تولید هستیم

رحمانی با اشاره به وجود ۱۳ هزار خودرو وارداتی در گمرک گفت: با هماهنگی های صورت گرفته با دستگاه قضایی این خودروها به زودی ترخیص می شود و به دست خریداران و مصرف کنندگان خواهد رسید.

وی افزود: تأثیر کاهش نرخ ارز در آینده خودش را نشان خواهد داد.

به گزارش ایسنا، به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت صنعت، معدن و تجارت (شاتا نیوز)، وزیر صنعت همچنین با بیان اینکه در سفر ترکیه در حوزه تعرفه ترجیحی پیشنهادات خوبی ارایه شد و ترکیه پذیرفت که مطابق تخفیف‌های اتحادیه اروپا نسبت به تامین نیازهای ما اقدام کند، افزود: در نظر داریم ۱۰میلیارد دلار مراوادات تجاری کنونی را به ۳۰میلیارد دلار برسانیم و این در حالی است که افزایش هر یک میلیارد دلار مراودات تجاری ۵۰هزار شغل جدید در کشور ایجاد می‌کند.

وی در ادامه درباره کاهش قیمت کالاهای اساسی مطابق با کاهش قیمت ارز گفت: وقتی ارز کنترل می‌شود با یک وقفه‌ای بازار خود را با آن وفق می‌دهد که بحثی روانی و اجتماعی دارد و از سوی دیگر، مواد اولیه تا در پروسه تولید به جریان افتد و عرضه شود بازه زمانی سه ماهه طول می‌کشد تا تبدیل به کالا و عرضه شود.

رحمانی با اشاره به نشست هفته گذشته خود با انجمن‌ها و تولیدکنندگان لوازم خانگی افزود: با کنترل ارز مردم توقع دارند قیمت‌ها کاهش یابد و تولیدکنندگان لوازم خانگی توافق کردند که قیمت ها را کاهش دهند و بر اساس پیگیری‌های انجام شده، در برخی اقلام که بیشتر وابسته به ارز بوده‌اند کاهش محسوس‌تری داشته‌ایم.

وی با اشاره به اینکه در مورد کالاهای اساسی از آنجا که دولت با ارز ۴۲۰۰تومانی این کالاها را تامین می‌کند دلیل منطقی برای افزایش قیمت وجود ندارد و گروه یک کالایی نباید هیچ تاثیری از نوسان ارز داشته باشند، افزود: دکتر روحانی هم به این مساله حساس است و در جلسات ستاد اقتصادی در این زمینه از ما سوال می‌کند. البته مسئولیت تامین کالاهای اساسی با وزارت جهاد کشاورزی است و حوزه کنترل اصناف و بازار در حیطه اختیارات و وظایف ما است و این در حالی است که در حوزه تامین مشکلی وجود ندارد. هر چند در زنجیره توزیع مشکلاتی هست و به دست مصرف‌کنندگان نمی‌رسد و از این رو تصمیم به بازنگری در فرآیند توزیع این کالاها گرفتیم و سعی می‌کنیم کنترل‌ها را تشدید کنیم.

وزیر صنعت با اشاره به اینکه در هشت ماهه امسال مجموع بازرسی‌های حوزه اصناف بیش از ۲ میلیون مورد بوده و این بدان معناست که بازار رها شده نیست، افزود: در این زمینه وزارت جهاد کشاورزی مکلف به ارایه طرحی برای چگونگی توزیع شد و بر این اساس سعی داریم از رسیدن کالا به دست مصرف‌کننده واقعی مطمئن شویم.

رحمانی یادآور شد: در مورد قیمت مرغ در ستاد تنظیم بازار توافق شد که بازار از لحاظ عرضه و قیمت تنظیم شود و با توجه به افزایش هزینه‌های حمل و نقل و نهاده‌ها، وزارت جهاد کشاورزی اقدام به عرضه ذخایر خود کرده است.وزیر صنعت از روند کاهشی قیمت موبایل هم خبر داد و افزود: روند کاهشی با ورود گوشی‌های ثبت سفارش شده جدید ادامه دارد و بر بازار شب عید تاثیر مثبت خواهد گذاشت.

وی تصریح کرد: قیمت‌گذاری خودروهای غیرمشمول شورای رقابت به عنوان فروش فوری آغاز شده و طرح این بوده که با توجه به تفاوت فاحش قیمت با بازار آزاد برای پایین آوردن قیمت خودرو، ابتدا کمتر از ۱۰درصد خودرو تولیدی با ۵درصد زیر قیمت بازار آزاد و در مرحله بعد ۱۰درصد زیر قیمت بازار عرضه و قیمت‌شکنی شود و این به شرط تولید و عرضه زیاد است.

خبر دیگری حاکیست: وزیر صنعت دیروز درنشست هم فکری و هم اندیشی با اعضای هیأت رئیسه کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی گفت: دولت از ابتدای سال تاکنون ۱۴ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی اختصاص داده و برای سال بعد هم این تخصیص ادامه خواهد داشت.

رحمانی با اشاره به مشکلات بخش خودرو افزود: ساختار خودروسازی کشور تا دو سال آینده اصلاح می‌شود و تولید هم در حال اصلاح است و مقرر شده که خودروسازان اموال غیر تولیدی شان را به فروش برسانند تا بخشی از نقدینگی تامین شود.

درخواست بخش خصوصی برای تصویب قانون جامع شفافیت

قانون جامع شفافیت، گمشده نظام اداری و اقتصادی است که با تصویب آن می‌توان قدم‌های بعدی را در زمینه شفافیت برداشت.

غلامحسین شافعی رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران دیروز ضمن اعلام این مطلب و با اشاره به اقدام دولت مبنی بر تهیه لایحه جامع شفافیت که قرار است پس از تصویب در هیأت وزیران در اختیار نمایندگان مجلس قرار گیرد، افزود: ایجاد شفافیت در صحنه اقتصادی موجب تقویت تولید و توقف واسطه‌گری‌های مالی در کشور می‌شود.

وی، تلاش برای ایجاد شفافیت را اقدامی ستودنی توصیف کرد و گفت: شفافیت از کمبودهای جدی کشور در همه حوزه‌ها از جمله بخش‌های اداری و اقتصادی است؛ بنابراین لازم است در این بخش کار جدی انجام شود.شافعی اضافه کرد: برای بالا بردن سطح اطمینان و اعتماد در سطح جامعه و قابل پیش‌بینی کردن اقتصاد که از جمله نیازهای سرمایه‌گذاری به شمار می‌آید، شفافیت نقش بسزایی دارد.

وی افزود: ایجاد شفافیت موجب می‌شود رانت جویی و واسطه‌گری‌های مالی کم‌رنگ شده و تولید جایگاه اصلی خود را پیدا کند. در چنین شرایطی هم دولت به اهداف توسعه‌ای خود می‌رسد و هم درآمدهای بادآورده که عامل بازدارنده تولید است، از بین می‌رود.

رئیس اتاق ایران در پاسخ به این سوال که وضعیت شفافیت امروز کشور ناشی از خلاء قانونی است یا اجرایی نشدن قوانین موجود، گفت: به نظر می‌رسد هردو مسئله وجود دارد. بخش‌هایی از اقتصاد به دلیل نبود قانون دچار ابهام هستند و بخش‌هایی هم به دلیل بی‌توجهی به قوانین موجود دچار مشکل شده‌اند.

به‌اعتقادوی، یکی از گرفتاری‌های امروز کشور، قانون‌گریزی آن هم از سوی مجریان و دستگاه‌های مسئول است. فرار از اجرای قانون ضایعه‌ای بزرگ برای فعالیت بخش خصوصی و امنیت اقتصادی کشور به شمار می‌آید. زمانی که خود دولت به عنوان مجری قوانین و مقررات، قانون را زیر پا می‌گذارد چگونه می‌توان انتظار داشت مردم برای آن احترامی قائل باشند.

شافعی با اشاره به عملکرد دستگاه‌های نظارتی و لزوم تجدیدنظر در روند فعالیت این نهادها، گفت: در این مورد دو مسئله وجود دارد؛ سازمان‌های نظارتی به دلیل نظارت‌های شدید و نوع برخوردی که با پرونده‌ها دارند، قدرت ریسک را از مدیران اجرائی کشور می‌گیرند. همان‌طور که می‌دانیم امروز با شرایط ویژه و حساسی مواجهه هستیم، به طور حتم مدیریت این شرایط می‌طلبد که تصمیم‌های خاص و ویژه‌ای هم اتخاذ شود. زمانی که مدیر بخش‌های مختلف کشور از برخوردها و عواقب ناشی از تصمیماتی که می‌گیرند، نگران باشند، قدرت ریسک‌پذیری خود را از دست می‌دهند و بدین ترتیب حرکت برخی از بخش‌های اقتصادی کند می‌شود.

وی مسئله دوم را سوق پیدا کردن بعضی از بخش‌ها به سمت فعالیت‌های خلاف قانون دانست و تأکید کرد: وقتی فشارها افزایش پیدا کند و نظارت‌ها به گونه‌ای درست و منطقی انجام نشود، بی‌توجهی به بندهای قانون هم بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد برای سامان دادن به این وضعیت باید تدابیر تازه‌ای اندیشید.

واریز بخشی از بودجه ۵۰۰ میلیون یورویی صندوق توسعه برای نظام سلامت

معاون امورعلمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور گفت: نخستین بخش ریالی از مبلغ ۵۰۰ میلیون یورو دریافتی از صندوق توسعه ملی برای پرداخت بدهی دارو، تجهیزات پزشکی و سایر بدهی‌های نظام سلامت واریز شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه کشور، سعید نمکی درباره مبلغ ۵۰۰ میلیون یورو که با موافقت رهبر معظم انقلاب از صندوق توسعه ملی برای پرداخت بدهی‌های نظام سلامت در نظر گرفته شده است، افزود: روز اول دی اولین تخصیص به مبلغ ۲ هزار و ۶۴۰ میلیارد تومان برای سازمان بیمه سلامت در نظر گرفته شد و این مبلغ به حساب این سازمان واریز شد.معاون سازمان برنامه و بودجه کشور درباره رشد بودجه حوزه سلامت برای سال ۹۸ اظهار داشت: بودجه حوزه سلامت برای سال ۹۸ حدود ۳۶ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است. بودجه امسال این حوزه حدود ۳۱ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بود.وی با اشاره به اینکه بودجه امسال سازمان بیمه سلامت حداقل ۱۲ درصد رشد داشته است، درباره بودجه‌های عمرانی نظام سلامت گفت: تلاش شده که بودجه‌های عمرانی حوزه سلامت معادل سال ۹۷ حفظ شود؛ البته قصد داریم در حوزه عمرانی نظام سلامت با مشارکت بخش خصوصی و واگذاری پروژه‌هایی که قابلیت واگذاری دارد به بخش خصوصی، در روند اتمام پروژه‌ها تسریع ایجاد شود.

وی گفت: تغییراتی که قرار بود در بودجه سال ۹۸ انجام شود، چندان شامل حوزه سلامت نشد زیرا حوزه سلامت روند کاملا مشخص و قابل پیش‌بینی دارد و مسائلی مانند افزایش حقوق برای پرسنل و البته برنامه‌های طرح تحول سلامت پیش‌بینی شده همچنین رشد معقول بودجه برای برنامه‌های طرح تحول سلامت هم در نظر گرفته شده است.

معاون امور علمی، فرهنگی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه کشور افزود: درباره دارو هم تلاش شد برای داروهای وارداتی و داروهای تولید داخل رشد بودجه منطقی را در نظر بگیریم. در مورد سایر بخش‌ها هم رشد معقولی در نظر گرفته شده که هم تورم زا نباشد و هم فعالیت نظام سلامت را با مشکل مواجه نکند و هزینه‌های کمرشکن بر دوش مردم تحمیل نشود.

لایحه بودجه ۹۸ احتمالا فردا تقدیم مجلس می شود

در حال حاضر لایحه بودجه آماده شده و احتمال دارد سه‌شنبه به مجلس ارائه شود اما باید میان مجلس و رئیس جمهوری در مورد زمان قطعی آن هماهنگی صورت بگیرد.

مژگان خانلو سخنگوی جدید ستاد بودجه سازمان برنامه و بودجه کشور در گفتگو با فارس درمورد وضع اجرای رهنمودها و توصیه‌های مقام معظم رهبری در لایحه دخل و خرج سال آینده، گفت: تمامی رهنمودها و توصیه‌هایی که مدنظر بود در نسخه نهایی لایحه پیش‌بینی شده است.

وی در پاسخ به این سوال که گفته شد نگاه لایحه بودجه سال ۹۸ دو سالانه است،بیان کرد: منظور از این موضوع این نیست که ارقام پیش‌بینی شده در این سند دو ساله در نظر گرفته شده باشد بلکه طبق قانون، پیش‌بینی یکساله خواهد بود؛البته در بخش اصلاحات ساختاری بویژه درآمدها، هزینه‌ها، کوچک‌سازی و هدفمندی یارانه‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دوساله هستیم که در نظر گرفته شد.

سخنگوی ستاد بودجه سازمان برنامه و بودجه درمورد اینکه طبق تبصره ۱۹ بودجه سال ۹۷ قرار بود مشارکت عمومی- خصوصی برای واگذاری طرح‌های عمرانی صورت بگیرد چرا تاکنون عملکردی نداشته است، گفت: این تبصره نیازمند ظرفیت‌سازی و ایجاد بستر است. در حال حاضر آیین‌نامه و دستورالعمل‌آن تهیه و مجوزها اخذ شده است. همچنین بخش خصوصی نسبت به این طرح‌ها ناآگاهی داشته که نیاز به اطلاع‌رسانی شفاف داشت.

وی تاکید کرد: نقطه شروع واگذاری طرح‌ها، دستگاه‌های اجرایی هستند و اگر نخواهند امکان واگذاری وجود ندارد و هیچکس نمی‌تواند کاری انجام دهد؛ بنابراین به ایجاد انگیزه و زبان مشترک نیاز است.

خانلو در پاسخ به این سوال که مدیران دولتی علاقمند به واگذاری‌ها نیستند، تصریح کرد: قطعا تخصیص اعتبارات این طرح‌ها را محدود می‌کنیم و البته در لایحه و پیوست‌ها اسامی طرح‌هایی که باید در مشارکت عمومی- خصوصی واگذار شود، مشخص خواهد شد. همچنین ابزارهای تنبیهی را به کار می‌گیریم در حال حاضر وزرا همایش گذاشته و از طرح‌های قابل واگذاری رونمایی کردند روند کار رو به رشد است و امیدواریم سال آینده عملکرد بهتری در این زمینه وجود داشته باشد.

وی درمورد کاهشی یا افزایشی بودن بودجه سلامت در لایحه بودجه سال ۹۸ گفت: بودجه بخش سلامت در سال آینده کاهش نیافته است. همچنین طبق قانون برنامه ششم سهم ۱۰ درصدی از منابع هدفمندی دارد.

لازم به ذکر است که خانم مژگان خانلو دیروز به سمت سخنگوی ستاد بودجه سازمان برنامه و بودجه منصوب شد.

نابسامانی قیمت در بازار مواد پروتئینی

قیمت انواع گوشت در بازار ظرف یک هفته اخیر دستخوش تحولات جدیدی شده که فضای سودجویی را برای سوداگران فراهم کرده است.

به گزارش خبرنگارما، بهای هر کیلو گوشت مرغ در تهران که اوایل هفته گذشته حدود ۹ هزار تومان بود، دیروز به ۱۴ هزار و ۳۰۰ تومان رسید، این رقم بالاترین نرخ ثبت شده برای این نوع محصول در سالهای اخیر است.

مرغ فروشان کمبود گوشت مرغ در بازار را عامل گرانی اخیر می دانند و معتقدند که افزایش قیمت هیچ ارتباطی به نحوه عرضه آن ندارد.

یوسفخانی رئیس اتحادیه فروشندگان پرنده و ماهی دیروز به خبرگزاری صدا و سیما گفت:علت افزایش بی سابقه قیمت مرغ، کاهش تولید و سود جویی تولید کنندگان مرغ زنده از شرایط فعلی است.

وی با بیان اینکه هم اکنون ۴۰ درصد سالن‌های تولید مرغ گوشتی خالی است، گفت: سالن‌هایی که یک ماه و نیم گذشته جوجه ریزی کرده‌اند، اکنون با توجه به کاهش حجم تولید، مرغ زنده را با قیمت دلخواه عرضه می‌کنند که این روند برای جبران خسارات دوره‌های گذشته است.

محمد یوسفی رئیس انجمن پروش دهندگان مرغ گوشتی هم دیروز به ایرنا گفت: با توجه به هزینه‌های تمام شده تولید قیمت منطقی مرغ زنده هشت هزار تومان و گوشت مرغ برای مصرف کنندگان ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان است؛ بنابراین عرضه این محصول با قیمت هایی بیش از آن اجحاف به حقوق مصرف کنندگان به شمار می رود.

یوسفی اظهارداشت: با نزدیک شدن به ایام نوروز از ابتدای دی تا پایان بهمن جوجه ریزی افزایش می‌یابد که با جوجه ریزی جدید و افزایش عرضه مرغ های گوشتی به بازار به نظر می رسد ظرف هفته آتی قیمت این محصول کاهش مناسبی پیدا کند.

گزارش خبرنگارما می افزاید قیمت گوشت گوسفندی هم در سطح بازار به هرکیلو ۷۲ هزار تومان و هرکیلو گوشت گوساله با قلوه‌گاه به ۷۰ هزار تومان رسیده که یک رکورد جدید برای این نوع مواد پروتئینی محسوب می شود.

دیروز میادین میوه و تربار تهران در سطح محدود گوشت راسته بی استخوان ممتاز گوسفندی را به قیمت هرکیلو ۶۱ هزار و ۳۰۰ تومان و گوشت فیله گوسفندی را به قیمت هرکیلو ۶۷ هزار و ۵۰۰ تومان عرضه کردند که کمک چندانی به جلوگیری از رشد قیمت گوشت در بازار نکرد.

این گزارش می افزاید: دیروز قیمت هر کیلو ماهی قزل آلای پرورشی که هفته قبل حدود ۲۸ هزارتومان بود به ۳۲ هزارتومان و قیمت هر شانه ۲ کیلوگرمی تخم مرغ که هفته قبل حدود ۲۳ هزار تومان بود به ۲۵ هزار تومان رسید.

تکذیب تحریم پروازهای ماهان به آلمان

پروازهای شرکت هواپیمایی ماهان به آلمان بدون تغییر همچنان در حال انجام است و هیچ گزارشی از تحریم این شرکت هواپیمایی دریافت نشده است.

رضا جعفرزاده مدیر روابط عمومی سازمان هواپیمایی کشوری دیروز با بیان این مطلب گفت: هواپیمایی ماهان ۱۵ سال است که به آلمان پرواز دارد و اخیراً حتی قرارداد ۶ ماهه پروازهای زمستانی با آلمان منعقد کرده که این پروازها در حال انجام است.

یک روزنامه آلمانی روز جمعه مدعی شد کشور آلمان پروازهای ورودی و خروجی هواپیمایی ماهان را به این کشور ممنوع کرده است.

به ادعای روزنامه بیلد، دولت آلمان پس از بررسی دقیق درخواست‌های آمریکا تصمیم گرفته است مانع پروازهای ماهان‌ایر به دوسلدورف و مونیخ شود.

تبدیل منطقه ویژه اقتصادی پارسیان به هاب سوم پتروشیمی

مدیرعامل جدید شرکت ملی صنایع پتروشیمی از تبدیل منطقه ویژه اقتصادی پارسیان به هاب سوم پتروشیمی کشور خبر داد.

بهزاد محمدی دیروز پس از بازدید از منطقه ویژه اقتصادی پارسیان گفت: محاسن قابل توجه این منطقه و پیشرفت های چشمگیر زیر ساختی آن ما را متقاعد کرد که اینجا به عنوان قطب جدید این صنعت و در واقع هاب سوم پتروشیمی کشور باشد.

وی همچنین با حضور در اسکله در حال احداث فاز اول بندر پارسیان از نزدیک در جریان چگونگی روند ساخت این بندر قرار گرفت.

مدیرعامل جدید شرکت ملی صنایع پتروشیمی ادامه داد: ما در وزارت نفت و در بخش پتروشیمی به دنبال ایجاد کانون های منطقه ای در صنعت پتروشیمی هستیم که ماهشهر و عسلویه به عنوان اولین و دومین هاب پتروشیمی کشور انتخاب شده اند و اکنون به دنبال ایجاد هاب سوم در این حوزه هستیم تا بتوانیم حمایت های ویژه ای را در آن متمرکز کنیم.

وی اضافه کرد: با توجه به نزدیکی منطقه ویژه اقتصادی پارسیان به عسلویه و مجاورت با خط انتقال خوراک پتروشیمی از سویی و زیر ساخت های امیدوارکننده‌ای همچون بندر پارسیان و مجوز های خوب اخذ شده در این منطقه از سوی دیگر می توان امیدوار بود در آینده ای نزدیک این منطقه به عنوان قطب صنایع پتروشیمی فعالیت کند.

معاون وزیر نفت همچنین با اشاره به مصوبات کارگروه مشترک NPC و ایمیدرو افزود: ما باید در مجموعه وزارت نفت اشتراک نظر لازم را برای تعامل مشترک ایجاد کنیم و من حتما به زودی با وزیر نفت در این باره صحبت خواهم کرد تا بتوانیم با یک همکاری نزدیک و مشترک و تمرکز روی طرح جامع توسعه منطقه در حوزه‌های مختلفی از جمله تامین خوراک کمک های لازم را به این منطقه انجام داده و به یک اجماع مناسب برای توسعه همه جانبه این منطقه ویژه اقتصادی برسیم.

فروش بلیت قطارهای بهمن و اسفند از فردا

فروش بلیت قطارهای مسافری مربوط به ماه‌های بهمن و اسفند ۹۷ از فردا آغاز خواهد شد.

به گزارش روابط عمومی راه‌آهن جمهوری اسلامی ایران، پیش فروش بلیت قطارهای مسافری حد فاصل اول بهمن تا ۲۳ اسفند ۹۷، از ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه چهارم دی به صورت همزمان از طریق مراکز مجاز فروش بلیت قطار در سراسر کشور و از طریق اینترنتی انجام خواهد شد.

هموطنان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به صورت شبانه‌روزی با سامانه صدای مسافر راه‌آهن با شماره تلفن ۵۱۴۹ تماس بگیرند یا به پایگاه اینترنتی www. rai.ir مراجعه کنند.

رییس دانشگاه خاتم در کنفرانس گروه مهندسان مالی و بیم‌سنجی ایران

وجود مبنای علمی برای مدل‌ها، اجتناب‌ناپذیر است

مراسم افتتاحیه پنجمین دوره کنفرانس گروه مهندسان مالی و بیم‌سنجی ایران، در تاریخ ۲ دی در محل دانشگاه خاتم و با حضور جمعی از فعالان عرصه مالی و بانکی، استادان و پژوهشگران برگزار شد.

به گزارش روابط‌عمومی بانک پاسارگاد، در این مراسم دکتر مجید قاسمی رییس دانشگاه خاتم ضمن اشاره به مقام والای پروفسور حسابی و نگاه عمیق ایشان به انواع علوم گفت: رابطه بین استاد و دانشجو باید یک رابطه کاملاً دوستانه، متعامل و متقابل باشد. ما نظریه‌های اقتصادی بسیاری داریم که در نتیجه رابطه استاد و دانشجو تبیین و همه‌گیر شده‌اند.

وی ادامه داد: ما دانشجویان و فارغ التحصیلان نخبه و خوبی داریم، اما در همان رشته‌هایی که این عزیزان فارغ‌التحصیل شده‌اند مشاغل خالی بسیاری هم وجود دارد. علت این ناهماهنگی این است که حوزه دانشگاهی ما نمی تواند باعث ایجاد مهارت شود. وی در ادامه ضمن تأکید بر اهمیت علم فلسفه به‌عنوان علم پایه افزود: باید توجه داشته‌باشیم که در اقتصاد نباید به‌طور مطلق نگاه کمی و مقداری داشته‌باشیم. این بزرگ‌ترین اشتباه یک متخصص است و همیشه جواب نمی‌دهد. هر مدلی باید مبنای تئوری و نظری داشته‌باشد. حتی در بحث‌های مالی هم مبنای نظری بسیار مهم است. در هر مدلی رابطه‌ی بین تابع و متغیر باید یک مبنای علمی داشته‌باشد.

دکتر قاسمی همچنین در خصوص تعریف و حوزه‌های مهندسی مالی، انواع رویکردهای مدلسازی، لزوم توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حوزه مالی و بانکی، لزوم انجام پژوهش‌های دانشگاهی در زمینه علوم مالی با همکاری پژوهشگران اقتصادی و ... صحبت کرد.

گفتنی است کنفرانس گروه مهندسان مالی و بیم‌سنجی ایران از یکم تا چهارم دی‌ماه در محل دانشگاه خاتم و با تشکیل کارگاه‌های مهمی با موضوعاتی از قبیل تعامل ریاضیات مالی و بخش انرژی، مبانی یادگیری ماشینی در مالی و بیمه، آشنایی با سامانه معاملات الگوریتمی، کمی‌سازی ریسک اعتباری با یادگیری ماشینی و عمیق، فین‌تک و آینده خدمات مالی برگزار می‌شود.

ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی

بخش اول

نشست تخصصی «بررسی طرح ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی» با حضور محمد سلطانی‌فر معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، اکبر نصراللهی رئیس دانشکده ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، مهرداد نوابخش استاد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، باقر انصاری استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی در دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها برگزار شد.

به گزارش شفقنا رسانه، محمد سلطانی‌فر در ابتدای این نشست با تاکید بر اهمیت این موضوع برای اهالی رسانه توضیح داد: ما به عنوان دولت احساس مان این است که نباید از کنار چنین مسائل مهمی به راحتی رد شد و نسبت به آن بی تفاوت بود نپرداختن به این موضوع و سکوت ما ممکن است تبعاتی را در پی داشته باشد. به خاطر همین برگزاری چنین جلسه‌ای با این سرعت (هر چند ما در واکنش نسبت به این موضوع و اتفاقاتی که در حوزه فناوری و فضای مجازی می‌افتد خیلی دیر عمل کردیم مثلاً آقای رشیدپور در برنامه خود حدود ۱۰دقیقه درباره این طرح و ماده ۲۹صحبت کرد). این طرح که قرار است در مجلس تصویب شود،هدفش این است که از حریم خصوصی، امنیت ملی،حقوق شهروندی، فرهنگ عمومی صیانت کند هر چند همه ما نسبت به این قضیه دغدغه داریم و هیچکس نمی‌تواند نسبت به لغو شدن و نقض حریم خصوصی و امنیت ملی اش بی تفاوت باشد.

نگاه سلبی داریم تا ایجابی

معاون مطبوعاتی ادامه داد: اما تفاوت نگاه‌ها و دیدگاه‌ها به این برمی گردد که ما از چه زاویه‌ای می‌خواهیم به این مسئله نگاه کنیم مخصوصاً در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نوع دید بسیار متفاوت است.چرا که برخی اوقات، ما می‌خواهیم با محدودیت کامل از حریم خصوصی و فرهنگ ملی صیانت کنیم ولی گاهی اوقات می گوییم همه جا همینطور است و همه جای دنیا نسبت به هر چیزی که در فضای مجازی اتفاق می‌افتد نگران است اما نوع برخورد دنیا با فضای مجازی مثل ما متفاوت است.به نظرم ما بیشتر نگاه سلبی داریم تا ایجابی.

او با اشاره به ضرورت به چالش کشیدن این موضوع توسط اهالی رسانه بیان کرد: نظر شخصی من به عنوان فعال رسانه‌ای این است که در برخورد با پیام رسان‌های اجتماعی نگاه ایجابی داشته باشیم نه سلبی. متاسفانه طبق تجربه‌هایی که داشته‌ایم ما بیشتر نگاه سلبی داشته‌ایم وقتی ماده‌های این طرح را نگاه می‌کردم یاد قانون برخورد با ماهواره افتادم و همگی شاهد بودیم بعد از آن قانون چه اتفاق‌هایی افتاد و در حال حاضر پشت بامی نیست که بر روی آن ماهواره نباشد به خاطر همین فکر می‌کنم این لایحه می‌خواهد قانونی را برای ما تدوین کند که بعد از مدتی لغو و مورد تمسخر قرار گیرد.

سلطانی‌فر افزود: خبری منتشر شده بود که در ابتدای مطرح کردن این طرح در مجلس چند نفر از نمایندگان اصول گرا و اصلاح طلب این لایحه را امضا کرده‌اند به نظرم اینجا منفعت ملی مطرح است و من هم نمی‌خواهم از گرایش فکری خاصی برای این لایحه صحبت کنم چرا که مصلحت ملی در این ماجرا اهمیت دارد این لایحه بیشتر به حدود توجه کرده تا حقوق و به نگاه سلبی تاکید داشته تا ایجابی. ما حتما باید بند بند این لایحه را به چالش بکشیم و دوستان و همکاران کمک کنند که با دید حقوقی و ایجابی این لایحه را بررسی و به چالش بکشیم.

حساسیت در فضای مجازی

سلطانی‌فر با تاکید بر نگاه ایجابی به این لایحه توضیح داد: آنچه در حال شکل‌گیری است ما را بر آن داشته که در چنین جلسه‌ای گرد آییم و از همینجا اعلام کنیم که پیام ما به عنوان کارشناسان رسانه به نمایندگان مجلس این است که،آمادگی دادن هر گونه مشورت در این حوزه را داریم ما این آمادگی را داریم که اگر قرار است چنین طرح‌هایی قبل از اینکه به امضا برسد در خدمت آنان باشیم. هر چند خوشبختانه چند تن از نمایندگان اصول گرا و اصلاح طلب امضای خود را پس گرفتند و این حساسیت و دغدغه را برای ما بیشتر می کند تا به آنها مشاوره بدهیم هر چند مطمئنم اگر نمایندگان مجلس هم با همان عینک حقوقی که بنده اشاره کردم به این لایحه نگاه می‌کردند آن را امضا نمی‌کردند دوباره تاکید می‌کنم نسل آینده و ما نسبت به آنچه در فضای مجازی اتفاق می‌افتد بی تفاوت نخواهیم بود قطعا بدانید آنچه در حال شکل گیری است ما با حساسیت از کنار آن عبور می‌کنیم و حرف و نظر کارشناسانه خود را ارائه می‌دهیم.

او ادامه داد: خواهش من این است اصلا با نگاه جناحی به این موضوع نگاه نکنید باید به این مسأله فرا جناحی نگاه کرد و اجازه دهیم مسأله حقوق بیشتر در آن دیده شود تا مسأله حدودی که در حال حاضر بر آن حکم فرماست.چند ماه پیش میزبان معاون رسانه‌ای کشور روسیه بودیم ایشان اشاره کرد که ما در برخورد با تلگرام همین کاری را کردیم که شما کردید یعنی اول به این شبکه تذکر دادیم که خیلی از چیزها را در اختیار ما قرار دهد و بعد وقتی دورف قبول نکرد ما هم تلگرام را بستیم و کنترل کردیم برای همین خواهشم از نمایندگان مجلس این است که اجازه ندهیم اتفاقاتی خارج از ساختار تکنیکی و فنی و همچنین رسانه‌ای اتفاق بیافتد که حیثیت نمایندگان و قوانینی که قرار است تصویب شود، خدشه‌دار شود.

رویکرد سنتی، انفعالی و سلبی

اکبر نصراللهی، رئیس دانشکده ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی سخنران بعدی این نشست بود که با اشاره به واژه‌های بیان‌شده در مقدمه طرح ساماندهی پیام رسان‌های اجتماعی گفت: در مقدمه این طرح حرف‌های خیلی خوبی همچون ضرورت ساماندهی، نظارت، حمایت از ظرفیت‌های داخلی، اعتمادسازی، صیانت از حقوق شهروندی، حریم خصوصی، فرهنگ عمومی، امنیت ملی و... زده شده است. من فکر می‌کنم این‌ها واژه‌های خوبی هستند و لازم است تا ارکان حاکمیت هم این‌ها را فراهم کند. حتی مطالبه مردم، رسانه‌ها و بخش‌های مختلف این است که چرا الان به فکر ساماندهی افتاده‌اید؟ چرا قبل از اینکه این اتفاقات نیفتد به فکرش نبودید؟ به عبارتی هم باید از این اقدام تشکر کرد و هم اینکه باید انتقاد کرد چرا دیرهنگام بوده است؟

او ادامه داد: همین الان هم شاهد برگشت خبرگزاری‌ها و بخش‌های مختلف دولت و حاکمیت به تلگرام و در واقع شکست پروژه فیلترینگ هستیم. اگر چه ما مجبور به برگشت شدیم و نباید عرصه را برای دشمن خالی بگذاریم ولی در هر صورت نباید حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی فراموش شود و این حمایت نه در شعار و گفتار بلکه باید در عمل باشد.

نصراللهی با اشاره به نکات بیان شده در داخل متن این طرح و نقض اهداف آن توضیح داد: اگرچه در مقدمه این طرح اهداف خوبی مطرح‌شده‌اند ولی وقتی به داخل متن می‌رویم این اهداف را نقض می‌کند و بیشتر به اعتماد زدایی تشویق می‌کند. از طرفی آن‌قدر سرعت تکنولوژی و تحولات زیاد شده که لازم است تا نگاه موجود درباره قانون‌گذاری با تغییر رویکرد و راهبرد صورت گیرد. در سونامی ایجاد پیام‌رسان‌ها و تکنولوژی‌های ارتباطی آیا می‌شود که قانون‌گذاری به شیوه گذشته ادامه داشته باشد؟ به عقیده من این کار امکان ندارد. به عبارتی در بحث اهداف علم که سطح اول توصیف، سطح دوم تبیین، سطح سوم پیش‌بینی و سطح چهارم مداخله است باید ابتدا به دو مرحله اول اشراف داشته باشند و بعد پیش‌بینی کنند با چنین سرعتی که تکنولوژی پیش می‌رود در آینده با چه چیزی مواجه هستیم تا قبل از اینکه فلان پیام‌رسان مردم، امنیت ملی و... را دچار چالش کند قوانینی کلی و ناظر بر روندهای آینده وضع کنند نه اینکه آن را ممنوع کنند.

او در ادامه به بیان نکاتی درباره مواجهه با تکنولوژی‌های ارتباطی از جمله پیام‌رسان‌ها پرداخت و گفت: در اینجا سه نکته مهم و قابل ذکر است. نکته اول راهبردها و رویکردها است. در همین طرح ساماندهی پیام‌رسان‌ها رویکرد کاملاً سنتی و راهبرد هم کاملاً انفعالی و واکنشی است و این رویکرد و راهبرد را ما در همه تکنولوژی‌های ارتباطی داشتیم. به عقیده من رویکردها باید تغییر پیدا کند به عبارتی لازم است تا رویکردها تعاملی و راهبردها هم فعال و فوق فعال باشند. اگر این رویکرد و راهبرد تغییر پیدا کند آن‌وقت این طرح ساماندهی، مواد و محتوای آن به گونه‌ای دیگر می‌شود.

نصراللهی افزود: اینکه گفته می‌شود باید مجوز گرفته شود، امکان‌پذیر نیست. به عبارتی با این حجم از اقبال مردم، داده‌ها، نیازها، گرایش‌ها، جهت‌گیری و حجم مبادله پیام‌های مردم گرفتن مجوز امکان‌پذیر نیست و این به راهبرد و رویکرد ما برمی‌گردد که دارای اشکال است. نکته دوم بحث نوع مواجهه است. در این طرح نوع مواجهه سلبی، محدودکننده و یک‌طرفه است که این هم باید تغییر پیدا کند.

او ادامه داد: مسئله بعدی بحث زمان مواجهه است که به عقیده من دیرهنگام است. درباره فیلترینگ تلگرام هم همین اتفاق افتاد. فیلترینگ در همه جای دنیا وجود دارد و حاکمیت هم باید حساسیت‌هایی در این باره داشته باشد. اینکه ما اجازه دهیم تلگرام جزء زندگی مردم شود، در همه سطوح نفوذ پیدا کند و بعد هم بخواهیم به شکل دستوری به مردم بگوییم از فلان پیام‌رسان به فلان پیام‌رسان بروید قابل‌پذیرش نیست و مردم قبول نمی‌کنند. متأسفانه دیدیم که نظام تمام تخم‌مرغ‌هایش را در سبد پیام‌رسان‌هایی گذاشت که متأسفانه راستی آزمایی نشده بودند، با شعار پیش می‌رفتند و ادعای بی‌اساسی داشتند. درمجموع نظام ضرر کرد و تعدادی در اینجا سود بردند.

نگاه سیاسی و امنیتی

نصراللهی در ادامه به بیان اشکالات واردشده به طرح ساماندهی پیام‌رسان‌ها پرداخت و گفت: یکی از این اشکالات غلبه نگاه سیاسی و امنیتی است. به عبارتی این نگاه هم در ترکیب هیأت نظارت و هم در مجازات‌های مختلفی که در ماده ۲۷ تا ۳۳ به‌صراحت ذکر شده وجود دارد. از ۱۳ عضو هیأت نظارت سه نفر فنی، ۵ نفر فرهنگی و ۵ نفر سیاسی هستند. از این سیاسی‌ها هم ۳ نفر کاملاً نظامی هستند. این ترکیب نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها، مجوز دادن‌ها و... نگاه کارشناسی، دانشگاهی و حرفه‌ای داشته باشد.

او ادامه داد: قوانین متعددی در بحث جرائم رایانه‌ای، تجارت الکترونیکی، شورای عالی فضای مجازی، قانون مطبوعات و... وجود دارد. اگر در این بحث‌ها هم دقت کرده باشید می‌توان مواردی پیدا کرد که با همان قانون برخی از ماجراها را پیگیری کرد. اینکه ما جرم افزایی کنیم و هر چیزی را جرم بدانیم و قوانین دیگری اضافه کنیم حرکت درستی نیست. بلکه باید ببینیم قوانین موجود چه اشکالاتی دارند و در پی رفع اشکالات آن باشیم.

نصراللهی توضیح داد: در مواد مختلف تصویر نادرستی از مخاطبان و با نگاه از بالا به پایین وجود دارد. در ماده ۲۴ صدور مجوز واردات و فعال‌سازی تلفن همراه با تشخیص هیأت نظارت منوط به پیش نصب پیام‌رسان‌های مؤثر داخلی است. باید این نگاه عوض شود و بگذاریم خود مردم تصمیم بگیرند که چه پیام‌رسان‌هایی داشته باشند. اگر پیام‌رسان‌های ما جذابیت لازم را داشته باشند و به لحاظ فنی مشکلی نداشته باشند چه نیازی به نگاه دستوری است.

او غفلت از تجربیات گذشته را نکته مهمی دانست و گفت: قرار نیست ما یک‌بار دیگر چرخ را اختراع کنیم. من فکر می‌کنم باید از تجربه ویدئو، ماهواره، فیلترینگ تلگرام و... استفاده کنیم. تا زمانی که بسترهای لازم را برای این ابزارها فراهم نکرده‌ایم دنبال قوانین مجازات و حبس و... نباشیم. اگر ابزار داخلی قوی باشد دلیلی ندارد مردم به سمت آن نیایند.

نصراللهی در انتقاد به برخی از ماده‌های دیگر طرح ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی گفت: در ماده ۲ گفته شده پیام‌رسان‌های خارجی باید مجوز بگیرند. کدام پیام‌رسان خارجی با این شرایط تحریمی از ما مجوز می‌گیرد؟ این ماده عملاً قابل‌اجرا و امکان‌پذیر نیست. یا در ماده ۱ بند الف آن بحث برقراری ارتباط فردی و گروهی مطرح‌شده است در صورتی که پیام‌رسان‌های ما بیشتر Mass media هستند و پیام به توده‌های مردم که یکدیگر را نمی‌شناسند فرستاده می‌شود. بحث مربوط به مرزبانی دیجیتالی و سایبری هم بحث مهمی است که باید به بخش‌های تخصصی هم توجه شود.

باقر انصاری، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی در ادامه این نشست با اشاره به مسائل حقوقی در این لایحه چند سؤال را مطرح کرد: در هر ابتکار قانونی حال چه طرح باشد، چه لایحه و چه هر مصوبه دیگری معمولا با چند سؤال اساسی ما مواجه هستیم حالا آن طرحی هم که طبیعتا در مجلس دنبال می‌شود این سوالات در مورد آن طرح هم مطرح است مجموعا با توجه به پاسخ‌هایی که ما به این سوال‌ها می‌دهیم می‌توانیم بگوییم که این ابتکاری که می‌خواهیم انجام بدهیم آیا اولا مشروع و قانونی است یا نیست؟ دوم آیا کارآمد است یا نیست؟ آیا عملی است یا نیست؟ آیا فوایدش بر هزینه‌هایش برتری دارد؟ یا بالعکس هزینه‌هایش بر فوایدش برتری دارد؟

نظام‌مندکردن یا محدودیت

او ادامه داد: اولین نکته‌ای که ما با آن مواجه هستیم این است که هدف از این ابتکار قانونی چیست؟ و ما واقعا دنبال چه چیزی هستیم؟ آیا هدف برای ما مشخص است؟ این طرح را هر کس مطالعه بکند هدف مشخص آن، این است که ما در مجموع دنبال یک نوع یا قالب جدیدی از ارتباطات در کشور خودمان هستیم که قصد داریم آن را نظام‌مند کنیم یا به تعبیری با این قانون آن را ساماندهی کنیم. خب وقتی ورود پیدا می‌کنیم به بحث‌های نظام مند کردن نوع جدیدی از ارتباطات که به وسیله ارتباطی خاص انجام می‌شود طبیعتا با چند نوع اقدامات مواجه هستیم. از یک سو به دنبال این هستیم تا حقوق آزادی‌های فردی و عمومی را محدود کنیم. طبیعی است ملازمه هر نوع ساماندهی این است که یکسری اشخاص و فعالیت‌ها را محدود بکنیم.دوم در هر نوع تنظیم مقررات یا ساماندهی ما رفتارهای حمایتی از اشخاص را هم انجام می‌دهیم مثلا منابع و امکانات مان را به آن هدفی که در ذهن مان است،اختصاص می‌دهیم، به همین خاطر باز سوال پیش می‌آید که آیا این اختصاص منابع و امکانات درست است آیا تبعیض‌آمیز است یا نیست؟ کافی است یا نیست؟

این عضو هیأت علمی دانشگاه با توضیح درباره اهداف قانونی این طرح بیان کرد: ما دنبال این هستیم که حقوق آزادی‌های ارتباطی اشخاص را به نحوی نظام‌مند بکنیم. نفس هدف، مشروع قانونی است. در همه جای جهان، ارتباطات در انواع مصادیق‌اش نظام مند می‌شود در واقع با دو اصل اساسی حقوق آزادی و مصداق آزادی‌های ارتباطی در دنیا محدود یا نظام‌مند می‌شوند. یک بار هدف ما این است که از حقوق اشخاص جامعه و حقوق افراد دیگر حمایت کنیم. مثلا می گوییم که می خواهیم حریم حقوقی اشخاص محترم باشد، می‌خواهیم که در این نوع ارتباطات، به آبرو و حیثیت اشخاص لطمه وارد نشود یا می‌خواهیم که در این نوع ارتباط، مثلا مالکیت‌های فکری دیگران نقص نشود و موارد دیگر و یک بار هدف ما این است که مصالح و منافع عمومی را تأمین بکنیم.

این حقوقدان افزود: برای مثال می گوییم که بحث اقتصادی این نوع قالب ارتباطی ایجاب می‌کند تا ما به این مسئله ورود پیدا کنیم و از این جهت برای پیام رسان‌ها مقررات گذاری می‌کنیم تا منافع اقتصادی این نوع فعالیت‌ها عاید کشور ما بشود تا حدی که می‌توانیم مزایای رقابتی برای مثلا کسانی ایجاد کنیم که در داخل این نوع فعالیت‌ها را انجام می‌دهند این اهداف کمابیش اهداف مشروعی هستند. یا مثلا بگوییم با هدف حمایت و صیانت از امنیت ملی می‌خواهیم چنین طرحی را مقررات‌گذاری کنیم. این نوع اهداف کلی اصلا در تمام دنیا هم کمابیش پذیرفته شده هستند. اما بحث این است که به چه صورتی ما این موارد را بتوانیم دنبال یا عملیاتی بکنیم در مورد همین هدفی که مدنظر است اولین سوال این است که آیا درباره این هدف قبلا فکر نکردیم؟ آیا قبلا نظام مند نکردیم؟ آیا قبلا مصوبه مقررات در این زمینه نداشتیم؟ اگر داشتیم نتیجه چه شد؟ مثلا اگر شورای عالی فضای مجازی در خردادماه در این زمینه مصوبه داشته (کمابیش هم این حرف‌ها را زده) خب چه اتفاقی افتاده که در این مدت پنج شش ماه هیچ کار خاصی انجام ندادیم آیا همان حرف‌هایی که شورای عالی فضای مجازی آنجا زده دوباره تکرار همین حرف‌های بیهوده نمی‌شود؟ حرف روی زمین نمی‌ماند؟

انصاری با اشاره به اشکالات قانونی این طرح توضیح داد: اگر بنا بود کاری بشود یا امری اجرایی بشود خب شورای عالی فضای مجازی این‌ها را قبلا هم گفته بود. آیا ارزیابی تسهیلات کرده‌ایم ببینیم این کاری که می‌خواهیم انجام بدهیم شدنی است یا نیست؟ درست است که اهداف در این طرح مشروع می‌باشد، ولی خب قبلا هم اقداماتی انجام دادیم که خیلی هم به نتیجه نرسیدیم پس از کجا معلوم که این کار ما به نتیجه برسد؟ قطعا باید پاسخ مشخصی به این موضوع داشته باشیم. نکته بعدی در این طرح مربوط می‌شود به موضوع این طرح یا ابتکار قانونی. در واقع ما چه چیزی را دقیقا می‌خواهیم مورد حکم قرار بدهیم یا احکام قانونی در مورد آن پیش بینی کنیم؟ خب عنوان این طرح «پیام‌رسان‌های اجتماعی» است. خود این عنوان اجتماعی از نظر من اشکال دارد چون در تعریف اش هم حتی قید شده که پیام رسان‌هایی که برای ارتباطات فردی و اجتماعی استفاده می‌شوند. یعنی لزوما پیام رسان‌هایی که مدنظر هستند به اصطلاح پیام رسان‌های اجتماعی نیستند اینها فقط آن کارویژه‌های اجتماعی شان مدنظر نیست.

تعاریفی از پیام‌رسان‌ها نداریم

او ادامه داد: در بحث‌های مربوط به حقوق ارتباطات، ما نوع وسایل ارتباطی را معمولا به سه دسته تقسیم می‌کنیم و قواعد حقوقی اینها هم تا حدودی مشخص است مثلا یک بار می‌گوییم وسیله ارتباطی فردی یا tele) (communication است یک بار می گوییم مدیا یا مس مدیا است یا مس کامینیکیشن یا ارتباط جمعی است و یک بار می گوییم هر دو را با هم انجام می‌دهیم قواعد اینها کاملا مشخص است.در مورد پیام رسان‌ها واقعا ماهیت شان چه است؟ هم کارویژه‌های ارتباطات فردی دارند هم کارویژه‌های ارتباطات عمومی دارند ما کدام را می‌خواهیم مقررات گذاری بکنیم؟ آیا هر دوی کارویژه‌ها را به نحو یکسان و واحد می‌توانیم به آنها توجه داشته باشیم؟ در این طرح چند نوع دسته‌بندی دیگر هم انجام دادیم برای مثال گفتیم که مثلا پیام‌رسان‌های موثر؛ ولی تعریف خاصی ارائه ندادیم تعریف خبررسان موثر و غیرموثر چه است گویی فقط می‌خواهیم پیام‌رسان موثر را مقررات گذاری کنیم. یا مثلا گفتیم فعالیت ارتباطی موثر مثل کانال و گروه ایجاد کردن. گویی درباره فعالیت ارتباطی غیرموثر اصلا نمی‌خواهیم در موردش مقررات‌گذاری، یا حکمی در موردش داشته باشیم.

انصاری با انتقاد به چگونگی مقررات‌گذاری درباره انواع وسیله‌های ارتباطی گفت: در حوزه حقوق فناوری‌های دیجیتال، نزدیک به ۱۰ نوع دسته‌بندی از انواع اپلیکیشن‌ها با انواع کاربردها وجود دارد. آیا ما می‌توانیم درباره ۱۰ نوع وسیله ارتباطی(یا همان پیام‌رسان) با یک احکام قانونی مشابه در موردشان مقررات گذاری بکنیم یا اینکه با توجه به کارویژه‌های انواع پیام‌رسان‌ها باید قواعد خاصی در موردشان تنظیم بکنیم؟به نظرم کلی و مطلق دیدن این پیام رسان‌ها، یکی از اشکالاتی است که در این طرح به شدت دیده می‌شود.

این مدرس دانشگاه با اشاره به مشخص نبودن ماهیت پیام رسان‌های اجتماعی در کشور تصریح کرد: نکته بعدی باز در مورد این طرح مربوط می‌شود به چگونگی تحقق این هدف و پیش‌بینی احکام. هدف ما اگر مشخص و مشروع است موضوع ما هم تا حدودی مشخص است حالا ما می‌خواهیم ببینیم که دقیقا چه چیزهایی را می‌خواهیم ممنوع بکنیم و چه چیزهایی را می‌خواهیم مجاز بدانیم. آیا ما می‌خواهیم شروع فعالیت شان را منوط به مجوزگرفتن بکنیم؟ یا ادامه فعالیت آنها را می‌خواهیم منوط به مجوز داشتن بکنیم؟ اصلا ماهیت خود پیام‌رسان‌ها به چه معناست؟ موسسه است، شرکت یا سامانه است؟ برنامه کاربردی است؟ شخص حقیقی است، شخص حقوقی است؟ پیام رسان اصلا ماهیت حقوقی اش چه است؟ اگر ماهیت حقوقی‌اش مشخص بشود تازه خیلی از احکام دیگرش هم مشخص می‌شود که پیام رسان چه حکمی باید داشته باشد.

گروه گزارش

جدول

۲۳۵۷۱

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱- تیشه‌ای بر ریشه اقتصاد - حصیر متحرک کننده هوا - دفاع فوتبال
۲- دردناک - نافرمانی - شهر تاج محل
۳- نفرین - میان - اسب آذری - مهاجرت کننده
۴- قمر زمین - شکاف یا سوراخ - نخ بافتنی
۵- مقابل هم - چهره و دیدار - من و تو
۶- آخرین و کامل ترین دین الهی - پیشوند یکدهم - صدای سگ
۷- فرمان خودرو - سرشوی گیاهی - ظرف آزمایشگاهی - از ظروف آشپزخانه
۸- غمگینی - کم عقلی - اسم مصدر فعل ریختن
۹- فهرست غذا - حرکت - مورد اعتماد - دختر
۱۰- مباح - لقب امیران ترک - خاصیت
۱۱- خوش و نیکو - شکوه شخصیت - سم کشنده
۱۲- ترسا - کشف کننده - شهری در لهستان
۱۳- برای جلو گیری از بیماری ها تزریق می کنند - ماه کارگری - خار گل یا ماهی - نت آخر
۱۴- کاشف میکروب حصبه - جستن و جهیدن - ته نشست
۱۵- زیر پا مانده - حریف جنگ - مظهر قنات

عمودی:

۱- قسمت کننده - در آب فرو رفتن - نهنگ دریایی
۲- دومین پادشاه سلجوقی - ویرانه
۳- کلمه پرسشی - ترس و بیم - غاری در نزدیکی مکه - نفوذ گر کامپیوتری
۴- نام قدیمی رودخانه جیحون - از صحابه - غیر مستقل
۵- بالاتر از دیگران - درخشان
۶- جمع سطر - قوچ - نفس خسته - عضو دونده
۷- آغوش - پیش از موعد - وجه و جهت - شهر خراسان قدیم
۸- گروه قومی سیاهپوست غرب آفریقا - نوعی فوتبال - معجون جوش و خارش
۹- صحرا - سبکی عقل - از احادیث نبوی - وحشی
۱۰- پیشوند نداری - همگی - شیر نر - عبادت کردن
۱۱- سوره ۱۰۷ قرآن مجید - جمع قافیه
۱۲- بی مانند و یگانه - گرو گذاشته شده - باختر
۱۳- حیوان مفید - نوعی آینه بزرگ - واحد اندازه گیری کار و انرژی - صحنه نمایش
۱۴- توافقی جهانی بر سر برنامه هسته ای ایران - آخرین پادشاه ساسانی
۱۵- حرفه - بریدگی هایی در سمت باز شدن صفحات کتاب های مرجع که حروف الفبا بر روی آنها نوشته می شود - خوش چهره

حل جدول ۲۳۵۷۰

تصحیح مثنوی استاد موحد

دکتر توفیق سبحانی   بخش هشتم



چند اصلاح مطبعی

۱ـ بدان: در اکثر موارد به صورت بدآن آمده است؛ مثلا ص۷۹، ۱۰۸ و ۱۱۴...

۲ـ می‌خواهد بزند در دریا و برود: معمولا به دریا می‌زنند، در دریا نمی‌زنند.

۳ـ تَسَفْسُطُ: باید تَسَفْسُطْ باشد.

۴ـ (مولانا گفت): «نطقم چون شتر خفته است» و تأکید کرد که از این پس تا آخر عمر سخن نخواهد گفت. (ص۹۰) مولانا مدت سکوتش را خیلی طولانی‌تر گفته است: «نیستش با هیچ کس تا حشر گفت»! آخر عمر مولانا در ۶۷۲ به سرآمد، ولی تا حشر هنوز خیلی باقی است.

۵ـ «صبح شد ای صبح را صبح و پناه» به نظر می‌رسد که اشتباهی در کتابت رخ داده است. (ص۱۴۴) و این اشتباه هم در هامش «ن» و هم در هامش «قو» اصلاح شده است به این صورت: «صبح شد ای صبح را پشت و پناه...» آیا نمی‌توان ضبط نسخهٔ الف را صحیح‌تر و مولویانه‌تر تلقی کرد؟

ای صبح را صبح: یعنی ای صبح راستین، ای صبح واقعی، ای صبح صادق؟

* دیرباز: ص۴۲: دیرباز: دیرپا، طولانی

دیرباز به جای دیریاز غلط است و صحیح آن «دیریاز» است «غیاث‌اللغات». دیرباز: در لغت‌نامه نیامده است. ذیل دیریاز نوشته است: دیرباز به موحده به‌جای تحتانی دوم چنان‌که شهرت گرفته غلط محض، بلکه خطای فاحش است. (لغت‌نامه، به نقل از آنندراج و بهار عجم). مرحوم زرین‌کوب نوشته‌اند: «این کلمه در فارسی به کار رفته است، به معنیِ از گذشته‌های دور، بسیار پیش از این».

دیرباز: مجازاً دیرپا، طولانی (فرهنگ سخن، ذیلِ هر دو کلمه).

در صفحهٔ ۷۱، سطر دوم از آخر، نهان هم باید سَیاه باشد.

صفحهٔ ۶۴ مقدمه: «مقصود ما از نسخه‌های دیگر، نسخه‌های قریب‌العهد با مولاناست که به لحاظ اعتبار و نه به لحاظ نفاست و زیبایی می‌توان آنها را با نسخهٔ مورخ ۶۷۷ هم‌عرض دانست». در این عبارت: هم‌عرض باید به‌کار برد یا همارز؟

انگیزهٔ نوشتن این سطور

انگیزهٔ نوشتن این سطور در اولین روزها که مقالهٔ استاد موحد در نامهٔ فرهنگستان منتشر شد، تلفن‌هایی بود که پرسش‌هایی داشتند و افرادی بودند که می‌گفتند: «چرا استاد موحد به فلان چاپ از مثنوی که سالهاست در دست ماست، اشاره‌ای نکرده‌اند؟» چند روزی گذشت، من که مقالهٔ استاد موحد را در نامهٔ فرهنگستان خوانده بودم، بار دیگر در مقدمهٔ مثنوی ایشان مطالعه کردم، بین خواب و بیداری مرحوم استاد عبدالباقی را دیدم. افسرده بود. رو به من کرد و گفت: «پسرم! شرح مثنوی مرا تو در ایران به فارسی برگرداندی، آیا آنچه من دربارهٔ مثنوی و مولانا گفته‌ام، «دعاوی بی‌وجه» است؟ نکند تو مطالب مرا وارونه به فارسی برگردانده‌ای؟ و...» اخم‌ها تو هم کرد و گفت: «آقا! نام خانوادگی مرا هم درست نقل نکرده‌اند. آیا تو باید سکوت کنی؟ یاد آر ز شمع مرده یاد آر» و رفت. واقعاً از آن شب حال من چنان است که در بیت صدر مقال نقل کرده‌ام:

یک سو شیر، از دگر سو شمشیر
مسکین دل من، میان شیر و شمشیر!

می‌دانستم استاد عبدالباقی به‌ویژه به نام خانوادگی خود حساسیت دارد. پدرش اهل «گُول‌بولاق»گنجه بود. او می‌خواست نام زادگاه خاندانش را زنده نگه دارد. در آن تاریخ که اخذ شناسنامه اجباری شده بود، «بولاق» به معنی چشمه را به «پینار» با همان معنی برگردانده و نام‌خانوادگی خود را از «گول بولاقی»، به «گولپینارلی» بدل کرده بود، نام خود را به دو صورت می‌نوشت:

Abdülbaki GÖLPINARLI، عبدالباقی گولپینارلی.

استاد موحد نوشته‌اند: «در وثاقت و اعتبار نسخهٔ الف (۶۷۷) با نیکلسون، گولپینارلی (نام‌خانوادگی آن مرحوم را به املای شخص آن زنده‌یاد نوشته‌ام) و سروش هم‌رأی هستیم. آن نسخه از ذخایر مغتنم میراث فرهنگی ماست...» (مقدمه، ص۱۵۹). می‌نویسند: «کشف این نسخه (۶۷۷) در عین حال که مولاناپژوهانی چون نیکلسون و گولپینارلی را سخت مشعوف و ذوق‌زده کرد، ظاهراً مایهٔ نوعی ذوق‌زدگی آنان نیز شد...» (مقدمه، ص۵۶)، «این سردرگمی و آشفتگی در داوری‌های گولپینارلی بیشتر ظهور می‌کند...» (ص۵۷). «گولپینارلی در برابر نسخهٔ قونیه چندان ذوق‌زده شد که گفت نیکلسون بی‌جهت به دنبال نسخهٔ اصلی شاعر بود، چه «نسخهٔ اصلی و نسخهٔ ناظم و نسخهٔ قدیم» همین نسخه است. عین گفتهٔ گولپینارلی را به لحاظ تأثیری که داوری او بر دیگر پژوهشگران داشته است، نقل می‌کنیم:

«نسخه‌ای که به دست حسام‌الدین نوشته شده بود، اگرچه برای مولانا قرائت شده و تصمیماتی در آن به عمل آمده و سر و سامانی یافته بود، باز به صورت پیش‌نویس بود. این نسخه بعد از آنکه نسخهٔ دیگری از روی آن استنساخ شد و با آن مقابله گردید، یعنی با مسوده‌های آن مطابقت داده شد و با بذل همت تصحیح گردید، پیش‌نویس‌ها طبق عادت به خاک سپرده شد. در گردآوری و استنساخ قرآن مجید هم بدین شیوه عمل شده بود؛ بنابراین نسخهٔ اصلی، نسخهٔ ناظم و نسخهٔ قدیم همین نسخه است.» (مقدمهٔ نثر و شرح مثنوی شریف، ترجمهٔ دکتر توفیق سبحانی، وزارت ارشاد، ۱۳۹۲، ص سی).

فروزانفر و سروش و دیگران بعد از گولپینارلی از درگیر شدن با نسخه‌های دیگر خود را فارغ دانسته و به همان نسخهٔ G اقتصار ورزیده‌اند.

«گولپینارلی برای اثبات مدعای خود دست به غیبگویی می‌زند: نسخه‌ای که به دست حسام‌الدین نوشته شده بود، به صورت پیش‌نویس بود و بعد از آنکه نسخهٔ ۶۷۷ را از روی آن استنساخ شد، پیش‌نویس‌ها طبق عادت به خاک سپرده شد! (طبق کدام عادت؟)» (ص۵۸)

من (توفیق سبحانی) این «عادت» را از آن مرحوم پرسیده و عرض کرده بودم: «پس از آنکه در انجمن صحابه قرآن از جانب اعضای انجمن مدون کردند، عثمان دستور داد تمام استخوان‌ها و سنگهای نازک سپید و اوراق و چرمها و سفال‌ها و الیاف خرما را که آیات قرآنی بر آنها نوشته شده بود، بسوزانند تا ریشهٔ نزاع و اختلاف به‌کلی از میان برود... نسخ قرآن را حَرْق، خَرْق کرده یا غَسْل داده‌اند. عثمان مصحف اُبی، عبدالله مسعود و سالم مولی ابوحذیفه را گرفته و به آب شست. او به مردم شهرها چنین نوشت: «من چنین و چنان کردم و آنچه غیر از این نزدم بود، از میان بردم، شما نیز آنچه نزدتان است از بین ببرید.» (تاریخ قرآن، ص۱۰۳) آن مرحوم (=گولپینارلی) فرمود: «من نخواستم بنویسم که کلام خداوند را خَرق، حرق یا غسل کردند، عادت دفن را که عادت صوفیان است، آوردم.»

بیانات آن مرحوم به همین مضمون را از شرح احوال عطار، فروزانفر (صفحات ۱۴۸ـ۱۴۷ و ۱۷۹) نقل می‌کنم: «شستن و دفن‌کردن کتب و آثار در میان صوفیان رسم دیرین و آیین‌کهن بود و پیشتر از شیخ ما اکابر صوفیان ابوالحسن احمدبن ابی‌الحواری (متوفی ۲۳۰ق) و محمد بن علی‌حکیم ترمذی و ابوسعید ابوالخیر (۴۴۰ق) کتب خود را به آب شستند و ابوسعید ابوالخیر به موجب روایتی دیگر تمام کتب خود را زیر زمین کرد و بر سر آن درختی نشاند...»

استاد موحد نوشته‌اند: «گولپینارلی در برابر نسخهٔ قونیه چندان ذوق‌زده شد که گفت: «... نسخهٔ اصلی و نسخهٔ ناظم و نسخهٔ قدیم همین نسخه است.» خود استاد در این مورد تعبیر دیگری به کار برده‌اند: در صفحهٔ ۵۰ مقدمه حدود چهار سطر از افلاکی نقل کرده‌اند که: «... همانا که نسخهٔ صحیح و معتمدٌعلیه آن است و بر آن مزید نیست.» می‌نویسند: «پس بنا به روایت افلاکی، کاتب نسخهٔ اصلی مثنوی و همچنین نخستین ویراستار مثنوی حسام‌الدین چلبی بود که یک نسخهٔ منقح و مشکول برای خود ترتیب داد و این نسخهٔ تهذیب‌شده و تذهیب‌شده مادر ـ توجه فرمایید ـ مادر نسخه‌هایی بود که برای خلفا یعنی مشایخ مَولوی در خانقاه‌های دوَر و نزدیک فرستاده می‌شد. روایت افلاکی تنها گزارش بالنسبه مشروحی است که از چگونگی نظم و تدوین مثنوی در دست است و دلیلی نداریم که در صحت آن تردید ورزیم.» (مقدمه، ص۵۰)

آنچه مرحوم گولپینارلی نوشته که پس از تهیهٔ نسخهٔ صحیح، «طبق عادت» نسخه‌های قبلی را دفن کردند و در مورد قرآن کریم، به جای «سوزاندن، پاره‌کردن و شستنِ اوراق پیشین»، به احترام کلام خدا، «دفن» را به کار برده، حتی ظاهراً انقروی هم به مسألهٔ «دفن» اشاره کرده است. آیا در شرایطی که اوراق قبلی به هر وجهی دفن، حَرق، خَرق یا غسل شده باشد، نمی‌توان نسخه‌ای را که از روی همان اوراق کتابت و مقابله کرده‌اند، «اصل، مادر؛ نسخهٔ قدیم و...» خواند؟

ادامه دارد

علل گرایش آل سعود و شیخ‌های خلیج فارس به صهیونیست‌ها

گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مسجدجامعی   بخش اول

درآمد: در سالهای اخیر شاهد برخی تحولات سیاسی و اجتماعی در میان کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و عربستان بوده‌ایم که تمایل به برقراری ارتباط و صلح با رژیم صهیونیستی، از جمله این تحولات است؛ ارتباطاتی که با توجه به حساسیت جهان عرب در این موضوع، در خفا آغاز گرفته بود، با ریاست‌جمهوری ترامپ رو به علنی شدن گذاشت و وارد مرحله جدید خود شد. سیاست‌های خاورمیانه‌ای اروپا و تعهدات ایدئولوژیک ریاست‌جمهوری جدید امریکا نیز در سوق‌دادن اعضای شورای همکاری خلیج‌فارس به این مسئله قابل بررسی است. گفتگو با دکتر مسجدجامعی در همین موضوع و توابع و پیامدهای آن است.

گرایش به اسرائیل و ارتباط با آن، از کجا و چه زمانی بین شیخ‌نشین‌ها، شروع شد و رشد کرد و دلایل این مسأله را چه می‌دانید؟

به طور مشخص ما در طی سالهای اخیر و به‌ویژه مدتی بعد از آغاز «بهار عربی»، شاهد نوعی گرایش شیخ‌نشین‌ها و عربستان به سوی اسرائیل هستیم. عوامل زیادی در این جریان دخالت دارد. برخی از آنها سیاسی است و مربوط می‌شود به سیاست خاورمیانه‌ای اوباما، سیاست نرمش اوباما در مسئلهٔ مذاکرات هسته‌ای با ایران و نوعی بی‌اعتنائی نسبت به متحدان قدیمی که شیخ‌نشین‌ها و عربستان باشند.

در این زمینه، اسرائیلی‌ها و مخصوصاً شخص نتانیاهو رابطهٔ با تنشی با اوباما داشتند. بخشی از دلایل این تنش، همین سیاست وی در مذاکره با ایران و سیاست ایرانی و خاورمیانه‌ای‌اش بود. این جریان رابطهٔ شیخ‌نشین‌ها و عربستان و اسرائیل را وارد مرحلهٔ جدیدی کرد، نه اینکه این رابطه قبلا وجود نداشت، بلکه نتایج عملی چندانی نداشت. در سالهای آخر ریاست‌جمهوری اوباما، بسیاری از ناظران اروپایی و آمریکایی معتقد بودند که نوعی همکاری بین امارات، عربستان، پاریس و اسرائیل وجود دارد. این جریان ادامه یافت و آثاری هم داشت. در فاصلهٔ سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ میزان صادرات اسلحه از فرانسه به این کشورها سه‌برابر شد که یکی از نتایج عملی این همکاری‌ها بود.

این جریان بعد از آمدن ترامپ و گروهش تغییراتی کرد و واشنگتن جایگزین پاریس شد. پس از آن رابطه شیخ‌نشین‌ها و عربستان و اسرائیل وارد مرحله جدیدی شد. همکاری‌هایی که قبلا با پاریس بود و خیلی علنی نبود، کاملا علنی شد. اولین سفر خارجی ترامپ به عربستان بود و از آنجا مستقیم، یعنی از آسمان عربستان به اسرائیل رفت که برای اولین بار بود. در نشست‌ها و ملاقات‌های ترامپ در عربستان و همچنین سخنانی که در اسرائیل گفت، آن همکاریی که قبل از او وجود داشت و کمابیش نیمه‌پنهان بود، کاملا آشکار شد.

این جریان ادامه پیدا کرد. آمریکایی‌ها به‌ویژه از طریق کوشنر ـ داماد ترامپ ـ به صورت غیرقابل انتظاری به محمد پسر سلمان نزدیک شدند که نتایج زیادی داشت و محصولش را در جریان «خاشقجی» می‌بینیم. به هر صورت ارتباط آنها به لحاظ سیاسی وارد مرحله جدید شد؛ اما غیر از بخش سیاسی، واقعیت‌های دیگری هم در داخل شیخ‌نشین‌ها می‌گذرد که آنها را به اسرائیل نزدیک می‌کند.

آیا این گرایش در بین تمام سطوح جامعه وجود دارد و یا صرفا در میان سیاستمداران دیده می‌شود؟

آنچه می‌گذرد، عمدتاً در سطح نخبگان است، یعنی نخبگان فکری و فرهنگی و به اعتباری رسانه‌ای. شاید یک نمونهٔ خوبش یوسف العتیبی باشد سفیر امارات در واشنگتن، یا محمد بن سلمان و محمد بن زاید. اینها و همفکرانشان اسرائیل را بیش از آنکه به عنوان کشور غاصب و متجاوزی که حقوق فلسطینی‌ها را پایمال کرده و رابطهٔ خصمانه‌ای با اعراب دارد، ببینند، به عنوان کشوری می‌بینند که نماد علوم و تکنولوژی و دمکراسی غربی است. به این لحاظ مایلند به این کشور نزدیک شوند و از قبَل این نزدیکی، آیندهٔ بهتری

عربها تصور می‌کنند حال که اسرائیل از ارتباط با آنها خوشحال است و تمجیدشان می‌کند، داستان به همین کیفیت ادامه خواهد داشت؛ در صورتی که اسرائیل از این مرحله که بگذرد، به آنها دیکته خواهد کرد که چه بکنند، چه نکنند. زمانی که مسلط بشود، رفتارش به‌مراتب سخت‌تر از رفتار غربی‌ها با عربها خواهد بود!

را برای خودشان و منطقه‌شان ایجاد بکنند؛ اتفاقا در این کار عجله هم دارند. یعنی عجلهٔ این بخش نخبه از عجلهٔ بخش سیاسی اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. اما این بدان معنی نیست که مردم عادی هم این‌گونه‌اند؛ قشر نخبه است که چنین حالتی دارد و البته آن نخبه‌ای که به قدرت و به حکومت نزدیک است، یعنی نخبه‌ای که تأثیرگذار است.

اگر سخنان و نظراتشان را ببینید، کاملاً از حرفهایشان این نکته برمی‌آید. شاید کمتر از یک ماه پیش، وزیر فرهنگ اسرائیل، میری ریگو به ابوظبی سفر کرد. این خانم اتفاقا جزو افراطی‌های اسرائیل است و دو سال گذشته سخت به امارات توهین کرده بود؛ ولی آنها از او استقبال کردند و حتی گویا برای نخستین بار سرود ملی اسرائیل در مجموع جهان عرب، در سالن ورزشی ابوظبی نواخته شد!

حالا از این بگیرید تا موارد دیگر، مانند سفر وزیر راه و ترابری اسرائیل به بحرین و این که یک جادهٔ صلحی (به تعبیر خودشان از اسرائیل) به سوی این کشورها بکشند. یا نمونهٔ دیگرش مربوط به کشیدن لوله‌ای است که گاز اسرائیل را به سمت اروپا می‌برد و از دریا خواهد گذشت و سرمایه‌گذار مهمش اماراتی‌ها هستند!

اینها فقط یک تصمیم سیاسی نیست، بلکه دارای زمینه‌های فکری و اجتماعی است، البته چنان‌که گفتم در بین نخبگانی که به قدرت نزدیک هستند. در سالیان گذشته نوعی آزادی در مفهوم سنتی خودش وجود داشت، به این معنی که حاکم و حاکمیت بدون آنکه از طریق دمکراتیک انتخاب شده باشد، ولی با توجه به سوابق تاریخی و قبیله‌ای انتخاب می‌شد و مانند یک پدر کشور را اداره می‌کرد؛ اما درحال حاضر، اوضاع در عموم این کشورها به‌ویژه عربستان و امارات به نوعی درآمده که منتقدان جرأت نمی‌کنند مطلبی بیان کنند و اگر احیاناً به صورت غیرمستقیم هم بگویند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند. هم اکنون عده چشمگیری از روشنفکران، استادان و حتی شخصیت‌های دینی در زندان هستند؛ لذا در حال حاضر آنچه وجود دارد، در عمل نخبگانی هستند که موافق و در کنار رژیم حاکم هستند. اینان این‌گونه فکر می‌کنند.

فرمودید شیخ‌نشین‌ها دیگر اسرائیل را به صورت یک کشور غاصب نمی‌بینند و اکنون او را به عنوان نماد فنّاوری علم غربی می‌شناسند. علت این تغییر نگرش چیست؟ چه چیزی در این شیخ‌نشین‌ها اتفاق افتاده است؟

شیخ‌نشین‌ها عملاً بعد از جنگ جهانی دوم و به‌خصوص بعد از کشف و صدور نفت، به تاریخ جدید پا می‌گذارند. این نکتهٔ اول. نکته دوم این است که اینها فاقد تاریخ و فرهنگ قابل اعتنایی مانند کشورهای عربی توسعه‌یافته‌تر همچون عراق و سوریه و مصر و مغرب و یمن هستند. یک سلسله قبائلی بودند که حتی تا اوان جنگ جهانی دوم، در همان شرایط قرون گذشته زندگی می‌کردند و اصولا سرزمینشان هم اجازه نمی‌داد که فرهنگ و تمدن بزرگی آن‌گونه که در دمشق و بغداد و قاهره و یا در صنعا شکل گرفت، در اینجاها شکل بگیرد.

نکته سوم این است وقتی کشوری پرچم و مرز و سرود ملی دارد و به عنوان کشوری مستقل شناخته می‌شود، می‌باید برای خود تاریخی تعریف کند. این جریان را در کشورهای برخاسته از خراسان بزرگ (به اصطلاح امروز: آسیای مرکزی) می‌بینید که به‌سرعت سعی کردند بعد از فروپاشی شوروی برای خود تاریخ، هویت و فرهنگی را تعریف کنند. چنین حالتی را در شیخ‌نشین‌ها وقتی وارد تاریخ جدید شدند، می‌بینیم. اوج این ابتکار مربوط به دههٔ ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ است. در آن موقع آنچه در میان اعراب تسلط کمابیش همه‌جانبه‌ای داشت، مسئلهٔ قومیت عربی و ناسیونالیسم عربی بود. البته این اندیشه که ما عرب هستیم و تاریخ پرافتخاری داریم، مدتها قبل آغاز شده بود، ولی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم، به مراتب بیش از پیش، در هیجان بود، خصوصاً بعد از این که جمال عبدالناصر به قدرت رسید.

به طورکلی برای آنها قومیت عربی، عرب بودن و فرهنگ عربی، ارزش مهمی بود. حال اینکه این به چه معناست، هدف بیان آن نیست چون از بحث خارج می‌شویم؛ اگرچه خیلی مهم است. مسئلهٔ مهم، این بود که با آمدن ناصر، این قومیت و ناسیونالیسم عربی، یک بُعد سیاسی و ضداستعماری و همچنین ضداسرائیلی هم پیدا کرد. ناصر در آن موقع قهرمان مبارزهٔ با استعمار و همچنین قهرمان مبارزه با دیکتاتوری‌های سنتی بود. شیخ‌نشین‌ها آن چیزی که می‌خواستند، همان قومیت عربی بود. برای مثال یک اماراتی نمی‌توانست بگوید که: «من اماراتی هستم»؛ چون اماراتی بودن معنی نداشت؛ ولی می‌توانست بگوید که: «من عرب هستم»؛ لذا به‌سرعت قومیت عربی را جذب کردند. مشکل، بُعد سیاسی این قومیت بود که تا جنگ ۶۷ به صورت کج‌دار و مریز با بخش سیاسی و ترقی‌خواه قومیت عربی، به اعتباری مدارا می‌کردند و مطلوبشان بخش تاریخی و فرهنگی آن بود که به‌شدت جذب شد.

بعد از جنگ ۱۹۶۷ اصولاً قومیت عربی آن تعهد و صبغه و ویژگی سیاسی‌اش را از دست داد و از آن پس دیگر قومیت عربی تبدیل به «هویت» آنها شد که در آن زمان اوج این قومیت‌گرایی در کویت دیده می‌شد. کمک‌های کویت به کشورهای عربی جهت عمق بخشیدن به قومیت عربی، رقمهای کلانی است. این ماجرا ادامه پیدا کرد و تا قبل از داستان «بهار عربی»، مشکلی با آن نداشتند (اگرچه اشغال کویت مشکلاتی هویتی خصوصاً در کویت ایجاد کرد).

در طی این نیم قرن که با قومیت عربی زیستند، تحولات فراوانی مخصوصا در طبقهٔ مرفه‌تر ایجاد شد که عمدتا فکری بود. در داخل این جوامع به دلیل همان رفاه حاکم و ارتباطهای برون‌مرزی، بازشدن جامعه و به صحنه آمدن نسل جدید، اوضاع فکری جدیدی را به وجود می آورد؛ خاصه اینکه در عموم این کشورها به‌ویژه در شیخ‌نشین‌های ثروتمندتر، نسل جدید بیش از این که در خانواده (به معنی سنتی خودش) تربیت بشود و رشد بکند، زیر نظر مستخدمان مختلفی که از کشورهای مختلف به‌خصوص از هند و آسیای دور و بعضاً از اروپا می‌آمدند، رشد و پرورش پیدا می‌کند. در مطالعاتی که انجام گرفته، این نکته هست که نسل جدید حتی میزان تسلطش به زبان مادری بسیار ضعیف است؛ چون در محیط طبیعی خانواده بزرگ نشده است.

این وضعیت فکری جدید، نگاه این نسل را و فضای ذهنی او را عوض می‌کند؛ یعنی فضایی که قبلا به عنوان یک اماراتی یا عربستانی ویا کویتی، بر اساس آن دنیا، غرب، شرق (به معنی شوروی و متحدانش) و اسرائیل را می‌دید، عوض شده و این فضای ذهنی، عمیقاً تحت تأثیر ارتباطات، ثروت و سبک زندگی جدیدی قرار دارد که ثروت نفتی به ارمغان آورده است.

در این چارچوب جدید، اصولا تلقی‌شان نسبت به مسائل مختلف، و ازجمله نسبت به حتی اسلام، تغییر می‌کند. حالا به صورت معترضه این را بگویم: یکی از شخصیت‌های اماراتی مقاله‌ای نوشته بود با عنوان «قلیل من الدین لا یضرّ» (استفادهٔ محدود از دین زیان‌آور نیست)! مسئله این است که این مقاله نماد یک تفکر است. این سخن یک روشنفکر نخبهٔ لبنانی یا مصری نیست، سخن یک اماراتی است که اصلا پیشتر برای او این حرفها معنا نداشت و به لحاظ تاریخی فاقد چنین مباحثی است.

یا شیخ سلطان آل نهیان که به عنوان نماینده دولت امارات برای افتتاح یک معبد بزرگ هندو در ابوظبی، شرکت می‌کند که اتفاقا زمین معبد را خود دولت امارات بخشیده بود، او در ابتدای سخنانش گفت: «أعبدُ رام» (من رام را می‌پرستم) که از خدایان هندوست! عربها در ابتدای صحبتشان معمولا «بسم‌الله الرحمن الرحیم» می‌گویند. حتی در دورهٔ بعثی‌ها در عراق، تمام اطلاعیه‌های رسمی‌شان با این آیه شروع می‌شد. این امر در بین عربها مرسوم است. این مسئله گذشته از جنبهٔ مذهبی‌اش، جنبهٔ عربی دارد. البته این سخن او واکنش‌هایی را به‌دنبال داشت.

یا مثلاً سخنان یوسف العتیبی که می‌گوید: مشکل ما با قطر «مشکلی فلسفی» است! این نشان می‌دهد واقعا یک سلسله تحولاتی در فکر و ذهن آنها ایجاد شده و در چارچوب ذهنیت موجود، خیلی از مسائل به طور متفاوت با گذشته دیده می‌شود، ازجمله مسئلهٔ اسرائیل. والا «فلسفه» به هر معنا که در نظر بگیرید، در بین شیخ‌نشین‌ها ـ به جز بحرین ـ هیچ‌گاه هیچ جایگاهی نداشته است. البته این بحث مفصلی است و من سعی کردم خیلی خلاصه بگویم.

برای مثال چه پیشرفت‌هایی در اسرائیل چشمگیر است که عامل جذب این نخبگان شده است؟

این که قابل بحث نیست! درصد متخصصانی که در اسرائیل هستند، نسبت به جمعیتش، در دنیا بالاترین است، اما این امردر گذشته هم وجود داشته است.

امکان این که اسرائیل بعد از اینکه به منافعش رسید این کشورها را رها کند وجود دارد؟ مثل کاری که فرانسه با لیبی انجام داد.

واقعیت این است که عربها تصور می‌کنند حال که اسرائیل از ارتباط با آنها خوشحال است و حتی گاهی از آنها تمجید می‌کند، داستان به همین کیفیت ادامه خواهد داشت؛ در صورتی که اسرائیل از این مرحله که بگذرد، تبدیل می‌شود به کشوری که به عربها دیکته خواهد کرد که چه بکنند، چه نکنند، چه بگویند، چه باید انجام بدهند، چه نباید انجام بدهند.یک نمونهٔ خوبش، خبرنگاری اسرائیلی به نام ایدی کوهن است که با ضاحی خلفان (رئیس سابق پلیس دوبی)، به علت انتقاد خلفان از اسرائیل، درگیری لفظی پیدا می‌کند و پرده از دست داشتن وی در ترور فرمانده ارشد حماس در دوبی برمی‌دارد و به بدترین و گزنده‌ترین شکل ممکن از او انتقاد می‌کند و بلکه او را به افشای اسرارش تهدید می‌کند؛ تهدیدی که دهان خلفان را که ویژگی مهم او هتاکی است، بست و عقب نشست. یعنی چنین نیست که چون نخست‌وزیر اسرائیل اظهار خوشحالی می‌کند که ما با این کشورها رابطه‌مان را شروع می‌کنیم و رابطهٔ خوبی داریم، بلکه زمانی که مسلط بشوند، رفتاری به‌مراتب سخت‌تر از آن رفتاری را خواهند داشت که غربی‌ها با آنها دارند!

آیا در بین شیخ‌نشین‌ها گرایش به ارتباط با اسرائیل، یکسان و به یک صورت است؟

آنچه در مورد شیخ‌نشین‌ها و عربستان گفتم، جنبهٔ عمومی‌اش بود و به این معنی نیست که همه این کشورها برخورد یکسانی با موضوع اسرائیل دارند. واقعاً متفاوت هستند؛ این تفاوت را به طور خلاصه، در مورد هر یک می‌گویم.

در مورد عربستان، واقع این است که این تصمیمی است که سلمان و پسرش و همچنین گروهی که در خاندان سلطنتی هستند، گرفته‌اند؛ زیرا عربستان کشوری خاص است و همه‌چیز از بالا انجام می‌شود و تحقق می‌یابد. حتی در گذشته هم که رژیم حالت دیکتاتوری به معنی امروزینش را نداشت، به همین صورت بود؛ یعنی در طبقات بالای قدرت‌به‌دست است که تصمیم‌ها گرفته می‌شود و واقعیت‌های اجتماعی انعکاسی در تصمیمات آنها ندارد. مهمترین دغدغهٔ کسانی که اکنون در مسند قدرت هستند (و البته همه آنها سیاسی نیستند، برخی امنیتی و نظامی و برخی هم به اعتباری رسانه‌ای و حتی تا اندازه‌ای دینی هستند)، ایران است.

نکتهٔ دیگر این است که می‌خواهند به ترامپ که از نظر آنها فرد بسیار ایده‌آلی است، هرچه بیشتر نزدیک شوند. خوب است برای روشن شدن مطلب، این را بگویم که: اوباما دو بار در طی دو دوره ریاستش به عربستان سفر کرد. تیپ شخصیتی اوباما که احتمالا تا مقداری ریشه‌های شرقی‌اش در آن تأثیرگذار بود، به نوعی بود که در زمان دیدار با ملک‌عبدالله وقتی با او دست داد، تواضع کرد و تا کمر خم شد، درست به عکس ترامپ. او زمانی که آمد، به گونه‌ای طلبکارانه برخورد کرد، بعد از آن‌هم گفت: «من کسی هستم که رفتم عربستان و خم هم نشدم!» سران عربستان این را به او ترجیح می‌دهند؛ یعنی فردی را که بخواهد اعمال قدرت بکند و حتی توهین کند و بگوید: «اینها مانند گاو شیرده هستند که بعد از اینکه شیرش تمام شد، آن را ذبح می‌کنیم»! لذا ترامپ برای آنها یک هدیهٔ آسمانی است و می‌خواهند هرچه بیشتر خودشان را به او نزدیک کنند و از قبَل این نزدیکی، به خودشان مصونیت و موقعیّت ببخشند.

نکته دیگر اینکه رهبران این منطقه به‌ویژه در آن حالت غرور جوانی، اهدافی به‌مراتب فراتر از ظرفیت‌های واقعی برای خودشان تعریف می‌کنند. از قذافی و صدام گرفته تا بن‌سلمان. فرض کنید برنامهٔ ۲۰۳۰ عربستان، یا شهر نیوم و یا اولین شهروند افتراضی. به طور کلی برنامه‌هایی که به لحاظ اقتصادی و توسعه‌ای و مسائل توریستی که برای خودشان تعریف می‌کنند و یا تولید اسلحه، اینها کاملا فراتر از ظرفیت‌های واقعی آنهاست. چون نمی‌توانند و شرایط ایجاب نمی‌کند که به آن اهداف برسند، نارضایتی ایجاد می‌شود و آن نارضایتی، دیکتاتوری اینها را تشدید می‌کند و مردم را ناراضی‌تر می‌سازد.

در مورد کویت، شرایط کاملا با بقیهٔ شیخ‌نشین‌ها متفاوت است. هم تاریخ متفاوتی دارد و همسایگی با عربستان و ایران و عراق، برای او موقعیت خاصی ایجاد کرده است. ساختار داخلی و توزیع جمعیتی و ویژگی پارلمانی و رسانه‌ای‌اش متفاوت است؛ بنابراین کویت به دلایل مختلفی که مفصل است، آخرین کشوری در بین اینها خواهد بود که رابطه‌اش را با اسرائیل فعال می‌کند.

اما بحرین، در حال حاضر زاییدهٔ عربستان است، و لذا سیاست مستقلی ندارد، ازجمله در زمینهٔ نزدیکی به اسرائیل؛ بنا بر این همان سیاستی را درپیش می‌گیرد که عربستان به او توصیه می‌کند و درنهایت در چارچوب تفکر عربستانی، سیاست‌هایش را تعریف می‌کند.

در مورد امارات، این کشور پدیدهٔ خاصی شده است. کشوری که تا حدود ده سال پیشتر از محافظه‌کارترین کشورها در زمینهٔ سیاست خارجی بود، به ناگهان به یک کشور توسعه‌طلب تبدیل شده است. لذا به صورت نامفهومی فراتر از ظرفیت خودش در دریای سرخ، سومالی و جیبوتی و حتی در یمن و لیبی و تونس دخالت‌هایی کرد و یک سلسله مشکلاتی هم برایش ایجاد شد که ادامه خواهد یافت؛ لذا امارات به واقع در شرایط عادی نیست. سیاست گرایش به اسرائیلش هم به دلیل شرایطی که دارد، عملا قوی‌تر و عمیق‌تر از دیگران است و این روند ادامه می‌یابد.

بن سلمان و همفکرانش اسرائیل را بیش از آنکه به عنوان غاصب و متجاوزی ببینند که حقوق فلسطینی‌ها را پایمال کرده، به عنوان کشوری می‌بینند که نماد علوم و تکنولوژی و دمکراسی است! به این لحاظ مایلند به آن نزدیک شوند و آیندهٔ بهتری را برای خودشان ایجاد بکنند؛ اما این بدان معنی نیست که مردم عادی هم این‌گونه‌اند

در مورد قطر، قطر اولین کشور خلیج فارسی است که در اوایل دههٔ ۹۰ صریحاً رابطهٔ تجاری با اسرائیل را آغاز کرد و رفتار و آمدهای رسانه‌ای‌اش آغاز شد و بعضاً شخصیت‌های اسرائیلی در کنفرانس‌هایی که در این کشور برگزار می‌شد، شرکت می‌کردند؛ ولی در حال حاضر قطر سیاست خارجی‌اش را در چارچوب «تفکر اخوانی» شکل می‌دهد و می‌کوشد رابطهٔ متوازنی با همه داشته باشد. البته نمی‌خواهم بگویم مدل قطر، ترکیه است، ولی سیاست خارجی‌اش در مورد اسرائیل تا مقدار زیادی همانند ترکیهٔ اردوغان است.

در مورد عمان، عمان یک کشور منزوی‌شده به لحاظ تاریخی است و به لحاظ جغرافیایی در منتهی‌الیه شرق عربی قرار دارد. مشکلات داخلی که مخصوصا در دههٔ ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ داشت، مانند مسئلهٔ ظفار و مسائل مختلف دیگر، هویت موجود و سیاست خارجی این کشور را به شکل خاصی درآورده است؛ برای نمونه موقعی که در ۱۹۷۸ سادات به اسرائیل رفت، همهٔ کشورهای عربی با مصر قطع رابطه کردند، به جز عمان. منظور این است که از گذشته ویژگی خاصی داشته است. در سالهای اخیر عمان تحت فشار سعودی‌ها بود و از زمان جنگ یمن، این فشار به‌مراتب بیشتر شده است؛ بنابراین سیاست گرایش به اسرائیل او (که در چارچوب سفر نتانیاهو به آنجا انجام شد) عمدتا برای حفظ موقعیت خود در مقابل فشارهایی است که عربستان و گروه عربستان در مجموعهٔ خلیج فارس به عمان وارد کرده‌اند و می‌کنند.

ادامه دارد

معرفی کتاب

مقالات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی
سید علی گرامیان
شرکت چاپ و نشر بازرگانی
چاپ اول: ۱۳۹۷
۲۳۰ ص ـ ۲۵ هزار تومان

اثر حاضر مشتمل بر مجموعه مقالات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است که پیشتر به تناوب، در جراید کثیرالانتشار به چاپ رسیده است. عناوین مقالات بدین ترتیب است: خداشناسی، خداشناسی (معرفت‌الله)، سیمای رسول‌الله(ص)، مولا علی(ع)، قرآن مجسم، فرهنگ عاشورا فرهنگ اسلام است، نگاه کوتاهی به‌زندگی امام‌هفتم، حضرت موسی بن جعفر علیهماالسلام، نگاه کوتاهی به زندگی امام حسن عسکری(ع)، خشم مقدس، ایمان به خدا و وحدت ضامن پایداری انقلاب و ملت، نامه‌ای به علمای جهان اسلام، ارادت به پیشگاه ولایت، چگونه فرهنگ می‌تواند به اقتصاد کمک کند، انقلاب ما به معنویات و خدا متکی است، اخلاق از دیدگاه اسلام تأثیر وراثت در اخلاق، توصیه‌های علمای خراسان به رئیس جمهور منتخب، رئیس جمهور منتخب اصول‌گراست یا اصلاح‌طلب، کلید تدبیر و لبخند امید، من هم دلواپسم، دولت مظلوم، وزارتی مهم با وزیری لایق، بخشنامه فرهنگی، از هاشمی تا خاتمی، مثلث سیاست، مسئولیت و اقتدار، ساعتی در حضور آیت‌الله، نگذارید حقیقت در پیشگاه مصلحت قربانی شود، دفاع از خدمتگزار مظلوم، اشکی بر مزار ارزش‌ها، کنفرانس برلین و مقاصد ننگین، نقش خاطره‌ها، نقشه خاطره‌ها، نهضت ملی برای حمایت از تولید، آزادگی و عزتمندی، کمپینی به نام تحریم، گام سوم: خروج از رکود، اشتغال مولد، رفع تحریم و اقتصاد درونزا، صلح حدیبیه و توافق هسته‌ای، قله‌های عزت و افتخار، صلح حدیبیه و توافق هسته‌ای، درسهایی از حدیبیه، مردم مظلوم بحرین و آل‌های خونخوار، بحرین بیدار و آل‌های جنایتکار، توقع کرامت از پایتخت معنویت، داعش محصول جهالت و شیطنت، غذای حلال.

در یکی از مقالات می‌خوانیم: «انقلاب ما انقلابی اسلامی است و نظام ما نظامی است دینی. هر عمل زشت و زیبای دست‌اندرکاران نظام به حساب اسلام و روحانیت گذاشته می‌شود. هیچ‌کس حق ندارد در حوزه اداری و کارگزاری کشور و زیر تابلو نظام اسلامی و تصویر امام و رهبری، کاری خارج از معیارها و موازین اسلامی انجام دهد؛ زیرا در این صورت به اسلام و نظام اسلامی ضربه زده و خیانت کرده است.»

تازه‌های انتشارات ققنوس

تاریخ یونان باستان
نویسنده: دیوید استاتارد
مترجم: شهربانو صارمی
چاپ اول، ۱۳۹۷
۳۰۶ص ـ ۳۵هزار تومان

زندگی شخصی یونانی هامی تواند بازگوکنندهٔ تاریخ و جامعه وسیعتری باشد. در این کتاب پنجاه زندگینامه بررسی می‌شود. این زندگینامه‌ها به دو مضمون مهم می‌پردازند که در این کتاب محوری است:

پدیدآمدن تاریخ‌نگاری و زندگینامه‌نویسی. یونانیان کهن در هر دو پیشگام بودند، و اگر بگوییم آگاهی در حال توسعه از هر کدام به طریقی کمک کرد تا بسیاری از یونانیان زندگی خود را پیش ببرند و تاریخشان را شکل بدهند، چندان اغراق نخواهد بود.

دیوید استاتارد زندگی و حیات کسانی را که دنیای یونان را تغییر دادند، در روایتی پیوسته به هم می‌بافد. از اولین فرمانروایان جبّار، پیسیستراتوس و پولوکراتس، تا بلواهای دمکراسی در دوران کلئیستنس و ظهور مقدونیه در دوران فیلیپ دوم و اسکندر و سرانجام انحطاط دنیای یونانی با ظاهر شدن روم. این کتاب خواننده را با خود همراه می‌کند و از سیسیل به افغانستان، و از مقدونیه به اسکندریه می‌برد و با کندوکاو در دنیای ریاضیات و جغرافیا، سخنوری و تاریخ‌نگاری، نقاشی و مجسمه‌سازی، بررسی روایات تاریخی و سرّی و آثار شاعران و نمایشنامه‌نویسان و... تصویری زنده از حیات در تمامی صحنه‌های دنیای یونان باستان ارائه می‌کند.

پس از هگل
فردریک بیزر
مترجم: سیدمسعود آذرفام
چاپ اول: ۱۳۹۷
۳۴۴ص ـ ۳۵هزار تومان

نیمه دوم قرن نوزدهم در آلمان یکی از خلاق‌ترین و انقلابی‌ترین دوره‌های فلسفه مدرن به شمار می‌رود. با این حال، این دوره در میان آلمانی‌زبانان اندک و در میان انگلیسی‌زبانان بسی اندک‌تر مطالعه و بررسی شده است!

هدف کتاب حاضر معرفی فلسفه این دوره به خوانندگان است. جهت اطمینان از گستردگی پوشش تاریخی، و حفظ تمرکز فلسفی، این کتاب نه بر اساس موضوعات و متفکران، که بر اساس مناقشات سامان یافته است.

این کتاب تاریخی مجمل و در عین حال بی‌نظیر از فلسفه آلمانی در نیمه دوم قرن نوزدهم است. در این کتاب با متفکرانی مواجه می‌شویم که در زبان فارسی نامی از آنها نشنیده‌ایم؛ متفکرانی که به‌رغم گمنامی، چه فلسفه زمان خویش و چه فلسفه معاصر را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده‌اند.

پس از هگل، به عنوان یکی از آثار متأثر بیزر روشنی بدیع نیز پی گرفته که واجد نقاط قوت عدیده‌ای است که آن را از سایر کتب تاریخ فلسفه متمایز می‌سازد. او با تمرکز بر مناقشات، به جای پرداختن به شخصیت‌ها، کوشیده است اثرش را از خطاهای تاریخ‌های فلسفهٔ متعارف در امان نگه دارد.

واژه‌نامه هایدگر
ژان ماری ویس
مترجم: شروین اولیایی
چاپ اول: ۱۳۹۷
۳۶۰ص ـ ۳۵هزار تومان

مؤلف در این کتاب می‌کوشد به زبان هایدگر نزدیک شود و واژه‌ها یا به بیان خود هایدگر، «مفاهیم بنیادین» این زبان را تبیین کند، البته نه با ترجمه صرف که از عهده چنین کاری برنمی‌آید، بلکه از طریق برقراری دیالوگی میان زبان فرانسه و زبان آلمانی، دیالوگی که از محدوده‌های یک زبان فراتر می‌رود و واژه‌ها را به روشنایی سرآغازینشان در «سرآغاز نخست» اندیشه در یونان بازمی‌گرداند.

این دیالوگ زبان فرانسه را به «پاس‌دادن» میان زبان یونانی و زبان آلمانی وارد می‌کند و از این راه، تلاش می‌شود واژه‌ها و مفاهیمی روشن گردد که هایدگر برای اشاره به «فراگذار» از سرآغاز نخست اندیشه غربی به «سرآغاز دیگر» به کار می‌برد.

این واژه‌نامه مفاهیم دوره‌های متفاوت کار فکری هایدگر را در بر می‌گیرد و می‌کوشد این مفاهیم را تا حد امکان با زبانی روشن اما دقیق به بیان آورد.

زبان هایدگر اگرچه باطناً نوعی دیالوگ است، واژگانی را نیز در بر دارد که در کتاب حاضر سعی شده با فهمیدن آنچه خود او دوست داشت «مفاهیم بنیادین» بنامد، حدود آنها مشخص شود.

سینما و مرگ
میلاد روشنی پایان
چاپ اول: ۱۳۹۷
۲۱۶ص ـ ۲۱هزار تومان

آیا مرگ تصویر دارد؟ به بیانی دیگر، آیا می‌توان نه فقط از تصویر مرده‌ها بلکه از تصویر مرگ هم حرف زد؟ و آیا سینما که همچون شکارگاه تصاویر است، می‌تواند این تصویر مرگ را نیز به دام اندازد؟

کتاب حاضر با این پرسش‌ها آغاز می‌شود و با بررسی فیلم‌هایی که دغدغه مرگ دارند، پیش می‌رود. اما کتاب در ادامه تلاش می‌کند تا از یک سو مرگ را نه فقط در روایت فیلم‌ها، بلکه در رابطه و نسبت با خود واسطهٔ سینما نیز بررسی کند و از سوی دیگر امکانات مقاومت در برابر مرگ، یعنی نسبت سینما و نامیرایی را نیز بکاود.

از این رو همزمان با استفاده از بحثهای نظری در تاریخ صدساله نظریه فیلم، کندوکاو در نظرورزی‌های فلسفی در باب مرگ و نامیرایی و همچنین جستجو در منابع ادبی نیز اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

بنابراین کتاب حاضر مطالعه‌ای میان رشته‌ای با محوریت مرگ است که با نظریه فیلم، فلسفه و ادبیات تغذیه می‌شود. مرکز جاذبه‌ای که در سرتاسر این کتاب سرگردان و پنهان و سلطه‌جو مانده است (خواهد ماند!) مرگ است.



وقتی «زعفران» چینی می‌شود!

ورود به بازار چین به دلیل جمعیت میلیاردی آن آرزوی هر کشوری است و دولت ها تلاش می کنند سهمی از این بازار داشته باشند.

در این میان زعفران ایرانی محصولی که از آن با عنوان «طلای سرخ» یادمی شود، در بازارهای مختلف دنیا از جمله چین خواهان بسیاری دارد؛ اگرچه برنامه این کشـــور برای کشت زعفران و همچنین عرضه زعفران بی کیفیت و حتی تقلبی با نام زعفران ایرانی، آوازه این محصول را در معرض خطر قرار داده است.

اگرچه تا ســـه دهه قبل زعفران را در جهان با نام ایران می شناختند اما به لطف «قاچاق پیاز زعفران ایرانی» امروز متاسفانه کشورهای دیگری در این عرصه ورود کـــرده و انحصار را از ایران گرفته اند، افغانستان، امارات، اسپانیا و چین از جمله کشورهایی هستند که در چند سال گذشته وارد بازار زعفران شده و جایگاه ایران را به مخاطره انداخته اند.

اکثر تجار چینی در بازار چین دیگر علاقه ای به خرید زعفران ایرانی ندارند، چون اســـتاندارد مشخص و نظارت و کنترلی در تولید و بسته بندی و واردات و توزیع آن وجود ندارد. از این رهگذر افغانستان بهترین عایدی را داشته است و اکنون بالاترین فروش زعفران در چین و حتی در اروپا و آمریکا به افغانســـتان اختصاص دارد. این در حالی اســـت که چنین جایگاهی برای افغانستان در سایه بی نظارتی و قاچاق پیاز زعفران از ایران نصیب این کشور شده است.

اگرچه روزگاری، بیشتر نیاز زعفران چین از ایران تامین می شد اما اکنون این وابســـتگی کاهش یافته است به طوری کــــه گمرک چین فقط به محموله هایی اجازه واردات می دهد که مجوز وزارت بهداشت دو کشور را داشته باشد. همچنین تنها شرکت هایی که مجوز واردات صنایع دارویی دارند می تواند اقدام به واردات زعفران از ایران به چین کنند.

آمارها نشـــان می دهد تا حدود ۵ سال قبل سالانه ۳۰ تا ۴۰ تن زعفران اصل ایرانی به چین صادر می شد که با این ممنوعیت، این بازار از دست رفته است؛ هرچند افرادی هســـتند که به صورت غیرقانونی اقدام به این کار می کنند که باید ریسک و خطر صادرات غیر قانونی را هم درنظر بگیرند.

با این حال کارشناســـان می گویند محدود شدن صادرات زعفران به چین به علت حمایت دولت این کشـــور از کشـــاورزان است به طوری که واردات زعفـــران را بـــا عوارض بســـیار بالا (۳۸ درصـــد) به مرزهای شـــانگهای امکان‌پذیر دانسته‌است.

نباید از یاد برد که چینی‌ها از جمله هوشمند ترین مردم در زمینه یافتن راه های اقتصادی هســـتند. آنها در هر عرصه ای دیـــدگاه ویژه تجاری دارند و از ذکاوت بالایی برای تجارت به خصوص استفاده از محصولات دیگر کشورها برای کسب درآمد برخوردار هستند.

به هـــر حال اهمیت این محصول باعث شـــده اســـت تا مساله صادرات زعفران به چین یا به گفته برخی «قاچاق پیاز زعفران ایرانی» به این کشور و کشت تدریجی آن در چین به موضوعی قابل تامل در سال های اخیر تبدیل شود.

واردات زعفران به صورت رسمی به چین اگرچه از مدت ها قبل با محدودیت های زیادی از ســـوی دولت های ایران و چین مواجه شده است اما به صورت محدود و بعضا همراه مسافر از ایران به چین آورده می شود.

در حال حاضر چین به دو صورت به بازار زعفران ایران لطمه زده اســـت؛ یکی از طریق کشت زعفران به صورت «گلخانه ای» و دیگری از طریق فروش «زعفـــران تقلبی و بـــی کیفیت» با نام زعفران ایران.

استان ارومچی و شهر "شین جیان" یکی از شهرهایی است که اکنون زعفران در آن کشت می شود علاوه بر این منطقه در شهر "چونگ مینگ" هم این محصول مهم کشت می شود.

"شی زنگبین" مدیر اداره کشاورزی شـــهر "چونگ مین" می گوید: کشت زعفران از دهه ۸۰ میلادی در روســـتای "وانگ یوخوا" این شهر در سطح ۴۰۰ تا ۵۰۰ هکتار آغاز شده است.

آن طـــور که این مســـئول به ایرنا می گویـــد: ۹۰ درصد محصول زعفران این منطقه توســـط فروشندگان محلی و شـــرکت های داروسازی خریداری می شود.

اما غیر از این دو شهر، زعفران در شهرهای "ژجیانگ" و "هنان" هم کشت می شـــود، در شهر "ژجیانگ" به علت ضعیـــف بودن خاک و پیازچه، زعفران تولید بسیار کمی دارد و در "هنان" هم به دلیل هوای سرد، رشد زعفران بسیار کم است و در هوای باز منجمد می شود.

مدیـــر یکی از فروشـــگاه های زنجیره ایشـــهر "چونگ مین" که ۹۰ درصد زعفران چین در آن کشت می شود هم به ایرنا می گوید: در سال های اخیر هـــر گرم زعفران بین ۲۵ تا ۳۰ یوان به فروشـــنده های محلی و شرکت های داروسازی فروخته شده است اما قیمت آن در فروشـــگاه های اینترنتی بین ۴۰ تـــا ۴۵ یوان و برای مردم عادی هم ۵۰ یوان است.

"شان لیو" می افزاید: ایران تولید کننده اصلی زعفران است اما کشت گلخانه ای زعفران در شهر "چونگ مینگ" باعث کاهش واردات این محصول گران قیمت از ایران شده است.

وی با اشاره به اینکه زعفران ایران قیمت بالاتری دارد، تاکید می کند: اگر یک فروشنده در فروشگاه های مجازی و فیزیکی بتواند ثابت کند که زعفران او وارداتی از ایران اســـت می تواند آن را حدود هر گرم ۴۰ یوان بفروشد.

آنچه مســـلم است اینکه فرهنگ استفاده از زعفران در چین با ایران تفاوت بســـیاری دارد عمدتا از این فرآورده در چیـــن به عنوان یک محصول خوراکی استفاده نمی شود بلکه بیشتر جنبه دارویی دارد. از سوی دیگر، ارایه زعفران در چین در هر فروشـــگاهی امکان پذیر نیست و بیشـــتر فروشگاه های مواد غذایی و بازارهای مختلف اجازه چنین کاری را ندارند. در واقع زعفران به صورت یک محصول به آســـانی در بازار چین در دســـترس نیست و به صورت یک ماده دارویی گران قیمت عرضه می شـــود و عمده فروشنده های آن هم داروخانه ها و بیمارســـتان ها هستند و بهای بسیار گزافی هم دارد.

هرچند بعضا شماری از فروشگاه های اینترنتی یا برخی از مغازه های کوچک در مناطق مختلف چین این محصول را که از طرق مختلف از جمله توسط برخی از بازرگانان ایرانی یا چینی، مسافران و دانشجویان به این کشور صادر شده است به صورت محدود و با برند شرکت های ایرانی می فروشند.

"وانگ یونگ" صاحب یک داروخانه گیاهی در پکن می گوید که این محصول دارویی را با نســـخه پزشکی به بیماران می فروشند و چون قیمت بسیار بالایی هم دارد، به راحتی قابل تهیه نیست.

وی می افزاید: اگرچه این فرآورده در چین فروخته می شود و گفته می شود در برخی مناطق کشـــت آن شروع شده است اما قابلیت رقابت با زعفران ایرانی را ندارد و آب و هوای بیشتر مناطق چین هم برای پرورش آن مناسب نیست.

یکی از تجار ایرانی مقیم چین هم در مورد وضع زعفران ایرانی در بازار داخلی این کشور می گوید: در حال حاضر بازار زعفران ایرانی در چین شاهد مشکلات عدیده ای است که نیازمند نگاه کارشناسی و تجاری است.

وی تصریح می کند: واردات زعفران از طریق مبادی قانونی و گمرکات چین نیازمند مجوزهای بهداشتی و قرنطینه ای است و فقط شرکت هایی که مجوز مواد اولیه دارویی را داشته باشند، می توانند زعفران وارد کنند.

در حـــال حاضر بیش از ۵۰ درصد واردات زعفـــران ایران به چین از طریق قاچاق یا مســـافری وارد چین می شود. از طریق مسافری در حدود ۵۰۰ گرم تا ۱۰ کیلو قاچاق می شود و بالاتر از ۱۰ کیلو هم از طریق هنگ کنگ و توسط چینی ها قاچاق می شود.

وی با اشاره به اینکه زعفران همچنین در منطقه ای به نام "شـــیجان" در غرب چین کشت می شود، می افزاید: زعفران کشـــت چین از لحاظ ظاهر درشت تر و بلندتر از زعفران ایرانی اســـت، ولی مرغوبیت زعفران ایران را ندارد و نکته جالب اینکه زعفـــران چینی گرانتر از زعفران ایرانی خرید و فروش می شود و اکثـــر تجار چینی در غرب چین در منطقه "شینیگ" و "ارومچی" بیشتر در تجارت زعفران مشغول هستند.

وی با اشاره به اینکه زعفران ایرانی دارای درجه های مختلفی است ، یادآور می شود: متاسفانه در سال های اخیر افراد سودجو ایرانی و چینی اقدام به تولید زعفران تقلبـــی و عرضه در بازار چین کرده اند و این امر باعث شده است مشتری های این کالای گرانبها، رغبتی به خرید زعفران ایرانی نداشته باشند.

ایـــن تاجر ایرانی ادامه می دهد: از طرفی دیگر فروش زعفران ایرانی توسط افراد غیرتاجر و غیر حرفه ای در اینترنت یا نمایشگاه های متعدد باعث شده است این کالا گرانبها به قیمت بسیار ارزان و در بسته بندی های غیر استاندارد، عرضه و توزیع شود.

وی خاطرنشـــان کـــرد: فروش دانشجویی توسط دانشجویان ایرانی مقیم چیـــن هم در حال حاضر باعث اختلال در فروش بازار چین شده است چرا که این دوستان برای امور هزینه های زندگی خود در چین به روش های غیرحرفه ای و غیـــر تجاری اقدام به فروش در حد ۱۰۰ گرم می کنند.

به گفته وی، برخی اوقات این کالای گرانبها همانند کالای بی ارزش فروخته می شود و روز به روز این کالای ناب ایرانی ارزش و مقام خود را در بازار چین از دست می دهد. این امر نه فقط باعث تخریب بازار زعفران شـــده است، بلکه ضربات بزرگی به تجار ایرانی صاحب نام که سال ها تلاش و بازاری مناسب در چین ایجاد کردند، وارد کرده است.

به گفته وی، به عنوان مثال زعفران ســـرگلی ایرانی درجه یک که در بازار عمده فروشی، هر گرم حدود ۲۰ تا ۲۵ یوان فروخته می شـــود حالا متاسفانه با ورود افراد غیر تاجر و فروش دانشجویان ایرانـــی به گرمی ۶ تا ۸ یوان رســـیده است.

بـــازار زعفران تقلبی ایرانی هم داغ اســـت از قاطی کردن زعفران نگین یا سرگل با پوشال و رنگ کردن زعفران تا کپی کردن برند ایرانی و ....

ایـــن تاجر ایرانی تصریح می کند: اخیرا هم تجار چینی، در فصل برداشت خود مســـتقیما به مزارع زعفران ورود می کنند و همان جا زعفران مرغوب که حاصل دسترنج کشاورز است را بسیار ارزان خریداری می کنند و خیلی راحت بدون پرداخت مالیات و عوارض و حتی بدون نظارت بر خرید، بسیار راحت و آسان به مقصد هنک کنگ و چین صادر می کنند. به گفته وی، همچنین نوع درجه یک زعفران به صورت فله به اسپانیا صادر می شود و با بسته بندی جدید و لوکس به نام زعفران اسپانیایی به اروپا و آمریکا صادر می شود.

وی خاطر نشان می کند: در سال های گذشـــته زعفران ایرانی از لحاظ کیفیت و مرغوبیـــت رتبـــه اول جهان و چین را بـــه خود اختصاص داده بود ولی به دلایل فوق متاسفانه نه فقط باعث کاهش واردات بـــه چین بودیم بلکه نام و رتبه زعفـــران ایرانی در بازار داخلی چین در سال های اخیر افت زیادی داشته است.

به گفته وی، اکثر تجار چینی در بازار چیـــن علاقه ای به خرید زعفران ایرانی ندارند چون استاندارد مشخص و نظارت و کنترلی در تولید و بسته بندی و واردات و توزیع آن وجود ندارد.

ایـــن تاجر ایرانی می گوید: بازار زعفران چین که بازار بزرگی را شامل می شود در انحصار زعفران افغانی است و افغانستان در حال حاضر بالاترین فروش زعفـــران را در چین و حتی در اروپا و آمریکا دارد.

کلاف سردرگم قیمت ها؛ پاشنه آشیل

در شرایطی که اسب تروای بازار ارز و سکه بعد ازماه ها تاخت وتاز درعرصه اقتصاد ایران تا حدودی از نفس افتاده ولی بازار قیمت کالا و خدمات عکس العمل جدی نسبت به این موضوع از خود نشان نمی دهد؛ بعنوان نمونه افزایش قیمت بسیاری از لوازم خانگی ، گوشی تلفن همراه و کالاها ی دیگر به بهانه افزایش قیمت ارز بالا رفته بود با کاهش قیمت ارز همچنان در اوج مانده اســـت و ســـئوالی که در اینجا مطرح می شود این است اگر افزایش قیمت این محصولات با افزایش قیمت ارز راه صعودی پیموده اســـت باید در شرایط کاهشی قیمت ارز هم روندی نزولی داشته باشد. در پاسخ به این سئوال برخی از تولید کنندگان و وارد کنندگان کالا معتقدند که مواد اولیه یا محصولات وارداتی با قیمت ارزهای افزایش یافته خرید شده است لذا کاهش قیمت مستلزم انجام فرایندهای خریدهای بعدی است. در حالی که در حالت افزایشی در موارد متعددی این افزایش شامل حال خریدهای قبلی آنها شده بود و کالاهای با قیمت ارز پایین با قیمت ارز بالا فروخته شد.

به هرحال شرایط افزایش قیمت کالاها و روند صعودی آنها اکنون بعنوان یکی از مطالبات بحق جامعه باید مورد توجه و دقت نظر قرار گیرد. چرا که حتی برخی از افزایش قیمت های کالاها که ارتباط مستقیمی با افزایش قیمت ارز ندارد هم برای جامعه ایجاد نگرانی کرده است. بعنوان نمونه در خصوص فرآورده های لبنی، قیمت این محصولات همچنان سرکش و روند صعودی را در فشار به اقشار آسیب پذیر از خود نشان مـــی دهد و همچنان بر طبل گرانی خود می کوبد. موضوعی که زمینه های نارضایتی اجتماعی و زنگ هشـــدار مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را توامان به صدا درآورده است چرا که کاهش قدرت خرید مردم مســـاوی است با کاهش مصرف این محصولات و تهدید سلامت جامعه.

بهرحال شـــرایط حاکم بر بازار بیش از اینکه ناشی از نا کارآمدی نهادهای نظارتی باشد دلیلی بر نا ایمنی فضای بازار و شرایط اقتصادی است. چراکه تولیـــد کنندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات بدون ایجاد یک فضای امن روانی توام با تعامل فی مابین امکانی برای فعالیت و عرضه مناسب و مطلوب کالاو خدمات نخواهند داشت.

از منظر کارشناسان حوزه تنظیم بازار، در فرایند افزایشی قیمت ها معمولا چسبندگی قیمت ها در این روند مانعی برای تمایل بازار به کاهش قیمت است و این موضوع را هم از عوامل عدم بازگشت قیمت ها به تناسب کاهش قیمت ارز می دانند.

البته سر نوشت لبنیات در کشور از نوع دیگر این نابسامانی است و شاید ریشه در عدم تعامل مناسب وکارشناســـی میان نهادهای دولتی در قیمت گذاری قیمت شیر و افزایش قیمت خریداین محصول داشته باشـــد که این امر به انضمام افزایش قیمت برخی از مولفه های موثر بر قیمت تمام شـــده محصولات لبنی، زمینه های افزایش قیمت نهایی به زیان مصرف کننده را فراهم کرده است. البته در این میان ائتلاف فی مابین تولید کنندگان محصولات لبنی در افزایش هماهنگ قیمت ها را هم باید بر این مصائب افزود که نتیجه فوری آن کاهش محســـوس قدرت خرید مصرف کنندگان در اثر کاهش ســـطح درآمدی مردم دانســـت که البته این رفتار تولید کنندگان به دور از یـــک فعالیت حرفـــه ای در عرصه تولید و تجارت تعبیر می شود.

به هرحال در شـــرایطی که وضعیت اقتصادی خانوارها از اوضاع مطلوبی برخوردار نیست، افزایش قیمت این کالای استراتژیک موجب حذف آن از سبد اقتصادی خانوار و تهدید سلامت جامعه شده است و این موضوع برای تولید کنندگان و ائتلاف آنها نتایج مطلوبی را فراهم نخواهد داشت چرا که بر اساس یک قانون اقتصادی همیشه مورد توافق "شرایط بقای تولید کننده درگرو بقای مصرف کننده است".

با این شرایط برخورد با این واحدهای اقتصادی از سوی نهادهای نظارتی عملا نتیجه مطلوبی را هم عاید نخواهد کرد زیرا در صورتی که زمینه های افزایش قیمت از سوی متولی تنظیم بازار فراهم شده است، برخورد تعزیری با معلول اثر بخشی لازم را ندارد.

فراهم بودن بسترهای لازم برای انجام یک فعالیت اقتصادی پایداردر بازار شـــرایط لازم برای کارآمدی نهادهای نظارتی اســـت که البته در کنار آن افزایش هزینه های انجام تخلف و برخورد سریع و قاطع به عنوان دو شـــرط اصلی برای ایجاد یک فضای امن اقتصادی از نهادهای نظارتی انتظار می رود.

نگاهی به عملکرد نهاد های متولی تنظیم بازار نشـــان می دهد که همگرایی مناسبی بین ارکان این ساختارها در تصمیمات اجرایی بصورت مناسب و جامع الاطراف حکمفرمانیست و همین امر زمینه های موفقیت برنامه ها را تاحدود زیادی تحت الشعاع قرار داده است. بعنوان نمونه نهادهای مهم و تاثیر گذار بازار یعنی وزارت صنعت،معدن و تجارت، سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان، سازمان تعزیرات حکومتی، بانک مرکزی و وزارت جهاد کشاورزی اگر در تدوین برنامه های جامع بازار، همگرایی و همکاری مناسب و موثری را در حوزه تولید، تامین، توزیع و نظارت بر بازار ترسیم و اجرایی نکند و فرصت ها و چالش های یک تصمیم را از ابعاد مختلف نبینند امکانی برای موفقیت تصمیمات آنها نمی توان متصور شـــد. مثلاً تصمیم وزارت جهاد درافزایش قیمت نا بهنگام برخی قیمت محصولات به دلیل حمایت از تولید و در شرایطی که به سود تولید کننده تمام شود که جایگاه و منافع مصرف کننده و شرایط حاکم بر بازار به شکل مناسبی از سوی دیگر نهادهای دیگر مورد ارزیابی و دقت نظر قرار گیرد.یعنی بازار کالا از موجود مملو است ولی کاستی ها و بی تدبیری در توزیع آنها، اقدام خود سرانه در عرضه نامناسب شبکه را با مشکل مواجه کرده است.

لذا نهاد نظارتی عملاً کاری از پیش نمی برد. در این شرایط نا هماهنگی این نهادها حتی اگردر انجام وظایف جدیت هم نشان دهند ولی اقدام جزیره ای ومنفصل انها عملاً نتایج موثر و قطعی را عاید جامعه و بازارنمـــی کند که البته دولت هم ضرر می کند و خسارت می بیند و مردم هم ناراضی هستند.آگاهی این نهادها از عملکرد و برنامه های ســـایر نهادها و اقدام هماهنگ و هم راستا با سیاست های کلان و توجه به اقتضائات بازار در شـــرایط و ابعاد مختلف تنها نســـخه قابل تجویز برای حفظ آرامش بازار و بهبودشرایط بازار است.

در شرایط نابسامانی ارکان مختلف زنجیره مرتبط با بازار، عملکردنهاد نظارتی تنها در خوشبینانه ترین شرایط می تواندبصورت مسکن و مقطعی عمل کند. و کارکردهای انها را هم زیر سئوال ببرد.

بنابـــر این و با عنایـــت به مطالب پیش گفته می توان مدعی شد که دولت باید بیش از آنکه دنبال کلاف سر درگم نابسامانی قیمت دربازار سطح خرده و عمده فروشی های بازار بگردد باید سر نخ اصلی را در برنامه ریزی و اجرای سیاســـت های خود در تنظیم بازار جستجو کند؛ چرا که برآیند عملکرد صحیح این دستگاه ها می تواند تضمین کننده سلامت بازار و آرامش روانی زنجیره تولید تا مصرف باشد و در این شـــرایط عملکرد نهادهای نظارتی هم حتماً اثر بخش خواهد بود.

غلامعلی رموی

توسعه اقتصادی با تقویت بازار سرمایه

در شرایط کنونی تصمیمات دولت، نرخ ارز، قیمت نفت، طلا و کامودیتی ها در روند بازار سرمایه اثرگذاری زیادی دارد و این روزها شاهد احتیاط سرمایه گذاران در بورس هستیم.

علی امین تفرشی عضو هیئت مدیره شرکت بورس اوراق بهادار تهران در گفتگو با پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا)، بیان کرد: در روزهای گذشته فضای بورس تحت تاثیر ریسک های سیستماتیک، تغییرات قیمت طلا و ارز و همچنین قیمت جهانی نفت قرار داشت و اکنون تاثیر این ریسک ها کاهش پیدا کرده است.

عضو هیات مدیره شرکت بورس اوراق بهادار تهران با بیان اینکه مهمترین مساله در اقتصاد کشور ثبات در بازار ارز و سکه بود، گفت: خوشبختانه دولت در چند هفته اخیر توانست تا حد قابل توجهی از نوسانات ارزی بکاهد و تداوم این روند می تواند ورود موج جدیدی از نقدینگی را به بورس نوید دهد اگر این ثبات همچنان توسط دولت مدیریت شـــود مطمئنا در کوتاه مدت و میان مدت شـــاهد رونق بازار سرمایه خواهیم بود.

علی امین تفرشی ادامه داد: معمولا بازارهای پولی و مالی در تقابل با یکدیگر هستند و زمانی که در یک بازار ایستایی ایجاد شود طبیعی است که نام بازار دیگری که پتانسیل جذب نقدینگی سرگردان را داشته باشد مطرح می شود در نتیجه عقب نشینی بازار سکه و ارز و سایر بازارها می تواند عاملی برای ورود نقدینگی به بازار سرمایه باشد.

با این حال بازار سرمایه از جمله معدود نهادهای اقتصادی است که در صورت رونق ســـایر بازارهای موازی هم توان رقابت با آنها را دارد بنابرایـــن بـــورس چه در رونق و چه در رکود بازارهای موازی از شرایط رشد برخوردار است.

عضو هیات مدیره شرکت بورس اوراق بهادار تهران، ضمن بیان اینکه محور پویایی اقتصاد در دنیا عملکرد شرکت ها است و اگر ما نیز بخواهیم به رشد اقتصادی مطلوب برسیم باید به رشد و توسعه شرکت ها کمک کنیم، افزود: ما با ساختار شرکت های کوچک نمی توانیم اقتصاد کشور را متحول کنیم و از آنجا که محور تامین مالی کم هزینه بخش مولد اقتصاد، بازار سرمایه است لذا تقویت بورس به توسعه ساختاری شرکت ها و سپس به رشد اقتصادی منتهی می شود.

علی امین تفرشی، به برنامه های جدید هیات مدیره شرکت بورس تهران با هدف توســـعه بازار اشـــاره کرد و گفت: در حال حاضر یک طرح تحول جامع در هیات مدیره بورس تهران با هدف چابک سازی و توسعه بازار تدوین شده است.

ما در حال حاضر ظرفیت های بســـیار زیادی برای توســـعه بازار سرمایه داریم و یکی از موارد پیش بینی شده جذب شرکت های بزرگی است که هنوز به بازار سرمایه نیامده اند.

شاخص کل

۱۵۷۰۰۰
۱۵۶۰۰۰
۱۵۵۰۰۰
۱۵۴۰۰۰
۰۸:۵۵:۴۱
۱۲:۵۵:۴۱

بازار در یک نگاه

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (یکشنبه ۹۷/۱۰/۲)

مجموع حجم معاملات	۱/۷۳۵ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۴/۹۹۱/۵۵۵ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۱۱۸/۰۴۷ معامله
ارزش بازار	۵/۹۵۲/۱۳۸ میلیارد ریال

حرکت به سمت استانداردهای بین المللی بورس

عضویت ایران در هیات اجرایی گروه سپرده گذاری کشورهای آسیایی و اقیانوسیه موفقیتی ارزشمند است این موضوع عـــلاوه بر اینکه منجر به عضویت ایران در هیات رئیســـه فدراسیون جهانی سپرده گذاری ها شد، توانست شرکت سپرده گذاری ایران را به استانداردهای جهانی نزدیک تر کند.حسین فهیمی مدیرعامل شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تســـویه وجوه (سمات) در گفتگو با پایگاه خبری بازار ســـرمایه (سنا)، از موفقیت های سمات در حوزه های بین المللی خبر داد.

وی در ابتدا بیان کرد: نهادهای بین المللی در سال های اخیر تلاش بســـیاری انجام دادند تا فعالیت های مالی به یک استاندارد مشخص برسند، به نحوی که طی سال های اخیر یک ادبیات مشـــترک مالی در سطح دنیا تعریف شد.در حوزه زیر ساخت ها، قوانین،چهارچوب ها،ابزارهاو نهادهای مالی استاندارد مالی مشخصی در حال شکل گیری است به طور کلی روند جهانی شدن برای نهادهای مالی، به این سمت پیش می رود که قوت و ضعف کشورها بر اساس میزان پیاده سازی این استانداردها شناسایی شود.

فهیمی به استارت بین المللی شدن شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه اشاره کرد و گفت: شـــرکت سپرده گذاری در سال های اخیـــر فعالیت خـــود را در جهت بین المللی شدن افزایش داد یکی از نهادهایی که سمات در آن فعالیت فابل توجه دارد، گروه سپرده گذاری های کشور های آسیایی و اقیانوسیه است.

وی افزود: در این گروه کشورهای مطرح آســـیایی نظیر ژاپن،استرالیا، هند،چین و پاکستان عضویت دارند، همچنین در این گروه آخرین شرایط سپرده گذاری ها، آخرین استانداردهای بین المللی در حوزه های مختلف ارائه خدمات، زیرســـاخت های آی تی و حقوقی مورد بحث و بررســـی قرار می گیرد.مدیرعامل سمات چگونگی حضور ایـــران در این گروه را این چنین تشـــریح کرد: بعد از برگزاری بیستمین گردهمایی گروه شرکت های سپرده گذاری آسیا، اقیانوسیه که در تهران و با میزبانی شـــرکت سپرده گذاری مرکزی بود، همکاری های دو طرفه میان ایران و دیگر نهادهای مالی گسترده تر شد.وی افزود: در دو سال گذشـــته که ایران میزبان این نشست بود، تقریبا در تمام گروه های کاری و نشست های سالانه ایران درخواست عضویت در پنل ها و ســـخنرانی ها را داده بـــود.در جریـــان این پنل ها و ســـخنرانی ها که در کشور های دیگر برگزار شـــد، از طریق فرصت هایی که بدست آوردیم آخرین دست آوردها، یافته ها، استانداردهای حاکم بر کشورمان و قوانین و مقررات و نقش شرکت سپرده گذاری به عنوان یگانه نهاد ثبت و نگه داری و تسویه پایاپای اوراق بهادار بر کشورمان را در اختیار دیگر کشورها قرار دادیم.

فهیمی در مورد عضویت ایران در هیات اجرایی این گروه توضیح داد: در بیست و یکمین گردهمایی سالانه سپرده گذاری های آسیا و اقیانوسیه که در هنگ کنگ برگزار شد، تقاضای عضویت در هیات اجرایی را مطرح کردیم این تقاضا مورد پذیرش قرار گرفت و سپرده گذاری و تسویه وجوه ایران به عضویت هیات اجرایی این نهاد درآمد. وی ادامه داد: در آن جلسه، کشور های پاکستان و ایران تقاضای عضویت نایب رییسی داشتند که کشور پاکستان رای بیشتری برای عضویت کسب کرد با این وجود در گردهمایی امســـال برای این مسوولیت نامزد شدیم و رای ایران از دیگر کشور ها بیشـــتر بود.وی گفت: یکی از اثرات مهم حضور ایران، حق رای و اتخاذ تصمیم برای نشست ها و تمام وقایعی اســـت که در این گروه رخ می دهد به عبارتی دیگر کشـــور ما به همراه کره جنوبی به هر توافقی برسد، دیگر کشورها تبعیت خواهند کرد.

وی افزود: ارتقای دانش اعضا از مهمترین اهداف این گروه اســـت که می تواند برای ایران بسیار مفید باشد. سپرده گذاری مرکزی ایران با حضور مستمر در این پنل ها و گردهمایی ها می تواند از دانش و تجارب مفید دیگر کشورها استفاده کند.

حسین فهیمی اثر دوم عضویت در این گروه را حضور در عرصه های بزرگ بین المللی دانســـت و گفت: فدراسیون جهانی سپرده گذاری با نام WFCبزرگ ترین مجمع حضور این شرکت هاست با توجه به اینکه رئیس و نایب رئیس ســـپرده گذاری آسیا و اقیانوسیه، عضو هیات رئیسه فدراسیون جهانی هستند، سمات این شانس را پیدا کرد به عضویت هیات رئیســـه فدراسیون جهانی هم برسد.

وی همچنین خبر داد: عضویت ایران در هیات رئیسه فدراسیون جهانی در گردهمایی سالانه WFCکه سال ۲۰۱۹ در کشور مغرب برگزار خواهد شد، به صورت رسمی اعلام می شود.

فهیمی همچنین گفت: در نشســـت سالانه WFCکه همزمان با نشست گروه های آســـیایی در هنگ کنگ برگزار شد، ایران به عنوان عضو پنل حضور داشت و در مورد دستاوردهای حوزه بورس برق و نحوه تســـویه آن برای دیگر کشـــور ها توضیحاتی ارائه شد.

کاهش نرخ بازده بدون ریسک و تاثیر آن بر بازار سهام

در حال حاضر فرصت های بالقوه بسیاری در حوزه بازار ســـرمایه برای تامین مالی شرکت های خصوصی و دولتی فراهم شده است تا فعالیت های خود را گسترش دهند و پروژه هایشان را تامین مالی کنند.

ولی نادی قمی کارشـــناس بازار سرمایه با بیان این مطلب به پایگاه خبری بازار سرمایه (سنا) گفت: اخیرا یک ابزار مالی جدید با عنوان صندوق سرمایه گذاری با سرمایه بخش خصوصی به بازار سرمایه اضافه شده و شرکت های خصوصی و حتی دولتی می توانند از منابع این صندوق کسب و کار خود را توسعه دهند تا به توسعه اشتغال و رونق اقتصادی کشور کمک کنند.

وی با بیان اینکه برآورد می شـــود گزارش عملکرد فصل سوم شرکت ها نسبت به دو فصل و مدت مشابه پارســـال بهتر باشد، افزود: در کنار این عامل، کاهش نرخ بازده بدون ریسک (نرخ سود سپرده ها) که از سوی بانک مرکزی دنبال می شود، نیز به تدریج اثر مثبت خود را بر روی بازار سهام خواهد گذاشت.

کارشناس بازار سرمایه با اشاره به فرصت های بالقوه در حوزه های مختلف به ویژه حمل و نقل اظهار داشت: پیش نیاز توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی کشور توسعه سیستم حمل و نقل است و اگر به عنوان یک کشور تولید کننده بخواهیم تولیدات خود را به بازارهای جهانی صادر کنیم، باید سیستم حمل و نقل خود را توسعه دهیم.

نـــادی قمی تاکید کرد: ســـرمایه گذاری در حوزه حمل و نقل ریلی، سرمایه گذاری برای آینده کشور است و اگر می خواهیم ایرانی آباد و سربلند داشته باشیم، لازم است سرمایه گذاری ها در این حوزه تقویت شود.وی با بیان اینکه توسعه سیستم حمل و نقل، پیش نیاز توسعه پایدار کشور است، خاطرنشان کرد: اگر می خواهیم به عنوان یک کشور تولید کننده با بازارهای جهانی ارتباط داشته باشیم و کالاهای خود را عرضه کنیم باید یک سیستم حمل و نقل کارآمد و بهره ور داشته باشیم؛ این گونه خواهیم توانست کالاهـــای تولیـــد داخل را با صرفه بالا در اختیار مصرف کننده قرار دهیم. کارشناس بازار سرمایه تاکید کرد: سیستم حمل و نقل مناسب و قدرت کشور در ترانزیت کالا و خدمات، بسیار در قدرت لجستیکی کشور اهمیت دارد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
کارتن‌ایران	۱۱۶۳۶	۱۰۸۱
بانک تجارت	۱۳۹۷	۹۶
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۳۴۱۰	۶۳۸
سالمین	۵۴۷۸	۲۶۰
سیمان‌غرب	۴۵۹۶	۲۱۸
کالسیمین	۷۳۷۶	۳۵۱
توسعه معدنی وصنعتی صبانور	۴۳۳۷	۲۰۶
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۳۷۲۱	۱۷۷
توسعه‌معادن‌روی‌ایران	۴۴۵۲	۲۱۲
نفتسپاهان	۲۵۳۹۴	۱۲۰۹
آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۴۹۳۸	۲۳۵
صنایع آذرآب	۲۴۵۴	۱۱۶
ملی‌سرب‌وروی‌ایران	۴۰۱۲	۱۹۱
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۲۷۰۶۰	۱۲۷۹
کیمیدارو	۳۵۷۸	۱۷۰
پتروشیمی شازند	۴۳۳۹	۲۰۶
بانک صادرات ایران	۱۱۹۶	۳۲
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۲۶۱۰	۹۱
سیمان‌فارس‌وخوزستان	۱۳۳۴	۶۳
باما	۸۹۴۱	۴۲۵
کویرتایر	۴۲۷۱	۲۰۳
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱۵۲۴	۷۲
بیمه ما	۱۶۴۶	۷۸
داروسازی‌اکسیر	۷۲۳۲	۳۴۴
حمل‌ونقل‌توکا	۱۷۴۷	۸۳
سرمایه گذاری ساختمان ایران	۲۹۵۵	۱۳۸
ماشین‌سازی‌اراک	۱۱۹۵	۵۶
سیمان خوزستان	۴۰۰۰	۱۶۴
فولادکاوه جنوب کیش	۳۴۱۵	۱۶۲
کاشی‌پارس	۷۳۲۰	۳۴۸
کمباین‌سازی‌ایران	۹۰۷	۴۳
بانک ملت	۲۲۴۸	۶۵
کارخانجات تولیدی شهیدقندی	۲۷۵۶	۱۳۱
پالایش نفت اصفهان	۶۷۹۹	۳۲۳
کشاورزی‌ودامپروری‌مگسال	۴۲۸۸	۱۳۴
کابل‌البرز	۲۱۳۶	۷۵
ایران‌یاساتایرورابر	۲۵۲۰	۶۲
حفاری شمال	۲۸۰۰	۱۰۱
فولادمبارکه اصفهان	۴۷۶۰	۲۰۶
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۳۹۱۶	۱۸۶
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌بیمه	۶۵۹۰	۳۱۳
لنت‌ترمزایران	۵۲۸۷	۲۵۱
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۲۰۴۳	۹۷
تولیدی چدن سازان	۴۱۵۹	۱۶۴
سیمان‌سفیدنی‌ریز	۱۵۱۴۲	۷۲۱
داده گسترعصرنوین–هایوب	۷۰۳۰	۲۱۴
سیمان‌دورود	۱۱۲۷	۵۳
داروسازی‌امین	۲۷۲۲	۱۲۹
کمک‌فنرایندامین	۱۴۲۹	۶۸
صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۲۵۹۸	۸۰
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱۸۲۰	۸۶
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۱۶۵۸	۶۴
محورسازان‌ایران‌خودرو	۴۱۵۹	۱۹۴
معدنی وصنعتی گلگهر	۶۶۹۵	۲۰۹
پالایش نفت تهران	۴۶۶۰	۱۷۸
گروه پتروشیمی س.ایرانیان	۱۳۱۶	۶۲
لعابیران	۲۳۳۹	۱۰۹
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۲۸۷۱	۱۱۸
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۱۳۹۳۱	۶۶۳
شیشه‌وگاز	۶۰۸۰	۱۳۲
پارس‌مینو	۲۵۴۵	۴۹
سرمایه‌گذاری‌مسکن	۸۸۸	۱۶
آلومینیوم‌ایران	۳۰۰۰	۷۲
بانک‌اقتصادنوین	۲۱۰۰	۹۰
ایران‌تایر	۳۴۳۰	۷۲
بانک خاورمیانه	۲۳۹۹	۶۸
سایپا	۱۲۸۴	۲۵
سخت‌آژند	۲۳۹۵	۵۲
زامیاد	۱۰۷۰	۳۶
پلاسکوکار	۱۱۲۷	۳۴
تولیدی‌کاشی‌تکسرام	۱۶۰۰	۹
شکرشاهرود	۲۶۲۹	۴۳
سایپاآذین	۳۶۷۹	۳۵
سرمایه گذاری خوارزمی	۹۸۶	۶
ایران‌خودرو	۲۵۶۱	۵۲
قندهکمتان	۸۵۶۳	۸۹
سیمان‌اصفهان	۵۶۵۱	-۱۸
فنرسازی‌زر	۱۲۲۰	۱۷
لیزینگ رایان‌سایپا	۱۳۳۸	۲۳
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۴۵۷۹	۱۱۷
ساپاشیشه	۲۹۴۹	۰
کارخانجات‌قندقزوین	۶۱۰۰	-۲۲
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳۶۳۰	۲۱
گروه‌صنعتی‌بارز	۳۳۵۰	۶۱
پست بانک ایران	۱۵۸۲	۱۷
آسان پرداخت پرشین	۱۵۰۴۰	۳۳۹
مهرکام‌پارس	۱۹۲۹	۴۷
گروه مپنا(سهامی عام)	۵۳۳۹	۳۶
تامین‌ماسه‌ریخته‌گری	۴۴۶۹	۶۲
چرخشگر	۱۵۶۳	۴
داده‌پردازی‌ایران	۳۲۶۸	۱۳۹
پالایش نفت بندرعباس	۹۹۰۰	۱۷۴
سرمایه‌گذاری صنعت‌نفت	۴۲۸۹	۶۳
سیمان‌تهران	۱۴۸۰	۰
صنعتی‌بهشهر	۳۱۸۶	۵۱
صنایع‌لاستیکی‌سهند	۲۸۴۸	۵۹
پارس‌خودرو	۹۴۲	۱۰
لیزینگ‌خودروغدیر	۱۴۹۹	۲۱
واسپاری ملت	۱۱۸۳	۵۳
الکتریک‌خودروشرق	۱۸۳۰	۱۶
ملی کشت وصنعت ودامپروری پارس	۶۶۹۰	۹۳
داروسازی‌کوثر	۱۷۳۰	۲
گروه‌بهمن	۱۰۷۵	۲۱
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲۳۹۰	۲۵
سیمان‌سپاهان	۸۸۸	۱۴

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
سیمان‌داراب	۱۴۴۰	۴۹
سرمایه گذاری نورکوثرایرانیان	۱۱۷۰	۲۱
صنایع‌شیمیایی‌فارس	۲۵۴۹	۵۶
سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ	۸۷۵	۹
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۸۹۲	۱۷
سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ)	۱۸۸۶	۵۲
حمل ونقل بین المللی خلیج فارس	۱۰۳۳۰	-۲۹۴
بانک سینا	۹۳۲	۳
سرمایه‌گذاری‌سپه	۲۱۴۰	۵۹
سرمایه‌گذاری‌سایپا	۸۸۹	۱۶
تراکتورسازی‌ایران	۳۱۲۰	۴۹
سیمان‌شرق	۸۴۳	۱۵
رادیاتورایران	۲۵۵۰	۵۱
پتروشیمی فجر	۷۱۵۰	۱۴۲
بیمه پارسیان	۱۲۵۰	۱۶
مدیریت صنعت شوینده ت.ص.بهشهر	۶۷۷۰	۱۸۷
فنرسازی‌خاور	۳۷۲۴	-۳۱
گروه دارویی برکت	۱۴۲۰	۲۲
بیمه پارسیان	۱۲۷۰	۳۶
سرمایه گذاری پردیس	۱۴۹۳	۱۲
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲۸۵۰	۴۰
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱۴۳۱	۱۶
گروه صنعتی پاکشو	۲۰۹۴۰	۵۳۵
مس‌شهیدباهنر	۷۵۸۰	۷۶
پتروشیمی‌شیراز	۵۴۵۵	۱۹۴
پتروشیمی مبین	۷۴۹۹	۱۰۲
قنداصفهان	۱۲۲۹۹	۱۷۸
کاشی‌الوند	۳۲۹۱	۷۱
فولادخوزستان	۸۳۱۰	۱۳۶
مارگارین	۳۰۴۱	۳۴
بانک‌کارآفرین	۱۶۱۵	۱۳
سرمایه‌گذاری‌آتیه‌دماوند	۱۷۲۱	۱۱
قطعات‌اتومبیل‌ایران	۱۷۴۲	۱۲
لیزینگ‌ایرانیان	۱۱۲۹	۲۳
ایران‌ارقام	۳۲۴۹	۲۲
پتروشیمی پارس	۳۰۵۰۰	۵۵۱
معادن‌منگنزایران	۵۵۲۵	۱۱۶
نفت‌بهران	۱۳۵۹۹	۳۵۹
فولادآلیاژی ایران	۲۲۵۴	۱۰۷
لیزینگ‌ایران	۸۹۹	۱۶
بیمه البرز	۱۰۱۳	۱۹
سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱۳۳۲	۲۲
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱۵۴۵	۱۳
افست	۴۴۹۹	۱۵
سرمایه‌گذاری‌شاهد	۱۱۴۳	۲۶
سرمایه گذاری پارس‌توشه	۲۸۳۱	۳۴
معدنی‌املاح‌ایران	۱۹۷۰۰	۳۹۵
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۴۲۳۰	۳۹
ایران‌مرینوس	۸۱۵۰	۲۵۳
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۱۰۰۱	۸۲
نوردآلومینیوم	۲۵۰۱	-۱۶
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۵۸۰۰	-۲۵
فراورده‌های‌نسوزایران	۹۳۵۰	۱۷۲
س.صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳۷۹۰	۹
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱۹۰۸	۸
سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۲۰۸۰	۱۷
بین‌المللی‌محصولات‌پارس	۳۲۹۰	۳۶
سبحان دارو	۳۶۲۰	۵۷
نیروکلر	۵۴۳۵	-۴۳
کشت‌وصنعت‌چین‌چین	۱۰۰۰۰	-۶۵
پارس‌سرام	۸۱۵۰	۳۹
نیرومحرکه	۲۰۵۰	۹
س.نفت وگازوپتروشیمی تأمین	۲۰۵۰	۸
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴۳۲۰	۷۳
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۲۲۳۰	۱۰
ایران‌ترانسفو	۷۲۰۰	۴۴
فرآورده‌های‌نسوزپارس	۵۸۶۹	۹۲
قندنیشابور	۴۱۳۴	-۹
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌ومعدن	۱۱۶۶	۴
سرمایه گذاری دارویی تامین	۵۴۳۹	۲۹
سرماآفرین	۲۷۰۰	۱۲
داروسازی‌فارابی	۶۶۴۰	۱۷۸
داروسازی‌سینا	۱۷۸۵۰	۴۲۹
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱۱۸۱	۱۶
سیمان‌بجنورد	۵۱۰۰	۱۷
سامان‌گستراصفهان	۱۵۹۶	۴۳
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۱۴۲	۵
رینگ‌سازی‌مشهد	۲۰۶۰	-۲۰
سیمان‌ارومیه	۲۸۶۱	۵۳
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴۱۲۰	۴۸
همکاران سیستم	۵۵۰۰	۹۲
بانک‌پارسیان	۱۱۰۰	۴
گلوکوزان	۱۰۹۷۰	۱۸۳
نیروترانس	۴۱۳۶	-۱۷
سیمان‌خزر	۲۸۸۷	۸۵
قندمرودشت	۵۱۲۲	-۲۵
ذغال‌سنگ‌نگین‌طبس	۵۶۱۹	۳۸
پتروشیمی پردیس	۱۲۶۷۵	۰
بیسکویت‌گرجی	۴۷۰۰	۱۲۱
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱۸۰۵	۲۶
گروه توسعه صنعتی ایران	۳۰۵۰	۴۸
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲۰۵۹	۲۸
داروسازی‌ابوریحان	۶۷۲۰	۲۱
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۵۳۳۲	۷۷
تولیدمحورخودرو	۲۶۶۵	-۹
بانک‌پارسیان	۱۰۸۱	-۱۵
سیمان فارس نو	۵۵۶۱	۳۰
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۴۶۰۸	-۱۶
ایران‌دارو	۱۷۶۱	۶
تجارت الکترونیک پارسیان	۲۴۵۱	-۲
آلومراد	۴۳۰۵	۰
پارس‌الکتریک	۵۶۹۹	۵۳
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۴۵۶۰	-۲۷
گروه‌صنعتی‌بوتان	۸۹۰۰	۱۲۳
سرمایه‌گذاری‌ملی‌ایران	۱۹۶۷	۳۷

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
پاکسان	۱۰۱۱۶	۱۷
توسعه‌معادن‌وفلزات	۴۵۰۱	۰
شرکت ارتباطات سیارایران	۱۸۹۸۷	۲۹
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۵۴۱۱	-۱۰۸
مخابرات ایران	۲۲۵۱	-۱
صنعتی‌آما	۲۴۷۴	-۲
پارس‌خزر	۱۵۰۵۰	۱۶۱
بهنوش‌ایران	۴۵۹۷	۹۴
کربن‌ایران	۱۱۴۱۶	۴۴۸
آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۴۷۰۳	۰
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱۵۵۰	۳
کارخانجات‌داروپخش	۶۹۴۰	۵۴
لبنیات‌کالبر	۱۷۳۸	-۵
داروسازی‌زهراوی	۱۵۲۶۶	۱۹۸
فروسیلیس‌ایران	۶۱۸۵	۹۶
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۴۶۸۶	-۲۴۶
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۴۳۸۸	-۴۵
تولیدی‌مهرام	۳۹۲۹۱	-۲۰۶۷
سرمایه گذاری اعتبارایران	۲۷۳۵	-۱۴۳
کارت اعتباری ایران کیش	۲۷۸۹	۱
صنایع سیمان دشتستان	۲۴۹۶	-۱۳۱
فولادخراسان	۸۶۵۶	-۲۲۱
بیمه دانا	۲۱۳۴	۱۲
داروسازی‌روزدارو	۱۸۹۱	-۸۹
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۷۰۰۰	-۱۵۷
سینتا	۳۶۹۹۹	۱۰۸۲
سازه‌پویش	۱۹۰۴۰	-۴۸۶
البرزدارو	۴۲۲۹	۴۱
حمل ونقل پتروشیمی(سهامی عام)	۲۶۲۷	-۴۱
سیمان‌شمال	۱۲۸۳	-۲۲
دارویی‌رازک	۱۰۱۰۰	-۹۰
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۹۴۲۳	-۸۲
پتروشیمی فناوران	۴۲۹۹۸	-۵۹۷
پارس‌سویچ	۵۲۷۳	-۲۷۷
عمران‌وتوسعه‌فارس	۱۸۲۶	۱۵
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۷۱۸۰	۱۶۴
سیمان‌مازندران	۱۴۹۴	-۱۲
نوردوقطعات‌فولادی	۸۸۴۷	۹۰
سیمان آرتااردبیل	۶۹۵۱	-۳۶۵
جام‌دارو	۹۰۷۹	-۴۷۷
فولادامیرکبیرکاشان	۱۰۷۰۱	-۴۰۶
خوراک‌دام‌پارس	۷۱۵۰	-۲۲۳
خدمات‌انفورماتیک	۱۱۶۰۰	-۳
شیشه‌همدان	۳۲۵۵	-۹۱
تامین سرمایه امید	۱۶۰۷	-۲۵
سیمان‌بهبهان	۲۵۰۰۰	-۱۱۶
داروسازی‌جابرابن‌حیان	۴۸۰۷	-۸۵
داروسازی زاگرس فارمدپارس	۹۲۰۰	-۶۷
سیمان‌خاش	۸۹۹۹	-۴۴
سیمان‌فارس	۶۰۲۲	-۳۱۶
پتروشیمی‌خارک	۳۵۴۰۰	-۱۴۹
گروه دارویی سبحان	۲۷۲۱	-۴۲
مهندسی‌نصیرماشین	۳۶۲۰	-۳۲
دوده‌صنعتی‌پارس	۷۵۰۰	-۱۲۸
سیمان‌شاهرود	۱۴۸۱	۱۲
نفت‌پارس	۱۳۳۹۰	-۱۷۶
موتوژن	۵۰۰۰	-۹۵
پرداخت الکترونیک سامان کیش	۱۵۵۳۱	-۳۶۴
سیمان‌کرمان	۳۵۵۶	-۱۵۰
توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ)	۲۱۳۱	-۴۹
ایران‌ترانسفو	۷۰۴۲	-۱۱۴
قندلرستان	۶۱۷۸	-۲۵
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱۵۱۵	۲۲
پشم‌شیشه‌ایران	۴۸۰۰	-۳
سرمایه گذاری شفادارو	۳۷۰۰	-۲۹
سیمان‌هرمزگان	۶۹۳۶	-۳۶۵
داروسازی‌ابوریحان	۵۳۰۲	-۳۷
بیمه ملت	۲۴۳۱	-۱۱۶
گسترش نفت وگازپارسیان	۳۹۲۷	-۲۸
لبنیات‌پاک	۱۵۷۸	-۱۹
گلتاش	۹۰۱۹	-۲۹۶
ایرکاپارت صنعت	۱۶۰۱	-۵۵
شیمی‌داروئی‌داروپخش	۳۶۵۰	-۷۶
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۴۲۹۰	-۳۴
سیمان کردستان	۹۵۰	-۱۰
کاشی‌وسرامیک‌حافظ	۵۶۶۹	-۲۹۸
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۱۱۲۹۵	-۵۹۴
تکنوتار	۳۵۶۰	-۶۹
ریخته‌گری‌تراکتورسازی‌ایران	۳۶۴۰	-۴۱
صنایع‌کاشی‌وسرامیک‌سینا	۳۸۹۱	۴۴
شهد	۱۱۱۰۵	۷۲
پارس‌دارو	۱۰۱۱۸	-۳۵۹
دارویی‌لقمان	۲۴۴۰	۱۵
پالایش نفت بندرعباس	۹۵۵۰	-۱۷۶
سیمان‌قائن	۹۱۰۵	-۴۴۳
سیمان‌هگمتان	۲۵۸۱	-۲۱
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱۳۸۹	-۲۷
تایدواترخاورمیانه	۴۴۳۰	-۱۸۰
قندثابت‌خراسان	۳۷۹۰	-۶۲
پمپ‌سازی‌ایران	۲۴۷۷	۱۹
داروسازی‌اسوه	۶۵۰۰	-۲۷۴
آبسال	۲۸۱۰	۱۸
سیمان‌صوفیان	۲۳۵۵	-۲۹
مهندسی‌نصیرماشین	۲۲۸۰	-۹۲
داروپخش(هلدینگ)	۱۰۶۹۰	-۵۶۰
پالایش نفت تبریز	۱۳۵۰۰	-۲۸۶
به پرداخت ملت	۱۳۶۹۹	-۳۱۹
لامپ‌پارس‌شهاب	۴۳۲۰	-۱۵۲
معدنی‌دماوند	۱۹۶۰۰	-۳۴۶
کاشی‌سعدی	۱۹۰۱	-۵۷
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۰۴	-۱۱
درخشان‌تهران	۸۰۸۰	-۲۹۵
پتروشیمی‌آبادان	۳۶۵۴	-۱۹۲
گروه دارویی سبحان	۱۸۸۱	-۲۰۹
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱۱۰۰	-۵۳۸

آگهی تغییرات شرکت تهویه آذر نسیم سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۰۶۳۲۰۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰۰۰ سهم ۱۳۰۰۰ ریالی با نام که تماما پرداخت شده و از طریق مطالبات حال شده تامین گردیده ، افزایش یافته اســت . ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری زرندیه (۳۱۱۵۵۷)

آگهی تغییرات شرکت سیلوانا اروم سهامی خاص به شماره ثبت ۶۱۹۵ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۱۰۳۳۲۱

به اســـتناد صورتجلســـه هیئت مدیره مـــورخ ۱۳۹۷/۰۷/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱- آقای عبدالرحیم رحیمی به کدملی (۲۷۵۳۳۳۶۰۷۵) بعنوان عضو و رئیس هیات مدیره و مدیر عامل و آقای مرتضی رحیمـــی به کدملی (۳۷۵۴۱۶۵۹۸۳) بعنوان عضو و نائـــب رئیس هیات مدیره و خانم معصومـــه رحیمی به کد ملی (۲۷۵۴۱۴۴۵۶۰) بعنوان عضو هیئت مدیره بمدت دو سال تعیین و انتخاب شدند . ۲- امضای کلیه اسناد مالی، چک ها، قراردادها و اسناد تعهد آور و کلیه اوراق عادی و اداری بتنهائی با مدیر عامل و رئیس هیات مدیره همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری ارومیه (۳۱۰۹۳۱)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی خدماتی همکار شیشه غرب شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۵۲۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۱۳۳۴۳۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد: ۱ - اعضا هیات مدیره به قرار ذیل برای مدت دو ســـال انتخاب گردیدند: آقای خســـرو فخیم هاشمی به شـــماره ملی ۱۳۷۸۷۶۲۶۱۴ به سمت عضواصلی شرکت شیشه همدان (ســـهامی عام) به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۱۰۰۵۵۷ و شـــماره ثبت ۵۸۷ به سمت عضواصلی شرکت صنایع بســـته بندی ارمغان نگین آریا (سهامی خاص) به شناســـه ملی ۱۰۱۰۲۲۹۵۹۹۱ و شماره ثبت ۱۸۷۵۵۴ به سمت عضواصلی آقای ســـعید صانعی ارمکی به شـــماره ملی ۰۰۶۸۷۸۲۶۸۳ به ســـمت عضو علی البدل ۲ - بازرسان شرکت برای مدت یک ســـال مالی به قرار ذیل انتخاب گردیدند: موسســـه حسابرســـی و خدمات مالی بهراد مشار به شناسه ملی ۱۰۸۴۰۰۱۷۹۹۹ با شـــماره ثبت ۱۳۸۹۸ به ســـمت بازرس اصلی موسسه حسابرسی آزموده کاران به شناســـه ملی ۱۰۱۰۰۴۶۸۶۰۰ به شماره ثبت ۱۲۰۰۵ به ســـمت بازرس علی البدل ۳ - ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۰۳/۳۱ تصویب شـــد. ۴ - روزنامه اطلاعات جهت انتشار آگهی های شرکت تعیین گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری همدان (۳۱۲۵۷۰)

آگهی تغییرات شرکت کشاورزی ودامپروری بینالود نیشابور شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۷۴۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۰۸۹۹۴۴

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - بنیاد مستضعفان انقلاب اســـلامی به شماره ثبت ۱۹۸۳ به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۱۹۲۰ به نمایندگی آقای محمـــد مهدی مقیمی قادیکلائی به شماره ملی ۲۱۶۱۳۹۳۸۲۰ بســـمت عضو هیأت مدیره، شرکت گسترش کشـــاورزی و دامپروری فردوس پارس به شـــماره ثبت ۳۶۴۴۲۸ به شناسه ملـــی ۱۰۷۶۰۰۹۴۶۰۳ به نمایندگـــی آقای علیرضا بیگی به شـــماره ملی ۴۳۲۳۳۷۴۵۷۷ بسمت نائب رئیس هیأت مدیره، شرکت مادرتخصصی مالی و سرمایه‌گذاری سینا به شماره ثبت ۲۱۱۹۰۰ به شناسه ملی ۱۰۳۴۰۰۵۸۹۱۷ به نمایندگی آقای ســـلمان آذرگشسب به شماره ملی ۰۹۴۱۸۱۵۴۸۱ بسمت عضو هیأت مدیره، شرکت ره نگار خاورمیانه پارس به شماره ثبت ۴۲۹۷۹۵ به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۲۳۶۰۹ به نمایندگی آقای امین مسعودی نیا به شماره ملی ۴۶۲۲۲۲۴۰۶۲ بســـمت عضو هیأت مدیره، شـــرکت پیوند تجارت آتیه ایرانیان به شماره ثبت ۴۸۰۶۵۸ به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۹۱۶۵۱ به نمایندگی آقای جلیل کاظمی خبیری بسمت رئیس هیأت مدیره، آقای علیرضا بیگی به شماره ملی ۴۳۲۳۳۷۴۵۷۷ به سمت مدیر عامل تا تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۰انتخاب گردیدند. ۲ -کلیه اســـناد و اوراق بهادار و تعهد آور شرکت اعم از چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اســـلامی و اوراق عادی و اداری با امضای مدیرعامل و یکـــی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شـــرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شـــرکت معتبر خواهد بود. ۳ -بخشی از اختیارات و وظایف هیأت مدیره به مدیرعامل به شرح صورتجلسه تفویض گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری نیشابور (۳۱۲۹۵۶)

آگهی تغییرات شرکت آرین اخگر اراک سهامی خاص به شماره ثبت ۹۹۸۶ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۱۳۵۳۲۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی ســـالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : -۱ترازنامه وحساب ســـود وزیان شرکت در سال مالی ۱۳۹۶ به تصویب رسید. ۲- موسسه حسابرســـی و خدمات مدیریت پرسیان پاد با شناســـه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۶۷۷۵ به سمت بازرس اصلی- افشـــین طایفه به شماره ملی ۰۰۶۴۱۶۷۲۶۷ به ســـمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند . ۳-روزنامه کثیرالانتشـــار اطلاعات جهت درج آگهی های سالیانه شرکت تعیین شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اراک (۳۱۱۵۵۲)

آگهی تغییرات شرکت مدیریت منطقه ویژه اقتصادی جهرم شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۷۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۲۰۰۷۲۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - آقای عبدالعزیز هدایت به شماره ملی ۱۷۵۵۶۴۳۳۷۳ به نمایندگی از شرکت مرکز گسترش فناوری اطلاعات با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۵۸۰۳۰ به سمت رئیس هیئت مدیره ۲ - آقای پیام فخرو به شماره ملی ۱۸۱۹۶۳۶۱۱۹ به نمایندگی از سازمان مدیریت صنعتی با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۰۶۳۵ به سمت مدیر عامل و نایب رئیس هیئـــت مدیره ۳ - آقای محمد صادق امجدی منش به شـــمارملی ۲۲۹۷۵۷۰۹۶۱ به نمایندگی از شرکت گسترش سوخت سبز زاگرس با شناســـه ملی ۱۰۶۶۰۱۷۵۹۸۹ به ســـمت عضو هیئت مدیره ب : کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک ، سفته ، بروات ، قراردادها و عقوداسلامی با امضاء متفق رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت همراه با مهر شرکت معتبر می باشد ، سایر مکاتبات عادی و اداری با امضاء مدیر عامل همراه مهر شرکت معتبر است .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری جهرم (۳۱۲۱۴۷)

آگهی تغییرات شرکت پرشیان دانش اصفهان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۳ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۳۷۳۹۳۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد : آقای علیرضا فلاحتیان ۱۲۸۶۶۶۶۵۹۷ به سمت رئیس هیات مدیـــره، آقای ابراهیم کریمـــی ۱۱۱۰۸۵۰۲۱۲ به سمت مدیرعامل و عضو هیات مدیره و آقای امیرحسین فلاحتیان ۱۲۷۱۰۷۲۷۲۶ به ســـمت نایب رئیس هیات مدیره برای دو سال انتخاب گردیدند. - کلیه اوراق و اســـناد مالی و تعهدآور شرکت با امضاء رئیس هیات مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شـــرکت معتبر خواهد بود. کلیه مکاتبات با امضاء مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. مدیرعامل مجری مصوبات هیات مدیره می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان اصفهان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری خمینی شهر (۳۱۱۴۷۵)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی خدماتی همکار شیشه غرب شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۵۲۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۱۳۳۴۳۷

به استناد صورتجلســـه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ - سمت اعضای هیات مدیره به قرار ذیل تعیین گردید: آقای خسرو فخیم هاشـــمی باکدملی ۱۳۷۸۷۶۲۶۱۴ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای عباس رستمی جاهد باکدملی ۰۰۴۰۹۱۷۴۹۵ (نماینده شرکت شیشه همدان) به سمت نائب رئیس هیئت مدیره آقای محمدعلی سالاری سعیدی باکدملی ۲۹۹۲۳۰۳۳۹۹ (نماینده شـــرکت صنایع بسته بندی ارمغان نگین آریا) به ســـمت عضو اصلی آقای محمدعلی سالاری سعیدی باکدملی ۲۹۹۲۳۰۳۳۹۹ به ســـمت مدیرعامل ۲ - دارندگان حق امضاء : کلیه اسناد و اوراق بهادار با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره و در غیاب مدیرعامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیئت مدیره و مهر شـــرکت همچنین اوراق عادی و مکاتبات شرکت با امضاء مدیرعامل یا یکی از اعضاء هیات مدیره با مهر شرکت معتبر می باشد، حق امضاء کلیه حسابهای بانکی شـــرکت با امضاء دو نفر از افراد ذیل به همراه مهر شـــرکت معتبر خواهد بود: آقای خســـرو فخیم هاشمی به عنوان رئیس هیئت مدیره آقای عباس رستمی جاهد به عنوان نائب رئیس هیئت مدیره آقای محمدعلی سالاری ســـعیدی به عنوان مدیرعامل و عضو هیات مدیره آقای امیرحسین رنجبر باکدملی ۳۸۷۱۳۵۹۰۱۷ به عنوان مدیرکارخانه

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری همدان (۳۱۲۵۶۷)

آگهی تغییرات شرکت بازرگانی سام تجارت راد اندیشان دلیجان سهامی خاص به شماره ثبت ۹۳۱ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۰۴۲۵۶۳

به اســـتناد صورتجلســـه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مـــورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - جواد محمدی با کد ملی ۰۵۷۹۷۱۹۶۵۰ بعنوان بازرس اصلی و ســـعیده آقایی با کد ملی ۰۳۷۰۸۲۴۳۱۸ بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند . ۲- روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری دلیجان (۳۱۱۵۵۸)

آگهی تغییرات شرکت کویر ترابر دلیجان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۱۱ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۱۴۹۷۰۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۵ و به موجب تائیدیه شـــماره ۵۱/۳/۱۵۰۰مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۴ اداره راهداری و حمل ونقل جاده ای شهرســـتان دلیجان تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد : ۱ - ترازنامه و حساب ســـود و زیان شرکت در سال ۱۳۹۶تصویب گردید. ۲- حسین میرزائی پورنیا به شماره ملی ۳۸۷۲۹۵۶۶۷۱ به سمت بازرس اصلی و فرشاد شیرازی به شـــماره ملی ۴۹۴۸۸۷۴۴۷۷ به سمت بازرس علی البـــدل برای مدت یک ســـال مالی انتخاب گردیدنـــد. ۳- روزنامه کثیر الانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. ۴- شرکت سیمان عمران انارک به شناســـه ملی ۱۰۱۰۲۴۰۶۶۳۵ - محمد بهنیا به کد ملـــی ۱۲۴۹۸۸۹۴۰۵ - احمد کتیرائی به کد ملی ۴۱۳۲۰۶۵۴۸۰ به سمت اعضاء هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری دلیجان (۳۱۱۵۵۴)

آگهی تغییرات شرکت فرش ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۵۱۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۰۲۸۷۴

به استناد صورتجلســـه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد: اختیارات هیئت‌مدیره به شـــرح ذیل بـــه مدیرعامل تفویض گردید: اجرای مصوبات هیئت‌مدیره شـــرکت – انجام امور جاری شرکت –نمایندگی شـــرکت در برابر اشـــخاص و کلیه ادارات دولتی و موسســـات خصوصی باحق توکیل به غیر – پیشنهاد خط مشی واستراتژی های کلان وعملیاتی شرکت به هیئت‌مدیره جهت بررسی وتصویب. پیشنهاد برنامه و بودجه عملیاتی، ســـرمایه ای و نقدی شرکت به هیئت‌مدیره جهت بررسی و تصویب. تهیه وتدوین آئین نامه های ودســـتورالعمل های داخلی شرکت و پیشـــنهاد به هیئت‌مدیره جهت بررسی وتصویب. تهیه وتدوین آئین نامه درخصوص نصب و عزل مأمورین و کارکنان شـــرکت و تعیین شغل وحقوق ودستمزد وترفیع وتنبیه وتعیین سایر شرایط استخدام ومعافیت وخروج آنها از خدمت و مرخصی بازنشستگی و برقراری مستمری وراث آنان وارائه آن به هیئت‌مدیره. افتتاح هرنوع حســـاب و استفاده از آن به نام شرکت نزد بانکها و موسسات و نیز مسدود کردن آنها – پیشنهاد ایجاد وحذف نمایندگی ها یا شعبه ها در داخل و خارج از کشور به هیئت‌مدیره جهت بررسی وتصویب -دریافت مطالبات شرکت و پرداخت دیون آن اعم از اصل و سود و متفرعات –عقد هرنوع قرارداد وتغییر وتبدیل یا فســـخ واقاله آن در مورد خرید وفروش ومعاوضه اموال منقـــول و غیرمنقول مناقصه، مزایده و حراج وغیره که جزء موضوع شرکت می‌باشـــد بالجمله انجام کلیه عملیات و معاملات مذکور در چارچوب مقررات و آئین نامه های مصـــوب هیئت‌مدیره وارائه گزارش به هیئت‌مدیره -اقامه هرگونه دعوی و دفاع از هرگونه دعوی یا تســـلیم دعوی یا انصراف از آن اعم از حقوقی و کیفری با داشتن تمام اختیارات مراجعه به امر دادرســـی از حق پژوهش، فرجام مصالحه، تعیین وکیل، سازش ادعای جعل نسبت به ســـند طرف و استرداد سند، تعیین داور بدون اختیار صلح و بطور کلی استفاده از کلیه حقوق و اجرای کلیه تکالیف ناشیه از قانون داوری تعیین وکیل برای دادرسی و غیره با یا بدون حق توکیل و وکیل در توکیل ولو کراراً تعیین مصدوق وکارشـــناس، اقرار خواه در ماهیت دعوی وخواه به امری که کاملاً قاطع دعوی باشـــد دعوی خسارت استرداد، دعوی جلب شخص ثالث و دفاع از دعوای ثالث اقدام به دعوای متقابل و دفاع از آن تأمین مدعی به تقاضای توقیف اشـــخاص واموال از دادگاههای اعطای مهلت برای پرداخت مطالبات شـــرکت درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات اجرایی واخذمحکـــوم به چه دردادگاه وچه در ادارات و دوائر ثبت اســـناد تعیین میزان استهلاک ها – تنظیم خلاصه صورت دارایی وقروض شرکت هر شـــش ماه یکبار و دادن آن به بازرس قانونی شـــرکت پس از تصویب هیئت‌مدیره – تنظیم صورت دارایی و دیون شـــرکت پس از انقضای سال مالی و همچنین ترازنامه و حســـاب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت طبق ماده ۲۳۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و ارائه به بازرس وحسابرس قانونی شرکت پس از تصویب هیئت‌مدیره.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۲۷)

آگهی انتقالی شرکت چشمه سار نگین دلیجان شرکت سهامی خاص به شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۰۷۸۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۳ و نامه شـــماره ۹۷/۳۹۸/۱۴۰ مورخ ۹۷/۵/۱۰ اداره ثبت شرکتها و موسســـات غیرتجاری اصفهان مرکز اصلی شـــرکت چشمه سار نگین دلیجان سهامی خاص به شـــماره ثبت ۶۳۴۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۴۰۷۸۴۰ از واحد ثبتی کاشـــان به واحد ثبتی دلیجان به نشانی اســـتان مرکزی - شهرســـتان دلیجان - بخش مرکزی - شـــهر دلیجان-محله بلوارعلامه دلیجانی-کوچه یاس-بلوار علامه دلیجانی-پلاک -۰طبقه همکف-کدپستی ۳۷۹۱۱۶۳۵۱۹ انتقال یافت و در این اداره طی شـــماره ۱۶۶۷ در تاریخ ۹۷/۵/۱۶ به ثبت رسید .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری دلیجان (۳۱۱۵۵۱)

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص بنیان صنعت سیما به شماره ثبت ۷۴۰۹ و شناسه ملی ۱۰۷۸۰۱۰۸۱۳۴

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد : ۱-روزنامه کثیرالانتشـــار اطلاعات به عنوان روزنامه ناشـــر آگهی های سالیانه شـــرکت تعیین شد./ ۲- فرشاد شیرزادی به شـــماره ملی ۴۹۴۸۸۷۴۴۷۷ به سمت بازرس اصلی و مهدی غفاری به شـــماره ملی ۰۵۳۴۰۶۱۹۷۴ به ســـمت بازرس علی البدل شرکت برای مدت یکســـال انتخاب گردیدند. ۳- ترازنامه وحســـاب سود و زیان شرکت منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت./ ۴- سید محمد رضا معصومی با کد ملی ۰۵۳۰۷۰۲۲۴۱ و مهدی فضائلی با کد ملی۰۵۳۳۲۷۹۹۶۸ و سحر داعی با کد ملی ۰۵۳۳۱۶۶۲۹۲ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری اراک (۳۱۱۵۵۶)

آگهی تغییرات شرکت مهندسی به آب زیست سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۱۲۷۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۳۹۱۴۴

به اســـتناد صورتجلســـه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شـــرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس تهران خیابان سعادت آباد نبش خیابان ۲۱ شرقی(کنعانی مقدم شـــرقی) پ ۳۶ مجتمع بهاران واحد ۴ با کد پستی ۱۹۹۸۸۳۳۶۷۷ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۳۱)

آگهی تغییرات شرکت پیشگامان بازرگانی ستاره تابان سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۶۵۷۰ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۶۴۵۳۶

به استناد صورتجلســـه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۰۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد: شرکت گروه سرمایه گذاری کارکنان سایپا به شناســـه ملی ۱۰۱۰۳۵۱۱۸۲۷ و شرکت پیشگامان خوراک تابان به شناســـه ملی ۱۰۳۲۰۲۰۱۷۱۱ و شرکت ستاره سفیران آینده به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۴۸۲۴۵ به عنوان اعضای هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۲۵)

آگهی تغییرات شرکت رفاه فرازان هدف سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۵۱۴۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۵۱۵۲۱۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی ســـالیانه مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۲۹ و مجوز شـــماره ۹۷/۴۰۳/۳۸۳۲۲ مورخ ۹۷/۵/۹ بیمه مرکزی تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد: روزنامه کثیرالانتشـــار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۵ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی هوشیار ممیز به شناســـه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۹۶۴۵ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی فاطر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۸۸۵۷۴ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک ســـال مالی انتخاب گردیدند محمد تقی چراغی به شماره ملی ۲۷۵۴۵۹۹۰۳۷ به نمایندگی از شرکت توسعه تجارت رفاه پردیس به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۴۸۴۴۷ و ولی اله گلیج به شـــماره ملی ۲۲۱۸۱۹۶۹۵۶ به نمایندگی از شرکت آینده سازان رفاه پردیس به شناســـه ملی ۱۰۳۲۰۸۱۲۷۰ و رضا الماسی کلوری به شماره ملی ۱۶۳۹۷۳۹۹۴۷ به نمایندگی از شرکت تعاونی مصرف کارکنان بانک رفاه به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۰۵۹۹۲ به ســـمت اعضای هیئت‌مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۲۹)

آگهی تغییرات موسسه آموزشی فرهنگی غیر انتفاعی پتروشیمی ماهشهر به شماره ثبت ۷۶ و شناسه ملی ۱۰۹۸۰۰۱۲۷۸۵

به اســـتناد صورتجلســـه مجمع عمومی عادی بطور فـــوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شـــد : شـــاپور یاوری به شماره ملی ۱۸۸۰۸۶۸۲۷۱ به سمت مدیرعامل تا تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۲۶ تعیین گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خوزستان
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری ماهشهر (۳۱۳۱۷۰)

آگهی تغییرات شرکت کویر ترابر دلیجان سهامی خاص به شماره ثبت ۱۱۱۱ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۱۴۹۷۰۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۷ و به موجب تائیدیه شماره ۵۱/۳/۱۵۰۱مورخ ۱۳۹۷/۷/۲۴ اداره راهداری و حمل و نقل جاده ای شهرســـتان دلیجان تصمیمات ذیل اتخاذ شد : ۱ - عیسی حسن زاد به شماره ملی۲۱۲۲۱۵۹۲۶۱ به نمایندگی از شرکت سیمان عمران انارک به شناسه ملی۱۰۱۰۲۴۰۶۶۳۵ (سهامی خاص) به عنوان عضو هیئت مدیره-محمد بهنیا به شـــماره ملی۱۲۴۹۸۸۹۴۰۵ به عنوان رئیس هیأت مدیره- احمد کتیرایی به شماره ملی۴۱۳۲۰۶۵۴۸۰ به عنوان نایب رئیس هیأت مدیره و سید محمد امین موسوی به شماره ملی۱۸۱۹۴۶۸۰۸۹ به عنـــوان مدیر عامل(خارج از شـــرکت) برای مدت دو ســـال انتخاب گردیدند. ۲-کلیـــه چکها و اســـناد تعهد آور و قـــرارداد ها با امضاء مشـــترک مدیر عامل به اتفـــاق یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شـــرکت و در غیاب مدیر عامل با امضاء دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر و جاری خواهد بود . کلیه اسناد و مکاتبات عادی شرکت با امضاء مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. ۳- مدیر عامل مجری مصوبات هیئت مدیره می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری دلیجان (۳۱۱۵۵۵)

آگهی تغییرات موسسه صندوق سرمایه گذاری امین انصار به شماره ثبت ۳۲۱۲۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۸۵۸۰۲

به اســـتناد صورتجلسه مجمع مـــورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۹ و مجوز شـــماره ۱۲۲/۳۹۸۶۲مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۴ سازمان بورس و اوراق بهادارتصمیمات ذیل اتخاذ شد: -ماده ۱۷ و ۱۹ اساسنامه به شرح زیر تغییر یافت: -تبصره ۱ ماده ۱۷ اساســـنامه: تبصره۱: در صدور واحدهای سرمایه‌گذاری، قیمت صدور واحد سرمایه‌گذاری در پایان همان روز درخواســـت ملاک عمل خواهد بود. -تبصره ۱ ماده ۱۹ اساسنامه: تبصره۱: در ابطال واحدهای سرمایه‌گذاری، قیمت ابطال واحد ســـرمایه‌گذاری در پایان همان روز درخواســـت ملاک عمل است.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۳۰)

آگهی تغییرات شرکت بیمه تعاون تعاونی سهامی عام به شماره ثبت ۴۳۳۰۴۹ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۹۶۵۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۳۱ و مجوز شماره ۱۳۰۸۱۴ مورخ۱۳۹۷/۷/۷ وزارت تعاون،کار و رفاه اجتماعی اســـتان تهران و مجوز شـــماره ۹۷/۶۰۲/۵۲۹۳۴ مورخ ۱۳۹۷/۷/۲ بیمه مرکزی جمهوری اســـلامی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت‌مدیره برای مدت دوســـال بقرار ذیل انتخاب گردیدند: اعضای اصلی: -شـــرکت اتحادیه تعاونی های مســـکن فرهنگیان ایران به شماره ثبت ۱۲۶۲۹۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۹۷۰۹۸ -شرکت بانک توسعه تعاون به شـــماره ثبت ۳۵۵۳۸۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۲۱۵۳۸ -شرکت اعتباری ملل به شـــماره ثبت ۳۶۰۷۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۲۵۲۳۴۳ -شـــرکت اقتصاد گستران قرن بیست و یک به شـــماره ثبت ۳۳۴۲۸۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۶۱۲۳۳ -شرکت ســـرمایه گذاری استان سیستان و بلوچســـتان به شـــماره ثبت ۳۴۲۷و شناســـه ملی ۱۰۸۶۰۴۰۵۳۵۰ -عضوعلی‌البدل: -شرکت سرمایه گذاری پیشگامان کاروسرمایه هوشمند به شماره ثبت ۹۸۲۸ و شناسه ملی۱۰۸۶۰۱۲۷۴۵۰ ۵ ترازنامه و صورتهای مالی و حســـاب سودوزیان برای ســـال مالی منتهی به آخر اسفند ۱۳۹۶ به تصویب رسید. -موسسه حسابرسی شـــاخص اندیشان به شماره ثبت ۱۵۵۶۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۷۳۳۲۳را بعنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرســـی و خدمات مدیریت دایا رهیافت به شـــماره ثبت ۳۶۵۳۰ و شناســـه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰ بعنوان بازرس علی‌البدل برای سال مالی ۱۳۹۷ انتخاب شدند -روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار شرکت انتخاب شد

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۲۸)

بررسی مشکلات پتروشیمی گلستان در دیدار استاندار و نمایندگان استان با وزیر نفت

سرویس شهرستان‌ها: استاندار گلستان به همراه شماری از نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی به منظور پیگیری مطالبات سهامداران پتروشیمی این استان، با دکتر بیژن زنگنه، وزیر نفت دیدار و گفتگو کردند.

در این دیدار که با حضور نورمحمد تربتی‌نژاد، شهرام کوسه‌غراوی و اسدالله قره‌خانی نمایندگان مردم در مجلس و برخی مدیران استان برگزار شد، راهکارهای برون رفت از مشکلات موجود در حوزه پتروشیمی بررسی شد.

در این جلسه بر اساس دستور وزیر نفت مقرر شد هلدینگ سرمایه‌گذاری پارسیان به عنوان بزرگترین تولیدکننده اوره در کشور، نسبت به بررسی موضوع و شناسایی زمینه‌های کمک به راه‌اندازی پتروشیمی گلستان با هماهنگی استاندار اقدام کند.

ساخت مجتمع پتروشیمی گلستان یکی از مهمترین مصوبات دور اول سفر رئیس‌جمهوری در سال ۱۳۸۴ به استان گلستان بود.

این طرح به منظور تولید سالانه ۶۷۷ هزار تن آمونیاک و یک میلیون و ۷۳ هزار تن کود اوره با مشارکت و سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی و شرکت ملی صنایع پتروشیمی، فعالیت‌های خود را آغاز کرد.

این شرکت در ۲۳ فروردین ۸۶ در اداره ثبت شرکت‌های گرگان به ثبت رسید و کلنگ آغاز عملیات اجرایی آن نیز در همان سال به زمین زده شد. در حالی که زمان اجرای این پروژه ۴۵ ماهه در نظر گرفته شده بود، اما بعد از مدتی عملیات اجرایی آن با پیشرفت فیزیکی ۱۸ درصد متوقف شد.

کشف ۳ تن مواد مخدر در هرمزگان

سرویس شهرستانها: مأموران انتظامی هرمزگان بیش از سه تن مواد مخدر کشف کردند.

فرمانده انتظامی هرمزگان گفت: این مواد در ۷۲ساعت در شهرستان‌های میناب، حاجی آباد و بندرخمیر از ۲۱خودروی سبک و سنگین کشف شد.

سردار عزیزالله ملکی افزود: در این رابطه ۴۷ قاچاقچی دستگیر شدند.

۸ نفر در آتش‌سوزی «ناصرآباد» قزوین مصدوم شدند

سرویس شهرستانها: آتش‌سوزی در یک منزل مسکونی در ناحیه منفصل شهری «ناصرآباد» قزوین ۸ نفر را مصدوم کرد.

مدیر مرکز هدایت عملیات بحران دانشگاه علوم پزشکی قزوین در این باره گفت: بر اثر آتش سوزی لوازم گرمایشی در یک منزل مسکونی ۸ نفر از اعضای یک خانواده مصدوم شدند. به گفته فخار سلیمانی مصدومان به کمک نیروهای اورژانس به بیمارستان شهید رجایی منتقل شدند.

مرگ ۲ پسربچه در واژگونی خودرو در حومه قم

سرویس شهرستانها: بر اثر واژگونی خودرو پژو در محور اراک ـ سلفچگان دو نفر کشته و دو نفر مصدوم شدند.

فراهانی معاون اورژانس قم با اعلام این خبر، گفت: حادثه در کیلومتر یک امامزاده جعفر (ع) رخ داد و کشته شدگان ۲ پسربچه ۱۴ و ۹ ساله بودند، یک خانم ۳۳ و آقای ۴۲ ساله هم به شدت مصدوم شدند که توسط اورژانس هوایی به یکی از بیمارستان‌های قم انتقال یافتند.

واژگونی خودرو در جاده گلپایگان ـ خمین با ۳ کشته

سرویس شهرستانها: واژگونی خودرو سواری سمند در جاده گلپایگان ـ خمین، استان اصفهان منجر به مرگ سه نفر شد.

حمیدرضا کریمیان رئیس جمعیت هلال احمر گلپایگان با بیان این خبر و با اشاره به حضور فوری نیروهای امدادی در محل افزود: یک نفر هم که مجروح شده بود توسط فوریت‌های پزشکی و هلال احمر به بیمارستان امام حسین (ع) گلپایگان منتقل شد.

کشف ۹۸فقره سرقت منزل در شیراز

سرویس شهرستان‌ها: فرمانده انتظامی شیراز گفت: مأموران پلیس ۳ شبکه سارقان حرفه‌ای منزل را شناسایی و ۷ نفر اعضای این گروه‌ها را در ۳ عملیات جداگانه دستگیر کردند.

سرهنگ دلاورالقاصی مهر با بیان این که دستگیرشدگان در مجموع به ۹۸فقره سرقت منزل در شیراز اعتراف کردند، افزود: تحقیقات تکمیلی پلیس از متهمان در خصوص اموال مسروقه و سرقت‌های احتمالی دیگر ادامه دارد.

۴۵۰ هکتار از کانون‌های ریزگرد منطقه سیستان، مالچ‌پاشی می‌شود

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: وزیر جهاد کشاورزی در سفر به زابل در نشست بررسی طرح‌های منابع طبیعی و زیست محیطی سیستان که با حضور استاندار سیستان و بلوچستان برگزار شد، با اشاره به اثرات نامطلوب ریزگردها در منطقه سیستان واقع در شمال سیستان و بلوچستان، بر آغاز عملیات مالچ پاشی تا پایان هفته در کانون‌های ریزگرد این منطقه تاکید کرد.

محمود حجتی اظهار داشت: موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع مسئول مطالعه وضع منطقه است و از همه ظرفیت‌ها نظیر دانشگاه باید استفاده شود.

وی بر شروع عملیات بیولوژیک با کاشت نهال‌ها و بوته‌های سازگار با اقلیم منطقه سیستان تاکید کرد.

رئیس سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور هم در این نشست از انجام عملیات مالچ پاشی در کانون‌های ریزگرد سیستان تا پایان امسال خبر داد و گفت: با توجه به اثرات مخرب ریزگردها بر زندگی مردم منطقه، مقرر شد تا پایان سال ۴۵۰ هکتار از کانون‌های ریزگرد منطقه تحت عملیات مالچ پاشی قرار گیرد.

جلیل آقایی افزود: با توجه به اینکه خشکسالی‌های پی در پی و حرکت شن‌های روان(ماسه) و ریزگردها در سال‌های اخیر در سیستان موجب خسارات مادی زیادی شده است، مقرر شد در کل سه کانون بحران منطقه با گستره ۱۰۰۰ هکتار مالچ پاشی انجام شود.

بنا به این گزارش، وزیر جهاد کشاورزی دیروز در سفر به شمال سیستان و بلوچستان به همراه استاندار و هیات همراه از طرح‌های پرورش شترمرغ روستای نیاتک شهرستان هیرمند دیدن کرد.

وی پس از بازدید از طرح‌های کشاورزی هیرمند، وارد شهرستان زهک شد و از طرح‌های کشاورزی این شهرستان هم دیدن کرد.

وزیر جهاد کشاورزی در ادامه این سفر از طرح ۴۶ هزار هکتار آبیاری با لوله به دشت سیستان دیدن کرد و از نزدیک مشکلات این طرح را مورد بررسی قرار داد.

پیگیری موضوع تثبیت شن‌های روان

وزیر جهاد کشاورزی که با هدف پیگیری برنامه‌های این وزارتخانه در منطقه سیستان، به این استان سفر کرده است در مصاحبه با خبرنگاران با بیان این که اجرای طرح ۴۶ هزار هکتاری و ارزیابی پیشرفت آن یکی از اهداف است، از پیگیری موضوع تثبیت شن‌های روان به عنوان هدف دیگر سفرش یاد کرد و افزود: بحث عرصه‌های طبیعی و تثبیت شن‌های روان در دستور کار و مطالعات آن در حال اجرا است.

وزیر جهاد کشاورزی درباره تغییر الگوی کشت هم اظهار داشت: تغییر الگوی کشت جزو اهداف است تا الگوی کشتی متناسب با محدودیت‌های آبی و خشکسالی‌هایی که وجود دارد پیاده شود و بیشترین بهره وری و راندمان را داشته باشد.

همچنین احمدعلی موهبتی استاندار سیستان و بلوچستان در نشستی که با حضور وزیر جهاد کشاورزی در زابل برگزارشد؛ اظهار داشت: دولت باید به منطقه سیستان نگاه ویژه داشته باشد چرا که مردم سیستان پاسداری از مرزهای کشور را بر عهده دارند و لازمه پاسداری از مرز تثبیت و نگهداشت جمعیت انسانی در این منطقه است.

وی تاکید کرد: امیدآفرینی به مردم سیستان از برنامه‌ها و اهداف این سفر باشد؛ چرا که با توجه به شرایط فعلی منطقه سیستان؛ بعضی گفتمان‌ها امید را از مردم سلب می‌کند.

موهبتی افزود: برنامه‌های توسعه‌ای و پروژه‌های مربوط به وزارت جهادکشاورزی از جمله آبرسانی با لوله و مالچ پاشی در سیستان با سرعت بیشتری دنبال شود.

وی گفت: یکی از این پروژه‌ها، طرح بزرگ آبرسانی با لوله به ۴۶هزار هکتار از اراضی دشت سیستان است که دولت تاکنون ۹۰۰ میلیون دلار در این بخش هزینه کرده است و باید به بهره‌برداری مناسب برسد چرا که اکنون عدم شفافیت نظام بهره‌برداری از آب موجب نارضایتی مردم شده است.

استاندار سیستان و بلوچستان در ادامه به مبحث شن‌های روان اشاره کرد و اظهار داشت: البته کانون اصلی شن‌های روان در کشور افغانستان است و نیاز به فعال شدن دیپلماسی سیاسی دیگر دستگاه‌ها در کنار وزارتخانه جهاد کشاورزی است.

توجه به دانش جدید نانو تکنولوژی و استفاده از ماده طبیعی کنترل ریزگردها که نمونه‌هایی از مطالعات تحقیقاتی این طرح در همین استان هم به نتیجه رسیده است؛ باید مورد توجه قرار گیرد.

موهبتی گفت: باید از همه ظرفیت‌های داخلی موجود خودمان استفاده کنیم؛ گروه‌های دانشگاهی و بخش خصوصی را هم که به این دانش دست یافته‌اند، مورد توجه قرار دهیم چرا که جزیره‌ای عمل کردن حتما آسیب پذیر خواهد بود.

وی افزود: باید مردم را به این باور برسانیم که در امور مربوط به خودشان مشارکت کنند؛ طرح‌های الگویی و تحرک بخشی که آغاز شود؛ مردم هم مشارکت می‌کنند.

به گفته موهبتی اولویت در اجرای طرح‌های مالچ پاشی با نقاطی است که مردم در آن سکونت دارند؛ اما در عین حال حتما باید به کانون اصلی ریزگردها که در کشور افغانستان است؛ توجه کرد.

استاندار سیستان و بلوچستان گفت: مردم باید باور کنند که مسئولان آنان را فراموش نکرده‌اند و امیدوارم این سفر؛ آغاز حرکت امیدآفرین به مردم باشد و با بسیج همه نیروها در کنار مجموعه جهاد کشاورزی آرامش به منطقه سیستان بازگردد.

انتقاد مدیر کل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی از قطع درختان در تبریز

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان شرقی در بازدید از محل درختان قلع و قمع شده بلوار ۲۹ بهمن تبریز، با انتقاد از قطع صدها درخت تنومند در این منطقه، گفت: حفظ فضای سبز تبریز از ضروریات است و سرانه فضای سبز این شهر بسیار کم و ۶ الی ۷ متر مربع است.

حمید قاسمی افزود: حداقل انتظار شهروندان از شهرداری تبریز این است که فضای سبز موجود در تبریز حفظ شود، سرانه فضای سبز تبریز باید در حد استانداردهای جهانی و حداقل ۲۰ متر مربع باشد.

وی خاطرنشان کرد: تبریز به عنوان باغ شهر معروف بود و با تغییر کاربری‌هایی که در گذشته انجام شده است، روز به روز با فقر بیشتری از نظر فضای سبز مواجه می‌شود.

قاسمی گفت: با توجه به آلودگی هوای تبریز، وجود فضای سبز می‌تواند کمک شایانی به بهبود کیفیت هوا کند، اما متاسفانه به جای اینکه روز به روز شاهد گسترده‌تر شدن فضای سبز در شهر باشیم، پیوسته شاهد قطع درختان تبریز به عناوین مختلف هستیم.وی ادامه داد: ما پیگیری‌های قانونی خودمان را انجام می‌دهیم و تلاش می‌کنیم تا به شهرداری تبریز تکلیف شود این منطقه به وضعیت قبلی درآید و درختان این منطقه احیا شود.

قاسمی از تکرار قطع درختان و فضای سبز تبریز انتقاد کرد و گفت: بارها مشابه این اتفاق افتاده است، اما تا کنون برخورد قانونی که باید با متخلفان انجام شود، نشده است. من مکاتبه‌ای با شهردار تبریز کرده ام و رونوشت آن را هم به استاندار محترم داده ام تا انشاالله پیگیری‌های لازم تا حصول نتیجه انجام شود.

وی با بیان اینکه آماری که شهرداری تبریز در مورد فضای سبز می‌دهد از واقعیت دور است، گفت: در تبریز بر اساس مطالعه همکارانم در اداره کل حفاظت محیط زیست، سرانه فضای سبز بیشتر از ۷ متر مربع نیست و شاید با احتساب باغات اطراف شهر این عدد را بیشتر کنند، اما واقعیت این است سرانه فضای سبز موثر در تبریز از ۷ متر مربع تجاوز نمی‌کند.

بازآفرینی شهری، نیازمند ۲۵هزار میلیارد تومان اعتبار

کاکی– خبرنگار اطلاعات: هوشنگ عشایری، معاون وزیر راه و شهرسازی در بازدید از بافت‌های فرسوده شهرستان دشتی گفت: برای بازآفرینی سالانه ۲۷۰ محله در کشور ۲۵ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است.

وی افزود: بر اساس قانون برنامه ششم توسعه، به دولت و شهرداری‌ها تکلیف شده است برای بازآفرینی شهری وارد عمل شوند و سالانه در ۲۷۰ محله کشور این طرح را اجرا کنند و برای اجرای کار در این ۲۷۰ محله که بر اساس شاخص‌ها اولویت بندی شده، به ۲۵ هزار میلیارد تومان اعتبار نیاز است. از این مبلغ ۱۰هزار میلیارد تومان را بخش خصوصی، ۷ هزار میلیارد تومان را شهرداری‌ها و ۸ هزار میلیارد تومان را نیز دولت تامین می‌کند.

مدیرعامل شرکت عمران و بهسازی شهری ایران گفت: از ۸ هزار میلیارد تومان سهم دولت تاکنون ۴ هزار میلیارد تومان اعتبار آن پیش بینی شده و برای ۴ هزار میلیارد تومان کسری دیگر نیز خوشبختانه با پیگیری‌های صورت گرفته و تصمیم سران قوا، مصوب شد که با دستور مقام معظم رهبری از محل صندوق توسعه ملی تامین شود.

وی خاطرنشان کرد: در تفاهمنامه انجام گرفته بین وزارت راه و شهرسازی، صندوق توسعه ملی و سازمان برنامه و بودجه، مقرر شد ۳ هزارو۷۷۰ میلیارد تومان در اختیار طرح بازآفرینی محلات بافت فرسوده قرار گیرد و بر این اساس یکصد هزار وام ۴۰ میلیون تومانی در شهرهای متوسط و کوچک و ۵۰ میلیون تومان در کلانشهرها در اختیار سازندگان حرفه‌ای قرار خواهد گرفت.همچنین باقیمانده آن تا سقف ۱۱۰ میلیون تومان نیز توسط بانک مسکن در اختیار این سازندگان قرار می‌گیرد.

معاون وزیر راه و شهرسازی اضافه کرد: وام اول که بودجه آن را دولت در اختیار بانک‌ها قرار می‌دهد کارمزد ندارد و وام بانک مسکن نیز کارمزد ۱۸درصد دارد.

زاهدان؛ میزبان جشنواره ملی ذکر و ذاکرین

زاهدان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان از برگزاری نخستین جشنواره ملی ذکر و ذاکرین به میزبانی زاهدان در ۱۲ و ۱۳ دی ماه خبر داد.

حسین مسگرانی در جمع خبرنگاران با بیان این که این جشنواره با حمایت معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد از مجموعه جشنواره‌های آیات برگزار می‌شود، افزود: جشنواره ذکر و ذاکرین در حوزه موسیقی آیینی برگزار می‌شود و هر اثری که به پرسش و باور انسان نسبت به مبدا خداوند توجه داشته باشد در این بخش قرار می‌گیرد.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان تاکید کرد: تاکنون ۳۳ گروه از ۱۰ استان آثار خود را برای شرکت در این جشنواره ارسال کرده‌اند که بعد از پایان مهلت نامنویسی، هیات انتخاب آثار قابل قبول را برای شرکت در جشنواره انتخاب می‌کند.

مسگرانی با بیان اینکه از گروه‌های شرکت کننده هشت گروه از سیستان و بلوچستان است، افزود: بعد از برگزاری جشنواره و اجرای گروه‌های منتخب، داوران آثار برگزیده را مشخص می‌کنند و در پایان هم آلبومی از آثار برگزیده تهیه می‌شود.

وی گفت: معرفی آیین‌های دینی و مذهبی، نشان دادن غنا و تکثر فرهنگی اقوام و مذاهب در ایران، آشنا شدن نسل جوان و امروزی با مواریث گذشتگان، ایجاد نشاط معنوی با تکیه بر فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی از جمله اهداف برگزاری این جشنواره است.مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان افزود: جشنواره ملی ذکر و ذاکرین در دو بخش آواها، نغمات و همخوانی و همنوایی برگزار می‌شود و شرکت کنندگان در قالب تکخوانی، تکنوازی، گروه خوانی و گروه نوازی آثار خود را ارائه می‌کنند.

لزوم تعیین تکلیف زمین مستاجران زلزله‌زده کرمانشاه

کرمانشاه–خبرنگار اطلاعات: استاندار کرمانشاه بر لزوم تعیین تکلیف زمین مستاجران زلزله‌زده تاکید و اعلام کرد: با توجه به اینکه پایان بازسازی این مناطق سال ۹۸ است باید تکلیف زمین مشخص شود.

هوشنگ بازوند افزود: در طرح مسکن امید ابهاماتی وجود دارد که لازم است بررسی شودو ظرف مدت ۱۰روز برنامه اجرایی ساخت ۲۷۴۶ واحد که سهم بازآفرینی استان کرمانشاه است بدون هیچ ابهامی به ستاد بازآفرینی ارائه شود.

وی ادامه داد: اگر این طرح اصلاح نشود، خروجی کار یک نوع مسکن مهر و نیمه کاره را در استان کرمانشاه رقم خواهد زد و لازم است در اسرع وقت توزیع شهرستانی این طرح آماده و به فرمانداران ابلاغ شود تا استارت کار زده شود.

او در باره ساخت زمین‌های سازمان ملی زمین و مسکن اظهارداشت: برای انجام این کار نامه رئیس سازمان را قبول نداریم باید مصوبه هیات مدیره را ارائه دهید و حداقل تا یک ماه آینده این مورد تعیین تکلیف شود. استاندار کرمانشاه در ادامه به تامین زمین برای مستاجران زلزله‌زده اشاره کرد و افزود: در این خصوص برای خرید زمین ۲۲میلیون تومان اعتبار نیاز است که تا کنون وزارت راه و شهرسازی نسبت به این کار اقدامی انجام نداده است.

بازوند ادامه داد: اگر قرار باشد زمین برای مستاجران به صورت توافقی خریداری شود، حاشیه‌ساز می‌شود و بدون‌شک رانت در آن به وجود خواهد آمد و طبق قول رئیس‌جمهوری زمین توسط دولت خریداری می‌شود و در اختیار مستاجران قرار خواهد گرفت.

او افزود: واحدهای تخریبی در شهر سرپل‌ذهاب ۶۳۰۰ واحد بود که ۴۰۰۰ واحد بیشتر از این میزان ساخته شده است و حدود ۱۰هزار و ۶۰۰ پروانه ساخت صادر شده است. استاندار کرمانشاه گفت: ۵۰میلیون تومان برای ساخت مسکن مستاجران در نظر گرفته شده است و وزارت راه باید هرچه سریع‌تر تکلیف زمین مستاجران را روشن کند چرا که قرار است تا پایان سال ۹۸ روند بازسازی مناطق زلزله به پایان برسد.

افزایش سالانه ۲۰ میلیون مترمکعب به آب‌های زیرزمینی همدان

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان همدان گفت: پیش‌بینی می‌شود با اجرای پروژه‌های آبخیزداری صندوق توسعه ملی سالانه حدود۲۰ میلیون مترمکعب به آب‌های زیرزمینی استان همدان اضافه شود.

اسفندیار خزائی افزود: مشکل کمبود آب و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی از چالش‌های پیش‌روی کشور و استان همدان است و بر روند توسعه آنها در تمامی بخش‌ها تأثیرمی‌گذارد، از اینرو باید راهکارهای لازم برای مقابله با این تهدیدها اتخاذ شود و مصرف بهینه و عرضه و تولید آب به عنوان ۳ مؤلفه مهم در مدیریت آب، باید مدنظر قراربگیرد.

خزایی اظهارداشت: با تغییر رژیم بارندگی از برف به باران و خشکسالی‌های پی‌درپی، اجرای عملیات آبخیزداری و آبخوان‌داری، مدیریت آب و نفوذ آن به زمین و تقویت سفره‌های آب‌های زیرزمینی از اهداف کلان کشور است و در استان همدان هم این موضوع مهم پیگیری می‌شود.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان همدان گفت: پیش‌بینی شده با اجرای پروژه‌های آبخیزداری صندوق توسعه ملی در سطح استان، حدود۲۰ میلیون مترمکعب در سال به آب‌های زیرزمینی استان همدان اضافه شود که البته کنترل سیل، کاهش خسارت سیل و جلوگیری از فرسایش خاک نیز از آثار اقدامات آبخیزداری است.

وی اعلام کرد: اعتبار ۱۶۰ میلیارد ریالی صندوق توسعه ملی امسال به اجرای پروژه‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری دراستان همدان و پیشرفت فیزیکی ۶۵ درصدی آن‌ها در ۱۷ زیرحوزه و ۹ شهرستان اختصاص می‌یابد.

سومین مرحله توزیع سبدغذایی به مادران نیازمند

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: به همت بنیاد علوی بسته سبدغذایی حمایتی میان ۲۹۴ مادر باردار و شیرده موسسه بین زنان باردار و مادران دارای فرزند شیرخوار درشهرستان بشاگرد توزیع شد.

رئیس شبکه بهداشت و درمان شهرستان بشاگرد با اعلام خبر بالا گفت: سبد غذایی شامل برنج، مرغ، روغن و حبوب‌است.

عباس علیمراد افزود: بنیاد علوی از سال ۹۵ در شهرستان بشاگردتاکنون بیش از ۵ هزار بسته غذایی به همت این موسسه بین مادران نیازمند توزیع کرده است

وی گفت: مادران نیازمند برای دریافت سبدغذایی حمایتی در خانه‌های بهداشت نامنویسی کنند.

همایش کرمان شناسی برگزار می‌شود

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: امید و آرامش فقط از طریق خدمت رسانی به موقع، صحیح و بی منت نسبت به مردم به دست می‌آید.

سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری کرمان در نشست با فرمانداران استان اظهار داشت: ایجاد نشاط اجتماعی تزریق شدنی نیست بلکه باید ساز و کار آن را با اقدامات زیرساختی و زیربنایی و به دور از هر گونه شعارزدگی فراهم کرد.

محمدصادق بصیری با بیان اینکه اتکا به ظرفیت‌های مردمی از جمله سمن‌ها می‌تواند در رفع بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی راهگشا و ثمر بخش باشد، افزود: در کنار توجه مردمی، قطعا بهره گیری از توان نیروهای مراکز علمی و دانشگاهی می‌تواند به حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی سرعت بخشد.

به گفته وی باید در تصمیم گیری‌ها به شاخص‌های شرایط اقلیمی، فرهنگی، قومی، قبیله‌ای و سایر شرایط موجود توجه جدی کرد.

بصیری از فرمانداران به عنوان سربازان خط مقدم دفاع یاد کرد و افزود: فرمانداران با کمترین بضاعت امکاناتی شبانه روز به منظور خدمت رسانی به مردم در حال ایثار و فداکاری هستند.

در ادامه این نشست رئیس مرکز کرمان شناسی در سخنانی از برگزاری همایش کرمان شناسی در اردیبهشت سال آینده خبر داد.

سید محمد علی گلاب زاده خواستارهمکاری فرمانداران برای برگزاری هرچه مطلوبتر این اتفاق مهم در مراکز شهرستان‌ها شد و گفت: کتاب گنج ۳۰ ساله شامل مجموعه فعالیت‌ها و مکتوبات مرکز کرمان شناسی هم در حال تدوین است.

وی با اشاره به برگزاری جشن سی امین سال مرکز کرمان شناسی در دو بخش استانی و ملی اظهار داشت: ستادهای شهرستانی هفت شب در کرمان برنامه‌های فرهنگی، تاریخی و گردشگری خواهند داشت و کمیته‌های علمی هم فعال خواهند شد.

اختصاص یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان اعتبار برای تولید و اشتغال در گیلان

رشت ـ خبرنگار اطلاعات: معاون هماهنگی اقتصادی و توسعه منابع استانداری گیلان از اختصاص یک میلیارد و دویست میلیون تومان اعتبار برای حوزه تولید و اشتغال در استان خبر داد وگفت: برخی از واحدهای تولیدی و صنعتی که به تسهیلات برای تولید نیاز دارند، می توانند از این منابع استفاده کنند.

سید محمد احمدی با بیان اینکه باید در رونق تولید تحرک بیشتری ایجاد شود گفت: همه ما مکلف هستیم تا از تولید حمایت کنیم، اما متاسفانه هنوز نتوانسته‌ایم منابعی را که در امر تولید باید تامین شود، در اختیار تولید کنندگان قرار دهیم.

وی اضافه کرد بانک‌هابجای نگاه سختگیرانه به تولید، شیوه‌های آموزشی را رویکرد خود قرار دهند، چرا که هرگونه سیاست سختگیرانه جواب عکس خواهد داد.

اوبا اشاره به ۲ اتفاق مهم و ارزشمند در استان گیلان با هدف حمایت از تولید شامل تشکیل شورای معادن و آب بندان‌ها افزود. تشکیل این شورا با کارهای دقیق کارشناسی انجام و شیوه نامه‌های آن به فرمانداری‌ها ابلاغ شده است و باید از آن به خوبی مراقبت کنند که طبعا جلوی برخی زیاده‌خواهی‌ها در این عرصه گرفته می‌شود.

هلال احمر در بهارستان مستقر می‌شود

بهارستان ـ خبرنگار اطلاعات: فرماندار بهارستان گفت: استقرار هلال‌احمر در بهارستان قطعی شده و به زودی جمعیت هلال‌احمر در این شهرستان مستقر می‌شود.

بیژن سلیمان‌پور در ادامه سلسله نشست‌های ملاقات مردمی در نشست با اهالی محله کلمه(شهرک فجر) نسیم شهر افزود: پیگیری‌های لازم در این ارتباط انجام گرفته و استقرار هلال‌احمر در این شهرستان قطعی است و در آینده نزدیک شاهد حضور این نهاد در شهرستان بهارستان خواهیم بود.

وی گفت: در حوزه آب هم، انتقال آب آشامیدنی از خط الغدیر ۲ به منطقه در جریان است و با تکمیل این پروژه مشکل کم‌آبی در بهارستان حل می‌شود.

او اضافه کرد: با اتمام این پروژه مهم ۱۰۰ لیتر آب در ثانیه یا به عبارتی ۵۰ درصد به سهمیه آب شهرستان بهارستان اضافه می‌شود.

وی به اجرای پروژه مهم و بزرگ تصفیه خانه فاضلاب شهرستان بهارستان اشاره کرد و افزود: دو ماه دیگر عملیات تصفیه‌خانه فاضلاب بهارستان با اعتباری ۲۷۰ میلیارد تومان آغاز می‌شود.

تدوین سند چشم‌انداز توسعه یزد

یزد- خبرنگار اطلاعات: رئیس شورای شهر یزد گفت: سند چشم‌انداز توسعه شهر یزد باید به نحوی تدوین شود که بر اساس آن، رویه مهاجرت‌ها در شهر جهانی یزد اصلاح شود. غلامعلی سفید با اشاره به اینکه یزد به شهری مهاجرپذیر تبدیل شده است، اضافه کرد: لازم است در سند چشم‌انداز توسعه یزد به بحث مهاجرت نگاه جدی شود زیرا اکنون مهاجرت به نحوی است که نخبگان از شهر مهاجرت می‌کنند و افراد جویای کار سایر استان‌ها جایگزین آنها می‌شوند.

سفید افزود: سند چشم انداز توسعه شهری یزد باید به نحوی باشد که مهاجرت‌ها را به سمت ماندگاری نخبگان سوق دهد. رئیس شورای شهر یزد گفت: این شکل از مهاجرت‌ها سبب توسعه حاشیه نشینی، فاصله فرهنگی و طبقاتی و سایر مشکلات اجتماعی و فرهنگی شده و این رویه باید در شهر جهانی یزد اصلاح شود. او در مورد سند چشم‌انداز توسعه شهر نیز افزود: شهر جهانی یزد نیاز ضروری به این سند چشم‌انداز دارد و لازم است هر چه سریع‌تر سند چشم اندازی با توجه به ظرفیت‌های زیست محیطی، انسانی، علمی تدوین شود.

وی با اشاره به تلاش برای اجرای طرح‌هایی به منظور درآمدزایی برای شهر یزد افزود: این مهم در دستور کار ویژه شورای شهر یزد قرار دارد. سفید گفت: یکی از برنامه‌هایی که در این زمینه در دست بررسی است، سهامدار شدن شورا در یکی از بانک‌ها منتصب به شهرداری است که اگر این امر محقق شود می‌توانیم از تسهیلات مناسبی برای اجرای طرح‌های عمرانی و فرهنگی استفاده کنیم.

سخنگوی شورای اسلامی شهر یزد بر ضرورت تدوین سند چشم انداز توسعه شهری یزد تا افق ۱۴۰۴ تاکید کرد. محسن عباسی هرفته گفت: یزد شهری جهانی و در مسیر توسعه است و برای این توسعه نیازمند یک برنامه مدون و همه جانبه است.

وی افزود: بر این اساس تدوین سند چشم انداز توسعه شهری تا افق ۱۴۰۴ یکی از ضرورت‌های مهم در حوزه برنامه ریزی شهری است. عباسی هرفته گفت: تاکید شورای شهر یزد، تدوین این سند با محوریت توسعه گفتمان شهری بر اساس مشارکت مردمی، سرمایه پذیری و کاهش تصدیگری است.

سخنگوی شورای شهر یزد با اشاره برخی از وظایف شهرداری بیان کرد: برخی از وظایف شهرداری‌ها در قانون مشخص شده و برخی دیگر نیز باید بر اساس اسنادی همچون سند چشم انداز توسعه شهری تعیین شود.

وی افزود: استفاده از پیشرانه‌های شهر هوشمند، دانش بومی و داشته‌های تاریخی برای دستیابی به شهر زیست‌پذیر و گردشگرپذیر همچنین توسعه گفتمان شهری با محوریت مشارکت مردمی، سرمایه‌پذیری و کاهش تصدی گری دو استراتژی بنیادین برای تدوین سند چشم‌انداز شهر یزد است.

عباسی هرفته به تشریح برخی از اهداف کلان شهرداری یزد در آینده‌ای نزدیک پرداخت وگفت: هوشمندسازی محاسبات مالی در مسیر توسعه منابع درآمدی پایدار و برنامه ریزی مالی مبتنی بر عملکرد، شناسایی و استفاده از پتانسیل بخش خصوصی به منظور برندسازی صنایع برتر و سنتی یزد، شفاف‌سازی و تسهیلگری امور شهرداری مبتنی بر مدیریت هوشمند و توسعه کمی و کیفی خدمات مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین، بخشی از این برنامه‌ها و اهداف است.

وی، کاهش آلودگی‌های محیطی مبتنی بر شهر هوشمند، انسجام بخشی به کالبد شهر با بستر توسعه درون‌زا، توسعه کمی و کیفی سیما و منظر شهری مبتنی بر هویت فرهنگی و بومی و ارتقای ایمنی از طریق انسجام کالبدی و اجتماعی را نیز از دیگر اهداف کلان شهرداری یزد برشمرد. اودر مورد حمل و نقل نیز گفت: حمل و نقل امروز به یک موضوع پیچیده و دارای مشکلات خاص تبدیل شده که لازم است برای رفع بخشی از مشکلات این حوزه به سمت هوشمندسازی بحث حمل و نقل پیش برویم.

ضرورت شفاف‌سازی بانک اطلاعات سازمان حمل‌ونقل شهرداری یزد

معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار یزد بر ضرورت شفاف سازی بانک اطلاعات سازمان حمل و نقل بار و مسافر شهرداری یزد تاکید کرد.

محسن صادقیان در جلسه علنی شورای شهر یزد که به مناسبت هفته حمل و نقل با حضور مسئولان این حوزه برگزار شد افزود: سازمان حمل و نقل بار و مسافر شهرداری یزد باید بانک اطلاعات خود را شفاف کند.

وی افزود: مشخص نیست که فعالان عرصه حمل ونقل بار و مسافر شهرداری یزد چه در حوزه برون شهری و چه در حوزه درون شهری، خدمات خود را از چه سامانه‌ای دریافت می‌کنند. صادقیان گفت: این اطلاعات باید هر چه سریع‌تر شفاف شود تا از این طریق بتوانیم در مسیر خدمت‌رسانی هر چه بهتر به مردم گام برداریم.

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری یزد با اشاره به مشکلات اقتصادی که در کشور به وجود آمده است، افزود: طبیعی است که حوزه حمل و نقل نیز از این مشکلات مستثنی نیست و در طول این مدت نیز شاهد دست و پنجه نرم کردن حوزه حمل و نقل با گرانی‌ها و کمبودها بودیم.

وی با اشاره به این که گلایه‌های بسیاری از سوی رانندگان در زمینه کمبود لاستیک و لوازم یدکی و گرانی آن وجود داشت، گفت: خوشبختانه اتفاقات خوبی در این حوزه در حال وقوع است و امیدواریم به زودی شاهد رفع بخش عمده‌ای از مشکلات رانندگان به ویژه در زمینه رفع مشکل لاستیک باشیم.

صادقیان، نقش حمل و نقل را در اقتصاد و تولید بسیار اثر گذار دانست وافزود: برای اینکه فعالان این بخش بتوانند خدمت رسانی صحیحی انجام دهند، باید برای رفع نیازهای آنها برنامه ریزی اصولی انجام شود که امیدواریم شاهد تحقق این مهم هم در شهرداری یزد و هم در ادارات راهداری و حمل و نقل جاده‌ای در سطح استان باشیم.

وی تاکید کرد: بحث شفاف‌سازی‌ها میان اداره کل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای استان و سازمان حمل و نقل بار و مسافر شهرداری یزد توسط شورای شهر پیگیری و مصوب شود تا خدمت‌رسانی به فعالان این عرصه نیز بهتر انجام شود.

احیای بافت‌های فرسوده اصفهان، از توسعه افقی این شهر جلو گیری می کند

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: حدود ۲۳۰۰ هکتار بافت فرسوده مصوب در شهر اصفهان وجود دارد که ۵۰۰ هکتار آن بافت تاریخی و بقیه آن بافت‌های فرسوده روستایی و میانی است و با احیای بافت‌های فرسوده از توسعه افقی شهر جلوگیری خواهد شد.معاون شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان با تأکید بر این که احیای بافت‌های فرسوده اصفهان در قالب بازآفرینی شهری در دستور کار این معاونت است گفت: تمامی پهنه‌ها و کاربری خدماتی مناطق پانزده گانه شهرداری اصفهان با تاکید بر بافت فرسوده شناسایی شده است.

سید احمد حسینی‌نیا، برآورد مالی برای تملک و احیای این بافت‌ها بر اساس قیمت‌گذاری امسال را، ۹۷۲میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: ۱۸۳ میلیارد تومان آن به گلوگاه‌ها و معابر شهری و بقیه به تحقق پذیری سرانه‌ها اختصاص پیدا می‌کند. به گفته وی، احیای بافت فرسوده شهر اصفهان در دو بخش، شامل گلوگاه‌ها و معابر شهری و همچنین تحقق پذیری سرانه‌ها اجرایی خواهد شد.

او در ادامه به طرح الحاق اراضی ۱۴۰ هکتاری شرق اصفهان با عنوان اراضی (جی شیر) به شهر اصفهان پرداخت و آنرا منطبق با طرح توسعه پایدار حریم شهر اصفهان بیان کرد و گفت: تغییر کاربری این اراضی، مسکونی نخواهد بود بلکه کاربری آنها در زمینه گردشگری، ورزشی و نمایشگاهی است.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان با اشاره به این که در ۸ ماهه امسال بیش از ۲۸۰۰ فقره پروانه ساختمانی به متراژ ۲ میلیون و ۱۵۶ هزار متر مربع صادر شده است افزود: از لحاظ تعداد نسبت به مدت مشابه پارسال ۱۲ درصد و از لحاظ متراژ ۱۱ درصد رشد داشته است و این موضوع نشان می‌دهد تولید مسکن در شهر اصفهان با وجود شرایط نامساعد اقتصادی، روند خوبی داشته است.

حسینی‌نیا در ادامه با اعلام این که بر اساس مصوبه شورای عالی معماری و شهرسازی ایران در سال ۹۰، اراضی کشاورزی و باغ‌های داخل محدوده باید تعیین تکلیف شود گفت: این موضوع در حال فراموشی بود و موجب بلاتکلیفی شهروندان شده بود اما امروز بررسی تعیین تکلیف بخشی از اراضی کشاورزی داخل محدوده مناطق ۲، ۱۰، ۱۴ و ۱۵ برای ارسال در کمیسیون ماده ۵ در دستور کار قرار گرفته است.

او افزود: طرح محور ۴۵ متری حوزه غرب برای هدایت بار ترافیکی از خیابان امام خمینی(ره) به سمت خیابان کهندژ که از سال ۸۹ بلاتکلیف بود، در کمیسیون ماده ۵ تصویب شد. معاون شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان گفت: مصوبه ساماندهی ورودی شهر اصفهان از فرودگاه بین المللی شهید بهشتی تا بزرگراه شهید آقابابایی به طول ۱۳ کیلومتر با عنوان محور تشریفات در کارگروه امور زیربنایی، دریافت شده است و به زودی عملیات اجرایی آن آغاز خواهد شد.حسینی نیا با بیان این که مصوبه تعیین تکلیف اراضی (علی آباد کلنگان) پس از سال‌ها بلاتکلیفی، دریافت شد و به تایید شورای عالی شهرسازی و معماری نیز رسیده است افزود: مصوبه اراضی پشتیبان مشاغل شهری با عنوان ساماندهی مشاغل شهری واقع در منطقه ۱۲ شهرداری اصفهان نیز دریافت شده است. او گفت: بر اساس برنامه ریزی‌های انجام شده، میدان امام حسین(ع) اصفهان در سال ۹۸ در قالب احیای دولتخانه صفوی، پیاده راه خواهد شد.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری اصفهان با بیان این که برای حذف رانت‌های احتمالی، ارجاع فیزیکی پرونده تخلف‌های ساختمانی به کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ حذف شده و تمامی پرونده‌ها فقط از طریق نرم افزار ارجاع می‌شود افزود: آرای صادره نیز پس از تایید و ثبت در سامانه یکپارچه شهرسازی و درآمد، بلافاصله از طریق سامانه پیام رسان به مالک بنا اعلام می‌شود.

مدیر کمیسیون‌های ماده۱۰۰ شهرداری اصفهان نیز با بیان این که هر ماهه به طور متوسط ۹۵۰ تا ۱۱۰۰ پرونده تخلف‌های ساختمانی در این کمیسیون رسیدگی می‌شود اضافه کرد: برای حدود ۶۳ درصد آنها جریمه، ۲۱ درصد رای تخریب و ۶ درصد برائت صادر شده است. غلامعلی فیض‌الهی با اشاره به این که تعداد پرونده‌هایی که به کمیسیون‌های ماده۱۰۰ شهرداری اصفهان ارجاع می‌شود نسبت به سایر کلانشهرهای کشور بسیار کم است افزود: بیشترین تخلف‌های ساختمانی شهر اصفهان مربوط به ساخت بالکن در گذرهای با عرض کم، اضافه ساخت، اضافه ارتفاع و کسر پارکینگ است.

فرونشست ۷۶ سانتی‌متری دشت‌های چهارمحال‌وبختیاری

سرویس شهرستان‌ها: مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری چهارمحال و بختیاری گفت: پدیده خودسوزی در برخی از دشت‌های استان درحال شکل گیری است.

علی محمدی‌مقدم با بیان اینکه افت آب‌های زیرزمینی، فرونشست و خودسوزی (آتش‌سوزی درونی) سه پدیده‌ای هستند که در استان رخ داده است، افزود: پدیده خودسوزی در برخی از دشت‌های استان درحال شکل گیری است. چرا که به دلیل تالابی بودن محیط در لایه‌های زیرین بیشتر بقایای گیاهی موجود خشک می‌شود و رطوبت خاک از دست می‌رود و در نهایت خودسوزی اتفاق می‌افتد. وی تاکید کرد: خودسوزی پس از یک تابستان خشک و گرم و بعد از نخستین بارندگی در فصل پاییز شکل می گیرد و متاسفانه هنوز کار مطالعاتی در این زمینه صورت نگرفته است که دلیل ایجاد خود سوزی درختان چیست؟

محمدی‌مقدم گفت: در سال گذشته ۲ مرتبه در دشت «خانمیرزا» لردگان، خودسوزی درختان رخ داده است و امسال با انجام اقداماتی مانند هدایت آب از چشمه به این دشت برای تغذیه، شاهد خودسوزی درختان در این دشت نبودیم.

در سنوات گذشته نیز تالاب «دهنو» روستای سورک از توابع شهرستان بروجن دچار خودسوزی درختان شد و از میان رفت.

وی با اشاره به اینکه فرونشست یک پدیده مخرب زیست‌محیطی است و قابل بازگشت نیست، افزود: دلیل ایجاد فرونشست، بهره‌برداری‌های بی‌رویه از منابع آب‌های زیرزمینی است که ایجاد فضای خالی در لایه‌های زمین و در نهایت نشست زمین را در پی دارد و تنها راه، پیشگیری است.

در دنیا ۳ تا ۴ میلی‌متر فرونشست زمین معقول است، اما متاسفانه در استان چهارمحال و بختیاری برخی دشت‌ها تا ۷۶سانتی‌متر فرونشست دارند. همچنین دشت شهرکرد طبق آمار شرکت آب منطقه‌ای استان ۵۰ سانتی‌متر و دشت «خانمیرزا» لردگان ۷۶ سانتی‌متر فرونشست دارد و نشان از وجود یک فاجعه زیست محیطی است که برای پیشگیری از آن، ضرورت دارد برای حفظ آب‌های زیرزمینی تلاش شود.

تملک اولین بانک استان مرکزی در مجموعه بازار تاریخی اراک

اراک- خبرنگار اطلاعات: اولین بانک استان مرکزی که در مجموعه بازار تاریخی اراک با عنوان «بانک شاهی» قرار دارد، به زودی تملک می‌شود.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی در این باره گفت: این بانک که با نام بانک شاهی به ثبت ملی رسیده است متاسفانه در سال‌های گذشته بیشترین حجم تخریب و تهدید را پشت سر گذاشته و بزودی از محل اعتبارات بهسازی بافت‌های تاریخی وزارت راه و شهرسازی تملک می‌شود تا پس از انجام مراحل قانونی تملک، مرمت اصولی آن در اسرع وقت انجام شود.

علیرضا ایزدی افزود: با بیان این که این بانک برای اطمینان از سودآوری، شعب خود را در مراکز صرافی ایران تأسیس کرده و هیچگاه بیش از ۲۵ شعبه نداشته است یادآورشد: بانک اراک یکی از این شعب همین بانک است که در این اثر نمونه‌ای از معماری غربی مشهود و ترکیبی از معماری غربی- ایرانی است.

این بانک با مالک خصوصی در گذر چهارم (گذر لوطی‌هاشم) بازارتاریخی اراک قرار دارد و متعلق به دوره پهلوی اول است.

*** ۷ میراث در انتظار ثبت ملی**

تهیه ۷ پرونده میراث معنوی استان مرکزی از چهار شهرستان این استان تکمیل و به سازمان میراث فرهنگی کشور ارسال شده است.

مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی با اعلام این خبر گفت: به علت وجود فرهنگ‌های غنی و متفاوت در استان مرکزی، تنوع بی‌نظیری از آیین‌ها، مراسم و حرکات اجتماعی متفاوت در استان وجود دارد که هر گردشگر و پژوهشگری را مبهوت خواهد کرد.

علیرضا ایزدی افزود: با وجود قوم‌ها و زبان‌های فارس، ترک، تات و لر در استان مرکزی و وجود اقلیت ارامنه، تنوع فرهنگی بی‌نظیری در این خطه بسط دارد که هر یک ریشه در باورهای پاک ایرانی اسلامی دارد از این رو در تلاش هستیم تمام این داشته‌ها را حفظ، مستند سازی و ثبت ملی کنیم تا از گزند زمانه در امان بمانند چراکه معتقدیم این داشته‌ها، تپش تاریخ در سینه‌نسل‌هاست.

ایزدی اظهار داشت: مراسم جمعه جار خاوه دلیجان، تولید سفال روستای برجک خمین، شیوه تهیه و تولید صابون آشتیان، شیوه تهیه و پخت آش متنجه روستای جیریا، مراسم بگ حامامی در منطقه بزچلو کمیجان، مراسم سوت آشی در منطقه بزچلو و چاوشی خوانی در مراسم گلین آپارماق کمیجان، ۷ پرونده جدیدی است که توسط میراث فرهنگی استان تهیه و به سازمان ارسال شده است تا مورد ارزیابی قرار گیرند.

۷اقامتگاه بومگردی آماده بهره‌برداری است

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: ۷ اقامتگاه بومگردی با سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیارد ریال توسط بخش خصوص در دهه فجر ۹۷ به بهره‌برداری می‌رسد.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی با اعلام این خبر گفت: در گذشته ۴ اقامتگاه بومگردی در استان به بهره برداری رسیده بود که با توجه به بیش از یکهزار روستای استان، رقم قابل توجهی نیست از این رو سرمایه گذاران در بخش ساخت این واحدها با حمایت‌ها و پشتیبانی‌های ویژه اداره کل میراث فرهنگی در حوزه صدور مجوز و معرفی به صندوق کارآفرینی امید برای دریافت تسهیلات ارزان قیمت معرفی می‌شوند.

ایزدی افزود: قریب به ۸۰ درخواست احداث اقامتگاه در استان ثبت شده است که امیدمی رود اکثر آنها در سال آتی به بهره برداری برسند تا امکان اسکان گردشگران در این واحدها به حدود هزار افزایش یابد.

او اظهار داشت: این اقامتگاه‌ها در روستای خورهه، روستای نخجیروان و روستای مزور از توابع شهرستان محلات، روستای کهک و شهر نراق در شهرستان دلیجان، روستای حسین آباد در شهرستان زرندیه و روستای سرکوبه در شهرستان خمین هستند که با حجم سرمایه‌گذاری ۲۵میلیارد ریال توسط بخش خصوص اجرا و تکمیل شده‌اند.

چالش‌های علوم جنایی در رویارویی با جرایم پیشرفته

فرزاد حاتم‌زاده، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، وکیل پایه یک دادگستری

گذشت زمان و رشد تکنولوژی باعث خلق جرایم نوینی شده است. این جرایم شاخه‌های مختلف علوم جنایی از جمله حقوق کیفری ماهوی، حقوق کیفری شکلی، جرم‌شناسی و علوم جرم‌یابی را به چالش کشانده‌اند؛ چنانکه می‌توان گفت قوانین موجود پاسخگوی مناسبی برای این گونه از جرایم مدرن نیستند و به تعبیری جامعه‌شناسانه، نظام حقوقی در رویارویی با این جرایم به تأخر مبتلا گردیده است. این جرایم شبیه سونامی بسیار خطرناک و خزنده‌ای هستند که امنیت ملی و جهانی را تهدید می‌کنند؛ بنابراین گونه‌شناسی، ارائه یک تعریف جامع در پرتو اجماع جهانی و اتخاذ یک سیاست جنایی مطلوب، جهت مقابله با آن ضروری و امری حیاتی است. در این مقاله تلاش شده است از منظری تماشاگرایانه چیستی و چرایی جرایم پیشرفته و چالش‌های پیش روی آن مورد بحث قرار گیرد.

فرآیند نوشوندگی و به تعبیری «نهاد ناآرام جهان» بر ما بانگ می‌زند که کائنات ماهیتی تحولی و تکاملی دارند. پدیده جرم نیز از این قاعده مستثنا نیست. شکل گیری فناوری جدید در دهه چهل شمسی و اتحاد فناوری اطلاعات و ارتباطات با فناوری رسانه‌ای در دهه شصت، باعث «مرگ فاصله‌ها» و «انقباض گیتی» در نظر بشر شد. در نتیجه، در این عصر شئون خرد و کلان زندگی اجتماعی وارد فاز و فضای جدیدی گردید که به تعبیری می‌توان این عصر را «عصر سرعت تغییر» نامید. جوامع جدید میزبان جرایم جدید و تحولات ناشی از آن باعث خلق «مجرمان پیشرفته‌ای» گردیده است. این مجرمان فوق‌العاده خطرناک، توان ارتکاب گونه‌های مرسوم جرم به شیوه‌ای نامرسوم را دارا می‌باشند و دست به ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای می‌زنند که پیش از این به هیچ روی امکان‌پذیر نبوده است. در پرتو این تحولات، روابط جدیدی شکل گرفته است و ارزش‌ها و تعاملات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حقوقی ویژه‌ای به وجود آمده است که با تعاملات سنتی تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. تبعاً مشکلات ناشی از این فضا مشهود و محسوس است و حرکت نظام‌های حقوقی به موازات این تغییرات نیست؛ به تعبیری جامعه‌شناسانه می‌توان گفت که دنیای جدید شاهد یک تأخر یا پس‌افتادگی حقوقی است. جرم پیشرفته و مدرن نظام حقوقی مدرن می‌طلبد تا این نظام بتواند به غایت قصوای خود که همانا تنظیم و تنسیق روابط اجتماعی و استقرار «نظم عادلانه» است، نائل آید. چنان به نظر می‌رسد که جرایم پیشرفته با خصوصیات ویژه خود تمام شاخه‌های مختلف علوم جنایی را به چالش کشانده‌اند؛ بنابراین به منظور اتخاذ یک سیاست جنایی مطلوب متناسب با آن، شناخت همه جانبه ابعاد این پدیده ضرورت و اهمیت می‌یابد و ورود متخصصان علوم جنایی در قاعده‌گذاری و قانون‌نویسی را طلب می‌کند. موضوع مورد بحث به طور کلی واجد پیشینه تحقیقی است.

حقوقدانان و جرم‌شناسان و حتی روانشناسان در این حوزه ورود کرده‌اند و حتی معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضائیه همایش‌های متعددی در این حوزه برگزار نموده است که این خود ضرورت و اهمیت موضوع را می‌نمایاند. ما در این مقاله هرچند متلائم و متناسب با بحث به قوانین موضوعه اشاره کرده‌ایم، اما مجال و خیال آن را نداشته‌ایم که به تحلیل کاربردی قوانین موضوعه بپردازیم. هدف اصلی از ورود به این مبحث در درجه اول بیان چیستی و چرایی جرایم پیشرفته و چالش‌های آن از منظر تماشاگرایانه و در درجه دوم متفطن کردن اندیشمندان این حوزه جهت تلاش بیشتر در راستای نورافکندن بر زوایای تاریک این مسأله است. لذا ما در این نوشتار به تحلیل «مفهوم جرایم پیشرفته» و چالش‌های علوم جنایی در رویارویی با آن می‌پردازیم و می‌خواهیم بدانیم که این نوع جرایم به چه لحاظ چالش‌برانگیزند، خطرات ناشی از آن کدام است، اقدامات و سیاست جنایی مطلوب در مواجهه با آن کدام است؛ بنابراین در بند نخست «مفهوم جرایم پیشرفته»، در بند دوم «تحلیل جرایم پیشرفته» و سپس در بند سوم «چالش‌های پیش روی علوم جنایی» و سرانجام در بند چهارم از «پیشگیری و ضرورت برخورد کارشناسانه» با این نوع جرایم سخن رفته است.

۱ـ مفهوم جرایم پیشرفته

در تحلیل حقوقدانان، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان؛ تعابیر متفاوتی از جرایم نوظهور دیده می‌شود، از جمله این تعبیرات «بزهکاری مدرن»، «جرایم نوین»، «دگردیسی مجرمانه» و «جرایم پیشرفته» را می‌توان نام برد. از آنجا که واژگان و الفاظ به مثابه ظروفی هستند که مفاهیم و معانی ذهنی را در خود جای می‌دهند، عقیده بر این است که اگر تعبیر «جرایم پیشرفته» را واکاوی کنیم، خواهیم دید که چتر مفهومی گسترده‌تری نسبت به سایر تعابیر دارد و این قابلیت را دارد که بتوان همه جرایم جدید را در ذیل آن تحلیل کرد. این مفهوم به دلیل نو بودن آن هنوز در ترمینولوژی، فرهنگ‌ها و نوشتگان حقوقی و متون قانونی ورود نیافته است؛ ولی به لحاظ لغوی «پیشرفته» به معنای مترقی، آنکه یا آنچه پیشرفت کرده یا ارتقا یافته است (اسعدی، ۱۳۸۶) و همچنین به معنای به جانب پیش روان شده، گذشته و تجاوز از حد طبیعی در گذشته به کار رفته است. (معین، ۱۳۷۱).

پیشرفته صفت است و معادل انگلیسی آن: progressive، developed، advanced است؛ بنابراین ملاحظه می‌گردد که به لحاظ بار لغوی تعبیر جرایم پیشرفته، مقصود ما را از این گونه جرایم بیشتر تأمین می‌کند؛ چون جرایم بیشتر تأمین می‌کند؛ چون جرایم پیشرفته هم می‌تواند شامل جرایمی گردد که قدیمی‌اند، ولی از لحاظ شیوه و نحوه ارتکاب دچار دگردیسی شده‌اند و هم نسل جدیدی از جرایم را پوشش می‌دهد که کاملاً جدید و نوظهورند و با ظهور ارزش‌ها و منافع جدید در اجتماع نمود پیدا کرده‌اند؛ بنابراین در تحلیل نهایی شاید بتوان گفت: با گذشت زمان در اثر پیشرفت تکنولوژی و فناوری در جوامع بشری تعدادی از جرایم از حد و قالب طبیعی خود در گذشته تجاوز کرده‌اند و بخشی از جرایم نیز در بستر جدید به شکل کاملاً نوین ظهور یافته‌اند که چنین جرایمی را جرایم پیشرفته می‌نامیم.

ذکر جرایم ناشی از فناوری پیشرفته ما را در تبیین مفهوم جرایم پیشرفته یاری می‌نماید.

جرایمی چون جرایم علیه محرمانگی، تمامیت و قابلیت دسترسی داده‌ها (سی.آی.ای) و در نتیجه ظهور مجرمان پیشرفته، محصول فناوری پیشرفته‌ای است که به طور اخص می‌توان جرایم ارتکابی در این حیطه را «جرام فناوری پیشرفته» نامید (زندی، ۱۳۸۸:۲۶).

جرایم ناشی از فناوری پیشرفته خصوصاً جرایم رایانه‌ای، زوایای گوناگونی دارد که در یک نگاه کلی می‌توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد: یکی جرایم رایانه‌ای مجازات شدنی با قوانین مربوط به جرم‌های کلاسیک‌اند. در این جرایم رایانه فقط ابزار ارتکاب جرم است و اصل جرایم اغلب به اندازه خود بشریت قدمت دارند؛ مانند قتل از رهگذر دستیابی به سیستم رایانه‌ای بیمارستان و تغییر دادن علامت‌ها و نسخه‌های یک بیمار که در واقع این جرم همان جرم سنتی قتل نفس است که به سبکی غیرسنتی و به وسیله مجرمی که احتمالاً در زمان وقوع مرگ صدها یا هزاران مایل دورتر از بزه دیده است، ارتکاب می‌یابد. در اینجا رایانه جانشین خنجر و تفنگ و دیگر وسایل شده است و همچنین است زمانی که رایانه را ابزاری صرف برای کلاهبرداری و افترا در مقیاس وسیع و آسان‌تر از گذشته مورد استفاده قرار می‌دهند.

در اینجا تا جایی که قانون‌گذار نسبت به وسیله ارتکاب این جرم‌ها حساسیت ندارند، به قانون‌گذاری جدید نیاز نیست. دسته دیگر، جرایم رایانه‌ای هستند که نیازمند قوانین جدیدند. تعدادی از آنها جرم‌هایی هستند که پیش از فناوری اطلاعات، ارتکاب آنها به هیچ وجه امکان‌پذیر نبوده و جدید بودن آنها لزوم جرم‌انگاریشان را ضروری می‌نماید؛ مانند جرایم علیه محرمانگی و تمامیت و قابل دسترس بودن داده‌ها و سیستم‌های رایانه‌ای؛ این نوع جرایم عنصر مادی کاملاً خاص دارند. دسته‌ای دیگر جرم‌های رایانه‌ای هستند که از لحاظ نام و نتیجه با جرم‌های کلاسیک شباهت دارند؛ ولی فناوری اطلاعات ماهیت آنها را به گونه‌ای تغییر داده که با قوانین مربوط به جرم‌های کلاسیک مجازات شدنی نیستند و به همین دلیل به قانونی خاص نیاز دارند؛ مانند جعل رایانه‌ای و کلاهبرداری رایانه‌ای. این جرایم به دلیل تفاوت در اجزاء عنصر مادی از شمول عناوین جرایم کلاسیک خارج و واجد عناوین ترکیبی می‌باشند.

۲ـ تحلیل جرایم پیشرفته

جرایم پیشرفته واجد وصف فراملی و شبیه سونامی بسیار خطرناک و خزنده‌ای هستند که امنیت جهانی را تهدید می‌کنند. آغاز جرایم پیشرفته در سال ۱۹۵۰ توسط مافیا در آمریکا گزارش شده است و هنوز هم مافیا دغدغه ذهنی بسیاری از مقامات حقوقی و سیاسی در جهان می‌باشد. تغییرات سریع و گسترده ناشی از دنیای جدید و ایجاد کهکشان بی‌انتها، مخفی و آزاد فضای سایبر، نه تنها باعث ظهور نسل جدیدی از جرایم گردیده است؛ بلکه فکر تغییر تاکتیک را در ذهن مجرمان تقویت کرده است؛ به طوری که با گذر از جامعه‌ای که بیشتر ارکان آن را ریشه‌های قدرتمند، مبتنی بر باورهای پیشین تشکیل داده، به سوی جامعه‌ای مدرن، با اصول و شالوده‌ای جدید، تعارضاتی را شاهدیم که ممکن است دشواری‌هایی را برای افراد آن جامعه رقم زند.

از جمله همین تعارضات؛ مهیا شدن بستری است که در آن برخی ناهنجاری‌های اجتماعی مجال می‌یابند تا با دگردیسی در شیوه عمل خویش موجبات رشد نوعی جدید از جرم و بزهکاری را سبب شوند، جرایمی که خواستگاه آن طبقات فرادست است؛ یعنی کسای که امروز به نام مجرمین یقه سفید و از جرمشان به نام «جرم یقه سفید» نام برده می‌شود. جرایم یقه سفیدها، پیش از آنکه توسط افراد عادی صورت پذیرد، توسط اشخاص حقوقی با برنامه‌ریزی پیشرفته مدیران شرکت‌ها رخ می‌دهد.

گستردگی و تنوع جرایم یقه سفیدها، به عنوان بزهکاری نوین، حوزه‌های مختلف زندگی بشری را تحت تأثیر قرار داده است و با پیشرفت تکنولوژی، ابزارهای جدیدی برای ارتکاب جرم در اختیار مجرمان یقه سفید قرار گرفته است. در جنایات سازمان یافته، مجرمین پیشرفته در ابعاد فراملی و به صورت تشکیلاتی، به اقسام بزهکاری (با انگیزه مالی) از جمله: تجارت سیاه (برده‌برداری نوین)، برده‌داری جنسی و اقتصادی که شکل جدید و پیشرفته فحشا و روسپیگری سنتی است، دست یازیده‌اند و در عصر جهانی شدن و فن‌آوری پیشرفته اقدامات تروریستی، دیگر در حوزه‌های ملی یا منطقه‌ای محصور نمی‌گردد.

مجرمان حرفه‌ای در کسوت‌های متنوع مثل شهود و شاکیان حرفه‌ای، نوع و شیوه جرم ارتکابی آنها متفاوت از گذشته است. جرایم باندی سازمان یافته همان شکل نوین ارتکاب جرم در جوامع کنونی هستند که مورد توجه جرم‌شناسان قرار گرفته‌اند. در پی توسعه و پیشرفت جوامع، جرایم نیز توسعه و تنوع پیدا می‌کنند؛ به طوری که مجرمان به ارتکاب جرم به صورت سازمان یافته و حرفه‌ای متمایل می‌شوند؛ بنابراین هر اندازه از جامعه سنتی به سمت مدرنیته پیش می‌رویم، جرایم از حالت سنتی و تک نفره شکلی نو به خود گرفته و به سمت گروهی و حرفه‌ای سوق می‌یابد. یک حالت ارتکابی جرم زمانی است که به جرم به وسیله یک گروه متشکل و یا به عبارتی توسط یک باند صورت می‌گیرد که در نوع خود با توجه به افراد تشکیل‌دهنده آن و وسایل و امکانات و سایر جهات ممکن است به صورت ابتدایی یا کاملاً پیشرفته و سازمان یافته باشد. مجرمان یقه سفید و فریب‌کاران، شیوه‌های پیش یا افتاده مالی را اصلاح کرده‌اند و برخلاف سارقان عادی که به فناوری پیشرفته برای ورود به یک ساختمان محصور متوسل می‌شوند، «سارقان امین» فناوری اجتماعی را مورد استفاده قرار می‌دهند و بدین صورت با تغییر تاکتیک جرایمی را مرتکب می‌شوند که هزینه‌های آن بسیار سنگین‌تر از هزینه‌هایی است که جامعه برای جرایم عادی تصور می‌کند.

پولشویی، امروزه یک جرم سازمان یافته فراملی است. شبکه‌های سازمان یافته ابزارهای سریع، مدرن و تکنیک‌های پیشرفته را جهت پولشویی به خدمت گرفته‌اند؛ به طوری که امروزه شاهد پولشویی الکترونیکی یا «پولشویی مدرن» هستیم (جلالی فراهانی، ۱۳۸۴:۱۲۴). در حال حاضر پولشویی صرف‌نظر از نگاه خرد به آن، از دیدگاه کلان یک جرم و یک عنوان تازه است (اسعدی، ۱۳۸۶:۴۴۲). دستیابی به فضای پیشرفته به طور هندسی افزایش یافته است و مجرمین حرفه‌ای قرن بیست و یکم از راه رسیده‌اند و کاربران حرفه‌ای در اینترنت معروف به «هکرها»، «فریک‌ها»، «کرکرها» ارزش‌های سنتی و نوپدید را هدف قرار داده‌اند و جنگ و ترور سایبری را نمایش می‌دهند و «کمین پیشرفته» یکی از انواع ترسناک جرایم پیشرفته است که در حال شایع شدن می‌باشد (آنجلیز، ترجمه خرم‌آبادی، ش ۳۷۸، ۱۳۸۲:۶). امروزه جرایم پیشرفته را می‌توان محصول تکنولوژی مدرن دانست؛ به طوری که در این جرایم، کامپیوتر گاه ابزار، گاه هدف و گاه موضوع ارتکاب جرم است (باستانی، ۱۳۸۶:۸۴). فراملی یا بدون مرز بودن (borderless)، داشتن رقم سیاه بالا و سازمان یافتگی را می‌توان مخرج مشترک تمام مصادیق جرایم پیشرفته گرفت. گمنامی (anonymity) کاربران، ناملموس بودن و وجود مشکلات نظارتی و عدم اختصاص جرایم سایبری به محیطی معین و محدود و انجام عملیات در پیکوثانیه و از طرفی زبده بودن مرتکبین و عدم اعلام بزه‌دیدگان و عدم تخصص کافی مأموران اجرای قوانین، عواملی هستند که در بالا بودن رقم سیاه در این حیطه می‌افزاید.

ادامه دارد

مقابله با رشاء و ارتشاء گامی در جهت تأمین سلامت اداری

در فرهنگ عمومی رشوه عبارت است از دریافت وجه یا مال یا هر چیزی که برای از بین بردن حق یا انجام کاری برخلاف مقررات به کسی داده می‌شود. رشوه دادن و رشوه گرفتن هر دو عملی غیراخلاقی و مذموم هستند که انجام آنها تحت شرایطی که بررسی خواهیم کرد، قابل مجازات است. رشاء (رشوه دادن) و ارتشاء (رشوه گرفتن) از جمله جرایم علیه آسایش عمومی‌اند که موجب سلب اعتماد مردم نسبت به هیئت حاکمه و نظام اجرایی و اداری و از بین رفتن اعتماد عمومی نسبت به کارکنان اداری و مأموران می‌شوند و زمینه ترویج فساد مالی را برای سایرین فراهم می‌کنند. رشاء و ارتشاء تقریباً با روی کار آمدن نهادهای عمومی در جوامع بشری ظهور پیدا کردند، به طوری که در طول تاریخ داستان‌های زیادی در این خصوص به چشم می‌خورد. در اسلام عمل رشوه دادن و رشوه گرفتن گناه و مستوجب مجازات است. قرآن کریم از آن به «اکل مال به باطل» یاد کرده است. در روایات نیز این کار هم پایه کفر به خدا دانسته شده و به راشی و مرتشی وعده آتش داده شده است. امروزه رشوه‌خواری به اشکال و روش‌های گوناگونی بروز پیدا کرده و دامنه آن حتی در قالب قراردادهای بین‌المللی نیز گسترش یافته و به نحوی عمل می‌شود که کاملاً موجه و قانونی جلوه کند. متأسفانه در کشور مابعد از پایان جنگ این عمل مذموم رشد بی‌سابقه‌ای پیدا کرد و مقنن بر آن شد تا با تشدید مجازات، درصدد مقابله با آن برآید. از این رو در سال ۱۳۶۷، مجمع تشخیص مصلحت نظام «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء» را تصویب کرد.

برابر مقررات فعلی هرگاه مستخدمین و مأموران دولتی اعم از کادر قضایی و اداری، شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه‌گانه نیروهای مسلح، شرکت‌های دولتی یا سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت یا مأمورین به خدمات عمومی (خواه رسمی یا غیر رسمی) برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمان‌های مزبور می‌باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نمایند، در حکم مرتشی هستند و فرق نمی‌کند که امر مربوط به وظایف آنها باشد یا آنکه مربوط به مأمور دیگری در آن سازمان باشد. در این صورت خواه آن کار را انجام داده یا نداده باشند و انجام آن بر طبق وظیفه یا بر حق بوده یا نبوده باشد یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن مؤثر بوده یا نبوده، به ترتیب زیر مجازات خواهند شد:

ـ اگر قیمت مال یا وجه گرفته شده بیش از ۲۰ هزار ریال نباشد، رشوه گیرنده به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و اگر در مرتبه مدیر کل یا هم طراز مدیر کل یا بالاتر باشد، به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

ـ اگر قیمت مال یا وجه گرفته شده بیشتر از ۲۰ هزار ریال و تا مبلغ ۲۰۰ هزار ریال باشد، رشوه گیرنده به یک تا سه سال حبس، جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذه و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. در این حالت اگر مرتکب در مرتبه مدیر کل یا هم طراز مدیر کل یا بالاتر باشد، به جای انفصال موقت، به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

ـ اگر قیمت مال یا وجه گرفته شده بیش از ۲۰۰ هزار ریال و تا میزان یک میلیون ریال باشد، مجازات رشوه‌گیرنده دو تا پنج سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه گرفته شده، انفصال دائم از خدمات دولتی و ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود. اگر مرتکب در مرتبه پایین‌تر از مدیر کل یا هم طراز آن باشد، به جای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ـ اگر قیمت مال یا وجه گرفته شده بیش از یک میلیون ریال باشد، مجازات رشوه گیرنده پنج تا ده سال حبس، جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه گرفته شده، انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود. در این حالت اگر رشوه گیرنده در مرتبه پایین‌تر از مدیر کل یا هم‌طراز آن باشد، به جای انفصال دائم، به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ـ هنگامی که میزان رشوه بیش از مبلغ ۲۰۰ هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی قاضی رسیدگی کننده باید قرار بازداشت متهم را صادر کند و وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت بازداشت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی از خدمت تعلیق نماید و به این ایام در هیچ حالت حقوق و مزایای تعلق نخواهد گرفت.[1]

ـ چنانچه ارتشاء با تشکیل باند یا شبکه با رهبری چند نفر تحقق یابد، مرتکبین علاوه بر ضبط همه اموال منقول و غیرمنقولی که از طریق رشوه کسب کرده‌اند، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال، انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا ابد محکوم می‌شوند و هرگاه به تشخیص دادگاه مفسد فی‌الارض شناخته شوند به اعدام یا قطع دست راست یا پای چپ یا تبعید خواهند شد.[2] اما رشوه دهنده (راشی) نیز با دادن رشوه مرتکب جرم شده و از حیث قانون قابل تعقیب و مجازات است. از این رو قانون مقرر داشته: «هرکس عالماً و از روی عمد برای اقدام به امری یا امتناع از انجام کاری که از وظایف مأمورین می‌باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه (مثل چک، سفته و ...) یا سند تسلیم مالی (مانند حواله و واگذاری خودرو یا موافقت اصولی و ...) را مستقیم یا غیرمستقیم بدهد، علاوه بر ضبط مالی ناشی از ارتشاء به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» با این همه به لحاظ خطرات ناشی از جرم ارتشاء در نظام اداری کشور، فسادهای پنهان ناشی از آن و اهمیت نقش و همکاری رشوه‌دهندگان در کشف فساد و رشوه‌خواری کارکنان دولت، چنانچه رشوه دهنده قبل از کشف جرم مأمورین و ضابطین دادگستری را از وقوع جرم مطلع کند، از ضبط مالی معاف می‌شود و اگر امتیازی به او تعلق گرفته باشد، لغو نخواهد شد.[3] شایان ذکر است که چنانچه رشوه دهنده با اقرار خود پس از کشف جرم توسط مأمورین و در ضمن تعقیب موجب شود که رشوه گیرندگان شناسایی و تعقیب شوند تا نصف مالی که به عنوان رشوه پرداخته است به او بازگردانده می‌شود ولی امتیازی که به وی تعلق گرفته لغو می‌گردد.[4] به علاوه اگر ثابت شود رشوه دهنده مضطر بوده و برای حفظ حقوق حقه‌اش ناچار به پرداخت رشوه شده، تعقیب و مجازات نخواهد شد و وجه یا مالی که پرداخته به او بازگردانده خواهد شد.[5]

در همین جا لازم است تا در مورد اضطرار و «شخص مضطر» توضیح دهیم. برابر قانون هرکس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش‌سوزی سیل و طوفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرم شود، مجازات نخواهد شد به شرط آنکه خطر را خودش به وجود نیاورده باشد، عکس‌العمل او در مقابله با خطر تناسب داشته باشد و این عکس‌العمل برای رفع آن خطر ضرورت داشته باشد. مثل شخصی که برای پذیرش فرزند رو به مرگش ناگزیر به پرداخت رشوه به مدیر بیمارستان شود؛ اما اگر فردی برای دریافت پروانه کار ساختمان و به منظور اخذ وام بانکی مبلغی به عنوان رشوه به کارمند شهرداری پرداخت کند تا کارمند مزبور مانع تراشی نکند، نمی‌توان رشوه‌دهنده را مضطر دانست چرا که با خطر شدیدی روبرو نبوده است. در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین پراکنده، به اشکال مختلفی از رشوه برمی‌خوریم که به اختصار به آنها می‌پردازیم.

۱ـ۷ـ ارتشاء توسط کارشناسان

کارشناسان دادگستری چه از سوی دادگاه انتخاب شوند و چه از سوی طرفین اختلاف، چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر کنند، به حبس از شش ماه تا دو سال یا جزای نقدی از سه تا ۱۲ میلیون ریال محکوم می‌شوند.[6]

۲ـ۷ـ ارتشاء توسط کارکنان قضایی

اگر قضات دادگاه به واسطه ارتشاء حکم به مجازاتی شدیدتر از آنچه در قانون مقرر شده صادر کنند، علاوه بر مجازات ارتشاء به مجازات مقدار زیادی که مورد حکم واقع شده محکوم می‌شوند.[7]

۳ـ۷ـ ارتشاء هنگامی که رشوه وجه نقد نباشد

اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد، بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار بسیار ارزان‌تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی ولی در واقع به مقدار کمتر از قیمت واقعی به مأمورین دولتی به طور مستقیم، به خودشان یا به شخص مورد نظر آنان منتقل شود یا به قصد رشوه مالی از آنها به مقدار گران‌تر از مقدار حقیقی‌اش خریداری گردد، رشوه تلقی و مجازات ارتشاء در خصوص آنها اعمال خواهد شد.[8]

۴ـ۷ـ واسطه‌گری برای رشوه دادن و رشوه گرفتن

هرکس عالماً و از روی عمد سبب شود تا جرم ارتشاء محقق شود، برای مثال با طرفین رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده مذاکره کند یا در پرداخت و گرفتن وجه کمک کند، به مجازات رشوه‌دهنده محکوم می‌شود.[9]

۵ـ۷ـ گرفتن کمیسیون و پورسانت

یکی از جرایم شایع در معاملات بین‌المللی یا داخلی، اخذ کمیسیون یا پورسانت در معاملات دولتی است که ارقام آن بسیار زیاد می‌باشد. کشف این جرایم متأسفانه به واسطه قدرتی که حاکمان دولتی دارند بسیار سخت بوده و معمولاً به صورت شبکه‌هایی در قالب جرایم سازمان یافته تحقق می‌یابند. از این رو قانونگذار به صورت خاص این عمل را مورد توجه قرار داده و با تصویب ماده واحده‌ای، مجازات حبس و جزای نقدی برای آن مقرر کرده است.[10] بر این اساس قبول هرگونه پورسانت اعم از وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیرمستقیم (برای مثال منظور کردن پورسانت به حساب فرزندان یا اقوام دیگر) در رابطه با معاملات خارجی، قوای سه‌گانه سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداری‌ها و کلیه تشکیلات وابسته به آنها ممنوع است و مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت، به دو تا پنج سال حبس و جزای نقدی معادل مبلغ پورسانت محکوم می‌شود.

۶ـ۷ـ اخذ رشوه توسط پزشک برای صدور گواهی خلاف واقع

اگر پزشک تصدیق خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام‌وظیفه یا برای ارائه به مراجع قضایی بدهد، برای مثال متهم برای رهایی از مجازات شلاق از پزشک گواهی بگیرد که اجرای آن مجازات موجب تشدید بیماری‌اش می‌شود یا برای عدم حضور در شعبه بازپرسی گواهی صادر کند که متهم دارای بیماری است که باید یک هفته بستری باشد و ...، به شش ماه تا دو سال حبس یا به سه تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. اگر پزشک مزبور برای صدور گواهی خلاف واقع رشوه دریافت کند، علاوه بر بازگرداندن و ضبط آن به عنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم خواهد شد.[11]

*برگرفته از کتاب «حقوق جامع شهروندی»
تألیف دکتر محمود براتی نیا

پی‌نوشت‌ها:

۱. تبصره ۴ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲. ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۳. تبصره ۵ ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۴. همان.
۵. تبصره ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.
۶. ماده ۵۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.
۷. ماده ۵۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.
۸. ماده ۵۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.
۹. ماده ۵۹۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.
۱۰. قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب ۱۳۷۲/۵/۳ مجلس شورای اسلامی.
۱۱. ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.

پزشک در ردای نخست وزیر

یادداشت‌های دکتر «ماهاتیر محمد»
نخست وزیر مالزی طی ۲۲ سال (۲۰۰۳ـ۱۹۸۱م.)
ترجمه: محمّد مقدّس
۵۶۰

ایـــن دیدگاه در پی اعلام حکم دادگاه، این روزها رواج زیادی پیدا کرده و فحوای آن از این قرار است که "مالزی" و "سنگاپور" به زودی در این مورد که کارشناسان فنی آنها برای حل تمامی مسائل پیچیده متعلق به تعیین مرزها و جزئیات مربوط به اداره فعالیت‌های منطقه متعلق به حکم دادگاه بین المللی، گرد هم خواهند آمد، به توافق خواهند رسید. همچنین گمان وزیر خارجه "مالزی" یعنی "داتوک سیری دکتر رئیس یتیم" و سخن او نیز همین بود زیرا خاطرنشان ساخت که به موجب حکم دادگاه، اکنون بخواهیم یا نخواهیم باید تمامی مسائل عملی را دوستانه و با همکاری یکدیگر حل و فصل کنیم.بسیاری از افراد درپی این ادعای یکجانبه "ســنگاپور" مبنی بر حاکمیت بر همهٔ آبهای منطقه‌ای و منابع موجود در کف دریا در تمامی منطقه پیرامونی، یکّه خوردند. این اقدام "ســنگاپور" تمامی فعالیت‌های کارشناسان را ـ که وزیر خارجه "مالزی" انتظار داشت به زودی کار خود را شروع کنند ـ با شکست روبرو کرد. سخت است که تو، همسایه خوب و مهربان و وفاداری باشی ولی همسایه ات هرگز تن به آنچه حق است، ندهد. از دست دادن آن جزیره کوچک، نتیجه بسیار شومی بود و تصمیم برای رفتن به "دادگاه بین‌المللی لاهه" در زمانی اتخاذ شد که من نخست وزیر بودم و این مسیر را به این دلیل ترجیح دادیم که مطمئن بودیم استدلال ما از استدلال "سنگاپور" قوی‌تر است.

در عرصه استفاده "سنگاپور" از حریم هوایی "مالزی" نیز مشکلی وجود داشـــت. ما پیش از این به هواپیماهای متعلق به نیروی هوایی "ســـنگاپور" اجازه داده بودیم از حریـــم هوایی ما بر فراز مناطق جنوبی ایالت "جوهور" برای اهداف آموزشی، استفاده کند ولی هنگامی که این کشور بی خبر از ما، هلیکوپتری به شمال منطقه مورد نظر به منظور نجات خلبانی که هواپیمایش در آنجا سقوط کرده بود، اعزام داشت، از این تصمیم عدول کردیم [دیگر اجازه استفاده از حریم هوایی را ندادیم]. پس از آن بارها کوشیدیم مشکلات خود را با "سنگاپور" حل کنیم ولی این کشور از ما می خواست پیش از هر توافقی، از حاکمیّت ملی خود بـــر حریـــم هوایی خودمان، صرف نظر کنیم. از آن پس "مالزی" هیچ تلاشی برای آموزش خلبانان خود در حریم هوایی "سنگاپور" به عمل نیاورد زیرا چنین عملی، مطمئناً جنبه دوجانبه به خود می‌گرفت. من در دوره نخست وزیری‌ام چنین درخواستی نداشتم زیرا ترجیح می‌دادم خلبان های ما در حریم هوایی خودمان آموزش ببینند.

در مرحله معینی، به توافق رسیدیم که تمامی مسائل مورد بحث و جدال خود را یکجا حل و فصل کنیم ولی با توجه به اینکه "سنگاپور" تن به تجدیدنظر در بهای آب نمی‌داد دیگر مسائل نیز حل شدنی نبودند و بدین ترتیب حل و فصل همه مشکلات ناممکن شد. من به "گو چوک تونگ" نخســـت وزیر وقت "سنگاپور" نامه‌ای نوشتم و در آن یادآور شدم که با توجه به اینکه آن دیدگاه [حل و فصل یکباره همه مسائل] منجر به تســـویه نشده است باید درباره هر موضوع به طور جداگانه به بحث و مذاکره بپردازیم. او موافقت کرد و گفت که به کارمندانش دستور خواهد داد در وهله نخست به مشکل آب بپردازند.

چهارمین موضوع، مربوط به مالزیایی‌های شـــاغل در "سنگاپور" است که مجبورند در "صندوق پس انداز مرکزی" آنجا شرکت داشته باشـــند. سنگاپور اجازه نمی دهد مالزیایی‌های مقیم، هنگام ترک این کشور پول‌هایی را که در این صندوق پس انداز کرده‌اند، برداشت کنند. شگفت آنکه "سنگاپور" چنین قید و شرط‌هایی را در مورد مالزیایی‌های دو ایالت "صباح" و "ســراواک" در نظر نگرفته اســـت که به نظر من تبعیض ابلهانه‌ای است زیرا این دو ایالت نیز بخشی از "مالزی" به شمار می‌روند ولی به نظر می‌رســـد "ســـنگاپور" آنها را دو ایالت جدا تلقی می‌کند. پیش از این در جای دیگری در مورد تأسیس بازار فعال اوراق مالی برای خرید و فروش سهام مالزیایی ـ در پی جدا شدن بازار اوراق مالی "سنگاپور" از بازار "مالزی" ـ صحبت کرده بودم.

ادامه دارد

افول قدرت نرم آمریکا

بخش اول

*** علـی رغـم محبوبیـت رویـای آمریکایی و دوام پذیـری آن تا اوایل قرن بیستم بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها بوده‌اند که به ماهیت دولت آمریکا پی برده‌اند**

*** حتی در اروپا نیز قدرت نرم آمریکا به شدت کاهش یافته است که تحریم کالاهای آمریکایی و حتی تظاهرات ضد ترامپ نمونه‌هایی از آن است**

بـــه تدریج و با گذشـــت زمان و با کودتاها و دخالت‌های گوناگون آمریکایی‌ها روشـــن شـــد آنچه که به عنوان رویایی آمریکایی شناخته می‌شد، چیزی جز مصیبت و وحشی‌گری برای سایر ملت‌ها به ارمغان نخواهد آورد.

مهدی پورصفا در خبرگزاری فارس نوشت: سخن گفتن از افول قدرت آمریکا شاید تا همین ده سال سخت بود اما امروز افول آمریکا در ســـطح دنیا به عنوان یک واقعیت در حال اتفاق به رسمیت شناخته می‌شـــود. هیچ کس نمی‌تواند این نکته را فراموش کند که پس از بحران مالی ســـال ۲۰۰۸ و فروپاشی گسترده مالی در غرب تمام آنچه که به عنوان یک رویای آمریکایی نشان داده شده بود، عملا فروپاشید. رویای آمریکایی دیگر وجود خارجی نداشـــت و اعتراضـــات ۹۹ درصدی‌ها در آمریکا نشـــان‌دهنده بخشی از بحران بزرگی بود که در آمریکا و در نتیجه افول قدرت این کشـــور به وجود آمده بود. روی کار آمدن دونالد ترامپ رییس‌جمهوری فعلی ایالات متحده ناشی از رنگ باختن همین رویا در بین آمریکایی‌ها بود. حالا و در شرایطی که دونالد ترامپ قصد دارد مصرانه آمریکا را به مرزهای آمریکا برگرداند، سئوال اینجاست که چه چیز سبب شده تا قدرت آمریکا به سمت زوال حرکت کند و این تغییرات تا چه اندازه می‌توانند از آن چه امروز هژمونی آمریکا نامیده می‌شود، بکاهند؟

جذابیت ایده آلیسم و ماتریالیسم

آمریکا به هر روی با توجه به تاریخش و رفتارش در سطح بین‌المللی کانون توجه جهانی اســـت. در حقیقت بخش مهمی از آنچـــه که هژمونی آمریکا در دنیا خوانده می‌شـــود، همان چیزی است که رویای آمریکایی خوانده می‌شود. رویای آمریکایی تمام آن چیزی که ایالات متحده آمریکا روی آن بنا شده و تا امروز ادامه یافته است. شاید اگر آنچه که امروز رویای آمریکایی نامیده می‌شود، وجود نداشت چیزی به نام قدرت آمریکا نیز به رسمیت شناخته نمی‌شد. حالا با این فرض که ظرفیت آمریکا برای نفوذ ســـازنده روی وقایع بین المللی، بسته به این است که دنیا چگونه سیستم اجتماعی و نقـــش جهانی آمریکا را می بیند؛ نتیجه مـــی گیریم که اگر حقایق منفی داخلی و ابتکارات سیاسی خارجی که مورد انزجار بین المللی است، نقش تاریخی آمریکا را غیرمعقول و ناپسند کند، موقعیت جهانی آمریکا به اجبار افول خواهد کرد، بنابراین ایـــالات متحده آمریکا با تمام قدرت‌های منحصـــر به فرد تاریخی و موروثی خود، باید بر مشـــکلات داخلی حیرت‌آور خود غالب شود و سیاست خارجی مهارگسیخته خود را عوض کند تا بتواند دوباره برتری سیستماتیک خود را بهبود بخشد. در طول چند دهه «رؤیای آمریکا» میلیون‌ها نفر را در سراسر دنیا مفتون خود ساخته و آنها را به ساحل‌های خود کشانده است.

رویای آمریکایی و جذابیت

بســـیاری از دانشمندان، پزشکان و سرمایه گذاران خارجی هنوز هم باور دارند کـــه در آمریکا موقعیت کاری و اجتماعی راضی‌کننده‌تر و مقرون به‌صرفه‌تری برای آنها وجود دارد، تا در کشـــور خودشان. جوان ترها به دنبال این هســـتند که راهی به تحصیلات عالی دانشگاهی آمریکا پیدا کنند، زیرا یک مدرک عالی دانشـــگاهی از آمریکا، موقعیت کاری بهتر و بیشتری برای آنها ایجاد می‌کند، چه در مملکت خودشان و چه در خـــارج. تعداد زیادی از حدود یک میلیون دانشجوی خارجی که هر ساله بـــرای تحصیلات عالی به آمریکا می‌آیند، فریفته موقعیت‌های آمریکا می‌شوند و در آمریکا می مانند. به همین شکل، مردم فقیر آمریکای مرکزی که در بعضی موارد جان خود را به خطر می‌اندازند تا شاید دستیابی بـــه بازار کارهای غیرفنی و غیر تخصصی آمریکا پیدا کنند، انتخاب شخصی ای نموده اند که آنها را از کسانی که جرأت پذیرش چنین ســـفر مخاطره آمیز را نداشته اند، جدا می‌ســـازد. برای چنین افرادی، هنوز هـــم آمریکا جذاب‌ترین و کوتاه ترین راه برای رسیدن به یک زندگی که به مراتب بهتر از زندگی قبلی آنهاســـت، می باشد. بهره اصلی رؤیای شـــخصی این افراد در نهایت نصیب آمریکا می‌شود. کلید کشش و جاذبه آمریکا ترکیبی از ایده آلیســـم و ماتریالیسم آن بوده که هر دو منبعی برای برانگیختن روح وروان انسان‌هاست.جذابیت دوگانه ایده آلیســـم و ماتریالیسم از همان ابتدا وجهه آمریکا را تعریف کرده بود، از ایـــن رو از اطراف اقیانوس اطلس، مردمی که برای مملکت خودشان همان چیزهایی را که انقلاب آمریکا ظاهرا برای مردمش به جا گذاشـــته بود آرزو می‌کردند، به آمریکا جذب شدند. در نامه‌هایی که مهاجران به اقوام خود می‌نوشتند، تصویری اغواکننده – که اغلب بســـیار مبالغه آمیز بود – از موقعیت‌های مالی و شخصی خودشان در دنبال کردن و رسیدن به رؤیاهای آمریکایی ارائـــه می‌دادند. با این حال برخی مجبور شدند این حقیقت دردناک را که خیابان‌های آمریکا از طلا فرش نشده‌اند، خود شخصا کشف و تحمل کنند.

آمریکا و اولین قدم برای فتح دنیا

علی رغم محبوبیت رویای آمریکایی و دوام پذیری آن تا اوایل قرن بیستم بسیاری از دولت‌ها و ملت‌ها بوده‌اند که به ماهیت دولـــت آمریکا پی برده‌اند. در حقیقت اگر بخواهیم به مخدوش شدن رویای آمریکایی در دنیا بپردازیم، باید به سال‌ها قبل برگردیم زمانی که ایالات متحده اولین همسایه خود یعنی مکزیک را تحت سنگین ترین فشار نظامی قرار داد و بخش مهمی از این کشور را که امروز کالیفرنیا نامیده می‌شود، تصرف کرد. برای دولت و مردم مکزیک، آمریکای نوبنیاد چیزی بســـیار متفاوت با آمریکایی بود که در آن سوی اقیانوس تصویر شده بود. در نظر مکزیکی‌ها، آمریکا کشوری بود توسعه طلب، قدرتی بود طماع در اشغال سرزمین‌های دیگران، بی ریشه و بی رحم در دنبال کردن منافع خود، امپریالیست در جاه طلبیهای بین المللی خود و بسیار مزور و ریاکار در تظاهرات و دورویی‌های ظاهرا دموکراتیک خود. در حالی که تاریخ مکزیک به خودی خود مبرا از خطا و اشتباه نیست، ولی بسیاری از شکایتها و اعتراض‌های آنها علیه آمریکا ریشه در واقعیات تاریخی دارد. آمریکا به زیان ارضی مکزیک و با حرکتی امپریالیســـتی و حرص سیرناشدنی که هم طراز با وجهه بین المللی جمهوری جوان آن نبود، سرزمین خود را گسترش داد. به زودی پس از اشغال سرزمین‌های مکزیک نوبت به کاشتن پرچم آمریکا در شاهنشاهی هاوایی و چند دهه بعد حتی در آن سوی اقیانـــوس به فیلیپین (ایالات متحده بعد از ختم جنگ جهانی دوم از فیلیپین خارج شد) رسید. کوبا و قسمتی از آمریکای مرکزی نیز برخوردی با ایالات متحده داشـــتند که باقیمانـــده تجربه مکزیک بود. در حقیقت این اقدام آمریکایی‌ها چیزی جز تلاش برای برقراری ارتباط نزدیک‌تر با دنیا برای تجارت نبـــود. دریای کارائیب باید به یک دریاچه آمریکایی تبدیل می‌شد و آمریکایی‌ها در این مسیر عملا هر جنایتی را مرتکب شدند. ماحصل این اقدامات برای مردم آمریکای لاتیـــن هنوز فقر بیش از اندازه و قحطی است. به عنوان مثال کشوری همانند هاییتی که زمانی بســـیار حاصلخیز بود، زمانی در اثر حملات مداوم آمریکایی عملا به طور کامل نابود شد و در تمام طول قرن بیستم به عنوان کشـــوری فلک زده شناخته شد. کشور پاناما که میزبان کانال راهبردی پاناما برای نقل و انتقال کشتی‌ها بود، تنها برای حفظ منافع اقتصادی آمریکا تا سال‌ها زیر یوغ آمریکایی‌ها قرار داشت.

اولین قربانیان رویای آمریکایی

در طـــول قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، نگرش مردم آمریکای جنوبی نسبت به آمریکا بیشتر منفی بود. بخشی از آمریکای جنوبی در ابتدا جذب این مسئله که آمریکا کنترل اروپا را قبول نکرده، شـــده بودند و بعضی از آنها حتـــی نوآوری‌های قانون اساســـی آمریکا را هـــم تقلید کردند. اما دکترین مونرو کـــه دخالت اروپایی‌ها را در نیمکـــره غربی ممنـــوع کرده بود، در نظر بعضی از آمریکای جنوبی‌ها مشکوک به نظر می‌رســـید و به آن به دیده تردید می‌نگریســـتند. اینها باور داشتند که هدف اصلی دکترین مونرو منافع ایالات متحده آمریکا بوده است. دشمنی‌های فرهنگی و سیاسی به تدریج ظاهر گشت، بخصوص در میان افراد روشنفکر طبقه متوسط که از نظر سیاسی فعال بودند. دو کشور آمریکای جنوبـــی که دارای تمایلهای محلی بودند، آرژانتیـــن پرون و برزیل وارگاس در طول قرن بیســـتم برتری و کنترل آمریکا را در منطقه به چالش کشـــیدند. به تدریج و با گذشـــت زمان و با کودتاها و دخالت‌های گوناگون آمریکایی‌ها روشن شد آنچه که به عنوان رویایی آمریکایی شناخته می‌شد، چیزی جز مصیبت و وحشـــی‌گری برای سایر ملت‌ها به ارمغان نخواهد آورد. وقایعی همچون کودتاها و تجاوزهایی که هر کدام داســـتانی در خور توجه خود دارند. با این حال سال‌ها وقت لازم بود تا این رویا برای مردم آمریکا نیز از درون منهدم شـــود و شاید قرن بیست و یکم سرآغاز آن چیزی بود کـــه رویای آمریکا را به طور کامل تخریب کرد .

افول قدرت نرم آمریکا

قدرت نرم آمریکا به باور بســـیاری از تحلیلگـــران و ناظـــران غربی و حتی آمریکایی به شـــدت کاهش یافته است. به گزارش پژوهش خبری صدا وسیما، رهبر معظم انقلاب در سخنرانی خود به مناسبت روز دانش آموز و تســـخیر لانه جاسوسی درباره فرســـوده شدن قدرت نرم آمریکا فرمودند: بســـیاری از سیاسیّون معتبر دنیا و جامعه‌شناس‌های معتبر دنیا معتقدند که «قدرت نرم» آمریکا فرسوده شده است، در حال از بین رفتن است. قدرت نرم چیست؟ قدرت نرم این است که یک دولتی بتواند خواسته‌ی خود و نظر خود و عقیده‌ی خود را به اطراف بقبولاند و آنها را اقناع کند به نظر خود؛ این قدرت در آمریکا امروز رو به ضعف کامل و رو به فرســـودگی کامل اســـت؛ در زمینه‌های مختلف. حالا زمان دولت اوباما هم همین‌جور بود امّا زمان این آقـــا که دیگر به طور واضح با او مخالفت می شود؛»

فرســـوده شـــدن قدرت نرم ایالات متحده

جوزف نای، یکی از اندیشـــمندان لیبـــرال آمریکایی در مقاله ای برمبنای این نظرســـنجی، قدرت نرم آمریکا در عرصه جهانی را رو به افول توصیف کرده است. نای می نویسد، مدافعان ترامپ می گویند، قدرت نرم اهمیت چندانی ندارد و بودجه قدرت سخت را افزایش می دهند. روزنامه هافینگتون پست در مقاله ای نوشت، افول رهبری جهانی آمریکا تنها چیزی است که آمریکایی‌ها نمی خواهند.

با فروپاشی، اتحاد جماهیر شوروی با وجود دارا بودن قدرت ســـخت نظامی متناســـب با قدرت آمریکا و اعلام پایان تاریخ توسط فرانسیس فوکویاما، برخی از اندیشمندان لیبرال آمریکا نظیر جوزف نای که در دولت کلینتون نیز به عنوان مشاور فعالیت می کرد، برای اولین بار در مقاله‌ای در مجلـــه فارین پالیســـی بر لزوم توجه بـــه قدرت نرم به جـــای اتکای کامل بر قدرت سخت، تاکید کردند. قدرت سخت، درباره توانایی‌های اقتصادی و نظامی به کار می‌رود و قدرت نرم، توانایی یک کشـــور در وادار کردن کشـــورهای دیگر به انجام و یا باور داشتن همان چیزی است که او می‌خواهد، آن هم از راه جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیـــک که در اختیار دارد. جنس قدرت نرم از اقناع و قدرت سخت از مقوله اجبار است. ایدئولوژی، مذهب، ارزش‌های موجود در فرهنگ، کارکرد و سیاست‌های داخلی کشورها، افکار عمومی و سازمان ملل از ابزارهای قدرت نرم در سطح بین المللی اســـت. در آن زمان، جوزف نای، آمریکا را تنها منبع قدرت نرم در جهان توصیف کرد. پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا در هر دو عرصه قدرت نرم و قدرت سخت پیشرفت قابل ملاحظه ای داشت. اما از دو دهه پیش قدرت نرم آمریکا به باور بسیاری از تحلیلگران روابط بین‌الملل روندی نزولی در پیش گرفته است.

دانشـــگاه‌ها و به طور کلی آموزش عالی، تعامل با کشورهای دیگر و دیپلماسی یا همان سیاست خارجی، رفتار حکومت، دیجیتال و فناوری، فرهنگ شامل ارزش‌ها و هنجارها و رســـانه‌ها شامل تلویزیون، شبکه‌های خبری، خبرگزاری‌ها و هالیوود، منابع قدرت نرم آمریکا اســـت. آموزش عالی و تلاش جوانان از سراسر جهان برای تحصیل در دانشگاه‌های آمریکا یکی از منابع قدرت نرم این کشور بوده است. دانشجویان خارجـــی که در آمریکا تحصیل می کنند، می توانند مروج ارزش‌های آمریکایی باشند و به عنوان منبعی برای قدرت نرم آمریکا تبدیل شوند. رسانه‌های خبری آمریکایی، نفوذ قابل توجهی در اکثر نقاط جهان دارند و در واقـــع منبع اشـــاعه قدرت نرم این کشور هستند.

برنامه‌های رادیو و تلویزیون و هالیوود بخشـــی از امپراتوری رسانه‌ای آمریکا را تشکیل می دهند. بسیاری از شاخص‌ها در حال حاضر حاکی از کاهش و افول قدرت نرم آمریکا در سراسر جهان است. حتی در اروپا نیز قدرت نرم آمریکا به شدت کاهش یافته است که تحریم کالاهای آمریکایی و حتی تظاهرات ضد ترامپ نمونه‌هایی از آن اســـت. وقوع بیداری اسلامی در شمال آفریقا و بخش‌هایی از غرب آسیا که منجر به سرنگونی حکومت‌های مورد حمایت آمریکا بود، یکی دیگر از نشانه‌های کاهش قدرت نرم آمریکا است. حمله به سفارت‌خانه‌های آمریکایی پس از انتشار فیلم موهن به پیامبر اسلام در لیبی، مصر و کشورهای دیگر نشان دهنده مقابله با ابزارهای قدرت نرم آمریکا اســـت. سبک زندگی آمریکایی که توسط رسانه‌های غربی تبلیغ می شد به دلیل ظهور رســـانه‌های مستقل و نمایش واقعیت‌های تلخ از وضعیت موجود در آمریکا و خارج شدن تصویر آمریکا از زیر نقاب هالیوود نیز رنگ باخته اســـت. قدرت نرم آمریکا با روی کارآمدن ترامپ به شـــدت کاهش یافته است. مهمترین دلایل افول قدرت نرم آمریکا، شعار اول آمریکا است که به باور جوزف نای، می تواند حتی متحدان آمریکا را از این کشور دور کند. راه‌اندازی جنگ تجاری با چیـــن و حتی اتحادیه اروپا و کانادا، خروج از توافقنامه‌ها و معاهده‌های بین‌المللی نظیر شورای حقوق بشر سازمان ملـــل، توافقنامه پاریس و حتی خروج از نهاد فرهنگی یونســـکو از مهم‌ترین دلایل کاهش نفوذ و فرســـوده شدن قدرت نرم آمریکا است.

ادامه دارد

ساخت بزرگترین بیمارستان جنوب شرق کشور در چابهار

زاهدان- خبرنگار اطلاعات: کلنگ ساخت بیمارستان ۵۴۰تختخوابی چابهار به عنوان بزرگترین بیمارستان جنوب شرق کشور در مراسمی با حضور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به زمین زده شد.

این بیمارستان قرار است در زمینی به مساحت ۲۵ هکتار با اعتبار ۱۰۰۰میلیارد تومان توسط قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) در منطقه آزاد چابهار ساخته شود.

در آیین کلنگ‌زنی بیمارستان ۵۴۰تختخوابی چابهار علاوه بر دکتر سید حسن هاشمی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، چند نفر از معاونان این وزارتخانه، سردار سعید محمد فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص)، احمد علی موهبتی استاندار سیستان و بلوچستان، مدیرعامل منطقه آزاد چابهار، نمایندگان مردم چابهار و ایرانشهر در مجلس شورای اسلامی، سرپرست فرمانداری، علمای شیعه و سنی و مدیران و مسئولان محلی چابهار حضور داشتند.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این مراسم گفت: دانشگاه مستقل علوم پزشکی چابهار با توجه به جایگاه توسعه‌ای این شهرستان راهبردی به‌زودی با همکاری و مشارکت جوامع محلی و منطقه آزاد راه اندازی می‌شود.

دکتر هاشمی اظهار داشت: راه اندازی دانشگاه علوم پزشکی در سواحل مکران نیازمند مساعدت همه قشرهای مختلف مردم، مسئولان و منطقه آزاد است.وی با بیان این که چابهار متصل به آب‌های اقیانوس هند و یکی از بهترین بنادر دنیا و از این طریق متصل به کشورهای مختلف دنیا است، تاکید کرد: چابهار را باید متناسب با موقعیت و جایگاه این منطقه مورد توجه قرار داد و حوزه بهداشت و درمان آن را به شاخص‌های کشوری نزدیک کرد.

وزیر بهداشت بر تکمیل طرح‌های بهداشت و درمان چابهار تاکید کرد و افزود: برای ارتقای شاخص‌های بهداشتی و درمانی سیستان و بلوچستان به‌ویژه شهرستان چابهار و کنارک عزم جدی وجود دارد. پروژه‌های بهداشتی و درمانی چابهار باید به موقع تکمیل و بهره برداری شوند تا مردم از نعمت آن بهره مند شوند.

وی از مساعدت‌های منطقه آزاد برای واگذاری رایگان زمین بیمارستان و تلاش‌های اعضای شورای اداری و مردم این شهرستان قدردانی کرد.

وزیر بهداشت با بیان این که سه هزار تخت بیمارستانی در کشور در حال اجراست و به‌زودی تحولات خوبی در حوزه سلامت انجام می‌شود، به انتخاب استاندار سیستان‌وبلوچستان توسط دولت اشاره کرد و افزود: یکی از بهترین انتخاب‌ها انتصاب استاندار این استان است که بار دیگر امید را به مردم منطقه برگردانده است.

هاشمی گفت: تبدیل زمین قبلی بیمارستان سینا به تجاری و فروش آن بخشی از هزینه‌های بیمارستان جدید ۵۴۰تختخوابی را تأمین می‌کند.

اضافه شدن ۱۱۰۰ تخت

وزیر بهداشت در ادامه افزود: این پروژه و بیمارستان ایرانشهر که از امروز شروع شده است، منجر به اضافه شدن ۱۱۰۰ تخت بیمارستانی به بلوچستان می‌شود و نه فقط این پروژه برای خود استان بلکه کشورهای همجوار هم از این پروژه‌ها بهره مند خواهند شد و چابهار به یکی از محورهای مهم درمانی کشور تبدیل می‌شود.

دکتر هاشمی گفت: به طور حتم در آینده چابهار منحصر به مشارکت و سرمایه‌گذاری یکی از کشورهای دنیا نخواهد بود چرا که ۳۰۰کیلومتر مرز آبی داریم و سرزمین مکران دارای تمدن است و این پروژه می‌تواند در توسعه و پیشرفت منطقه موثر باشد.

وی افزود: دلیل این که این پروژه با دو سال تأخیر آغاز شد، اصرار ما بود که باید بهترین نقطه از اراضی منطقه آزاد را بگیریم تا بیمارستانی نمونه در تراز انقلاب اسلامی در این نقطه ایجاد شود که با همکاری مسئولان محقق شد.

هاشمی اظهار داشت: امیدواریم آنچه در جهت توسعه خوزستان اتفاق افتاده است، در اینجا هم محقق شود چرا که یکی از بهترین و زیباترین بنادر دنیا و مهمترین بندر کشور ما، بندرچابهار است. وی همچنین تاکید کرد: رونق اقتصادی امید به ماندگاری مردم را افزایش می‌دهد حتی امنیت هم در گرو رشد اقتصادی است و امنیت زمانی ایجاد می‌شود که وضع اقتصادی و معیشت مردم خوب باشد و این امر کاهش آسیب‌های اجتماعی را هم به دنبال دارد.

همچنین فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا(ص) در حاشیه این مراسم گفت: برای ساخت بیمارستان ۵۴۰ تختخوابی چابهار ۳۵۰ میلیارد تومان و ۲۵۰ میلیارد تومان برای خرید تجهیزات آن از محل اعتبارات دانشکده علوم پزشکی ایرانشهر هزینه می‌شود.

سردار سعید محمد اظهارداشت: این بیمارستان با زیربنای ۶۰ هزار مترمربع در زمینی به مساحت ۲۰ هکتار در محدوده منطقه آزاد چابهار ساخته می‌شود.

مجری پروژه بیمارستان ۵۴۰ تختخوابی چابهار گفت: زمان تکمیل این پروژه ۳۶ ماه تعیین شده است که امیدواریم برای رفع مشکلات بهداشتی و درمانی مردم جنوب سیستان و بلوچستان به موقع افتتاح و بهره‌برداری شود.

وی با بیان این که سرانه تخت بیمارستانی در کشور ۱/۶ دهم تخت برای هزار نفر است و در جهان این آمار به ازای هر هزار نفر ۳/۵ تخت است، افزود: در جنوب بلوچستان سرانه تخت بیمارستانی ۶دهم است.

چابهار، پیشانی توسعه وآبادانی استان

احمدعلی موهبتی استاندار سیستان و بلوچستان هم در این مراسم با بیان این که چابهار به سبب همجواری با آب‌های اقیانوس هند و موقعیت‌های راهبردی پیشانی توسعه و آبادانی استان محروم سیستان و بلوچستان است، افزود: ارتقای شاخص‌های بهداشتی و درمانی، آموزشی، راه و آب شهرستان چابهار از ضرورت‌هاست.

استاندار سیستان و بلوچستان با بیان این که ساخت بیمارستان ۵۴۰ تختخوابی و راه‌اندازی دانشگاه بین المللی علوم پزشکی در چابهار می‌تواند به ارتقای شاخص‌های سلامت کمک کند، افزود: ساخت بیمارستان جدید در چابهار با تاخیر ۲ ساله رو به رو بوده است و انتظار می‌رود پس از کلنگ زنی در مدت ۳۶ ماه تکمیل و بهره‌برداری شود.

حجت الاسلام سیدمحمد موسوی امام جمعه چابهار هم گفت: کلنگ ساخت بیمارستان در چابهار خنثی‌کننده حرکات تروریستی است و این اقدام می‌تواند رضایتمندی مردم از خدمات نظام را در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب بیشتر کند.مولوی عبدالرحمن ملازهی امام جمعه اهل‌سنت چابهار هم از تلاش‌های دولت برای رشد شاخص‌های توسعه در حوزه بهداشت و درمان قدردانی کرد و گفت: دشمنان بدانند که ما در حال پیشرفت هستیم و به رغم مشکلات و بدخواهی و توطئه‌های دشمنان به یاری خدا ایران اسلامی در حال پیشرفت است و روی پای خود ایستاده‌ایم.

استاندار تهران: زدودن معتادان متجاهر و کودکان کار از چهره شهر خواست دولت است

سرویس خبر: استاندار تهران گفت: زدودن معتادان متجاهر و کودکان کار از چهره شهر و ساماندهی آنها از انتظارات دولت است.

انوشیروان محسنی بندپی در نشست مشترک با فرمانده انتظامی و رؤسای پلیس‌های تخصصی تهران بزرگ با بیان این که فعالیت در هر نهادی، حساسیت، ویژگی‌ها و سختی دارد، افزود: سختی فعالیت در نیروی انتظامی برای فعالان عرصه نظم و امنیت از مزیت‌های آن بیشتر است.

استاندار تهران با اشاره به حضور نیروهای انتظامی در شرایط سخت، برف، یخبندان، شب و روز و در زمان‌های وقوع بحران در داخل و بیرون شهر، اضافه کرد: این نیروهای انتظامی است که در هر بحرانی، حتی پیش از حضور دستگاه‌های امدادی، حضوری قوی و اثرگذار دارد.

بندپی ادامه داد: در هر جامعه‌ای اگر امنیت، نظم، انضباط وآرامش فراهم شود سایر آحاد جامعه نیز نقش خود را به درستی ایفا می‌کنند، ویژگی اخلاق‌مداری و جامعه محوری نیروی انتظامی در فرمایشات امام راحل و مقام معظم رهبری تأکید شده است و ایشان بر این اصل تاکید دارند که مردم ولی نعمت ما هستند و باید به گونه‌ای با مردم رفتار شود که احساس سختی به آنها نرسد.

وی نقش ناجا در تأمین امنیت و آرامش مردم به ویژه در شرایط خاص از جمله مشکلات و فشارهای اقتصادی را مهم دانست و گفت: ایجاد یگان‌های مختلف در پلیس از راهنمایی و رانندگی تا پلیس فتا، پیشگیری و امنیت، نشان‌دهنده وظیفه مهم، حساس و خطیر این قشر از زحمتکشان جامعه است.

استاندار تهران افزود: نیروی انتظامی در موضوع جمع‌آوری، غربالگری و ایجاد ظرفیت نگهداری دو هزار نفری برای معتادان متجاهر در استان تهران نقش مهمی داشته و اخلاق‌پذیری و زیست‌پذیری در استان تهران را محقق ساخته است.

کاهش جرایم خشن

فرمانده انتظامی تهران بزرگ هم با تبریک انتصاب محسنی‌بندپی به عنوان استاندار تهران گفت: پلیس تهران بزرگ با همه توان در کنار استانداری تهران برای تامین امنیت و آرامش مردم قرار دارد.

سردار حسین رحیمی اظهار داشت: فرماندهی انتظامی تهران بزرگ با رویکرد جامعه محوری و مردمداری در طول دو سال گذشته تلاش کرده در گام نخست براساس نیازهای جامعه در تهران به عنوان ام‌القرای جمهوری اسلامی که همه اقدامات در آن الگوی کشوری است، حرکت کند و با افتخار اعلام می‌کنیم که جرائم خشن در دو سال اخیر در تهران کاهش چشمگیر داشته و جرائم سازمان یافته در تهران نداریم.

رئیس پلیس تهران بزرگ با اشاره به اجرای طرح «رعد» پلیس پیشگیری تهران اضافه کرد: در این طرح کلانتری‌ها مکلف شده‌اند حوزه خود را از مجرمان، قانون‌شکنان، متخلفان و خرده فروشان مواد مخدر پاکسازی کنند که ابتکار نویی در پلیس تهران است.

وی به اقدام پلیس اطلاعات و امنیت در برخورد با ارازل و اوباش در تهران اشاره کرد و افزود: اراذل و اوباشی که تفرجگاه‌ها را پاتوق خود قرار دادند و ایجاد مزاحمت می‌کنند در چند پارک مورد هدف این طرح هستند و حتی در باشگاه‌های بدنسازی و قهوه‌خانه‌ها نیز این طرح اجرا می‌شود.

او با اشاره به ضرورت ایجاد ۴۰ کلانتری در استان تهران نیز اشاره کرد و افزود: ۱۷ پرونده بزرگ اقتصادی در تهران در کمتر از دو سال در اختیار دستگاه قضایی قرار گرفت و تلاش می‌کنیم وضع مطلوبی در امنیت همه بخش‌ها برای مردم استان تهران فراهم کنیم.

جراحی مغز «آیت‌الله مؤمن» با موفقیت انجام شد

سرویس شهرستان‌ها: رئیس بیمارستان شهید بهشتی قم گفت: عمل جراحی مغز آیت‌الله محمد مؤمن نماینده قم در مجلس خبرگان رهبری با موفقیت انجام شد و وی در بخش آی سی یو این بیمارستان بستری است.

دکتر سید یاسر فروغی با اشاره به روند درمانی آیت‌الله محمد مؤمن، افزود: سی تی اسکن مجدد مغز بعدازظهر شنبه انجام شد و با توجه به افزایش مختصر خونریزی نسبت به صبح، تصمیم به جراحی گرفته شد که عمل جراحی با هدف کاهش فشار مغز توسط تیم مجرب با موفقیت انجام گرفت. وی اضافه کرد: پس از جراحی، وضع آیت‌الله مؤمن پایدار است و سطح هوشیاری وی تا حدودی بهتر شده و تیم پزشکی بیمارستان تمامی اقدامات لازم را انجام می‌دهد.

دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در تماس تلفنی با فرزند آیت‌الله محمد مؤمن عضو فقهای شورای نگهبان که به علت بیماری در یکی از بیمارستان‌های شهر قم بستری است، روند معالجه و وضع پزشکی او را پیگیری کرد.

معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز با حضور در قم در جریان روند درمانی آیت‌الله مؤمن قرار گرفت.

قاسم جان‌بابایی با ابلاغ سلام وزیر بهداشت به خانواده آیت‌الله مؤمن، گفت: تیم پزشکی متخصص در حال انجام اقدامات درمانی لازم است.

آیت‌الله مؤمن از روزشنبه به دلیل مشکلات مغزی، تنفسی و کاهش سطح هوشیاری در بخش آی سی یو بیمارستان شهید بهشتی قم بستری است؛ آیت‌الله مؤمن عضو مجلس خبرگان رهبری، فقهای شورای نگهبان و شورای عالی قضایی است.

وداع با شهید گمنام در کیاشهر

سرویس شهرستان‌ها: مردم شهید پرور کیاشهر شنبه شب با یکی از شهدای گمنام دوران دفاع مقدس وداع کردند.

جمع زیادی از مردم کیاشهر در مسجد کنار بقعه آقا سید ابو جعفر میزبان این شهید گمنام دوران دفاع مقدس بودندو بار دیگر با آرمان‌های شهدا پیمان بستند. این شهید گمنام سال ۱۳۶۱ در سن ۲۰ سالگی در عملیات رمضان در منطقه شرق بصره به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

پیکر مطهر این شهید برای تعیین محل خاکسپاری به معراج شهدای تهران منتقل شد.

سونامی شبانه در اندونزی، ۲۲۲ قربانی گرفت

بقیه از صفحه اول

امواج سونامی در آب‌های تنگه سوندا (واقع بین دو جزیره جاوه در شرق و سوماترا در غرب) اوایل شبانگاه به‌وقوع پیوست که درپی آن بومیان منطقه غافلگیرشدند و بسیاری از خانه‌ها در حالی زیر آب فرو رفت که ساکنان آنها در خواب بودند. امواج سونامی در سواحل منطقه در پی فعالیت آتشفشانی کوه آناک کراکاتایو به‌وقوع پیوست.

سازمان مقابله با بلایای طبیعی اندونزی در نخستین گزارش از وضع کنونی منطقه اعلام کرد به علت شدت سونامی ۴۳۰ خانه ۹ هتل و ساختمان‌های مختلف در جزیره سوماترا تخریب شده است.

امواج بلند و چند متری سونامی ناشی از فعالیت آتشفشانی و لرزش لایه‌های زمین و جزر و مد شدید دریا همزمان با ماه نو تولید شده و در دل شب به‌وقوع پیوسته و به همین دلیل مسئولان محلی همچنان در حال بررسی وضع خسارات و تلفات هستند. شمار زیادی از افراد نیز در این منطقه درپی بروز امواج هولناک سونامی در دل تاریکی مفقود شده‌اند.

حادثه درحالی به‌وقوع پیوست که اندونزی در آستانه تعطیلات سال نو میلادی قرار دارد و جزایر مختلف آن شاهد ورود روزانه هزاران گردشگر خارجی و داخلی است.

ابراز همدردی ایران با دولت و ملت اندونزی

بهرام قاسمی سخنگوی وزارت امور خارجه در پی وقوع سونامی در منطقه زوندی اندونزی که منجر به کشته، مفقود و بی‌خانمان شدن شمار زیادی از مردم این منطقه شد، با دولت و ملت این کشور ابراز همدردی کرد.

حضور بانوان در ورزشگاه‌ها با ۲ شرط ممکن است

سرویس خبر: معاون فرهنگی قوه قضائیه گفت: بانوان نیز می‌توانند همچون آقایان به ورزشگاه‌ها بروند و از دیدن بازی‌ها لذت ببرند به شرطی که اخلاق و مسائل شرعی رعایت شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکترهادی صادقی به ایرنا افزود: همانگونه که خانم‌ها همراه با آقایان به سینما می‌روند و از دیدن فیلم بهره می‌گیرند یا به پارک می‌روند، در ورزشگاه نیز می‌توانند حضور پیدا کنند ولی ورود زنان به ورزشگاه‌ها ممکن است دو عارضه داشته باشد که باید آن را برطرف کرد و مسئولان اجازه ندهند این مسائل پدید آید.

وی افزود: اگر این دو عارضه مدیریت و با آن مقابله شود و دولت فضایی مناسب را ایجاد کند که این دو مشکل وجود نداشته باشد، هیچ اشکالی مانع حضور بانوان در ورزشگاه‌ها نخواهد بود که عارضه اول موضوع اخلاق است. یعنی ممکن است در ورزشگاه‌ها فضای ناسالمی وجود داشته باشد و کلمات اهانت آمیزی گفته شود یا به بانوان توهین‌هایی شود و در آن صورت حریم‌ها شکسته شود که در این زمینه باید مدیریت شود ولی باید بدانیم رفع این مساله فقط کار دولت نیست و خود مردم باید همکاری کنند.

معاون قوه قضائیه افزود: مساله رعایت اخلاق در ورزشگاه هم به عهده دولت است و هم تیم‌های ورزشی و طرفدارانشان باید فعالیت کنند تا فضایی سالم را برای حضور زنان ایجاد کنند و فدراسیون‌ها نیز باید نظارت داشته باشند.

صادقی اضافه کرد: عارضه دوم مربوط به مسائل شرعی است که طبق فتوای مراجع تقلید دیدن بدن نامحرم برای هر دو طرف اشکال دارد. یعنی هم مرد و هم زن نمی‌توانند به بدن برهنه نگاه کنند که رفع این مشکل هم سخت نیست. چون در گذشته برای حضور بانوان در بعضی از ورزش‌ها این کار را کرده‌ایم و تجربه داریم. معاون فرهنگی قوه قضائیه اضافه کرد: بانوان اوایل انقلاب در هیچ رشته ورزشی شرکت نمی‌کردند ولی الان در ده‌ها رشته با پوشش خوب شرکت می‌کنند و بر همین اساس می‌توانند با پوشش خوب در مسابقات شرکت کنند.

در آمد حاصل از جرایم رانندگی به خزانه دولت واریز می‌شود

سرویس خبر: در آمد حاصل از جرایم رانندگی به خزانه دولت واریز می‌شود و هیچ مبلغی از آن به حساب نیروی انتظامی واریز نمی‌شود.

سردار حسین اشتری فرمانده ناجا در حاشیه برگزاری گردهمایی سراسری فرماندهان، روسا و معاونان ناجا (سومین نشست تخصصی و فصلی سال ۹۷) درباره اینکه گفته شده جبران کسری بودجه ناجا با افزایش نرخ جرایم راهنمایی و رانندگی است، اظهار داشت: براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، هیات وزیران و مطابق تورم، هر سه سال یکبار موضوع تعیین نرخ جرایم راهنمایی و رانندگی بررسی و ابلاغ می‌شود.

وی افزود: هر زمانی که هیات وزیران نرخ مصوب را اعلام کنند، موضوع اجرایی می‌شود. او اضافه کرد: بودجه و نیازمندی‌های نیروی انتظامی از طریق پیگیری دولت محقق می‌شود که باید گفت موضوع کسری بودجه، بحث درستی است اما ارتباطی با افزایش نرخ جرایم رانندگی ندارد.

آمادگی ناجا در برابر توطئه‌ها

فرمانده ناجا گفت: امروز نیروی انتظامی در برابر هر تحرک و توطئه دشمنان آماده‌تر از همیشه است.

او اضافه کرد: همواره باید در مقابل توطئه‌های دشمنان؛ هوشیارانه، فعالانه و با آمادگی صد در صدی عمل کنیم، برخی گروه‌های داخلی و خارجی به دنبال التهاب‌آفرینی در فضای جامعه و برهم‌زدن نظم و امنیت کشور هستند که با لطف و عنایت خداوند متعال و تدابیر حکیمانه فرماندهی معزز کل قوا، همواره دشمنان در رسیدن به اهداف شوم خود ناکام هستند، بنابراین باید در برابر هر توطئه‌ای هوشیار باشیم. وی با اشاره به عملکرد پلیس در برخورد با مفسدان اقتصادی، افزود: پلیس در شناسایی و برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی نیز عملکرد هوشمندانه و به موقعی داشت البته در کنار این اقدامات، در حوزه اقتصادی از سوی پلیس اقدامات پیشگیرانه و مقابله‌ای دیگری نیز انجام گرفت و اجازه جولان به سوء استفاده‌کنندگان داده نشد.

۱۱ نفر از کارکنان آموزش و پرورش زاهدان به تخلفات اداری معرفی شدند

سرویس شهرستانها: مدیر کل آموزش و پرورش سیستان و بلوچستان گفت: ۱۱ نفر از کارکنان آموزش و پرورش این استان در پی حادثه آتش‌سوزی مرکز پیش‌دبستانی «اسوه حسنه» زاهدان به واحد تخلفات اداری معرفی شدند.

علیرضا نخعی در گفتگو با ایرنا با بیان این که با توجه به اهمیت موضوع به‌زودی برای این متخلفان رأی صادر می‌شود، افزود: یک واحد آموزشی پیش‌دبستانی و دبستان غیر انتفاعی در خیابان مصطفی خمینی ۲۳ زاهدان روز ۲۷ آذر ماه گذشته طعمه حریق شد که بر اثر آن چهار دانش آموز این مدرسه دخترانه به نام‌های مونا خسروپرست، صبا عربی، مریم نوکندی و یکتا میرشکار جان باختند. پیش از این دادستان عمومی و انقلاب زاهدان اعلام کرده بود که مدیر و مربی مدرسه حادثه دیده در بازداشت به‌سر می‌برند.

تلاش پلیس برای دستگیری عاملان انتشار فیلم ضرب و شتم افاغنه

سرویس حوادث: رئیس مرکز اطلاع‌رسانی و ارتباطات ناجا گفت: دستگیری عاملان تهیه و انتشار فیلم ضرب و شتم برادران افغان در دستور کار قرار گرفت.

سرهنگ سیداحمد خسروی در مورد فیلم منتشر شده در فضای مجازی مبنی بر ضرب و شتم چند نفر از اتباع افغان توسط یک سرباز ایرانی، افزود: با انتشار این فیلم در فضای مجازی این موضوع در دستور کار قرار گرفت و در بررسی‌های گسترده، مشخص شد این فیلم مربوط به زمان حال نیست و ضرب و شتم برادران افغان در هیچ یک از مقرهای نیروی انتظامی تایید نشد. وی با تکذیب این ضرب و شتم توسط سرباز ایرانی نیروی‌انتظامی، افزود: دستگیری عاملان تهیه و انتشار این فیلم در دستور کار است.

۲ میلیون حلقه لاستیک خودرو سنگین بین رانندگان توزیع می‌شود

سرویس شهرستانها: معاون حمل و نقل سازمان راهداری و حمل ونقل جاده‌ای از توزیع ۲ میلیون حلقه لاستیک خودروهای سنگین بین رانندگان تا پایان امسال خبر داد.

داریوش امانی در همایش بزرگداشت روز ملی حمل ونقل و راهداری در اصفهان افزود: تامین لاستیک وظیفه سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای نیست اما چون دغدغه رانندگان دغدغه ما هم بود، در این مساله ورود کردیم. وی گفت: ۲ میلیون حلقه لاستیک خودروهای سنگین ثبت سفارش شده وپیش بینی می‌شود با توزیع این تعداد لاستیک، مشکل رانندگان تا پایان سال حل شود. او افزود: در جلسه اخیر با رئیس مجلس شورای اسلامی مقرر شد مباحث مربوط به قرار گرفتن شغل رانندگی در زمره مشاغل سخت و زیان آور در مجلس پیگیری شود.

امانی با اشاره به این که یکی از دغدغه‌های بزرگ رانندگان، بیمه درمان و تکمیلی است، گفت: در این بخش مقرر شد صندوقی تعریف شده و برای همیشه مشکلات این حوزه برطرف شود.

وی با بیان این که در سال‌های گذشته حجم بار ۴۰ درصد افزایش یافته اما ناوگان حمل و نقل۱۲۰ درصد رشد کرده است، اضافه کرد: این توسعه نامتوازن سفره رانندگان و سایر فعالان صنعت حمل ونقل را کوچک‌تر کرده است. در این مراسم از نقشه‌های مدیریت بحران راه‌های اصفهان برای نخستین بار در کشور رونمایی شد.در این نقشه‌ها مخاطرات جوی و سایر موارد مشابه به صورت آنلاین پایش می‌شود.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

سردبیر اطلاعات در این باره یادداشت بنویسد

دکتر احمد توکلی، اقتصاددان و نماینده سابق مجلس در برنامه تلویزیونی «زنده باد زندگی» در پاسخ به سؤال یکی از بینندگان گفت در کشورهایی مثل ایران که تک‌محصول و بر صادرات نفت متکی هستند، تورم و گرانی‌ها اجتناب‌ناپذیر است. از آقای خانی سردبیر روزنامه اطلاعات که اقتصاد هم می‌دانند، تقاضا دارم در مورد صحت یا سقم گفته‌های دکتر توکلی یادداشتی بنویسند و برای آگاهی مردم در روزنامه چاپ کنند.

از علاقه‌مندان مسایل اقتصادی

افزایش جمعیت بیشتر متعلق به کدام خانواده‌ها است؟

برخی افراد از این که طبق اعلام سازمان آمار جمعیت کشور ۲میلیون نفر افزایش یافته و از ۸۲میلیون نفر تجاوز کرده است، ابراز خوشحالی می‌کنند که باید دید این افزایش جمعیت متعلق به خانواده‌های مرفه و نسبتاً مرفه و تحصیلکرده است، یا بیشتر آنان در خانواده‌های فقیر و محروم به دنیا آمده‌اند که در این صورت اوضاع تأمین غذا، تعلیم و تربیت، خدمات عمومی مانند آب و برق و گاز و همچنین اشتغال پایدار آنان در آینده چگونه خواهد بود و آیا اغلب کسانی که امروز در خیابان و میدان‌های شهر دستفروشی و یا تکدی‌گری می‌کنند، محصول خانواده‌های پرجمعیت اما فقیر نیستند؟

خواننده روزنامه اطلاعات

دیدن چنین صحنه‌هایی زیبنده بازار بزرگ تهران نیست

برای خرید به بازار بزرگ و قدیمی تهران رفته بودم و در حالی که روی نیمکت استراحت و خستگی در می‌کردم، چشمم به مرد فقیری افتاد که با دست داخل مخزن زباله را می‌کاوید، باقیمانده ساندویچ و نوشابه‌ها را بیرون می‌آورد و کنار هم می‌گذاشت و می‌خورد. بعد هم که در محوطه بازار به راه افتادم، متأسفانه موارد مشابه دیگری در آنجا دیدم و این در حالی است که در بازار تهران رستوران‌های بزرگ و متعددی وجود دارد که می‌توانند غذاهای تمیز و خورده نشده مشتریان‌شان را درون ظروف یکبار مصرف بریزند و میان فقرا و بی‌خانمان‌ها توزیع کنند. در بازاری که محل رفت و آمد بسیاری از شهروندان و همچنین گردشگران و میهمانان خارجی است، دیدن چنین صحنه‌هایی بسیار آزاردهنده است و موجب صدمه دیدن آبرو و حیثیت کلانشهر تهران به عنوان پایتخت یک کشور بزرگ اسلامی می‌شود.

خانم شهروند از تهران

نشانی آرامگاه مرحوم رشدیه را اطلاع‌رسانی کنید

برای حفظ ارزش و مقام والای زنده‌یاد میرزاحسن رشدیه بنیانگذار مدارس جدید در ایران، که به قلم آقای رضا بابایی در روزنامه اطلاعات چاپ شده است، به عنوان قدردانی می‌خواهم تابلویی از زندگینامه و خدمات ایشان را آماده و بر مزارشان نصب کنم. از مسئولان روزنامه اطلاعات تقاضا دارم در صورت امکان محل دفن مرحوم رشدیه را اطلاع‌رسانی کنند.

هـ .س.الف ـ خواننده روزنامه اطلاعات

خط ارتباطی: مرحوم رشدیه به سال ۱۳۲۲خورشیدی در «قبرستان نو» واقع در قم به خاک سپرده شده است.

ضرورت نصب اتیکت برای مبارزه با گرانفروشی

به اتفاق میهمانان به یکی از مراکز بزرگ خرید در بزرگراه رسالت رفتیم، تیشرتی که در مشهد ۳۵هزارتومان خریده بودم، در آنجا ۸۵هزارتومان قیمت خورده بود و وقتی دلیل این تفاوت قیمت را پرسیدم، بالا بودن اجاره مغازه‌ها در آن مرکز خرید را عنوان کردند. علاوه بر این قیمت‌گذاری‌های دلبخواهی، عدم نصب اتیکت بر روی اجناس هم موجب افزایش گرانفروشی‌ها و تخلفات صنفی می‌شود و تشدید نظارت سازمان تعزیرات بر عملکرد واحدهای صنفی را ضروری می‌کند.

علی از تهران

پیاده‌رو را تبدیل به پارکینگ کرده‌اند

پیاده‌روی انتهای خیابان عُمریه منشعب از خیابان پیروزی به پارکینگ خودروها تبدیل شده است و همچنین در سراسر خیابان شکوفه بیشتر مواقع وانت‌بارهایی برای فروش میوه توقف می‌کنند که پارک دوبله آن‌ها، ترافیک خیابان مزبور را سنگین‌تر می‌کند. از مأموران راهنمایی و رانندگی می‌خواهیم در مورد رفع مشکلات یادشده اقدام کنند.

از اهالی محل

پخش دوربین مخفی‌های اعصاب‌خردکن در شبکه نسیم!

در حالی که اغلب برنامه‌های دوربین مخفی خارجی خیلی بامزه است و بیننده را شاد و از خنده روده‌بُر می‌کند، دوربین مخفی‌های تلویزیون ما و از جمله شبکه نسیم بسیار لوس و بی‌معنی و از آن مهم‌تر اعصاب‌خُردکن و آزاردهنده است. وقتی برنامه‌های دوربین مخفی سیما چنین کیفیت نازلی دارد، چه نیازی به تولید یا پخش آن‌ها احساس می‌شود؟

بیننده شبکه نسیم

سؤال از کانون بازنشستگان نیروهای مسلح

بازنشسته سال ۶۳ نیروهای مسلح هستم که شهریورماه امسال پیامکی برایم ارسال و سپس ۴۵۰هزارتومان بابت همسان‌سازی حقوق‌ها به حسابم واریز شد، اما در ماه‌های بعدی دیگر مبلغی از این بابت به حسابم واریز نشده است، از کانون بازنشستگان نیروهای مسلح تقاضا دارم در این مورد پاسخگو باشد.

بازنشسته نیروهای مسلح

چرا به اجرای قانون بازنشستگان گردن نمی‌گذارند؟

در حالی که ۱۶ استاندار، شهرداران تهران و چند کلانشهر دیگر و همچنین شماری از مدیران ارشد کشور به مصوبه مجلس و تصمیم دولت گردن نهاده‌اند و به دلیل بازنشسته بودن، پُست‌های خود را ترک کرده‌اند، چه دلیلی دارد که رئیس و نایب‌رئیس محترم فدراسیون فوتبال که بازنشسته‌اند، بر ادامه کارهایشان اصرار داشته باشند و حتی برای ماندن در سمت‌هایشان، از فدراسیون جهانی فوتبال کمک بخواهند؟ آیا پُست و مقام‌های دولتی این ارزش را دارد که برای حفظ آن‌ها، انسان دست به دامان اجانب و بیگانگان شود؟

تلفن به خط ارتباطی

تأخیر در پرداخت هزینه بیمه تکمیل درمان

پس از ۲ماه انتظار از بیمه آتیه‌سازان سنندج برایم پیامک فرستادند که هزینه بیمه تکمیل درمان من به حسابم واریز می‌شود، اما در این مورد هرچه انتظار می‌کشم، بی‌فایده است. وقتی حق بیمه تکمیل درمان هرماه از مستمری بازنشستگان کسر می‌شود، چرا پرداخت هزینه درمان ما باید اینهمه زمانبر باشد؟

بازنشسته کشوری از سنندج

آیا ادعای چندبرابر شدن یارانه‌ها فریبکاری نیست؟

در شرایطی که آقای احمدی‌نژاد بابت یارانه‌های نقدی ۵هزارو۸۰۰میلیارد تومان بدهی روی دست دولت فعلی گذاشته است، ایشان بر چه اساس و استدلالی در سفر به شهرها از افزایش چندبرابری یارانه‌ها درصورت رئیس جمهورشدن خود سخن می‌گوید، آن هم در حالی که بسیاری از دوستان‌اش در دادگاه‌ها پرونده دارند؟ آیا حرف زدن از افزایش چندبرابری یارانه‌های نقدی به نوعی نیرنگ برای فریب افراد ساده‌لوح نیست؟

م، محمدی- ساری

لزوم برخورد با رانندگان خودروهای شیشه دودی

تعدد خودروهای شخصی با شیشه‌های دودی به‌تازگی افزایش یافته است و در شرایطی که امکان خلافکاری در برخی از این خودروها وجود دارد، راهنمایی و رانندگی شهرها در برخورد با رانندگان آن‌ها نباید بی‌تفاوت باشند.

شهروندی از اردبیل

جاده اسلام‌آباد غرب به دوربرگردان نیاز دارد

جاده اسلام‌آباد غرب- بخش «همیر» در نزدیکی‌های امامزاده قاضی‌وند دوربرگردان ندارد و به همین دلیل رانندگان برای برگشت به سمت امامزاده، خلاف جهت رانندگی می‌کنند که خطرناک است. از راه و شهرسازی استان کرمانشاه تقاضای ساخت دوربرگردان را داریم.

عبدالله الفتی- اسلام‌آباد غرب

ضرورت کاهش نهاده‌های صنعت مرغداری

افزایش قیمت خوراک طیور موجب بالا رفتن هزینه مرغداری‌ها شده و افزایش قیمت گوشت مرغ را به دنبال آورده است که برای کاهش قیمت این کالای مورد نیاز مبرم مردم، ضرورت دارد قیمت فروش نهاده‌های مورد نیاز مرغداری‌ها کاهش یابد.

از فعالان صنعت مرغداری

پیامدهای منفی حذف آزمون سراسری دانشگاه‌ها

در رابطه با خبرها و مقاله‌هایی که در ارتباط با حذف آزمون سراسری دانشگاه‌ها در روزنامه اطلاعات چاپ شده است باید گفت اجرای این برنامه بجز این که علم‌آموزی و تحصیل را بی‌معنا کند، امکان راهیابی کسانی که شرایط علمی لازم را ندارند به دانشگاه‌ها فراهم آورد و آموزش و پرورش در کشورمان را به قهقرا ببرد، نتیجه دیگری ندارد.

باقرمیرزا

اخبار کوتاه داخلی

درخواست دادکان از هنرمندان و ورزشکاران

رئیس پیشین فدراسیون فوتبال از ورزشکاران و هنرمندان خواست با اتحاد و همدلی برای ایمن سازی مدارس قدم بردارند.محمد دادکان که همواره نگاهی انتقادی به ناهنجاری های اجتماعی داشته است در گفتگو با خبرنگار مهر ضمن انتقاد از اظهارنظرهای نادرستی که درباره خصوصی سازی استقلال و پرسپولیس می شود، خصوصی سازی این دو باشگاه را غیر ممکن دانست.دادکان در ادامه افزود: بجای خصوصی سازی سرخابی ها که صرفاً جهت ایجاد سرگرمی برای مردم مطرح می شود، می توانیم وقت و انرژی خودمان را صرف حل مشکلات مهمتر کشورمان کنیم. وی خاطرنشان کرد: به همین جهت از همه هنرمندان و ورزشکاران درخواست می کنم تا در اقدامی خیرخواهانه، هزینه تأمین امنیت مدارس غیر استاندارد کشور را برعهده بگیرند تا دیگر شاهد حوادث تلخ گازگرفتگی و آتش سوزی در مدارس نباشیم. رئیس پیشین فدراسیون فوتبال تاکید کرد: در انجام این امر خیرخواهانه، آماده هستم تا به کمک دوستانم در بازار تهران، جهت حل مشکل امنیت مدارس بویژه در مناطق روستایی و محروم، پیش قدم شویم.

عزت‌اللهی به اردوی تیم ملی پیوست

هافبک تیم ملی فوتبال به اردوی این تیم در قطر پیوست.به گزارش خبرگزاری فارس و به نقل از سایت رسمی فدراسیون فوتبال سعید عزت‌اللهی به اردوی تیم ملی در کشور قطر اضافه شد.صبح دیروز سعید عزت اللهی هافبک تیم ملی وارد دوحه شد و از عصر به تمرینات اضافه شد.تیم ملی قرار است در اولین دیدار دوستانه خود به مصاف تیم ملی فلسطین برود.

اصفهانیان: VAR بومی در یک دیدار غیررسمی امتحان می‌شود

تکنولوژی کمک داور ویدویی با حضور علیرضا فغانی مورد آزمایش قرار گرفت.فریدون اصفهانیان، رییس کمیته داوران در گفت‌وگو با ایسنا درباره آزمایش VAR بومی اظهار داشت: این اتفاق افتاد و با حضور تعدادی از داوران از جمله علیرضا فغانی این تکنولوژی مورد آزمایش قرار گرفت.وی افزود: البته باید این سیستم در یک دیدار غیررسمی امتحان شود تا سپس در ورزشگاه‌های منتخب به کار گرفته شوند. ۴ ورزشگاه آزادی، امام رضا، نقش جهان و فولاد آرنا در صورت موفقیت در آزمایش دوم میزبان این تکنولوژی خواهند بود.

پایان کار مربی صرب در بسکتبال ایران

طی توافق های انجام شده با نناد ترونیچ، قرار است این مربی زودتر از پایان قراردادش همکاری با فدراسیون بسکتبال را خاتمه بدهد.به گزارش ایسنا، هزینه سنگین دستمزد این مربی صربستانی برای فدراسیون باعث شده بود که بارها مسئولان برای فسخ توافقی قرارداد با ترونیچ مذاکره کنند که شنیده شده بالاخره این مذاکرات جواب داده و قرار است این مربی زودتر از پایان قراردادش ایران را ترک کند.با توجه به قیمت ارز، نداشتن منابع مالی و مشکلات مالی فدراسیون، پایان فعالیت ترونیچ در ایران می تواند خبر خوبی برای فدراسیون بسکتبال باشد.طبق توافقاتی که انجام شده قرار است فدراسیون دو ماه حقوق ترونیچ را جلوتر پرداخت کند و او مابقی دستمزدش را نگیرد و به فعالیتش در ایران خاتمه بدهد.

طلای المپیک لندن پس از ۶ سال به نصیر شلال رسید!

مثبت اعلام شدن تست دوپینگ وزنه‌بردار اوکراینی باعث شد تا نواب نصیرشلال با یک پله صعود به عنوان قهرمان المپیک ۲۰۱۲ لندن معرفی شود.به گزارش خبرنگار مهر، پس از اینکه کمیته بین‌المللی المپیک، تست دوپینگ وزنه‌برداران در المپیک ۲۰۱۲ لندن را برای چندمین بار مورد بررسی قرار داد چهار وزنه بردار مرد و یک وزنه بردار زن با تست مثبت دوپینگ همراه شدند.در این بین تست دوپینگ الکسی توروختی از اوکراین هم مثبت اعلام شد تا بدین ترتیب مدال نقره نواب نصیرشلال در دسته ۱۰۵ کیلوگرم المپیک ۲۰۱۲ لندن به مدال طلا ارتقا یابد.

اجرای مطلوبتر برنامه‌های فدراسیون کشتی با تعیین سریع ریاست

هنوز که هنوز است خبری مبنی بر برگزاری مجمع انتخاباتی ریاست فدراسیون کشتی به گوش نمی‌رسد هرچند که هرکجا صحبتی از کشتی است، ضرورت انتخابات ریاست، اولین اولویتی است که مطرح می‌شود.

پیش از این چندبار روسای هیأت‌های کشتی استانها از وزارت ورزش درخواست کردند تا با توجه به موقعیت سخت کشتی برای مسابقات المپیک ۲۰۲۰ در زمان کمی که تا این رقابت‌ها باقیست، اقدامات لازم را انجام دهند که این درخواست بی‌جواب ماند.

اگر چه طی روزهای اخیر مسابقات جام باشگاه‌های جهان در کشتی فرنگی و آزاد به میزبانی اردبیل و بابل به شکلی باشکوه برگزار شد اما این اتفاق هم باعث نشد تا اذهان اعضای خانواده کشتی، از مهمترین مبحث روز کشتی یعنی انتخابات ریاست فدراسیون، برای خارج شدن از بلاتکلیفی، منحرف شود.

غلامرضا محمدی و محمد بنا سرمربیان جدید تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی بزرگسالان هم، هرکدام اعلام کردند برای برنامه‌ریزی‌های دراز مدت و به‌خصوص برای المپیک باید رئیس فدراسیون مشخص شده باشد و از مسئولین امر درخواست کردند که هرچه زودتر این مهم را برگزار کنند اما بازهم خبری نشد تا مقدمات انتخابات برخی از فدراسیون‌هایی که اولویت‌های کشتی را ندارند آماده و ثبت‌نام‌ها شروع شود در حالی‌که بازهم هیچ خبری از کشتی نیست. این به درازا کشیدن ماجرای انتخابات کشتی علی‌رغم تمام اولویت‌ها شائبه‌هایی را مبنی برای حمایت وزارت ورزش و جوانان از گزینه‌ای خاص به‌وجود آورد که تداوم آن می‌تواند این شائبه‌ها را بیشتر هم بکند اما بازهم از وزارت ورزش و جوانان خبری مبنی بر فراهم آوردن تمهیدات لازم برای انتخابات ریاست فدراسیون کشتی، منتشر نشد.

با این وجود اگرچه هنوزهم بزرگترین شائبه، همین حمایت از کاندیدایی خاص توسط وزارت ورزش می‌باشد که شاید درصدد است تا نظر رأی دهندگان را نسبت به این کاندیدا جلب کند ـ هرچند که وزارت ورزش همیشه دخالت در انتخابات روسای فدراسیون‌ها را رد کرده است ـ اما به نظر می‌رسد یک منع قانونی غیر مستقیم هم، عامل این تأخیر باشد، آن هم حضور رؤسای بازنشسته در رأس هرم تعدادی از هیأت‌های کشتی استان‌های کشور است! علاوه بر آن، سه، چهار هیأت هم با سرپرست اداره می‌شوند که همین ماجرا به خودی‌خود می‌تواند در تاخیر بوجود آمده، دخیل باشد چرا که رؤسای هیأت‌های کشتی استان‌های کشور، از بیشترین درصد آراء برخوردارند و از آنجا که سرپرستان حق رأی ندارند و به احتمال قریب به یقین، رؤسای بازنشسته هم حق رأی نخواهند داشت طبیعی است که ابتدا باید این مشکل برطرف شود و سپس انتخابات به انجام برسد.

با این وجود و علی‌رغم دلواپسی‌های منطقی جامعه کشتی، اما از زمان روی کارآمدن بنی‌تمیم‌به‌عنوان‌سرپرست،برنامه‌های‌فدراسیون طبق روال گذشته طی شده و وقفه‌ای را شاهد نبوده است. سرپرستی که داورزنی معاون ورزش قهرمانی وزارت ورزش، فقط او را از رعایت کردن موضوع اخلاقی عدم حضور سرپرستان فدراسیون‌ها، در انتخابات رؤسای فدراسیون‌ها، استثناء کرد، با این وجود خود بنی‌تمیم هم معتقد است که وزارت ورزش و جوانان باید هرچه سریعتر، اقدامات لازم را برای برپایی مجمع انتخابات رئیس فدراسیون، انجام دهد.

پس دغدغه بنی تمیم هم انتخاب رئیس برای این ورزش کاملا ویژه است و از این نظر با تمامی اعضای خانواده کشتی، هم نظر است چرا که او هم از سرشناس‌های کشتی به حساب می‌آید که از جنس کشتی است و به مشکلات آن کاملاً آگاه.

بنی تمیم با تکیه بر تجربه ۱۰ ساله مدیریتی که در کشتی دارد، سعی می‌کند تمام برنامه‌های مورد نظر فدراسیون را به سرانجام برساند و سرمربیان تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی بزرگسالان و نوجوانان و جوانان را نیز در همین راستا، انتخاب کرده است هرچند که برخی معتقدند چون او از انتخاب خود به عنوان رئیس فدراسیون، مطمئن است چنین کاری انجام داده است، هرچند که بنی‌تمیم حتی اعلام نکرده که آیا در انتخابات ریاست فدراسیون، شرکت خواهد کرد یا نه اما از آنجا که ابراز امیدواری کرده تا کاندیداهای کشتی، دست به تخریب رقبا نزنند، پایان ماجرا را اصطلاحاً بازگذاشته تا هر برداشتی بتوان داشت.

با تمام این اوصاف و علی‌رغم اینکه تا به امروز و پس از کنار رفتن رسول خادم از فدراسیون بنی‌تمیم اجازه نداده تا برنامه‌های کشتی روی میز بماند، اما نمی‌توان کتمان کرد که کشتی به عنوان ورزشی ویژه و ملی رئیسی می‌خواهد و تا رئیس نباشد هیچیک از دست‌اندرکاران و عوامل اجرایی و فنی کشتی به فردای خود اطمینان نخواهند داشت.

بنی تمیم: اصول صحیح گذشته را ادامه می‌دهم

سرپرست فدراسیون کشتی امیدوار است کاندیداهای کشتی دست به تخریب رقبا نزنند.

به گزارش ایسنا حمید بنی تمیم در مورد اینکه گفته می شود وی راه فدراسیون قبلی را دنبال می کند و کشتی نیز به تفکر و خون تازه نیاز دارد گفت: وقتی برای کارهایی همچون نحوه چیدمان داوران یا فرآیند انتخاب تیم های ملی سال ها زحمت کشیده شده است به چه دلیلی باید همه آن ها را کنار بگذاریم. روش من این است که در مواردی که برای بهبود کار نیاز به اصلاح وجود داشته اقدام کنم و ادامه دادن کارهای اصولی گذشته جزء اصول مدیریت صحیح است.وی در مورد زمان برگزاری مجمع فدراسیون کشتی اظهار داشت: روسای هیأت‌های کشتی بعنوان اکثریت اعضای مجمع کشتی از وزارت ورزش و جوانان درخواست داشتند هرچه سریعتر تکلیف رئیس فدراسیون با برگزاری مجمع انتخابات مشخص شود که این موضوع به صورت مکتوب به مسئولان ذیربط در این وزارتخانه منعکس شده است و ما آماده آغاز فرآیند برگزاری مجمع کشتی و ثبت نام از کاندیداها هستیم.

بنی تمیم در مورد ایراد وزارت ورزش و جوانان به سرپرست هیأت ها و مسئله بازنشستگان گفت: انتخابات هیأت کشتی استان اصفهان برگزار شد و ما فقط در حال حاضر ۴ هیأت داریم که با سرپرست اداره می شوند که با توجه به پیگیری های صورت گرفته فکر می‌کنم تکلیف اکثر آن ها تا یک ماه آینده مشخص می‌شود و ما از این نظر مشکلی نداریم.

وی همچنین گفت: سرمربیان تیم های ملی کشتی آزاد و فرنگی بزرگسالان هم در جلساتی که با آن ها داشته ایم این دغدغه را دارند که برای انجام برنامه ریزی بلند مدت و حضور موفق در رقابت های المپیک توکیو نیاز به روشن شدن هرچه سریعتر مدیریت فدراسیون است.

مشاور سابق ورزشی استاندار خوزستان افزود: بیش از ۱۰ سال کار مدیریت ورزش کرده ام و با توجه به تجارب گرانبهای کسب شده در دوران حضورم در کشتی به عنوان نایب‌رئیس و دبیر تلاش کرده ایم با کمک همکاران، کار کشتی در ۴۵ روز اخیر به شکل مناسبی دنبال شود و امکانات مورد نیاز برای اردوهای تیم های ملی هم فراهم شود.

دبیر سابق فدراسیون کشتی در مورد تغییر و تحولات در کادر فنی تیم های ملی پایه نیز اظهار داشت: چند هفته دیگر رقابت های کشتی آزاد و فرنگی نوجوانان کشور آغاز می شود و اواخر اسفندماه نیز انتخابی تیم های ملی در هر دو رده سنی نوجوانان و جوانان برای مسابقات آسیایی و جهانی برگزار خواهد شد بنابراین با در نظر گرفتن اصل لزوم تعامل بین تیم های ملی در تمامی رده های سنی آقایان طلایی و توکلیان برای تیم های جوانان و نوجوانان آزاد انتخاب شدند.فکر می کنم با انتخاب سرمربیان تیم های ملی کشتی آزاد و فرنگی بزرگسالان و برخی مسائل دیگر نشان داده ام که مستقل عمل می‌کنم اما این کار را صحیح نمی دانم که کارهای مثبت گذشته را کاملا متوقف کنم.

بنی تمیم گفت: از دکتر سلطانی فر وزیر محترم ورزش و جوانان و دکتر داورزنی معاون ورزش قهرمانی و سایر معاونین محترم که همیشه در کنار کشتی کشور بوده اند تشکر می کنم. بی شک کشتی با تداوم حمایت های مدیران وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک می تواند در رقابت های المپیک نتایج خوبی را کسب کند و امیدوارم با مساعدت وزارت ورزش و جوانان هرچه زودتر مجمع انتخابات برگزار شود تا رئیس آینده کشتی کار خود را برای رقابت های مهم المپیک آغاز کند.

وی افزود: هنوز در مورد حضورم در انتخابات فدراسیون کشتی به جمع‌بندی نرسیده‌ام. باید تا زمان ثبت نام از کاندیداها مسائل و جوانب مختلف را بررسی و بعدا تصمیم گیری کنم و در پایان برای تمامی افرادی که قصد کاندیداتوری دارند آرزوی موفقیت می‌کنم و امیدوارم با ارائه برنامه های عملیاتی و اجرایی و بدور از تخریب کارهای مثبت صورت گرفته در گذشته در این مهم موفق باشند.

او همچنین در مورد برگزاری مسابقات کشتی فرنگی باشگاه های جهان گفت: پنجمین دوره رقابت های کشتی فرنگی جام باشگاه های جهان از نظر کمی و کیفی در سطح بسیار خوبی برگزار شد و کشورهای ترکیه و روسیه با کشتی گیران مطرحی در این مسابقات حضور داشتند. مهمترین نقطه قوت این مسابقات خارج از بحث فنی و نظم تشکیلاتی که حاکی از همدلی تمامی عوامل سیاسی و ورزشی استان اردبیل بود، حضور حدود هشت هزار نفر تماشاگر در سالن و چند هزار نفر بیرون سالن بود که به دلیل کمبود جا نتوانستند به سالن بیایند که این مهم نشان داد مردم کشتی را دوست دارند و در کنار این ورش ملی هستند.

بنی تمیم تصریح کرد: کادر فنی تیم های ملی با اعتقاد به فرآیند انتخاب تیم های ملی به دنبال انتخاب بهترین نفرات برای شرکت در رقابت های مهم پیش رو هستند و سعی شده است به تمام سرمایه های کشتی کشور برای حضور در این مسابقات سهمیه داده شود تا شانس خود را برای ملی پوش شدن و کسب دوبنده تیم ملی امتحان کنند.

وی خاطرنشان کرد: نفرات برتر این رقابت‌ها با نظر کادر فنی تیم‌های ملی مجوز شرکت در رقابت های بین المللی جام تختی را بدست می آورند تا در کنار مدال آوران رقابت‌های جوانان، زیر ۲۳ سال و بزرگسالان جهان با حریفان خارجی به رقابت بپردازند.

قهرمان دانشجویان جهان در مورد میزبانان رقابت های جام تختی افزود: برای کشتی فرنگی (۴ و ۵ بهمن ماه) شهر اندیمشک و برای کشتی آزاد (۱۸ و ۱۹ بهمن ماه) شهر کرمانشاه متقاضی میزبانی هستند و امیدوارم با توجه به فرصت محدود باقی مانده تا این مسابقات با همکاری مسئولان ذیربط در این استان ها این امر تسریع و میزبانی آن ها قطعی شود.

معاون سابق توسعه منابع و نیروی انسانی اداره کل ورزش و جوانان استان خوزستان در مورد بحث میزبانی جام های جهانی گفت: میزبانی ایران برای رقابت های کشتی فرنگی قطعی شده است و از طرفی برای جام جهانی کشتی آزاد ایران و روسیه کاندید بودند که در نهایت در جلسه کمیسیون فنی اتحادیه جهانی در بلگراد شهر یاکوتسک روسیه برای میزبانی انتخاب شده است که البته هنوز این مورد در تقویم اتحادیه جهانی کشتی ثبت نشده است. بحثی که در این زمینه وجود دارد و ما در حال پیگیری آن هستیم این است که با تصمیم اتحادیه جهانی کشتی از این پس تنها ۵ تیم برتر رقابت های جهانی به همراه یک تیم منتخب جهان (شامل کشتی گیران شاخص از سایر کشور ها که صاحب جایگاه نشده اند) می‌توانند در جام جهانی شرکت کنند که در این صورت عملا میزبانی جام جهانی کشتی آزاد در ایران آن هم در حالی که ما تیمی نداریم توجیهی برای ما ندارد و باید ابتدا قطعیت این موضوع از سوی اتحادیه جهانی کشتی مشخص شود تا موضوع را جدی تر دنبال کنیم که در حال پیگیری این موضوع هستیم.برای اینکه در جام جهانی سال ۲۰۱۹ میلادی در رشته کشتی فرنگی نیز میزبان باشیم باید سال آینده در رقابت های جهانی قزاقستان بین پنج تیم برتر دنیا قرار بگیریم.

بنی تمیم ادامه داد: در بحث بازنشستگان تا این لحظه روسای هیأت های کشتی مشکلی برای حضور در انتخابات ندارند. تا جایی که بنده اطلاع دارم اختلاف نظر بین دیوان محاسبات و سازمان بازرسی در مورد فعالیت روسای هیأت‌های ورزشی بازنشسته وجود دارد که امیدوارم این موضوع نیز هرچه زودتر تعیین تکلیف شود البته ما از این نظر هم مشکلی نداریم چون تعداد بسیار محدودی از هیأت های ما دارای رئیس بازنشسته هستند که این تعداد هم مجمع ما را از رسمیت نمی اندازد.

وی با اشاره به اینکه با توجه به زمان کم ۲۰ ماه باقی مانده تا المپیک تعیین تکلیف کادر فنی تیم های ملی بزرگسالان امری ضروری بوده است تصریح کرد: از سوی دیگر دغدغه سرمربیان تیم های ملی بجاست چون این دوره از حیث کسب سهمیه با توجه به کم شدن تعداد نفرات هر وزن کار به مراتب سخت‌تری برای حضور در المپیک توکیو داریم و از سوی دیگر کار در این بازی ها با توجه به تغییرات قوانین و وزن کشی در دو روز آن هم بدون ارفاق وزن (که از سال ۲۰۱۹ میلادی شامل هر دو روز می شود) و از سوی دیگر حضور رقبای جدی همچون روسیه، آمریکا، ژاپن، گرجستان، آذربایجان و تک ستاره های کشورهای اروپایی و آسیایی کار ما برای کسب مدال در المپیک توکیو نسبت به المپیک های گذشته دشوارتر است.

وی در مورد نقش شورای فنی تیم های ملی کشتی در تصمیم گیری های اخیر گفت: اعضای شورای فنی تیم های ملی افراد بزرگ و صاحب تجربه ای در کشتی کشور هستند که همواره سعی می کنم از تجارب و نظرات مشورتی این عزیزان به عنوان موسفیدان کشتی بهره مند شوم و در آینده در صورت فراهم شدن شرایط جوانان بیشتری به جمع این عزیزان اضافه می شوند.

کشتی کشور در ۴۵ روز گذشته ۶ مسابقه داخلی- بین المللی و ۹ رقابت داخلی و ۴ اعزام بین المللی و برگزاری اردوهای تیم های ملی را در برنامه داشته و برگزاری مسابقات بین‌المللی جام تختی در رشته آزاد و فرنگی و ۱۸ مسابقه داخلی را تا پایان سال در برنامه خود دارد.

اخبار کوتاه

یک ایرانی در اردوی تیم ملی جودو ترکیه

عضو پیشین تیم ملی جودو کشورمان با کسب عنوان سومی در رقابتهای قهرمانی ترکیه به اردوی تیم ملی این کشور دعوت شد.به گزارش خبرنگار مهر، شایان نصیرپور خردادماه سال ۹۶ به واسطه ملیت مادر خود مقیم ترکیه شد و در تمرینات تیم ملی این کشور شرکت کرد. این جودوکار در رقابتهای قهرمانی این کشور که حکم انتخابی تیم ملی را داشت به عنوان سوم و مدال برنز دست پیدا کرد. وی در این رابطه به خبرنگار مهر گفت: تمرینات خیلی خوبی را پشت سر گذاشته بودم و در این مسابقات سه رقیب خود را ضربه فنی کرده و در مبارزه پایانی برابر نفر یک تیم ملی ترکیه با امتیاز بازنده و به عنوان سوم دست پیدا کردم.نصیرپور ادامه داد: تمرینات تیم ملی آغاز می شود و در این اردو حاضر خواهم شد. اگر بتوانم شرایط مورد نظر کادر فنی و مربیان را فراهم کنم، در سال ۲۰۱۹ به همراه تیم ملی ترکیه در مسابقات مختلف شرکت خواهم کرد.

رکوردی که یوونتوس در کالچو خلق کرد

بانوی پیر با غلبه بر آ.اس‌رم رکورد جدیدی در رقابت‌های سری آ فوتبال باشگاهی ایتالیا خلق کرد. به گزارش خبرگزاری فارس، در مسابقات هفته هفدهم کالچو، یوونتوسی‌ها توانستند یک بر صفر مقابل حریف برنده شوند.این نتیجه در حقیقت شانزدهمین برد تورینی‌ها در فصل جاری بود.یوونتوس ۱۶ برد و یک تساوی را در کارنامه‌اش دارد که یک رکورد جدید در سطح سری آ به حساب می‌آید.این تیم هم اکنون با ۴۹ امتیاز با تیم دوم جدول یعنی ناپولی ۸ امتیاز فاصله دارد.

امارات در تب و تاب میزبانی جام ملت‌های آسیا

در فاصله کمتر از دو هفته تا شروع جام ملت‌های آسیا، ساختمان‌های شهر امارات رنگ و بوی میزبانی این رویداد را گرفته است.به گزارش ایسنا و به نقل از الوطن، نزدیک به یک ماه، کشور امارات میزبانی این رقابت‌ها را بر عهده خواهد داشت.ساختمان‌ها و مراکز مهم کشور امارات به استقبال از این رویداد رفتند تا تب فوتبال در امارات را نشان دهند. ساختمان ۴۰ طبقه اتاق بازرگانی امارات در ابوظبی و ساختمان هنر از جمله مراکز مهمی بودند که تب جام ملت‌ها را در امارات با نشان دادن بنرهای خاص این رقابت‌ها نشان دادند.تصویر لوگوی جام ملت‌ها از جمله عکس‌هایی است که در شهرهای دبی و ابوظبی دیده می‌شود. مسئولان اماراتی اعلام کردند که قصد دارند استقبال گرمی از علاقه‌مندان به فوتبال داشته باشند که برای دیدن بازی‌های جام ملت‌ها وارد این کشور شوند.

رونی: اخراج مورینیو کار درستی بود

وین رونی ستاره سابق تیم منچستریونایتد معتقد است اخراج خوزه مورینیو از سرمربیگری شیاطین سرخ کار درستی بود که باشگاه انجام داد.به گزارش ایرنا، تارنمای خبری بلیچر ریپورت نوشت: قرمزهای اولدترافورد هفته گذشته مورینیو را از خدمت معاف کردند و اوله گانر سولسشر بازیکن اسبق این تیم را به عنوان سرمربی موقت برگزیدند.در این بین، رونی که به عنوان کارشناس به شبکه تلویزیونی بی تی اسپورت دعوت شده بود، پیش از پیروزی ۵ بر یک شیاطین سرخ در نخستین حضور سولسشر روی نیمکت این تیم، اظهار داشت: باید تغییری رخ می داد و به نظرم این تصمیم درستی بود؛ سولسشر تا پایان فصل به عنوان سرمربی برگزیده شد و در حالی که باشگاه به جستجو برای جذب یک سرمربی جدید ادامه می‌دهد، عملکرد او را نیز تحت نظر خواهد گرفت. مسلما آن ها این بار نسبت به انتخاب فرد مناسب، اطمینان حاصل می کنند.

رئیس شورای شهر تهران: از برخی قراردادهای پژوهشی برای پولشویی استفاده می‌شود

رئیس شورای شهر تهران گفت: بخشی از پژوهش های انجام شده کیفیت علمی کافی ندارد و از برخی قراردادهای پژوهشی هم برای پولشویی و انتقال اعتبارات مالی استفاده می شود که بخش قابل توجهی از محتوا، کپی از منابع مختلف است.

به گزارش ایرنا، محسن هاشمی دیروز در یکصد و نهمین جلسه علنی شورای پنجم شهر تهران به بیان برخی آسیب های حوزه پژوهش پرداخت و افزود: برخی از پژوهش های انجام شده درباره پایتخت مساله محور نیستند و این نوع پژوهش ها بیشتر برای حل یک مساله یا معضل شهر انجام نمی شود و بخشی از آنها کیفیت علمی کافی هم ندارند.

وی ادامه داد: همچنین نظام فراخوان پژوهشی ما دچار تبعیض و رانت است و طرح‌های پژوهشی به صورت منصفانه و مبتنی بر شایسته سالاری بین پژوهشگران توزیع نمی شود؛ بخشی از جامعه علمی و توانمند ما هم در حوزه پژوهش با بی توجهی روبه روهستند.

رئیس شورای شهر تهران با بیان این که امروز شاهد دو گونه پژوهش انحرافی و بیجا در سازمان ها هستیم اظهارداشت: نخست، پژوهش برای توجیه و تئوریزه کردن تصمیم های گرفته شده و نوع دوم پژوهش برای کنترل پیامدها و نتایج پیش بینی نشده تصمیم است که این نوع پژوهش را پساتصمیم می نامیم.

وی خاطرنشان کرد: به هر اندازه بتوانیم در پژوهش از مرتبه پساتصمیم به پیشاتصمیم حرکت کنیم، بهره وری و اثربخشی بالاتری را در مدیریت خواهیم داشت.

به گفته هاشمی، وحدت رویه و مکانیسم شفاف در حوزه اجرای طرح های پژوهشی مدیریت شهری وجود ندارد و در این زمینه دچار پراکندگی، موازی کاری و ناکارآمدی هستیم.

وی تصریح کرد: اگر وجود این مشکلات پژوهش را بپذیریم باید درباره ایجاد ساختار پژوهشی کارآمد، منصفانه، رقابتی ومساله محور در مدیریت شهری با استفاده از ظرفیت ها و سیستم موجود بیندیشیم.هاشمی با بیان این که مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران (وابسته به شهرداری) برای ساماندهی و مدیریت فعالیت های پژوهشی تأسیس شده است که تاکنون پژوهش های فراوانی را به انجام رسانده است، گفت: اعضای شورا قبل از تصمیم گیری و تدوین طرح ها و بررسی لوایح از این مطالعات و پژوهش ها استفاده کنند.

معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار تهران هم از برگزاری جلسه شورای ترافیک پایتخت در هفته آینده خبر داد و گفت:در این جلسه در باره اخذ عوارض در محدوده طرح زوج و فرد تصمیم‌گیری می شود. پورسیدآقایی درباره گلایه پلیس از طرح مذکور گفت: این انتقادات خیلی اهمیت ندارد و معاونت حمل و نقل با کار کارشناسی این طرح را ارائه کرده است.

رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر هم تاکید کرد: وضع ناوگان اتوبوسرانی از نظر فرسودگی به هیچ وجه در شرایط مطلوبی نیست و تا پایان امسال، بسیاری از آنها به سن فرسودگی می‌رسند. سید آرش حسینی میلانی با بیان این که ۱۸ درصد آلایندگی ذرات کمتر از ۲.۵ میکرون از سوی اتوبوس‌های شرکت واحد تولید می‌شود، اظهار داشت: با وجود اجرایی شدن طرح معاینه فنی، لازم است نوسازی در اتوبوس‌های شرکت واحد انجام شود.

وی ادامه داد: مشکل دیگر، ون‌های حمل و نقل عمومی است که بسیاری از آنها به سن فرسودگی رسیده‌اند و شرکت‌های خودروسازی از نوسازی عقب‌نشینی کرده‌اند.

قیمت بلیت مترو افزایش نمی‌یابد

رئیس شورای شهر تهران در باره مسائلی که پیرامون افزایش قیمت بلیت مترو مطرح شده است، گفت: برنامه ای در این رابطه نداریم.

محسن هاشمی در حاشیه جلسه شورای شهر و در جمع خبرنگاران اظهار داشت: کلیات دو طرح اولیه اوراق مشارکت و کاهش معاونت‌ها در این جلسه به تصویب رسید و درباره جزئیات آنها در جلسه بعد رسیدگی می کنیم.وی افزود: موضوع تحقیق و تفحص از موسسه همشهری هم در صورت تایید به قوه قضائیه و تخلفات اداری آن هم به تخلفات اداری ارجاع داده می‌شود.

رئیس شورای شهر تهران در مورد شایعاتی که مبنی بر افزایش بلیط مترو تا ۱۰ هزار تومان مطرح شده است، اظهار داشت: تصمیمی برای افزایش بلیط مترو وجود ندارد و موضوع مطرح شده از سوی عضو شورای اسلامی شهر تهران صرفا مبنی بر قیمت تمام شده مترو است.

پایتخت، پاییز امسال ۷۵ روز هوای مطلوب داشت

بر اساس آمار شرکت کنترل کیفیت هوای تهران، پاییز امسال ۷۵ روز در پایتخت هوای مطلوب تنفس کردیم که هفت روز هوای پاک و ۶۸ روز هوای سالم را شامل می‌شود. در همین بازه زمانی هم ۱۵ روز هوای ناسالم برای گروه‌های حساس داشتیم. مقایسه این آمار با سال‌های گذشته نشان می‌دهد که نفس پایتخت‌نشینان پاییز امسال کمتر گرفت. در مجموع مهر، آبان و آذر سال گذشته هوای تهران ۴۳ روز در شرایط نامطلوب قرار داشت که از این تعداد ۳۹ روز ناسالم برای گروه‌های حساس و چهار روز ناسالم برای همه گروه‌ها بود. پاییز سال ۹۵ هم هوای شهر تهران پنج روز در شرایط ناسالم برای همه افراد و ۲۵ روز برای گروه‌های حساس ناسالم بود.

حسین شهیدزاده – سرپرست شرکت کنترل کیفیت هوای تهران – در گفتگو با ایسنا، دراین‌باره اظهار داشت: بهبود کیفیت هوا در پاییز امسال دو دلیل عمده دارد. یکی از آن‌ها میزان اختلاف بارش طی امسال در مقایسه با سال‌های گذشته و دیگری سختگیرانه‌تر شدن قانون معاینه فنی در تهران است. به گفته وی، سرعت آلوده شدن هوای تهران بر اساس منابع آلاینده‌ای که در خود شهر است بسیار بالا است. برای مثال در پاییز سال گذشته، یک روز هوا در شرایط پاک قرار داشت اما در کمتر از ۲۴ ساعت هوا برای گروه‌های حساس ناسالم شد اما خوشبختانه امسال با چنین وضعی مواجه نشدیم. شهیدزاده ادامه می‌دهد: قانون معاینه فنی بخش کوچکی از برنامه‌های کاهش آلودگی هوای تهران است. چک کردن معاینه فنی و جریمه خودروهایی که معاینه فنی ندارند قانون جدیدی نیست اما چون پیش از این به‌صورت دقیق و گسترده اجرا نمی‌شد بسیاری از افراد آن را رعایت نمی‌کردند.

سرپرست شرکت کنترل کیفیت هوای تهران در باره کیفیت مناسب سوخت در تهران توضیح داد: کم‌کم باید حساسیتمان را روی این موضوع کم کنیم، چرا که وزارت نفت توانسته است نسبت به ارائه سوخت با کیفیت به مردم پایتخت اطمینان بدهد.

وی در ادامه به ممنوعیت تولید موتورسیکلت کاربراتوری اشاره کرد و گفت: از چند سال گذشته که متوجه شدیم یک موتورسیکلت کاربراتوری پنج تا هشت برابر خودرو یورو ۲ آلودگی تولید می‌کند به فکر از رده خارج کردن آن از چرخه حمل‌ونقل افتادیم، بنابراین با پیگیری‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان حفاظت محیط زیست تولید موتورسیکلت کاربراتوری ممنوع شد.

افزایش گارانتی تجهیزات کنترل آلودگی هوای خودروها

بر اساس قانون هوای پاک، معافیت خودرو از معاینه فنی چهارسال است، این در حالیست که تجهیزات کنترل آلودگی در خودروها فقط دو سال گارانتی دارد. شهیدزاده در این‌باره معتقد است که میزان گارانتی تجهیزات کنترل آلودگی باید افزایش و سن معافیت معاینه‌فنی کاهش پیدا کند. سرپرست شرکت کنترل کیفیت هوای تهران با اشاره به این که باید برای بهبود کیفیت هوادر تهران تلاش‌های بیشتری صورت بگیرد، می‌گوید: همکاران ما در شرکت واحد اتوبوسرانی بارها اعلام کرده‌اند که بسیاری از اتوبوس‌های شهری فرسوده هستند و باید نوسازی شوند. در حال حاضر تعداد زیادی اتوبوس منتظر نوسازی هستند و نیاز به بودجه‌های کلان دارند. اگر این خودروها نوسازی و بازسازی نشوند نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که کیفیت هوای تهران تغییر چندانی کند.

مشکلات اقتصادی با تقویت مدیریت اجرایی و نظارتی حل می‌شود

بقیه از صفحه ۲

وی این گونه ادامه می دهد: اکنون دولت از پایین آمدن نرخ دلار سخن می‌گوید، اما این کاهش قیمت اصلا با بازار تناسبی ندارد. بازار چیز دیگری است، دلار چیز دیگری. قیمت اجناس هنوز بالاست. ما در مجلس به دنبال این هستیم که شرایط را برای مردم بهتر کنیم. ما مبنای دلار ۳۵۰۰ تومان را برای بودجه ۹۷ درنظر گرفته بودیم که دولت خودسرانه ۴۲۰۰تومان درنظر گرفت و حتی نتوانست آن را ثابت نگه دارد.

وی می افزاید: نوسانات قیمت دلار روی مواد اولیه، تولید و صادرات تأثیر سو می‌گذارد،لذا باید مجلس، کمیسیون اقتصادی مجلس و دولت آن رابررسی کند. اگر دولت از یافته‌های کمیسیون اقتصادی مجلس استفاده می‌کرد اکنون اوضاع بهتری داشت.

وی تاکید می کند که کمیسیون اقتصادی مجلس به دنبال روند کاهش قیمت ارز است .

گفته‌های عضو کمیسیون فرهنگی مجلس

ذوالقدر نماینده مردم تهران در پاسخ به این که به نظرمی رسد یکی از عوامل دین‌گریزی، فقر اقتصادی است، کمیسیون فرهنگی مجلس برای رفع این معضل چه راهکارهایی دارد، می گوید: بررسی وضع اقتصادی و معیشت به صورت تخصصی در کمیسیون اقتصادی صورت می گیرد. ما بیشتر روی مسائل فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی و اقتصاد فرهنگی کار می کنیم . کمیسیون فرهنگی با وزارت ارشاد برای تبلیغ فرهنگ اقتصاد همکاری می‌کند. در شرایط فعلی که وضع اقتصادی نابسامان است ما به این موضوع فکر می‌کنیم که فرهنگ چه کمکی می تواند به اقتصاد کند. قطعاً بحث درست مصرف کردن، صرفه‌جویی کردن و به اندازه مصرف کردن باید فرهنگسازی شود و این مسائل می‌تواند در وضع جامعه تاثیرگذار باشد. متأسفانه الگوهای غلط مصرفی هنوز در جامعه وجود دارد. خرید بیش از حد، مصرف بیش از حد و سطل‌های زباله ای که پر از نان و مواد غذایی است. باید همواره فرهنگسازی شود نه فقط در شرایط سخت، اما اکنون این موضوع اهمیت مضاعفی می یابد چون با بحران اقتصادی مواجهیم و سطح حقوق‌ها پایین است. رعایت الگوی صحیح مصرف از وظایف کمیسیون فرهنگی مجلس است تا به فرهنگسازی بپردازد.

وی می افزاید: کمیسیون فرهنگی همیشه در نشست‌های مشترک با وزرای مختلف بر مصرفه بهینه تأکید دارد. همچنین بر استفاده از کالای ایرانی که منجر به اشتغالزایی هم می شود تاکید می کنیم. اخیراً نشستی با وزیر آموزش و پرورش داشتیم که در آن به موضوع تولید ملی و استفاده از کالای ایرانی پرداختیم. در آن جلسه پرسیده شد که چه کارهایی در زمینه فرهنگسازی برای استفاده از کالاهای ایرانی در آموزش و پرورش صورت گرفته است. مثلا برگزاری نمایشگاه‌ها به چه صورتی بوده، چقدر فرهنگسازی شده تا دانش‌آموزان از اقتصاد مصرفی درست استفاده کنند و صرفه‌جویی در مدارس داشته باشند. این مسائل درکمیته‌ها تخصصی بررسی می‌شود.

ذوالقدر درباره گزارش‌هایی که باید در نشست‌های شورای اجتماعی به رهبر معظم درباره وضع کشور ارائه دهند، می گوید: گزارش آینده ما در کمیسیون فرهنگی آماده است و قطعا درباره وضع معیشتی، مشکلات زنان سرپرست خانواده، آسیب‌های اجتماعی مثل تکدیگری گزارش می‌دهیم؛ در این زمینه جلساتی متعددی با بهزیستی و کمیته امداد، وزارت کشور گذاشته شده است.

گزارش از: زهره گردان

رئیس جمعیت هلال‌احمر: ۱۰ درصد مردم در زمان وقوع حوادث آمادگی دارند

رئیس جمعیت هلال‌احمر با اشاره به این که در تفاهمنامه‌ای با آموزش و پرورش و استانداری سیستان و بلوچستان مدارس ابتدایی و پیش‌دبستانی این استان به زودی مجهز به سیستم گرمایشی استاندارد می‌شود، گفت: فقط ۱۰ درصد از مردم آمادگی در زمان وقوع حوادث دارند.

به گزارش فارس، علی‌اصغر پیوندی در ارتباط با نقش نیروهای هلال‌احمر در اجرای طرح ترافیکی زمستان، اظهار داشت: رهاسازی خودرو، اسکان اضطراری و تغذیه اضطراری مسافران در راه مانده و انتقال مصدومان به مراکز درمانی را بر عهده دارند و در کنار دستگاه‌هایی چون اورژانس، پلیس راهور و راهداری طرح ترافیکی زمستان را اجرا می‌کنیم.

وی افزود: دو علت عمده مشکلات و حوادث ترافیکی در زمستان همراه نداشتن زنجیر چرخ و توجه نکردن به وضع جوی قبل از سفر است. بنابر این توصیه می‌شود که هموطنان پیش از سفر به این دو نکته ضروری توجه لازم را داشته باشند.

رئیس جمعیت هلال‌احمر با اشاره به اهمیت پیشگیری از حوادث گفت: زیرساخت‌های جاده‌ای در صورتی که مناسب باشد و خودروها از استاندارد بالا برخوردار باشند حوادث کمتر به وقوع می‌پیوندد که البته ما نقشی در این قسمت نداریم ولی گسترش آموزش‌ها و فرهنگ‌سازی می‌تواند در جهت پیشگیری موثر واقع شود.

پیوندی بیان داشت: در صورتی که هموطنان در محورهایی که همراه با برف و کولاک است سفر می‌کنند باید حتماً تغذیه و اسکان اولیه را به همراه داشته باشند و استفاده از زنجیر چرخ را مدنظر قرار دهند.

وی گفت: نجات‌گران و امدادگران هلال‌احمر در همه شرایط سخت جوی از جمله برف و کولاک جان خود را به خطر انداخته تا مصدومان را منتقل و در اسرع وقت اقدامات لازم برای آنها انجام گیرد البته هر چند ممکن است گاهی از لحاظ توانمندی‌های امدادی با مشکل مواجه باشیم اما این افراد خالصانه برای رفع مشکلات مردم گام برمی‌دارند.

رئیس جمعیت هلال‌احمر با اشاره به وقوع حادثه یکی از مدارس سیستان و بلوچستان و جان باختن چهار دانش‌آموز گفت: تلاش می‌کنیم که در کنار سایر دستگاه‌ها بتوانیم گوشه‌ای از مشکلات مردم در این استان را که بسیار وفادار به نظام هستند برطرف کنیم بر همین اساس با همکاری آموزش و پرورش و استانداری این استان و تفاهم‌نامه‌ای که به زودی در این زمینه با آنها منعقد می‌شود مدارس ابتدایی و پیش‌دبستانی سیستان و بلوچستان مجهز به سیستم گرمایشی استاندارد می‌شود.

پیوندی گفت: برآورد قیمت در این زمینه انجام گرفته و مبالغ هم مشخص شده است و به زودی این اقدام مهم صورت می‌گیرد تا زمستان بدون حادثه‌ای را در مدارس این استان شاهد باشیم. البته دلمان می‌خواهد که سایر استان‌ها هم چنین اقداماتی برای آنها انجام دهیم ولی توان ما زیاد نیست و در حد بضاعت خود می‌توانیم این امر را انجام دهیم.

وی در ادامه با اشاره به اینکه کشور ما پرحادثه است و مردم باید آمادگی‌های لازم را در مقابله با حوادث را داشته باشند، خاطرنشان کرد: آمادگی بحثی است که خیلی به آن پرداخته نشده است و سه روز از سالگرد حادثه زلزله ۵،۲ ریشتری تهران می‌گذرد و از طرفی سه روز مانده به سالگرد حادثه تلخ بم است که متأسفانه ۳۵ هزار هموطن در آن جان باختند.

رئیس جمعیت هلال‌احمر با بیان اینکه از ۴۲ حادثه طبیعی ۳۰ تا ۳۲ مورد احتمال وقوع در کشور ما دارد که زلزله بدترین نوع آن است، گفت: هیچ نقطه‌ای از ایران در مقابل زلزله مصونیت ندارد و امیدواریم با آموزش‌های فراگیر آمادگی مقابله با زلزله روز به روز افزایش یابد البته ما در این زمینه نقشی نداریم و جزو ۲۰ دستگاهی هستیم که جزو مدیریت بحران است و تلاش می‌کنیم بهترین پاسخ‌ها را با افزایش توانمندی‌ها و آموزش‌های مردم داشته باشیم.

پیوندی بیان داشت: البته ایران جزو ۱۰ کشور جمعیتی برتر دنیا میان جمعیت‌های هلال‌احمر و صلیب‌سرخ است و توانمندی‌های مناسبی داریم ولی آموزش عمومی و همگانی باید بیشتر شود و ما هم در همین زمینه طرح دادرس را در مدارس انجام داده و طی تفاهم‌نامه‌ای با نیروهای مسلح برنامه‌هایی برای آموزش سربازان داشته‌ایم.

وی گفت: آموزش عمومی مردم در مقابله با حوادث و آمادگی آنها حدود ۱۰ درصد است و فاصله زیادی با حد استاندارد داریم که همه ما از جمله رسانه‌ها و سایر دستگاه‌ها باید به این موضوع اساسی توجه داشته باشیم.

دکتر ملک‌زاده: در حوزه تحقیقات در بالاترین نقطه منطقه هستیم

معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت با اشاره به رتبه ایران در سطح ملی تحقیقات و همچنین رشدچشمگیروجهش‌های صورت گرفته ملی طی سال‌های اخیر، گفت: در حال حاضر در حوزه تحقیقات در بالاترین نقطه منطقه قرار داریم.

به گزارش ایسنا، دکتر رضا ملک زاده در نوزدهمین جشنواره پژوهشی ابوریحان بیرونی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، با بیان اینکه در سال ۲۰۱۸ در بین کشورهای اسلامی بالاترین رتبه را در زمینه تولیدات علمی منطقه کسب کرده‌ایم، افزود: تولید علم کشور به دو درصد در دنیا رسیده، این در حالی است که کشور ما یک درصد جمعیت دنیا را تشکیل می‌دهد.

وی با اشاره به اینکه ایران در زمینه تولیدات علمی دنیا در رتبه پانزدهم قرار دارد، گفت: براساس رتبه بندی موسسه تایمز در گذشته تنها یک دانشگاه ما در این رتبه بندی قرار داشت. در حالی که هم اکنون ۲۹ دانشگاه کشور در رتبه بندی تایمز لحاظ می‌شود.

وی با انتقاد از بودجه ناچیز پژوهشی کشور عنوان کرد: در ابتدا قرار بود سه درصد بودجه ناخالص ملی به حوزه پژوهش اختصاص یابد ولی متاسفانه در حال حاضر تنها ۰/۳ درصد این بودجه صرف پژوهش و توسعه علم می‌شود که رقم بسیار ناچیزی است.

این استاد پیشکسوت دانشگاه با اشاره به کسب مقام دوم تولید علم کشور توسط دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی گفت:انتظار ما رشد بیشتر دانشگاه شهید بهشتی در شاخص‌های کیفی است، به گونه‌ای که از متوسط کشوری بالاتر روند چرا که این دانشگاه توان دستیابی به جایگاه اول کشور را داراست. بنابراین باید در این راستا سرمایه گذاری بیشتری در حوزه نخبگان و جذب نیروهای برتر پژوهشی داشته باشیم تا به ارتقای دانشگاه در سطح بین‌المللی کمک کنند.

براساس این گزارش دکتر محمد آقاجانی رییس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هم با اشاره به بودجه اندک برای پژوهش در کشور و به تبع آن دانشگاه، گفت: از ۳۵ میلیارد تومان بودجه پژوهشی دانشگاه در سال ۹۷ حدود ۵۰ درصد از آن از طریق درآمدهای اختصاصی بیمارستان ها تامین شده است. یعنی دو درصد درآمد اختصاصی بیمارستان ها به این موضوع اختصاص داده شده است.

وی با اشاره به کمبودهای جدی منابع مالی دانشگاه، عنوان کرد: حدود ۵۰ درصد از استادان دانشگاه در بودجه لحاظ نشده است. به گونه‌ای که بزرگترین گرفتاری و کمبود بودجه مربوط به دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی است. البته در بودجه سال ۹۸ تلاش شده است تا بودجه پژوهشی دانشگاه دو برابر شود که این مساله در لایحه بودجه آمده است.

دکتر افشین زرقی معاون تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هم در این مراسم از رونمایی از مرکز رشد مشترک صنعت و پزشکی میان این دانشگاه و دانشگاه صنعتی امیرکبیر خبر داد.

وی با اشاره به قرارداد با ۲ دانشگاه صنعتی کشور گفت: با دانشگاه صنعتی خواجه نصیر گروه مشترک، پروژه مشترک و در نهایت دانشکده مشترک خواهیم داشت و با دانشگاه صنعتی امیرکبیر نیز مرکز رشد مشترک امیرکبیر و شهید بهشتی خواهیم داشت. اتاق مشترک علوم پزشکی شهید بهشتی و امیرکبیر نیز ایجاد شده است.

رئیس سازمان حفظ آثار دفاع مقدس ارتش معرفی شد

رئیس جدید سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش در مراسمی معرفی شد.

به گزارش ایرنا، در این مراسم که با حضور امیر دریادار حبیب الله سیاری معاون هماهنگ‌کننده ارتش برگزار شد از زحمات امیر سرتیپ دوم حسین سیفی رئیس پیشین سازمان تقدیر و امیر سرتیپ دوم ستاد محمدرضا فولادی به عنوان رئیس سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش معرفی شد .امیر سرتیپ فولادی در کارنامه خود فرماندهی دانشگاه افسری امام علی علیه السلام ارتش را دارد.

ارجاع پرونده ۲ شرکت متخلف به مراجع قضایی

کیانوش جهانپور سخنگوی سازمان غذا و دارو در گفت‌وگو با فارس اظهار داشت: پرونده تخلف دو برند معروف اسنک‌های حجیم بر پایه ذرت به دستگاه قضایی ارجاع داده شد. پس از بررسی‌های صورت گرفته و احراز تخلف انجام شده، پرونده با توجه به استفاده از ماده اولیه نابجا این دو شرکت جهت برخورد قانونی به دستگاه قضایی ارجاع شد.

وی گفت: سایر شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که به نوعی از ذرت به عنوان ماده اولیه استفاده می‌کنند نیز طبق ضرب‌الاجل تعیین شده از سوی سازمان غذا و دارو مورد بازرسی فوق‌العاده قرار می گیرند. این بازرسی‌ها توسط معاونت‌های غذا و دارو سراسر کشور در حال انجام است. گزارش نهایی این بازرسی فوق‌العاده نیز تا نیمه دی ماه منتشر می‌شود.

ماجرای خرید و فروش موتورسیکلتی دارو و چالش داروخانه‌های بزرگ

رئیس داروخانه ۱۳ آبان با اشاره به ماجرای خرید و فروش غیرقانونی سودجویان بازار دارو در نزدیکی برخی داروخانه‌های بزرگ، گفت: متاسفانه همچنان شاهد چنین صحنه‌هایی هستیم و هر زمان که بحث کمبود دارو یا اختلاف قیمت ارز پیش آید، قاچاق دارو چه از داخل و چه از خارج صرفه پیدا می‌کند و چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد.

دکتر محمدرضا روئینی در گفت‌وگو با ایسنا، درباره وضعیت ذخایر دارویی در داروخانه ۱۳ آبان، گفت: ذخایر دارویی در داروخانه ۱۳ آبان در گروه داروهای خاصی که در داروخانه‌های معمولی پیدا نمی‌شود، در حد قابل قبولی است. البته در برخی اقلام دارویی کمبود هم داریم که عمده آنها دچار کمبود کشوری هستند.وی با بیان اینکه طبق آخرین گزارش‌ها میزان کمبودهای دارویی حدود ۵۰ قلم، است، افزود: البته ممکن است اقلامی هم باشند که در کشور دچار کمبود نباشند، اما ما در برهه‌ای آنها را نداشته باشیم. از طرفی همچنان منتظریم تا مطالبات‌مان وصول شود.روئینی با بیان اینکه در زمینه داروهای خاص میزان کمبودهایمان محدود است، گفت: البته برخی از داروخانه‌های بزرگ سطح شهر این داروها را دارند که بیماران می‌توانند از آنها داروی مورد نیازشان را تهیه کنند.

رئیس داروخانه ۱۳ آبان با بیان اینکه خوشبختانه وضعیت در حوزه دارو نسبت به دو – سه ماه گذشته بهتر شده، ادامه داد: زیرا وزارت بهداشت عزمش را جزم کرد تا مشکل کمبودهای دارویی را تا حد امکان کاهش دهد و در نتیجه وضعیت‌مان در حوزه تامین دارو نسبت به دو – سه ماه قبل بسیار بهتر شده و کمبودهای مان نصف شده‌اند. البته با توجه به بروز تحریم‌های آمریکا علیه کشورمان، بحث نقل و انتقالات پولی به طور جدی مطرح است؛ به ویژه برای کارخانجات تولیدکننده داخلی که سازوکار خاصی برای تولید پول ندارند.وی در ادامه صحبت‌هایش با اشاره به خرید و فروش موتورسیکلتی دارو از سوی برخی افراد سودجو در نزدیکی داروخانه‌های بزرگ، گفت: متاسفانه همچنان شاهد چنین صحنه‌هایی هستیم. هر زمان که بحث کمبود دارو یا اختلاف قیمت ارز پیش آید، قاچاق دارو هم چه از داخل و چه از خارج صرفه پیدا می‌کند و چنین اتفاقاتی رخ خواهد داد. از طرفی صرف توسل به زور برای از بین بردن این مسائل کارساز نیست و نمی‌توان در سراسر کشور از این طریق همه داروخانه‌ها را پوشش داد.

رئیس داروخانه ۱۳ آبان تاکید کرد: متاسفانه وقتی که قیمت ارز پایین است، قاچاق از خارج به داخل کشور انجام می‌شود و در شرایط افزایش قیمت ارز هم شاهد قاچاق از داخل کشور به خارج هستیم. به این صورت که برخی افراد سودجو اقدام به خرید داروهای گران قیمت دارای سوبسید دولتی از بیماران می‌کنند.روئینی با بیان اینکه مردم اگر ناچار نباشند، هیچ‌گاه به این افراد دارو نمی‌خرند، گفت: در بسیاری از موارد خرید دارو از این افراد بسیار خطرناک است. به وفور مشاهده شده که داخل ظرف دارو آن چیزی نیست که ادعا کرده‌اند و یا ترکیبات مضری جای داروی اصلی را پر کرده است. این تقلبات به میزان معدود در کشور خودمان و عمدتا در کشور پاکستان اتفاق می‌افتد و داروهای تقلبی را وارد کرده و دست مردم می‌دهند. باید توجه کرد که برای هیچکس به راحتی تشخیص داروی اصیل از تقلبی امکان‌پذیر نیست. بنابراین مردم از داروخانه‌ها داروهایشان را تهیه کنند.

ترحیم

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت همسری مهربان و پدری فداکار مرحوم مغفور **شادروان حسن سام‌زاده** بزرگ خاندان را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و آشنایان محترم می‌رساند. به همین مناسبت مجلس ختم آن مرحوم روز دوشنبه ۱۳۹۷/۱۰/۳ راس ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در شهرک غرب میدان صنعت بلوار فرحزادی ابتدای خیابان شهید حسن سیف برگزار می گردد حضور به‌هم رسانند.

از طرف خانواده‌های: سام‌زاده ـ آئینه چیان ـ امراللهی ـ ممیزی ـ افضل‌زاده و سایر بستگان.

به نام او که هستی نام از او یافت
دلا معاش چونان کن که چون بلغزد پای
فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند **آقای دکتر محمد رازی** متخصص اطفال در بیمارستان توس بار آخرین سفر خود را بست و حسرت دیدار دیگر را تا ابد بر دل دوستدارانش نهاد.
مراسم تشییع جنازه آن مرحوم روز سه‌شنبه مورخ ۹۷/۱۰/۴ ساعت ۹ صبح از مقابل بیمارستان توس برگزار می گردد. و بدین مناسبت مجلس ترحیم آن مرحوم روز ۵شنبه مورخ ۹۷/۱۰/۶ از ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در بلوار فرحزادی برگزار می گردد.
شرکت شما سروران عزیز موجب آرامش و شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

همسر: خانم نسرین زاهدی
فرزندان: مهندس امیر محمود رازی ـ دکتر مانی رازی ـ مهندس کامیار رازی ـ مهندس شهریار رازی
و عروس‌ها: خانم مهندس ندا دهقانی ـ خانم دکتر مه‌لقا حسن پور
برادران آن مرحوم: مهندس علی رازی ـ مهندس احمدعلی رازی
و خواهر آن مرحوم خانم فریده رازی

یادبود

سالگرد درگذشت زنده‌یاد **دکتر محمدرضا سلطانپور دهکردی** استاد پیشکسوت دانشگاه تهران را گرامی می‌داریم.
یادش گرامی و روحش مشمول رحمت مستدام خداوند باد.

خانواده سلطانپور و بستگان

دلم برای روزهایی تنگ است که می‌دانم باز نخواهد گشت
برای پدرم که ۳ سال است ندارمش، به راستی که چه زود دیر شد...
پدرم، میان تمام نداشتن‌ها دوستت دارم
شانس دیدنت را هر روز ندارم، ولی دوستت دارم
وقتی دلم هوایت را می کند حق شنیدن صدایت را ندارم، ولی دوستت دارم
وقت‌هایی که روحم درد دارد و می‌شکند شانه‌هایت را برای گریستن کم دارم، ولی دوستت دارم
آری همه وجودمی ولی هیچ جای زندگیم ندارمت و میان تمام نداشتن‌ها باز هم با تمام وجودم دوستت دارم.
۳ دی‌ماه، سومین سالگرد سفر ابدی **منصورخان احمدی ندوشن**

از طرف همسر و دختران

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

سوم دی ماه اولین سالگرد درگذشت مرحوم **حاج حسین شاه حسینی** پهلوانی مردم‌دار، آزاد مرد و مبارزی خستگی ناپذیر را گرامی می‌داریم.

حامده و محمودرضا شاه حسینی ـ محمدمهدی سفیدابی

تسلیت

خانواده محترم حاج امین الاسلامی در نیشابور
با کمال تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی دوست و همکارمان **زنده یاد مهندس محمد امین الاسلامی** از مدیران سابق بانک کشاورزی را به خانواده‌های محترم حاج امین الاسلامی و برادران و خواهران و دکتر اجلالی داماد ایشان و سایر بستگان تسلیت گفته، سلامتی بازماندگان را از خداوند متعال مسئلت داریم.

دوستان و همدوره‌ای‌های بازنشسته بانک کشاورزی

جناب آقای دکتر ایرج قدوسی
با کمال تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت دارد.

مدیرعامل و پزشکان بیمارستان ایرانمهر

جناب آقای دکتر بیژن شاهرخی
بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم مغفور غفران الهی و برای کلیه بازماندگان معزز صبر و شکیبایی مسئلت می نمائیم.

شرکت بی.ان.ام
محمدحسن مرادی

انالله و انا الیه راجعون
همکار گرامی جناب آقای دکتر قدوسی
با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه آمرزش و برای شما و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم. ما را در غم خود شریک بدانید.
مدیرعامل، هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان کسری

جناب آقای دکتر امیرحسین شاه‌خلیلی
درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم آرامش و برای بازماندگان محترم صبر و شکیبایی مسئلت می نماییم.

مسعود ابراهیم‌شاه ـ ابراهیم شاکری شمیرانی

بازگشت همه به سوی اوست
جناب آقای دکتر بیژن شاهرخی
رئیس هیئت مدیره بیمارستان تهران
بانهایت تأثر و تأسف مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

مدیرعامل ـ هیئت مدیره ـ پزشکان و پرسنل بیمارستان لاله

بازگشت همه به سوی اوست
جناب آقای دکتر جواد کاکوئی
مدیریت محترم درمان و داخلی بیمارستان تهران
بانهایت تأثر و تأسف مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

مدیرعامل ـ هیئت مدیره ـ پزشکان و پرسنل بیمارستان لاله

خانواده محترم قاضی
درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از خداوند بزرگ آرزوی صبر و سلامتی برای شما داریم.

مدیریت و کارکنان آزمایشگاه تجریش

جناب آقای محمد امراللهی
بدینوسیله درگذشت پدر همسر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند برای آن مرحوم طلب مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

از طرف کارکنان شرکت توسعه راه و ساختمان

سپاسگزاری

تشکر و قدردانی
از شرکت عزیزان و بزرگوارانی که در مراسم سوگواری **بانو سوری مجلسی** در مسجد جامع بقیةالله و در رستوران نایب آبان حضور به هم رسانیده‌اند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

از طرف برگزار کننده مراسم
همسر: فیروز سعیدی
فرزندان: بهارک ـ فرهود ـ و بابک سعیدی

آگهی تغییرات شرکت مدیران تجارت ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۱۶۸۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۶۴۸۸۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضای هیئت‌مدیره به شرح ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: شرکت گروه ارزش آفرینان پاسارگاد (سهامی عام) شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۱۰۹۴۱ شرکت سامان تجارت تدبیر ایرانیان (سهامی خاص) شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۶۰۳۶ شرکت نظم آوران شایسته (سهامی خاص). شناسه ملی ۱۰۱۰۳۷۰۵۱۷۰
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۲۳)

آگهی تغییرات شرکت تولیدی شیشه های ایمنی به نور شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۱۲۲۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۶۴۷۴۰۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: تراز نامه وحساب سود وزیان منتهی به سال ۱۳۹۶ بتصویب رسید. مؤسسه حسابرسی آزمون پرداز ایران مشهود با شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۸۷۶۲۵ به عنوان بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت شهود امین با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۱۵۶۱۶ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۲۲)

آگهی تغییرات شرکت خدمات و تجارت مدیران پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۹۰۷۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۳۵۰۷۱۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: در اجرای ماده ۱۴۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت سرمایه شرکت از مبلغ ۷۱۸۵۳۴۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۹۲۹۴۴۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۹۲۹۴۴ سهم ۱۰۰۰۰۰ ریالی بانام کاهش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح می گردد
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۹)

آگهی تغییرات
شرکت صنایع غذایی تورنگ بین الملل سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۰۲۳۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۲۲۳۳۲
پیرو آگهی شماره ۱۳۹۷۳۰۴۰۰۹۰۱۰۷۹۶۳۶ مورخ ۹۷/۷/۲۲ کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت با دو امضای متفق دارندگان حق امضای شرکت بشرح آقایان غلامرضا صادقی نژاد با شماره ملی ۴۳۲۲۴۹۹۴۱۴، سیدمهرداد خواجه وندی با شماره ملی ۰۴۹۱۲۷۸۷۳۱، ارشیا صادقی نژاد با شماره ملی ۰۴۵۰۴۷۰۹۳۸، علیرضا موحدپور با شماره ملی ۰۴۵۱۳۲۹۳۵۱ و شهرام عدل پرور با شماره ملی ۰۰۶۰۰۹۷۴۲۶ همراه با مهر شرکت دارای اعتبارات است و اوراق و مکاتبات اداری و عادی شرکت با امضای یک نفر از دارندگان حق امضا فوق همراه با مهر شرکت دارای اعتبار است. صحیح می‌باشد
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۸)

آگهی تغییرات شرکت مهندسی دژار طاق افراز سهامی خاص به شماره ثبت ۳۸۳۹۲۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۴۶۵۹۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مرکز شرکت به: تهران، شادآباد، بازار آهن، بلوک ۱۰شمالی، پلاک۴۸۷به کد پستی۱۳۷۱۸۸۵۸۴۷ انتقال یافت .و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۷)

آگهی تغییرات
انجمن کمک به افغانی های مقیم ایران به شماره ثبت ۴۳۰۲۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۱۴۵۵۴۵
به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۱۰ و مجوز وزارت کشور بشماره ۱۴۹۹۹۶ مورخ ۹۷/۸/۱۹تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای ابراهیم بنائی به شماره ملی ۱۶۳۸۲۳۶۸۸۷ عضو هیئت‌مدیره و خزانه دار و آقای جبار عزتی کهورین به شماره ملی ۱۵۳۳۸۳۷۸۱۳ رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل و آقای سعید پرواره به شماره ملی ۰۰۴۸۹۹۸۷۶۱ بازرس اصلی و آقای شهریار جان فدا به شماره ملی ۱۷۲۸۹۳۵۰۲ عضو هیئت‌مدیره و آقای علی مصطفی روزبهانی به شماره ملی ۰۰۵۰۸۹۰۴۰۹ عضو هیئت‌مدیره وآقای ناصر نصیرائی مقدم به شماره ملی ۰۹۴۱۷۵۳۱۲۳ نایب رئیس هیئت‌مدیره تعیین سمت گردیدند حق امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور مؤسسه از قبیل چک، سفته، بروات، قرارداد ها و عقوداسلامی با امضاء مدیرعامل و یک نفر از اعضاء هیئت‌مدیره متفقاً همراه با مهر مؤسسه معتبر می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۱)

آگهی تغییرات موسسه خیریه توسعه مرکز جراحی وردآورد به شماره ثبت ۴۰۳۳۰ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۳۹۸۲۳۱
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۰۷ و مجوز شماره ی ۹۱۷/۹۶۸/۳۸۸۰ مورخه ۹۶/۱۲/۷ سازمان بهزیستی تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ -محل موسسه در واحد ثبتی تهران به آدرس تهران -بخش مرکزی -شهر تهران: نشانی استاندارد -محله داروپخش معبر ما قبل آخر خیابان اردیبهشت معبر آخر خیابان ۶۱ داروپخش پلاک صفر طبقه همکف کدپستی ۱۳۹۷۱۴۴۱۱۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۶)

آگهی تغییرات شرکت صنایع آلوم رول نوین سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۵۸۷۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۵۲۳۶۴
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۹۲۴۳۵۶۶۰۰۰۰ ریال منقسم ۱۰۰۰۰ به سهم ۹۲۴۳۵۶۶۰ ریالی با نام از طریق مطالبات حال شده افزایش یافته و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح وذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۵)

آگهی تغییرات
شرکت تعاونی مسکن کانون بازنشستگان وزارت امور اقتصادی و دارائی به شماره ثبت ۲۰۵۳۲۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۶۹۷۴۷
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۶/۰۳/۲۸ و مجوز شماره ۹۶۲/۱۱۰/۱۰۷۴۶۵ مورخ ۹۶/۵/۲۸ اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: تراز نامه و حساب سود وزیان صورت های مالی سال ۱۳۹۵ به تصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. -خانم فاطمه منصوری مقدم به شماره ملی ۰۰۴۱۹۹۲۷۱۷ به عنوان بازرس اصلی و آقای رسول دلفانی به شماره ملی ۹۴۶۳۷۴۵۶۲۷ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۴)

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری تدبیر گران آتیه ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۴۶۰۷۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۶۷۱۵۱
به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای پژمان شعبان پور شماره ملی ۰۰۷۰۲۸۱۰۳۳ به نمایندگی از شرکت گروه مالی مهر اقتصاد شناسه ملی۱۰۱۰۱۸۶۳۵۲۸ بعنوان نایب رئیس هیئت‌مدیره برای باقیمانده مهلت قانونی در هیئت‌مدیره بجای آقای سید علی رئیس زاده شماره ملی ۱۱۹۹۱۹۹۵۹۱ تعیین گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۱)

آگهی تغییرات
شرکت فنی بازرگانی پیشرو انرژی گستر آوین سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۵۸۸۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۵۹۲۲۸
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۹/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موضوع شرکت به شرح ذیل تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: انجام کلیه امور پیمانکاری، مشاوره، خدمات نظارت عالیه و کارگاهی مربوط به خطوط جریانی و انتقال نفت و گاز و پتروشیمی، ساخت پالایشگاههای نفت و گاز و مجتمع های پتروشیمی، ساخت مخازن نفت و گاز و پتروشیمی، انجام کلیه امور مربوط به تهیه طرحهای توجیهی (امکان سنجی) و نظارت بر اجرای طرحهای توجیهی و مصرف صحیح منابع مالی، مشاوره سرمایه گذاری در رسته مطالعات امکان سنجی اقتصادی، فنی و مالی و غیره... اجرای طرحهای سرمایه‌گذاری و نظارت بر اجرای طرحها و مصرف صحیح منابع، انجام کلیه امور مربوط طراحی مشاوره، مشاوره مالی و مهندسی و نظارت فنی و اجرا و مدیریت پروژه های صنعتی و ساختمانی و تعمیر و نگهداری و بازرسی فنی و انجام پروژه های ای پی سی (EPC) و کلید به دست در داخل و خارج کشور و ساخت قطعات و تجهیزات صنعتی و همچنین ارائه خدمات مدیریتی و خرید و فروش و صادرات کلیه کالاهای مجاز بازرگانی و تدارکاتی و ترخیص کالا از گمرکات داخل کشور و طراحی و تجهیز و راه اندازی انواع آزمایشگاه‌های صنعتی و تاسیساتی و برگزاری کلاس‌های آموزشی برای پرسنل داخل شرکت جهت موضوع شرکت و سرمایه گذاری در کلیه پروژه‌های صنعتی و پیمانکاری و تامین قطعات و تدارک کالا و ماشین آلات صنعتی مورد استفاده کارخانجات و آزمایشگاه‌ها و ارائه مشاوره فنی و مهندسی مشاوره مالی به واحدهای صنعتی و اخذ وام و تسهیلات بصورت ارزی و ریالی و عقد قرارداد با کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و شرکت در مناقصات و مزایدات دولتی و خصوصی و گشایش اعتبارات و ال سی برای شرکت نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری معتبر اخذ و اعطای نمایندگی معتبر داخلی و خارجی.(در صورت ضرورت قانونی انجام موضوعات پس از اخذ مجوزهای لازم)
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۰)

آگهی تغییرات شرکت شیمیایی سمن سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۳۱۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۰۹۰۵۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۶ بتصویب رسید. موسسه حسابرسی اندیشمند تدبیر ۱۰۱۰۰۶۰۸۰۶۹به سمت بازرس اصلی و علی صدیقی نژاد ۰۰۵۱۲۴۵۱۳۲به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۲)

آگهی تغییرات شرکت پالار سهامی خاص به شماره ثبت ۷۴۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۳۴۵۸۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: تبصره زیر به ماده ۳۱ اساسنامه الحاق گردید: مدیر عامل و اعضای هیئت‌مدیره میتوانند تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به شخص دیگری با اعطای وکالت تفویض نمایند .
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۰)

آگهی تغییرات شرکت پلی رزین سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۰۰۲۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۲۵۰۷۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه حسابرسی اندیشمند تدبیر حسابداران رسمی با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۰۸۰۶۹ به سمت بازرس اصلی و علی صدیقی‌نژاد به کد ملی ۰۰۵۱۲۴۵۱۳۲ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید .
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۱۳)

آگهی تغییرات
شرکت مجتمع کشت و صنعت اشراق سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۶۴۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۵۱۸۷۸
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، آرژانتین-ساعی، خیابان شهید خالد اسلامبولی، خیابان سی و سوم، پلاک ۱۶، طبقه همکف کد پستی ۱۵۱۶۶۵۵۳۱۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید. در صورت لزوم انتقال مرکز اصلی شرکت به هر نقطه دیگر، دایر و منحل نمودن شعب و نمایندگی ها در داخل و خارج از ایران بنا به تصویب هیئت‌مدیره صورت خواهد گرفت. ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۲)

آگهی تغییرات شرکت انرژی و پالایش خرد سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۲۵۹۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۵۰۲۷۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۵/۱۷ و تنفس مربوطه تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -ترازنامه وحساب سود و زیان سال مالی منتهی به سال مالی ۱۳۹۶ به تصویب رسید. -موسسه حسابرسی آزمودگان به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۵۲۳۳۹ به سمت بازرس اصلی و موسسه حسابرسی احراز ارقام به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۹۴۷۴۹ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. -روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۷)

آگهی تغییرات
شرکت مولد برق شرق اصفهان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۳۰۸۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۰۶۲۵۵۰
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به تاریخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرارگرفت. مؤسسه حسابرسی بصیر محاسب توس به شناسه ملی ۱۴۰۰۵۲۷۷۵۰۸ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی مهرگان‌تراز و همکاران به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۳۳۹۲۹ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. اعضاء هیئت‌مدیره برای مدت دو سال به شرح ذیل انتخاب گردیدند: شرکت فراب به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۵۳۵۳۵ به نمایندگی محمد رضا ملکیان به کد ملی ۰۰۵۱۶۶۴۵۹۳، شرکت بهره برداری و نگه داری فراب به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۸۲۱۹۱۰ به نمایندگی یوشا رادپرور به کد ملی ۲۲۹۶۳۰۳۱۰۲، شرکت ساخت تجهیزات فراب به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۴۴۵۷۷ به نمایندگی داریوش طهماسبی به کد ملی ۶۱۷۹۶۷۱۲۰۶ روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار شرکت جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۸)

آگهی تغییرات موسسه قوام دژ نت به شماره ثبت ۳۳۴۱۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۰۵۰۶۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۵ و مجوز شماره ۹۷۰۷۰۲ / ۰۶ / ۶۸۰ / ۷ / ۱۷۴۵ مورخ ۰۲ / ۰۷ / ۱۳۹۷ معاونت امور حفاظتی و مراقبتی پلیس پیشگیری تهران بزرگ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: معصومه میناوندچال به شماره ملی ۰۰۶۰۰۶۳۶۱۰ با دریافت کلیه سهم‌الشرکه خود از صندوق مؤسسه، از مؤسسه خارج گردید لذا سرمایه مؤسسه از مبلغ ۱۲۰۰۰۰۰ ریال به ۱۰۰۰۰۰۰ ریال کاهش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. اسامی شرکاء و میزان سهم الشرکه هریک پس از کاهش سرمایه بشرح ذیل می‌باشد: احمد باقرپور با کد ملی ۰۰۴۲۶۳۳۴۳۵ دارای مبلغ ۳۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه بیژن دبیر با کد ملی ۰۰۴۸۳۰۸۴۴۷ دارای مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه محمدتقی مجیدی با کد ملی ۰۰۵۲۸۶۳۹۹۹ دارای مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه مریم اکبرپور گنجی با کد ملی ۰۰۶۵۵۰۴۸۱۱ دارای مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه جواد نصیر به کد ملی ۰۰۵۴۰۱۰۱۱۱ دارای مبلغ ۱۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۹)

آگهی تغییرات شرکت سلامت الکترونیک نسیم سهامی خاص به شماره ثبت ۵۱۱۵۰۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۸۶۷۸۰۹
به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای حبیب اله زاهدی طهران با کد ملی ۰۰۷۳۱۹۱۹۸۱ بجای آقای مرتضی حدادپور نطنزی به عنوان نماینده شرکت پارسی فارمد پاسارگاد (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۴۰۰۶۳۴۱۴۴۱ به سمت عضو هیئت‌مدیره و آقای فرید رحیمیان با کد ملی ۳۸۷۳۳۶۴۶۸۹ بجای آقای مسعود زارعیان، به سمت مدیرعامل (خارج از اعضاء هیئت‌مدیره) برای باقیمانده دوران تصدی هیئت‌مدیره انتخاب گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۴)

آگهی تغییرات موسسه فرهنگی و هنری آهنگ آتیه به شماره ثبت ۱۴۵۷۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۴۴۳۹۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ و مجوز شماره ۱۳۱۵۱ /۹۷/ ۱ / الف مورخ ۹۷/۸/۱۲ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه موسسه از مبلغ ۶۰ (شصت)میلیارد ریال به مبلغ ۱۲۵(یکصد و بیست و پنج) میلیارد ریال افزایش و ماده ۷ اساسنامه به شرح ذیل اصلاح گردید: ماده ۷: سرمایه موسسه به مبلغ ۱۲۵(یکصد و بیست و پنج میلیارد) ریال است که نقداً پرداخت شده است.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۳)

آگهی تغییرات شرکت گسترش ارتباطات داتک سهامی عام به شماره ثبت ۱۵۸۱۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۰۸۵۶۸
به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ مورد تصویب قرار گرفت. سازمان حسابرسی به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۳۳۲ بعنوان بازرس قانونی برای مدت یک سال مالی انتخاب گردید. اشخاص حقوقی زیر به مدت دو سال بعنوان اعضای هیات مدیره شرکت انتخاب شدند شرکت مدیریت صنایع نوین تأمین به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۵۹۱۶۴ شرکت توسعه سلامت الکترونیکی هدی به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۷۶۲۳۴ شرکت خدمات ارتباطی رای تل به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۳۰۳۹۸ شرکت سرمایه گذاری دارویی تامین به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۴۳۲۰۴ شرکت سرمایه گذاری صبا تامین به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۰۸۳۷۰ روزنامه اطلاعات بعنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌ واطلاعیه‌های شرکت، تعیین گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۸۲۷۳)

آگهی تغییرات موسسه پزشکی نسل امید به شماره ثبت ۱۸۶۲۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۳۴۶۶۲
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ۱ -خانم سها امامی بسمت رئیس هیأت مدیره به شماره ملی ۰۰۵۴۰۰۲۷۶۱ -آقای حمیدرضا خرم خورشید بسمت عضو هیأت مدیره به شماره ملی ۰۰۵۱۶۰۷۵۷۳ -آقای یونس مدبری صابر بسمت عضو هیأت مدیره به شماره ملی ۲۵۹۵۵۱۳۶۶۴ انتخاب و خانم پریوش حسامی به شماره ملی ۰۰۴۶۴۴۴۱۶۵ خارج از اعضای هیأت مدیره بعنوان مدیر عامل انتخاب گردیدند کلیه چکها و سفته ها و بروات و سایر اسناد و قراردادها و هر نوع سند تعهد آور دیگر با امضا مدیر عامل و یکی از اعضا هیأت مدیره و یا دو نفر از اعضاء هیأت مدیره با مهر موسسه معتبر است. مکاتبات عادی با امضا مدیرعامل به همراه مهر موسسه معتبر خواهد بود
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۸۲۷۲)

آگهی تغییرات شرکت گاز سبز صنعت شرق سهامی خاص به شماره ثبت ۳۰۶۳۰۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۲۴۹۵۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۸/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت مذکور در تاریخ فوق منحل اعلام گردید و خانم سپیده کاظم زاده با کد ملی ۰۰۸۱۰۴۹۰۹۹ به عنوان مدیر تصفیه و آقای احمد شیخ الملوکی با کد ملی ۳۹۳۲۷۳۶۸۰۱ به عنوان ناظر تصفیه برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. نشانی محل تصفیه تهران، محله اباذر، خیابان بوستان یکم بزرگراه آیت اله کاشانی، پلاک ۹ کد پستی ۱۴۷۱۶۷۷۱۳۱ می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۶)

آگهی تغییرات
شرکت کارگزاری توسعه کشاورزی سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۲۲۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۳۴۸۷۲
به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۲۵ و مجوز شماره ۱۲۲/۴۰۶۵۲ مورخه ۹۷/۰۸/۰۵ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -آقای محسن رئیسی نژاد به کد ملی ۳۰۳۱۵۵۰۹۶۱ بعنوان رئیس هیئت‌مدیره و آقای محسن محمودی به کد ملی ۰۳۸۳۹۰۲۲۲۳ بعنوان نائب رئیس هیئت‌مدیره و آقای امیرمسعود پژمانپور به کد ملی ۰۰۳۶۲۱۹۵۶۸ بعنوان عضو هیئت‌مدیره انتخاب شدند. بقیه در سمتهای خود ابقا شدند -کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک -سفته -بروات -قراردادها و عقود اسلامی با امضاء ثابت رئیس هیئت‌مدیره و یکی از اعضای هیئت‌مدیره به همراه مهرشرکت و اوراق عادی و مکاتبات اداری با امضاء مدیرعامل و یا رئیس هیئت‌مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد .
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۵۴۰۵)

آگهی تغییرات موسسه پزشکی نسل امید به شماره ثبت ۱۸۶۲۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۳۴۶۶۲
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۶/۰۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: افراد ذیل به عنوان اعضای هیأت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند -خانم سها امامی به شماره ملی ۰۰۵۴۰۰۲۷۶۱ -آقای یونس مدبری صابر به شماره ملی ۲۵۹۵۵۱۳۶۶۴ -آقای حمیدرضا خرم خورشید به شماره ملی ۰۰۵۱۶۰۷۵۷۳
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۸۲۷۴)

آگهی تغییرات شرکت خدمات ارزی و صرافی دی سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۹۷۷۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۹۶۳۶۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۰۷/۲۰ و مجوز شماره ۹۷/۷۸۹۶۷ مورخ ۹۷/۳/۹ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تصمیمات ذیل اتخاذ شد: تعداد اعضاء هیئت مدیره از سه نفر به پنج نفر تغییر یافت و مفاد مندرج در ماده ۳۴ اساسنامه اصلاح گردید
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۸۲۷۷)

آگهی تغییرات شرکت سازمان آب منطقه ای تهران سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۰۲۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۸۲۰۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۶/۱۱/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، کشاورز، خیابان شهدای سازمان آب، خیابان حجاب، پلاک ۳۵، طبقه همکف کد پستی ۱۴۱۵۶۱۵۴۴۱ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۸۲۷۶)

آگهی تغییرات شرکت اطلاع رسان داتک سهامی خاص به شماره ثبت ۱۹۸۹۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۰۷۵۰۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۶/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی نوین نگرمانا با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۲۰۹۱۳ بعنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی آرشین حساب حسابداران رسمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۵۵۲۸۳ بعنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند اشخاص حقوقی زیر به مدت دو سال بعنوان اعضای هیات مدیره شرکت انتخاب گردیدند شرکت گسترش ارتباطات داتک به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۰۸۵۶۸ شرکت شبکه انتقال داده های رهام داتک به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۶۵۲۱۰ شرکت شبکه گستر پادرا به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۴۹۳۶۴ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۹۸۲۷۵)

اطلاعات

سال‌نود وسوم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان مصدق جنوبی (نفت‌جنوبی سابق)
ساختمان اطلاعات - کدپستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

تقویم اطلاعات

دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷

۱۶ ربیع الثانی ۱۴۴۰ - ۲۴ دسامبر ۲۰۱۸

ظهر شرعی	۱۲ و ۰۴ دقیقه
غروب آفتاب	۱۶ و ۵۶ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۱۶ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۱۹ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۴۲ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۷ و ۱۲ دقیقه

معاریو: «بن سلمان» فرمان ترمیم وجهه اسرائیل در عربستان را صادر کرده است

سرویس خارجی: روزنامه «معاریو» رژیم صهیونیستی در خبری مهم، دستور جنجال برانگیز ولیعهد سعودی به مشاور خود درباره ترمیم و بهبود وجهه اسرائیل در عربستان را افشا کرد؛ امری که عزم رژیم سعودی و زمینه‌سازی این رژیم برای عادی سازی روابط «ریاض» - «تل آویو» با آماده کردن فضای اجتماعی و سیاسی این کشور را به خوبی نشان می دهد.

روزنامه عبری زبان «معاریو»، در گزارشی فاش کرد : «محمد بن سلمان»، ولیعهد سعودی، «سعود القحطانی»، مشاور خود را مامور ترمیم و بهبود چهره و وجهه اسرائیل در عربستان با هدف تسریع در روند عادی سازی مناسبات با «تل آویو» کرده است.این روزنامه رژیم صهیونیستی به نقل از منابع رسانه‌ای آمریکایی اعلام کرد زیباسازی و بهبود وجهه اسرائیل در میان افکارعمومی عربستان، ماموریت ویژه‌ای است که «بن سلمان» به القحطانی واگذار کرده است. به نوشته این روزنامه، انتشار مقالاتی در رسانه‌های عربستان در حمایت از عادی‌سازی روابط ریاض با تل آویو و همچنین انجام مصاحبه‌هایی با مقامات اسرائیلی، از جمله اقدامات وی در این رابطه بوده است. این در حالی است که پیشتر، «مجتهد»، افشاگر اسرار خاندان سعودی نیز در توئیتی از آزادی «سعود القحطانی»، مشاور بن سلمان که اخیرا به دلیل قتل فجیع خاشقجی، روزنامه نگار منتقد عربستانی بازداشت شده بود، خبر داد.

در چنین شرایطی،«میدل ایست آی» در گزارشی نوشت: محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی که در آستانه سقوط قرار گرفته است، باعث مشکلات بزرگی برای همه جهان خواهد شد و بسیار فرد «خطرناکی» است. در این گزارش همچنین آمده است: بن سلمان، «گنج استراتژیک» اسرائیل در منطقه است.

روزنامه «واشنگتن پست» نیز در گزارش غیرمنتظره جدیدی از زوایای پنهان ماه‌های پایانی زندگی جمال خاشقجی پرده برداشت و نوشت: طرف‌های قطری به او پیشنهاد نگارش مقالاتی ضد سعودی در روزنامه‌های آمریکایی را می‌دادند و مسیر ترجمه مقالات او را فراهم می‌کردند.

اعزام نظامیان ترکیه به مرز سوریه همزمان با دستور ترامپ برای خروج نیروهای آمریکایی

سرویس خارجی: همزمان با اعلام تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا برای خروج نظامیان این کشور از شمال سوریه ارتش ترکیه بخش دیگری از یگان‌های نظامی خود را به مرز سوریه منتقل کرد.

ارتش ترکیه یگان‌های جدیدی شامل ادوات زرهی و نفربر و شماری از نظامیان ارتش را به استان مرزی کلیس در نزدیکی سوریه منتقل کرد تا قرارگاه‌ها و نیروهای مستقر در مرز سوریه را تقویت کنند. این در حالی است که مولود چاووش اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه رسماً اعلام کرد که اردوغان در مورد عملیات شرق فرات علیه کردهای سوریه فعلاً دست نگه داشته است اما این به معنی پایان کار یا توقف کامل این تصمیم نیست و ما به زودی به آنها حمله خواهیم کرد.

در چنین شرایطی دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا بار دیگر از تصمیم خود برای خروج از سوریه دفاع کرد و اظهار داشت که نیروهای آمریکایی قرار بود سه ماه در سوریه بمانند اما حضورشان هفت سال طول کشید. ترامپ در توئیتی نوشت: ابتدا قرار بود سه ماه در آنجا باشیم، این مساله مربوط به هفت سال پیش است.

وقتی من رئیس جمهوری شدم داعش وحشی شده بود، حالا داعش تا حد زیادی شکست خورده و کشورهای منطقه از جمله ترکیه باید بتوانند به راحتی از پس هر آنچه باقی مانده است، برآیند. ترامپ هفته گذشته ادعا کرد که تنها دلیل حضور آمریکا در سوریه، نابودی داعش بود و حال با تحقق این هدف، از آن کشور عقب نشینی می کند. اما این اقدام ترامپ تبعاتی داشت و «جیمز متیس» وزیر دفاع آمریکا چون نتوانست ترامپ را از خروج نیروهای آمریکایی از سوریه منصرف کند، از سمت خود استعفا کرد.

در این حال یک روزنامه آمریکایی در گزارشی به نقل از مقام‌های اروپایی خبر داد که اروپا از تصمیم‌های رئیس‌جمهور آمریکا برای خروج از سوریه و همچنین استعفای وزیر دفاع این کشور نگران شده است.«وال استریت ژورنال» گزارش داد: تصمیم یکجانبه دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا برای خارج کردن نظامیان این کشور از سوریه به همراه کنار رفتن جیمز متیس وزیر دفاع آمریکا از سمت خود، سبب نگرانی در کل اروپا و درخواست‌های تازه در اروپا برای استقلال استراتژیک بیشتر از واشنگتن شده است. بنا بر این گزارش که توسط دو خبرنگار ارشد وال استریت ژورنال تهیه شده، اعلام غیرمنتظره خروج نظامیان آمریکایی از سوریه سبب شگفتی دیپلمات‌های اروپایی شده است چون دیپلمات‌های اتحادیه اروپا طی هفته‌های گذشته در حال رایزنی با وزارت خارجه آمریکا برای همکاری مشترک به منظور ایجاد ثبات در مناطق بازپس گرفته شده از داعش در عراق و سوریه بودند. این درحالی است که نماینده دائم روسیه در سازمان ملل از تصمیم آمریکا مبنی بر خروج نیروهایش از سوریه استقبال کرد و آن را تصمیمی درست خواند. واسیلی نبنزیا، نماینده دائم روسیه در سازمان ملل گفت: ما قبلا بارها چنین وعده‌هایی را شنیده بودیم و سپس خلاف آن را شنیدیم اما به نظر می‌رسد این بار مساله حقیقت داشته باشد.

از طرفی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی گفت با وجود خروج احتمالی آمریکا از سوریه، تل‌آویو به عملیات‌های هوایی خود در سوریه ادامه می‌دهد و در صورت نیاز این حملات را گسترش می‌دهد. «بنیامین نتانیاهو» گفت به دلیل تصمیم آمریکا برای خروج از سوریه، ممکن است عملیات‌های نظامی اسرائیل در سوریه افزایش یابد. او گفت: تصمیم خارج کردن ۲۰۰۰سرباز آمریکایی از سوریه، سیاست ما را تغییر نمی‌دهد و به اقدام علیه تثبیت ایران در سوریه ادامه می‌دهیم و در صورت نیاز فعالیت‌های خود در آنجا را گسترش می‌دهیم.

رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی هم با بیان اینکه نباید در مورد تبعات خروج آمریکا از سوریه اغراق کرد، گفت تل‌آویو همچنان بر مقابله با ایران در سوریه متمرکز خواهد بود. «گادی ایزنکوت» گفت این اقدام ترامپ حائز اهمیت است، اما نباید در مورد تبعات آن مبالغه کرد.

در خبر دیگری،مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ای بر حاکمیت دائمی سوری ها بر جولان اشغالی و منابع طبیعی آن تاکید کرد.

وزیر خارجه ترکیه: نتانیاهو قاتلی خونسرد در عصر نوین است

سرویس خارجی:«مولود چاووش اوغلو»،در واکنش به اظهارات بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی علیه اردوغان مبنی بر این که به تل‌آویو درس اخلاق یاد ندهید، وی را یک "قاتل خونسرد" در عصر جدید دانست که مسئول کشتار هزاران نفر از فلسطینیان بی گناه است.

در این حال رئیس جمهوری ترکیه خطاب به نتانیاهو گفت: این بار به بیراهه زدی. تو صدای ظالمان هستی. وی گفت: تا زمانی که اسرائیل به خاطر جنایت علیه بشریت و ویرانگری مؤاخذه نشده است، حق ندارد کسی را متهم به ارتکاب جرم بکند.«ابراهیم کالین» سخنگوی ریاست جمهوری ترکیه نیز تصریح کرد: اسرائیل نمی‌تواند بر سیاست اشغالگرانه خود سرپوش بگذارد.وی افزود:نخست‌وزیر اسرائیل بار دیگر از شنیدن سخنان رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه ناراحت شده واز آنجا که تحت بازجویی پلیس اسرائیل قرار دارد، دچار مشکلات فراوانی است.همچنین،«عمر چلیک» سخنگوی حزب عدالت و توسعه ترکیه گفت: نتانیاهو که در داخل کشورش با اتهام فساد روبرو است تلاش می کند تا جامعه جهانی را اداره کند. این در حالی است که نتانیاهو گفت: اردوغان، اشغالگر قبرس شمالی که ارتش کشورش زنان و کودکان را در روستاهای کردنشین در داخل و خارج ترکیه قتل‌عام می‌کند، نمی‌تواند به اسرائیل درس اخلاق بدهد.

سناتور گراهام: خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان شاید به ۱۱ سپتامبر دیگری منجر شود

سرویس خارجی: «لیندسی گراهام» سناتور جمهوریخواه آمریکا اعلام کرد:خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان شرایط را برای ایجاد حملات تروریستی شبیه۱۱ سپتامبر آماده خواهد کرد.گراهام در توئیتی در واکنش به خروج سربازان آمریکایی از افغانستان نوشت: در شرایط فعلی خروج نیروهای آمریکایی از این کشور یک استراتژی خطرناک است واگر به گونه‌ای عمل کنیم که دستاوردهایمان را به راحتی رها کنیم راه را برای یک حمله تروریستی مانند ۱۱ سپتامبر آماده می کنیم.وی گفت: کاهش نیروهای آمریکا از افغانستان باید بر مبنای اتفاقات بر روی زمین باشد، یعنی شرایط اجازه این کار را بدهد.از طرفی،«اسکات میلر»فرمانده نیروهای آمریکایی درافغانستان گفت:دستور جدیدی در مورد خروج نظامیان ایالات متحده از افغانستان دریافت نکرده و اوضاع همچنان مثل سابق است.

در این حال،«محمد فیصل» سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان گفت: خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان اقدامی مثبت خواهد بود. ژنرال «قمر جاوید باجوا» فرمانده ارتش پاکستان نیز، گفت: اسلام آباد از استقرار صلح و ثبات در افغانستان حمایت کامل می کند.

در خبر دیگری،ائتلاف بزرگ ملی افغانستان اعلام کرد: با خروج بخشی از نیروهای آمریکایی از این کشور مخالفان مسلح نباید امیدوار شوند که از راه جنگ توانایی پیروزی را دارند.این در حالی است که «محمد محقق» معاون رئیس اجرایی دولت افغانستان گفت: شواهد جدی از ارتباط آمریکا با طالبان وجود دارد تا با افزایش ناامنی و برادرکشی، باعث ایجاد جنگ داخلی در افغانستان شوند.

در خبر دیگری، رئیس جمهوری افغانستان با صدور حکمی«اسدالله خالد» و «امرالله صالح» را به ترتیب به عنوان وزیران جدید دفاع و کشور افغانستان انتخاب کرد.

انصارالله یمن، ائتلاف سعودی را به نقض آتش بس متهم کرد

سرویس خارجی: سخنگوی نیروهای مسلح یمن وابسته به انصارالله در یک نشست خبری اعلام کرد : ائتلاف سعودی از دوشنبه هفته گذشته تاکنون و همزمان با آغاز توقف درگیری‌ها در «الحدیده» ، ۲۲۳بار آتش‌بس را نقض کرده است.سرهنگ «یحیی سریع» گفت: موارد مربوط به نقض آتش‌بس از سوی مزدوران وابسته به ائتلاف متجاوز سعودی، در پی ورود رئیس هیات نظارت سازمان ملل بر آتش‌بس در الحدیده، افزایش یافته است.وی افزود: جنگنده‌های ائتلاف سعودی طی ۴۸ساعت گذشته، ۴۲بار به مناطق مختلف یمن حمله و یگان توپخانه‌ای آنان نیز ۵۰گلوله توپخانه به سمت مناطق مختلف الحدیده شلیک کردند.در همین حال، شورای عالی سیاسی یمن به عنوان عالیترین نهاد سیاسی کنونی یمن ، ریاست «مهدی المشاط» بر این سازمان را برای دو دوره دیگر تمدید کرد.در تحولات میدانی نیز، یگان موشکی ارتش و انصارالله یمن یک فروند موشک بالستیک «زلزال-۱» را به سمت محل استقرار مزدوران ائتلاف سعودی در «جیزان »، واقع در جنوب عربستان شلیک کرد.

در خبری مرتبط، مزدوران وابسته به امارات، اعضای یک هیات امدادرسان ترکیه ای را در شهر «عدن» یمن بازداشت کردند.

تظاهرات معترضان جلیقه زرد در بلژیک، هلند رومانی و صربستان

سرویس خارجی: هزاران معترض در چهار کشور بلژیک، هلند، رومانی و صربستان با الهام از اعتراضات فرانسه، جلیقه های زرد رنگ به تن کردند و تظاهرات ضددولتی برپا کردند.

*بلژیک

صدها نفر در بروکسل پایتخت بلژیک درحالی که جلیقه های زرد به تن داشتند در مرکز این شهر تظاهرات کردند. تظاهرات در شهر بروکسل تحت تدابیر شدید امنیتی برگزار شد. تظاهرکنندگان با در دست داشتن پارچه نوشته هایی که بر روی آن ها نوشته شده بود: «دولت سیاست های ناکارآمدی اتخاذ می کند و ما هزینه آن را می پردازیم» به سیاست های دولت اعتراض کردند.

*هلند

مردم هلند نیز در شهرهای مختلف این کشور از جمله آمستردام، لاهه و روتردام تظاهرات برگزار کردند. شماری از مردم که جلیقه های زرد به نشان جنبش جلیقه زردهای فرانسه به تن داشتند در برابر محل ساختمان پارلمان این کشور در لاهه تظاهرات کردند.

تظاهرکنندگان به سیاست های «مارک روته» نخست وزیر هلند اعتراض داشتند.

*رومانی

رومانیایی‌ها در یک راهپیمایی به مناسبت یادبود قربانیان انقلاب ۱۹۸۹، خواستار دموکراسی بیشتر در این کشور شدند. معترضان در بخارست با در دست داشتن شمع و پرچم‌های کشورشان در میدان انقلاب پایتخت گردهم آمدند. این گردهمایی پس از مدتی به تظاهرات ضد دولتی تبدیل شد و شرکت کنندگان با سر دادن شعار "ما حکومت دزدان را نمی‌خواهیم" مخالفت خود را با برنامه دولت مبنی بر اعطای عفو به محکومان فساد اعلام کردند.

معترضان اعلام کردند: مردم در سال ۱۹۸۹کشته شدند زیرا می‌خواستند رومانی آزاد شود، ما نمی‌خواهیم به آن روزها بازگردیم. گفتنی است در انقلاب ۱۹۸۹در رومانی ۱۱۰۴ نفر کشته شدند. این انقلاب علیه حکومت کمونیستی نیکلای چائوشسکو، رهبر کمونیست آن کشور بود که در نهایت به محاکمه و اعدام او منجر شد و به ۴۲سال حکومت کمونیستی در رومانی پایان داد.

رومانی یکی از فقیرترین کشورهای اتحادیه اروپا است که ریاست دوره‌ای شش ماهه این اتحادیه را در ژانویه ۲۰۱۹از اتریش تحویل می‌گیرد. اتحادیه اروپا درباره وضعیت دموکراسی در رومانی نگران است. بر اساس اعلام اتحادیه اروپا، اصلاحات قضایی رومانی تضعیف کننده استقلال قضات و دادستان‌های رومانیایی است.

*صربستان

هزاران معترض برای سومین هفته متوالی در شهر بلگراد پایتخت صربستان به منظور اعتراض به سرکوبگری دولت الکساندر ووچیچ رئیس جمهور این کشور علیه احزاب مخالف و رسانه‌ها تظاهرات کردند.

در جدیدترین دور از این تظاهرات، تعدادی از تظاهرکنندگان شعار می‌دادند "ووچیچ دزد". این اولین تظاهرات چشمگیر مخالفان در صربستان از بهار ۲۰۱۷زمانی که هزاران جوان معترض در بلگراد چند هفته علیه پیروزی ووچیچ در انتخابات ریاست جمهوری اعتراض کردند، محسوب می‌شود.

ترامپ: مک گورک را نمی شناختم، متیس هم اخراجی دولت اوباما بود!

سرویس خارجی:رئیس‌جمهوری آمریکا در تازه ترین اقدام خود در واکنش به استعفای نماینده ویژه واشنگتن در ائتلاف ضد داعش و همچنین وزیر دفاع ایالات متحده، در سخنانی به شدت به آنها تاخت واعلام کرد: نه تنها مک گورک فرستاده کشورش در ائتلاف ضد داعش را نمی شناخته بلکه جیمز متیس نیز اخراجی دولت باراک اوباما بود.

«دونالد ترامپ» در واکنش به استعفای «برت مک‌گورک» نماینده واشنگتن در ائتلاف ضد داعش نوشت: مگ گورک، که من او را نمی‌شناسم، در سال ۲۰۱۵ توسط رئیس‌جمهوراوباما انتخاب شد قرار بود ماه فوریه از کارش کنار برود، اما زودتر از موعد استعفا داد. آیا او به دنبال جلب توجه است؟ رسانه‌های اخبار جعلی دارند از این اتفاق که هیچ اهمیتی ندارد، داستان بزرگی می‌سازند».

رئیس‌جمهوری آمریکا «جیمز متیس» وزیر دفاع مستعفی کشورش را هم بی‌نصیب نگذاشت و با یادآوری «اخراج» او در دولت اوباما، گفت:وقتی اوباما به طرز شرم‌آور متیس را اخراج کرد، من به وی یک فرصت دوباره دادم ؛برخی فکر می‌کردند که من نباید چنین کاری انجام می دادم اما من تصور کردم که باید این کار انجام می شد،روابط جالبی داشتیم اما من به او همه منابعی که او واقعا هرگز نداشت، دادم. متحدان آمریکا برای ما خیلی مهم هستند، اما نه وقتی که آنها از آمریکا سودجویی کنند.

در چنین شرایطی، پایگاه خبری«واشنگتن اگزمینر» نوشت: اقدامات «دونالد ترامپ» رئیس جمهوری آمریکا در هفته های اخیر، پایگاه وی در میان محافظه کاران آمریکایی را تضعیف کرده است. واشنگتن پست نیز درگزارشی نوشت: ترامپ در هفتصدمین روز ریاست جمهوری خود تا تاریخ بیستم دسامبر ۲۰۱۸در مجموع ۷۵۴۶ مورد دروغ و اظهارات گمراه کننده داشته است.

از سویی،سنای آمریکا در پی تداوم بن بست بر سر تصویب بودجه فدرال، رای گیری در خصوص بازگشایی بخش های تعطیل شده دولت را به بعد از کریسمس موکول کرد.این در حالی است که،سناتور «چاک شومر» رهبراقلیت حزب دموکرات درمجلس سنای آمریکا از رئیس جمهوری آمریکا خواست تاطرح ساخت دیوارمرزی با مکزیک را که نیازمند اختصاص بودجه پنج میلیارد دلاری است را کناربگذارد، چرا که این موضوع در سنا هرگز رای نخواهد آورد.

مخالفت بغداد با ورود نیروهای خارج شده ارتش آمریکا از سوریه به عراق

سرویس خارجی:برخی نمایندگان پارلمان عراق از مقاومت نخست‌وزیر این کشور در برابر فشارهای واشنگتن برای استقرار نیروهای آمریکایی در عراق پس از عقب‌نشینی از سوریه خبر دادند.

«عامر الفایز» نماینده ائتلاف «البناء» عراق، در پی انتشار خبر تماس تلفنی اخیر «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا با «عادل عبدالمهدی» نخست‌وزیر عراق و گفتگوی آنها درباره داعش و راهکار سیاسی در سوریه، از جزئیات جدیدی از این گفتگو پرده برداشت.

«عامر الفایز» گفت: دولت فدرال عراق هرگونه فشار از جانب واشنگتن برای وارد کردن نیروهای نظامی آمریکا از سوریه به عراق را رد کرده است. به گفته وی، «عادل عبدالمهدی»، نخست وزیر عراق در این گفتگو تأکید کرد که ورود نیروهای نظامی جدید آمریکا به عراق، امری مردود است و نمی‌توان بدون موافقت پارلمان، آن را توجیه کرد.

کمیسیون امنیت ملی پارلمان عراق نیز انتقال نیروهای آمریکایی از سوریه به منطقه اقلیم کردستان بدون هماهنگی با بغداد را «اشغالگری» و «نقض حاکمیت» این کشور بر شمرد.

همزمان، روزنامه «اخبار الخلیج» بحرین نیز با انتشار این خبر نوشت: وزیر خارجه آمریکا در گفتگو با عبدالمهدی اعلام کرده است که واشنگتن خواستار افزایش حضور نظامیان آمریکایی در عراق در مقابل تمدید معافیت بغداد از تحریم‌های تحمیلی علیه ایران برای مدت سه ماه دیگر است.

در چنین شرایطی، ژنرال «جوزف ووتل»، رئیس ستاد فرماندهی مرکزی ارتش آمریکا با سپهبد «عثمان الغانمی»، رئیس ستاد کل ارتش عراق در مورد اوضاع امنیتی مرزهای عراق و سوریه تلفنی گفتگو کرد.همزمان، «برهم صالح»، رئیس جمهوری عراق و «مایک پمپئو»، وزیر امور خارجه آمریکا نیز در مورد تحولات اخیر منطقه و خروج نیروهای این کشور از سوریه تلفنی گفتگو کردند.

از طرفی، گزارش های ضد و نقیض حاکی از آن است که امریکا بعد از خارج کردن نظامیانش از سوریه، آنها را روانه اقلیم کردستان در شمال عراق کرده است.

خبرگزاری «بغداد الیوم» در گزارشی به نقل از منابع مطلع نوشت: نیروهای آمریکایی بعد از خروج از سوریه، در صدد ایجاد یک اتاق عملیات مشترک با مشارکت و حضور نیروهای پیشمرگه کرد عراق و نیروهای کرد سوریه در جوار مرزهای عراق با سوریه هستند

«باقر جبر صولاغ» وزیر کشور پیشین عراق واز رهبران مجلس اعلای اسلامی این کشورنیز اعلام کرد : نیروهای آمریکایی حضور خود را در «اربیل» تقویت کرده‌اند و در پایگاه نظامی بزرگی در شمال عراق مستقر شده اند.وی همچنین از حضور اعلام نشده نیروهای آمریکایی در منطقه «الرمانه» در استان الانبار و منطقه‌ای استراتژیک در نزدیکی میدان گازی «عکاز» در این استان خبر داد.وزارت پیشمرگه منطقه کردستان عراق اما در بیانیه ای اطمینان داد که بدون موافقت دولت مرکزی این کشور، هیچ نظامی آمریکایی پس از عقب‌نشینی از سوریه وارد اربیل و منطقه اقلیم کردستان نمی‌شود.«جبار الیاور» دبیرکل وزارت پیشمرگه در منطقه کردستان عراق، در پی انتشار اخباری درباره احتمال استقرار نیروهای آمریکایی پس از عقب‌نشینی از خاک سوریه در اربیل، اظهار داشت: نمی‌توان با این مسئله موافقت کرد.از سویی، یک عضو کمیسیون امنیت و دفاع پارلمان عراق از نشست فرماندهان امنیتی دو وزارت دفاع و کشور برای بررسی پیامدهای عقب‌نشینی آمریکا از سوریه خبر داد.

در همین حال و همزمان با این تحولات، «ماجد شنگالی» ، از اعضای حزب دموکراتیک کردستان عراق با اشاره به گفتگوی وزیر خارجه آمریکا و عبدالمهدی و همچنین تصمیم آمریکا برای خروج از سوریه گفت: هیچ گونه نیروی رسمی ایرانی در عراق حضور ندارد.همزمان، «محمود الربیعی»، عضو جنبش «عصائب اهل الحق»عراق نیز در رابطه با حضور نیروهای ایرانی در این کشور گفت: نیروهای ایرانی در عراق حضور ندارند اما نیروهای آمریکایی در عراق حضور دارند و هیچ کس تعداد دقیق آنها و پایگاه هایشان را نمی داند.

به گفته وی، مستشاران ایرانی با آگاهی و خواسته دولت عراق در این کشور حضور دارند و سردار «قاسم سلیمانی» بطور رسمی و از طریق فرودگاه به عراق می آید و به مناطق مختلفی می‌رود و آنها را بررسی می کند.



دیدار دبیر کل «نجبا» با نخست وزیر عراق

شیخ «اکرم الکعبی» دبیرکل مقاومت اسلامی نُجَبا عراق در دیدار با «عادل عبدالمهدی» نخست‌وزیر عراق ضمن اشاره به چالش‌های اکنون و آینده کشور، اعلام کرد : جنبش نُجَبا برای کمک به دولت در راستای خدمات‌رسانی به ملت کاملا آماده است. نخست‌وزیر عراق نیز نقش نُجَبا در آزادسازی مناطق اشغالی از اشغال تروریست‌های داعش را ستود و حفاظت از پیروزی‌های محققشده را ضروری برشمرد.

کوتاه از سراسر جهان

افشای توطئه وزیر دفاع انگلیس برای برکناری «ترزا می»

مهر: یک رسانه انگلیسی فاش کرد که وزیر دفاع این کشور در سودای ایجاد کارزاری برای تصاحب مقام نخست‌وزیری بوده است. ساندی تایمز در گزارشی از توطئه «گاوین ویلیامسون» وزیر دفاع انگلیس برای براندازی ترزا می نخست‌وزیر این کشور خبر داد. ظاهراً ویلیامسون حین یک ضیافت شام دوستانه، از قصد خود برای ایجاد کارزاری سخن گفته که زمینه جانشینی وی به جای ترزا می را فراهم می‌کند. این ماجرا به یک هفته پس از برگزاری جلسه رای عدم اعتماد پارلمان علیه ترزا می باز می‌گردد.

اعتراف توئیتر به بستن حساب‌های حزب‌الله و حماس به‌دستور صهیونیست‌ها

تسنیم: توئیتر در گزارشی که به‌تازگی منتشر کرده اعتراف کرد حساب‌های حزب‌الله و حماس را به درخواست رژیم صهیونیستی مسدود کرده است.شبکه اجتماعی توئیتر فاش کرد که در شش ماه دوم سال جاری میلادی به درخواست وزارت دادگستری رژیم صهیونیستی ۲۲ شناسه متعلق به کاربران حماس و حزب‌الله را مسدود کرده است. توئیتر البته مدعی است که این حساب‌ها در فلسطین اشغالی مسدود شده‌اند و فعالیت آنها تا حد زیادی در مناطق دیگر پابرجا است.

آخرین جشن تولد امپراتور ژاپن قبل از کناره گیری از قدرت

ایرنا: امپراتور ژاپن که قرار است به زودی از قدرت کناره گیری کند، دیروز هشتاد و پنجمین سالگرد تولد خود را جشن گرفت.امپراتور «آکی هیتو» در یک کنفرانس خبری گفت: بسیار خشنودم زمانی از قدرت کناره گیری می کنم که کشورم شاهد هیچ جنگ و خونریزی نیست. وی گفت: البته مردم ژاپن نباید از دست دادن تعداد بسیار زیادی از هم میهنان خود در جنگ جهانی دوم را فراموش کنند زیرا صلح و رفاه ژاپن پس از جنگ به دلیل رشادت‌های مردمانی بود که در این راه قربانی شدند. گفتنی است آکی‌هیتو در ۱۹۸۹ بر تخت نشست. او تنها حاکم کنونی جهان است که عنوانش به انگلیسی امپراتور ترجمه می‌شود. قرار است پس از کناره‌گیری او، پسرش «ناروهیتو»ی ۵۹ ساله، بر تخت سلطنت بنشیند.

رسانه آلمانی : ایران صاحب تاریخ و تمدن و عربستان حامی تروریسم است

ایرنا: شبکه تلویزیونی آلمان در گزارشی با موضوع ایران، عربستان و غرب، با اشاره به رسوایی رژیم سعودی در قتل جمال خاشقجی و حمایت های آل سعود از تروریسم و افراط گرایی اعلام کرد که ایران، کشوری با مردم تحصیلکرده و با ظرفیت های بالا، هرگز قابل مقایسه با عربستان نیست که با حمایت های میلیاردی خود از افراط گرایی حمایت می کند. شبکه تلویزیونی داس ارسته (Das Erste)، افزود: سعودی ها با میلیاردها دلار از افراط گرایی در سراسر جهان حمایت می کنند و آنها هم در کشورهای اسلامی و هم در اروپا سهم ویژه ای در ترویج افراط گرایی دارند. در مقابل، ایرانی که پس از سقوط شاه به کشوری اسلامی تبدیل شد، مردمی سرزنده دارد، تنوع اجتماعی و سیاسی بزرگی دارد، آزادی فردی در آن حاکم است و طبقه متوسط و بااعتماد به نفسی دارد و این همان چیزی است که ما در غرب خیلی کم شاهد آن هستیم؛ ایران از تاریخی طولانی و فرهنگی غنی برخوردار است، مردمی تحصیلکرده دارد و این ها چیزهایی نیستند که بتوان در عربستان یافت.

اوباما با پوشیدن لباس بابانوئل، به یاری کودکان بیمار رفت

خبرگزاری ها:باراک اوباما که خود را به شکل بابانوئل درآورده بود و کوله‌ای از کادو بر دوش داشت از بیمارستان ملی کودکان در واشنگتن بازدید کرد. رئیس جمهوری سابق آمریکا بابانوئل شد و کیسه کادو به دوش، به صورت سرزده وارد این بیمارستان شد. اوباما با بیماران و خانواده‌های آنها در اتاق‌هایشان دیدار و کادوهای خود را بین کودکان بیمار تقسیم کرد. باراک اوباما سال گذشته نیز لباس بابانوئل پوشید و در واشنگتن با دانش‌آموزان دیدار کرد.

سازمان ملل قطعنامه اوکراین درباره نقض حقوق‌بشر در کریمه را تصویب کرد

ایسنا: مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه اوکراین درباره نقض حقوق بشر در شبه جزیره کریمه که در کنترل روسیه است را تصویب کرد. این قطعنامه با ۶۵ رای موافق، ۷۰ رای ممتنع و ۲۷ رای مخالف تصویب شد. بیشتر کشورهای اروپایی و آمریکا به طور سنتی به این قطعنامه رای دادند. همزمان نیروی هوافضای روسیه استقرار جنگنده های سوخو-۲۷ اس.ام و سوخو-۳۰ ام.۲ را در پایگاه هوایی «بلبک» در منطقه سواستوپل کریمه آغاز کرد.

تمایل «قدیروف» به کناره‌گیری از رهبری چچن

ایسنا: رمضان قدیروف گفت که علاقمند است به رهبری خود بر چچن پایان دهد. رهبر جمهوری چچن گفت که نه خود را یک وزیر فدرال می‌بیند و نه به دنبال جایگاهی عالی در کشور است. قدیروف افزود: من به چنین جایگاه‌هایی تعلق ندارم. قدیروف ۴۲ ساله از سال ۲۰۰۷ رهبری چچن را بر عهده دارد. پارلمان چچن در سال ۲۰۱۱ او را بار دیگر برای تصدی این سمت انتخاب کرد. رهبر چچن همچنین درانتخابات سال ۲۰۱۶ با کسب ۹۷.۵ درصد آرا به عنوان فرماندار این منطقه برگزیده شد.

قانون اساسی جدید کوبا، راه را برای برگزاری همه پرسی باز کرد

مهر: نمایندگان مجلس کوبا پیش نویس قانون اساسی جدید این کشور را تصویب کردند و بدین ترتیب راه برای برگزاری همه پرسی در این کشور هموار شد. هر چند هنوز هیچ رسانه ای قانون اساسی جدید کوبا را مشاهده نکرده اما گفته می شود در قانون اساسی جدید نیز همچنان حزب سوسیالیست قدرت اصلی را در این کشور در اختیار خواهد داشت. این قانون اساسی، کوبا را به عنوان یک اقتصاد مرکزی برنامه‌ریزی شده تحت حاکمیت حزب کمونیست حفظ می‌کند اما برای اولین بار مالکیت خصوصی را به رسمیت می‌شناسد و اجازه فروش خانه و خودرو را می‌دهد.

وزیر امنیت انگلیس: القاعده بازگشته است

ایسنا: وزیر امنیت انگلیس گفت که القاعده در حال توسعه فناوری برای هدف قرار دادن هواپیماها و فرودگاه‌هاست. بن والاس، همچنین هشدار داد که این گروه تروریستی به دنبال اقدامات خودسرانه بیشتر است. وی افزود: تهدید هوایی جدی است و القاعده بازگشته است. به گفته وی اعضای القاعده بار دیگر سازماندهی شده‌اند و به دنبال توطئه‌های بیشتر علیه اروپا هستند و با متدهای جدید آشنا شده و همچنان به دنبال حملات هوایی هستند.

اعتراض یکصدای گروه‌های مقاومت علیه اقدام محمودعباس در انحلال مجلس قانونگذاری فلسطین

سرویس خارجی: گروه‌های فلسطینی اقدام رئیس تشکیلات خودگردان در انحلال مجلس قانونگذاری فلسطین را باطل و غیرقابل‌قبول خواندند و نسبت به عواقب و پیامدهای خطرناک آن هشدار دادند.

«موسی ابومرزوق» از رهبران حماس اظهار داشت که عباس با چنین تصمیمی، بحران آفرینی می‌کند و دست به اقدامات یکجانبه می‌زند.«نایف رجوب» دیگر رهبر حماس نیز با اشاره به اینکه انحلال مجلس قانونگذاری، تیر خلاص به آشتی ملی است، عنوان کرد که این اقدام موجب گسترش اختلافات و دودستگی بین کرانه باختری و نوار غزه خواهد شد و زمینه را برای اجرای طرح آمریکایی معامله قرن فراهم می‌کند.«مشیر المصری» نماینده پارلمان فلسطین از جنبش حماس هم خاطر نشان کرد که تصمیم عباس به انحلال مجلس قانونگذاری هیچ ارزش و اعتباری ندارد.وی گفت: مدت ریاست محمود عباس بر تشکیلات خودگردان پایان یافته است و او باید به‌برگزاری انتخابات ریاست تشکیلات خودگردان، مجلس قانونگذاری و شورای ملی پایبند باشد و حماس نیز کاملا آماده است.

از سوی دیگر، جنبش جهاد اسلامی اعلام کرد که انحلال مجلس قانونگذاری فلسطین توسط تشکیلات خودگردان، پیامدهای خطرناکی بر اوضاع داخلی فلسطین خواهد داشت. این جنبش تاکید کرد که عباس به دنبال تخریب تمامی پل‌های پشت‌سرش و نابودی جریان‌های پویا و مقاومت است و تعقیب و بازداشت مبارزان مقاومت در کرانه باختری مایه افتخار و اقدامی ملی نیست و عجیب است که عباس به چنین اقدامی می‌بالد. جهاد اسلامی تصریح کرد که انحلال مجلس قانونگذاری، موجب تعمیق شکاف داخلی می‌شود.

در همین راستا، «ذوالفقار سویرجو» از رهبران جبهه خلق برای آزادی فلسطین گفت: حکم انحلال مجلس قانونگذاری، حکمی سیاسی و غیرقانونی است که تشکیلات خودگردان از دادگاه قانون اساسی خواست آن را صادر کند و این دادگاه هم قبول کرد.وی افزود: سوال در مورد غیرقانونی بودن این حکم نیست، بلکه سوال این است که اصلا این دادگاه مشروعیت و صلاحیت دارد یا خیر.«احمد ابو فواد» معاون دبیرکل جبهه خلق هم تاکید کرد که انحلال مجلس قانونگذاری شکاف داخلی را بیشتر کرده و واکنش‌های خطرناکی در پی خواهد داشت.

وی با بیان اینکه باید دید که خواست و گزینه ملت در این زمینه چیست، خاطرنشان ساخت: باید در تلاش برای تشکیل دولت وحدت ملی از طریق برگزاری انتخابات باشیم.

گفتنی است رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین دو روز قبل دستور انحلال پارلمان را صادر کرد. عباس با اجرای تهدیدات قبلی خود، دستور انحلال پارلمان فلسطین را صادر کرد. محمود عباس تصریح کرد که دادگاه قانون اساسی تصمیم به انحلال پارلمان و دعوت به برگزاری انتخابات طی شش ماه آینده گرفته است و وی به این تصمیم پایبند خواهد بود. رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین با طرح این ادعا که تصمیم مذکور با همفکری و رایزنی با شورای مرکزی فلسطین اتخاذ شده است، مدعی شد که این گام نخست است که ما باید برداریم و در صورت تداوم اقدامات حماس، تصمیمات دیگری هم اتخاذ خواهیم کرد.

خبر دیگر اینکه اختلافات روسیه و رژیم صهیونیستی که هر از چندگاهی سر باز می کند این بار به دلیل دعوت روسیه از «اسماعیل هنیه» رئیس دفتر سیاسی حماس برای سفر به مسکو نمایان شده است.رژیم صهیونیستی این اقدام روسیه را تلافی کرد و یک روز پس از رسانه ای شدن دعوت روسیه از اسماعیل هنیه، رژیم صهیونیستی در اقدامی نادر و تلافی‌جویانه، به قطعنامه ضد روسی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد رای مثبت داد. این قطعنامه با ابراز نگرانی عمیق در خصوص آنچه نظامی‌سازی کریمه خوانده شد خواستار عقب نشینی مسکو از این منطقه واقع در ساحل دریای سیاه شد.

یورش نظامیان صهیونیست به منازل مردم فلسطین در کرانه باختری

نظامیان رژیم صهیونیستی به منازل مردم فلسطین در مناطق مختلف کرانه باختری اشغالی حمله‌ور شدند و شماری از شهروندان فلسطینی را بازداشت کردند. نظامیان صهیونیست همچنین به روستای تلفیت در نزدیکی شهر نابلس و شهرک یطا در جنوب الخلیل و قفین در نزدیکی طولکرم یورش بردند و خودروی یک شهروند فلسطینی را به سرقت بردند.

حمایت سئول از قطعنامه حقوق بشری سازمان ملل علیه کره شمالی

سرویس خارجی: منابع رسانه ای از حمایت کره جنوبی از قطعنامه حقوق بشری سازمان ملل علیه کره شمالی خبردادند.

منابع خبری اعلام کردند: در تازه ترین قطعنامه حقوق بشری سازمان ملل علیه کره شمالی که چند روز پیش در مجمع عمومی این سازمان تصویب شد کره جنوبی از این قطعنامه حمایت کرده است.

در همین رابطه، پایگاه خبری «اوریمینزوکری» کره شمالی ضمن انتقاد از عملکرد دولت کره جنوبی در همراهی با قطعنامه حقوق بشری سازمان ملل علیه پیونگ یانگ ،سئول را به دورویی متهم کرد.این پایگاه خبری قطعنامه حقوق بشری سازمان ملل علیه پیونگ یانگ و مشارکت سئول در تصویب آن را محکوم و اعلام کرد:کره جنوبی با نقشه خارجی‌ها برای اعمال فشار به کره شمالی همزمان با گفتگو برای بهبود روابط میان دو کره همکاری کرده است و باید عواقب این کار بر روابط بین دو کشور را بپذیرد.

نخست وزیر پاکستان: دیگر در هیچ جنگ خارجی شرکت نمی کنیم

سرویس خارجی: عمران خان اعلام کرد: پاکستان به هیچ عنوان در هیچ جنگ خارجی مشارکت نخواهد کرد. نخست وزیر پاکستان گفت: به میانجیگری و ایفای نقش برای صلح در منطقه ادامه می دهیم اما در جنگ خارجی دیگر کشورها دخالت نخواهیم کرد.وی افزود: پاکستان دیگر در هیچ جنگ خارجی شرکت نمی کند و به دنبال نقش آفرینی برای صلح در کشورهای اسلامی و منطقه است.

عمران خان همچنین افزود: هدف دولت پاکستان پیشرفت اقتصادی و حل مشکلات مردم است که در این راستا از هیچ تلاشی کوتاهی نخواهدکرد. از سویی،ژنرال«قمر جاوید باجوا» فرمانده ستاد ارتش پاکستان اعلام کرد: دولت عمران خان در تلاش است تا با هند وارد مذاکره شود اما این نشانه ضعف اسلام آباد نیست.از طرفی،«شاه محمود قریشی» وزیر امور خارجه پاکستان اعلام کرد: اخبار مربوط به احتمال تبادل «شکیل آفریدی» جاسوس سیا با «عافیه صدیقی» بانوی پاکستانی که به اتهام همکاری با القاعده در آمریکا زندانی است صحت ندارد.

کنترل استان «نیل سفید» سودان به دست معترضان افتاد

سرویس خارجی: معترضان سودانی که از چند روز قبل اعتراضات گسترده ای را علیه سیاست های داخلی و منطقه ای«عمرالبشیر»، رئیس جمهوری این کشور آغاز کرده اند، با تداوم تظاهرات و کشاندن دامنه ناآرامی ها به سراسر این کشور، کنترل کامل استان «نیل سفید» را به دست گرفتند.

به گفته منابع خبری، در پی تظاهرات ضد دولتی اخیر در شهرهای مختلف سودان، معترضان کنترل استان «نیل سفید»، واقع در جنوب شرقی این کشور را به دست گرفتند. تارنمای «الراکوبه» سودان نوشت، آتش اعتراض های مردمی که از روز چهارشنبه گذشته در شهر «عطبره» واقع در شمال سودان شعله ور شده، به نقاط دیگرسودان سرایت کرده است.

این تارنما افزود: مردم استان «نیل سفید» ابتدا تظاهرات ضد دولتی مسالمت آمیز برگزار کردند اما نیروهای دولتی با گلوله جنگی معترضان را هدف قرار دادند و پس از آن مردم نیز خواستار سرنگونی نظام حاکم شدند. تارنمای «سودان ویو» نیز نوشت، در پی تظاهرات گسترده مردم در استان نیل سفید، استاندار و خانواده اش به محل نامشخصی گریختند و مردم خانه او و نهادها و ادارات دولتی را به آتش کشیدند و کنترل این استان را به دست گرفتند. در چنین شرایطی، «فیصل حسن ابراهیم»، معاون رئیس‌جمهوری سودان در سایه استمرار اعتراضات مردمی اعلام کرد : ارتش این کشور مأمور تأمین امنیت اماکن استراتژیک و اموال عمومی و خصوصی در سراسر سودان شده است. وی همچنین معترضان سودانی را به واکنش های شدید و سرکوبگرانه تهدید کرد.حسن ابراهیم افزود: برخی طرف‌ها و مخالفان سودانی آموزش‌دیده در اسرائیل ، عامل آشوب ها هستند.

از طرفی، پس از تشدید تهدیدات دولت سودان علیه تظاهرکنندگان ، نیروهای امنیتی این کشور به محل نشست معترضان و مخالفان حمله و ۱۴ نفر از رهبران آنان را بازداشت کردند.منابع خبری نیز تازه ترین آمار کشته های این ناآرامی ها را بیش از ۲۸ نفر اعلام کردند.

در همین حال و همزمان با شدت گرفتن اعتراضات مردمی در سودان، سفارت کویت در «خارطوم» اتباع خود را به ترک فوری این کشور فراخواند و از آنها خواست تا به منظور حفظ جان خود ، سودان را ترک کنند.از سویی، مقامات دولت «سیسی» نیز از بیم کشیدن شدن شعله اعتراضات به مصر، از پوشش خبری تظاهرات در سودان ممانعت و آن را سانسور کردند.امیر قطر اما چند روز بعد از ناآرامی‌ها در سودان، با «عمرالبشیر»، رئیس‌جمهوری این کشور تماس گرفت و از وی اعلام حمایت کرد.

*لیبی

«مولود چاووش‌اوغلو» وزیر خارجه ترکیه که به منظور انجام دیدارهای رسمی با مقامات لیبی وارد طرابلس ، پایتخت این کشور شد، با «خالد المشری» رئیس شورای عالی دولت لیبی دیدار و گفتگو کرد.

به گفته منابع خبری، وی در فرودگاه «معیتیقه» ابتدا از سوی «طاهر سیاله»، وزیر خارجه دولت وفاق ملی لیبی مورد استقبال قرار گرفت و سپس با «خالد المشری» دیدار کرد. وزیر خارجه ترکیه همچنین با «فایز السراج»، رئیس شورای ریاستی دولت وفاق ملی لیبی رایزنی کرد. منابع خبری گفتند: بازگشت شرکت های ترکیه ای به لیبی و افزایش مناسبات سیاسی میان دو کشور، محور این مذاکرات بود.

*مصر

وزارت کشور مصر با صدور بیانیه ای اعلام کرد: پس از رصد تحرکات تروریست ها در شهر «العریش»، در استان سینای شمالی، نیروهای امنیتی این کشور موفق به نابودی شبکه تروریست ها و کشتن ۱۴نفر از اعضای این شبکه شدند.

در همین حال، دادگاه عالی مصر حکم حبس ابد رهبر اخوان المسلمین را به هفت سال کاهش داد.



۳۸۲ ضمیمه اجتماعی روزنامه اطلاعات

دوشنبه ۳دی ۱۳۹۷ ـ سال نود و سوم ـ شماره ۲۷۱۷۹

باید نخبگان را به میدان آورد

مسیر تغییرات فرهنگی ایران در گفتگو با تقی آزاد ارمکی

- اخلاق در محاق
- آبادان؛ تقاطع فرهنگ‌ها
- آینده رازآلود بشر

عکس از: احسان کاظملو



خیلی دور



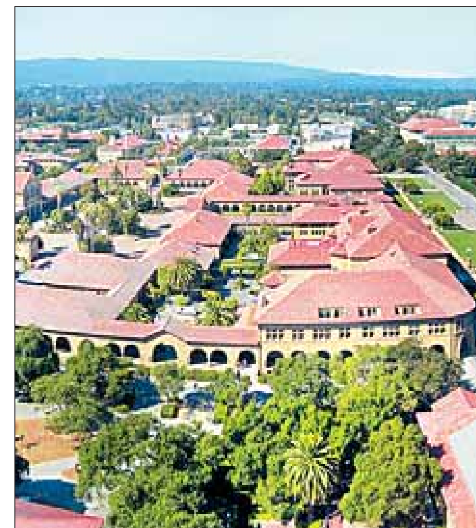
در سال ۱۸۸۴ زمانی که صاحب یکی از خطوط راه‌آهن آمریکا و سناتور سابق کالیفرنیا، لیلاند استنفورد و همسرش جین، تنها فرزند خود، لیلاند جونیور را از دست دادند تصمیم گرفتند برای یادبود او یک دانشگاه بسازند. پسر آنها پیش از شانزدهمین سالگرد تولدش و طی سفر به فلورانس ایتالیا بر اثر حصبه از دنیا رفته بود.

آقای استنفورد از دانشگاه‌های مختلفی مانند هاروارد بازدید کرد تا بداند یک دانشگاه خوب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد. آنها چندین هکتار زمین‌های کشاورزی خود در پالوآلتو را به تأسیس دانشگاه استنفورد اختصاص دادند؛ دانشگاه تحقیقاتی مدرنی که در اول اکتبر ۱۸۹۱ افتتاح شد و براساس رتبه‌بندی منتشرشده اخیر در تایمز، در هر دو زمینه علوم انسانی و مهندسی، برترین دانشگاه جهان است.

سال‌های اول دشوار بود و ثروت استنفورد برای اداره دانشگاه کافی به‌نظر نمی‌رسید. جین استنفورد پس از مرگ شوهرش، ریاست دانشگاه نوپای او را برعهده گرفت اما زمین‌لرزه سال ۱۹۰۶ شوک تازه‌ای به وجود آورد، دو نفر را کشت و چندین ساختمان تازه‌تأسیس را ویران کرد که بعضی از آنها هنوز شروع به کار نکرده بودند اما کمک‌های هربرت هوور که بعدها رییس جمهور آمریکا شد دانشگاه را نجات داد.

او یک دانشکده بازرگانی هم تأسیس کرد که برخی از فارغ‌التحصیلان آن رهبران تجارت دنیای امروز هستند.

نام دانشگاه استنفورد در ذهن ما ایرانیان با نام دو زن ایرانی گره خورده است: سیمین دانشور، نویسنده و مترجم نامداری که در آنجا درس خواند و مریم میرزاخانی، ریاضی‌دان و برنده جایزه معروف فیلدز که در آنجا درس داد.



نمای دانشگاه استنفورد از فراز برج هوور

خیلی نزدیک



مرد خم شد و چیزی از روی زمین برداشت. یک سکه یک‌ریالی پیدا کرده بود. دلش گرم شد. گفت: دانشگاه را همین جا می‌سازم. این یک نشانه خوب است و برکت دارد!

متولد تفرش و بزرگ‌شده تهران بود. هیچ کس در کرمان او را نمی‌شناخت و هیچ کس نمی‌دانست چرا این شهر را انتخاب کرده است. حالا هم که دست گذاشته بود روی یک منطقه بیابانی در حاشیه کرمان، فقط به‌خاطر این‌که در آنجا یک سکه پیدا کرده بود!

مرد و همسرش مدتی پیش از آن در دی‌ماه سال ۱۳۵۳، پیش استاندار وقت کرمان رفته و خبر داده بودند که قصد دارند دانشگاهی بسازند برای بچه‌هایی که نداشتند و می‌توانستند داشته باشند.

چندسالی از ازدواجشان می‌گذشت و بیشتر شهرهای ایران و تعدادی از کشورهای دنیا را گشته بودند، فرزندی هم نداشتند که نگران آینده او باشند.

مرد که مهندس رشته شیمی کشاورزی و تحصیل‌کرده دانشگاه‌های تهران و پاریس بود، در سال‌های جوانی تاجر موفقی به‌شمار می‌رفت و ثروتی اندوخته بود. حالا او و همسرش دلشان می‌خواست امکانی برای تحصیل هزاران فرزند دیگر فراهم کنند و به تماشای رفت‌وآمدشان به دانشگاه بنشینند.

آن روز زوج میانسال با ماشین استانداری، تمام کرمان را برای پیدا کردن زمین مناسب برای ساختن دانشگاه زیر و رو کردند و مرد سکه را در جایی پیدا کرد که راننده خسته و کلافه چند دقیقه متوقف شد تا آبی بنوشند و خستگی در کنند.

آنها همان زمین را خریدند و احداث دانشگاه کرمان با نظارت مستقیم مرد شروع شد. سال‌ها گذشت، اتفاق‌های زیادی رخ داد.

انقلاب شد، جنگ شد، ولی هیچ چیز و هیچ‌کس نتوانست روند ساختن دانشگاه را متوقف کند. مرد در طول ماه بارها و بارها به کرمان سفر می‌کرد و بر کوچک‌ترین جزئیات ساختن دانشگاه نظارت داشت. در تمامی این مراحل همسرش در کنارش بود و لحظه‌ای ترکش نکرد.

دانشگاه کرمان که بعدها به نام شهید باهنر مزین شد، یکی از زیباترین و مجهزترین دانشگاه‌های ایران بود که در ۲۴ شهریور ۱۳۶۴ در حضور مرد نیکوکار و همسرش افتتاح شد.

در مراسم افتتاحیه وقتی رییس دانشگاه با اصرار از آنها خواست که پشت تریبون بیایند و شروع به کارِ دانشگاه را رسما اعلام کنند جمعیت مشتاق، زوج پیر و لاغر اندامی را دیدند که از پله‌ها بالا رفتند. چیزی نگفتند اما دانشجوها بدون هیچ هماهنگی قبلی همه با هم به احترامشان از جا بلند شدند و برای بیشتر از بیست دقیقه فقط دست زدند. آن زوج فقط نگاه کردند و گریستند.

آرزوی مرد این بود که اتاق کوچکی در ورودی دانشگاه داشت که با همسرش آنجا زندگی می‌کرد و می‌توانست آمد و رفت هر روزه فرزندان معنوی‌اش را ببیند. این اتفاق هرگز نیفتاد اما بسیاری از آن فرزندان، آرزوهایشان را در دانشگاهی که آنها ساخته بودند، دنبال کردند.

سال‌ها بعد مجسمه‌ای از مرد در کنار در ورودی دانشگاه کرمان نصب شد. به این ترتیب دست‌کم تندیس مهندس علیرضا افضلی‌پور می‌تواند روزها با لبخندی بر لب، رفت‌وآمد دانشجویان را تماشا کند.

مقبره علیرضا افضلی‌پور که مطابق اطلاعات موجود در سایت دانشگاه کرمان در فروردین ۱۳۷۲ درگذشت، در ابن‌بابویه و مزار همسرش فاخره صبا، خواننده اپرا و استاد دانشگاه تهران که در تیرماه ۱۳۸۶ درگذشت، در قطعه هنرمندان بهشت‌زهرا (قطعه ۸۸) قرار دارد.



پردیس دانشگاه باهنر کرمان

آبادان؛ تقاطع فرهنگ‌ها



ساسان یغمایی

فرهنگ از سـنخ واژه‌هایی اسـت که در نگاه نخست بسیار واضح و آشـکار می‌نماید اما پس از کمی درنگ و تلاش برای تعریف و تبیین آن، خود را در برابر پیچیدگی‌ها و دشـواری‌های متعدد می‌بینیم. با این حال هنگامی که خود را یکی از مؤلفه‌های فرهنگ می‌یابیم این امکان برایمان حاصل می‌شـود تا درباره این موضوع جدی بیندیشـیم و سخن بگوییم، فارغ از این که تخصص لازم را در این خصوص داریم یا خیر.

یکی از موضوعات مطرح در حوزه فرهنگ، موضوع بافت جمعیتی یک شـهر اسـت و این دو مقوله از یکدیگر متأثر هسـتند. از نتایج این تأثیر و تأثر می‌توان به مسـأله تغییرات فرهنگی ایجاد شـده در یک شهر اشاره کرد و آن را مورد بررسی قرار داد. در این گزارش «آبادان» به دلیل این که این شـهرهم در نحوه شـکل‌گیری ساختار مدرن و هم در مواجهه با وقوع جنگ تحمیلی، شرایط خاص جمعیتی را تجربه کرده، مورد توجه قرار گرفته است.

دراین باره بسـتر تغییرات فرهنگی شـهر آبادان را می‌توان در سه مرحله زیر توضیح داد:

۱ـ شـکل‌گیری شـهر آبادان به عنوان شـهری مدرن، صنعتی، تجاری و تفریحی.

۲ـ آغاز جنگ تحمیلی و مهاجرت مردم آبادان به سـایر نقاط کشـور و همچنین مهاجرت به خارج از کشور.

۳ـ اتمام جنگ و بازگشت مهاجران به آبادان.

شکل‌گیری ساختار جدید

آبادان شـهری اسـت با قدمت طولانی؛ اما تا قبل از اکتشـاف و استخراج نفت، مردم آن زندگی‌ای منطبق با شیوه‌های سنتی همچون سـایر نقاط خوزسـتان داشتند. شغل آنها نخل‌داری، صیادی و دامداری بود. در سال ۱۲۸۹ شمسی انگلیسی‌ها پالایشگاه بزرگ آبادان را احداث کردند و در سـال ۱۲۹۰ برای اسـتقرار نیروهای کاری، شـهر جدیدی براسـاس الگوی شـهرهای انگلیس سـاختند. بدین‌ترتیب افراد زیادی از سـایر نقاط کشـور به انگیزه اشـتغال به شـهر آبادان مهاجرت کردند و همزمان افرادی از کشـورهای اروپایی و هند نیز در این شـهر مسـتقر شـدند. سـال ۱۳۰۰ جمعیت شـهر به بیش از سی هزار نفر رسید و بافت جدیـد جمعیتی شـکل گرفـت و یکی از اولیـن کانون‌های چندگانگی فرهنگی را پدید آورد. همزیسـتی انسـان‌هایی از قومیت‌های مختلف، خـرده فرهنگ‌هـای متفاوت و حتی با دین و مذهب‌های متفاوت، بافت فرهنگی جدیدی را ایجاد کرد که با توجه به این تفاوت‌ها، سعی داشتند با تسامح و تساهل و کنار گذاشتن تعصبات به اجتماعی همگن و یکدست دست یابند و در سایه این تعامل، پیشرفت در زندگی را تجربه کنند.

در کنار این همزیسـتی که از نشـانه‌های فرهنگ جدید شـهر آبادان بود عوامل دیگری از جمله: معاشرت با انگلیسی‌ها و بهره‌مندی از امکانات مدرن شـهری که مطابق با آخرین دسـتاوردهای دنیای آن روز بودند، همچنین امکانات مختلف در حوزه صنعت، صنایع وابسته به نفت؛ در حوزه حمل‌ونقل، وجود فرودگاه بین‌المللی و اتصال به راه‌آهن سراسـری و دو بندر فعال آبادان و خرمشـهر؛ در حوزه آموزش، دانشگاه نفت آبادان که به سـال ۱۳۱۸ تأسـیس شـد به همراه مؤسسات و مدارس بسـیار دیگر، در حوزه سـلامت، وجود بیمارسـتان‌های مجهز با کادری مجرب و در حوزه فرهنگ و هنر، وجود تعداد زیادی سـینما، باشـگاه و محل‌های تفریحی که می‌توان نام برد بر ساختار فرهنگی مردم آبادان بسیار تأثیر گذاشتند.

وقوع جنگ تحمیلی

مردم آبادان با شرایطی که پیش‌تر ذکر شد مشغول زندگی مطلوب و ایده‌آل در سایه تعامل و همدلی بودند تا اینکه جنگ آغاز شد و به دلیل موقعیت جغرافیایی، آبادان جزو اولین مناطقی شد که آسیب دید، آن‌هم به گونه‌ای که شهروندانش ناچار شدند که به شهرهای دیگر مهاجرت کنند. در این اتفاق اما آن‌چه از نظر فرهنگی قابل تأمل است، این مطلب است که این مردمانی که روزگاری از شهرها و دیار خود به آبادان آمده بودنـد و تـا حـدود زیادی با فرهنگ بومی خود فاصله گرفته بودند حالا می‌باید که خود را با فرهنگ قبلی‌شان دوباره منطبق می‌کردند و همین بازگشت، تغییرات فرهنگی بسیاری به دنبال داشت.

در این باره به گفتگویی که با یکی از اهالی آبادان انجام دادم اشاره می‌کنم که تجربه خود را چنین بیان می‌داشت: «همزمان با ابتدای سال تحصیلی، جنگ آغاز شـد و من کلاس دوم دبسـتان را باید با تأخیر در شـهری که به آن مهاجرت کرده بودیم شـروع می‌کردم. کلاس اول را در یکی از بهترین مدارس آبادان گذرانده بودم که رفتار اولیاء مدرسه با دانش‌آموزان بسیار محترمانه و اخلاقی بود. وقتی وارد دبستان جدید در شـهری که به آن مهاجرت کرده بودیم شـدم، رفتارها و برخوردها برایم بسیار متفاوت بودند؛ رفتاری همراه با خشونت و به دور از ادب و احترام، هم از سـوی اولیاء مدرسـه و هم از سوی دانش‌آموزان. مواجهه با چنین شرایطی برایم غیرقابل تحمل بود.

به پدرم که اتفاقاً به مسائل آموزشی ما بسیار حساس بود گفتم من با این شرایط به مدرسه نمی‌روم. از آن‌جا که پدرم به اختلاف فرهنگی پیش آمده اشـراف داشـت مخالفتی نکرد و من کلاس دوم را در خانه خواندم و هرگز به آن مدرسه نرفتم.»

پایان جنگ و بازگشت به آبادان

بـا اتمـام جنگ انتظار می‌رفت مردم آبادان همگی به شـهر خود بازگردنـد امـا بـا توجه به طولانی شـدن مدت زمان جنگ، بسـیاری از خانواده‌هـا طـی این سـال‌ها بر اثر عوامل مختلفی چـون ازدواج، از دسـت‌دادن اعضای خانواده، نوع شـغل و حرفه و بسیاری موارد دیگر به شـهرهای دیگـری که در ایران یا خـارج از ایران مهاجرت کرده بودند، وابسته شده بودند و ترجیح می‌دادند که به آبادان باز نگردند.

این رویدادها باعث تغییر بسـیار زیادی در سـاختار جمعیتی شهر آبادان شـدند به گونه‌ای که اهالی روسـتاهای اطراف آبادان جایگزین این شهروندان شدند و همین مسأله یکی از عوامل تغییر فرهنگی شهر آبادان در دوره پس از جنگ شد.

عامل دیگر مؤثر در تغییر فرهنگی این شهر، از بین رفتن بسیاری از امکانـات قبـل از جنـگ بود، طوری که مردم آبادان سـال‌ها پس از اتمام جنگ حتی از آب تصفیه شـده شـهری بی‌بهره بودند و تعدادی از خانواده‌هـا کـه پـس از پایان جنـگ به آبادان برگشـته بودند با این کمبـود امکانـات، تصمیم به ترک آبـادان گرفتند که خود این مهاجرت ثانویه موجب پدید آمدن نسـل سـومی در آبادان شـد و تبعات فرهنگی جدیدی به همراه داشت و تا امروز نیز چهره شهر را پی در پی دگرگون می‌دارد.

کوتـاه سـخن این که آبادان، یـک نمونه بارز برای مطالعه عوامل مؤثـر بـر تغییر فرهنگی اسـت که از مسـیر رو به اعتـلای فرهنگی و جغرافیـای برخـوردار از امکانـات فرهنگی، به مسـیر کاملا متفاوت با دگردیسی فرهنگی هدایت شده است و موتور تغییر فرهنگ در این شهر نه فقط تغییرات اقتصادی که تغییرات اجتماعی و سیاسـی و فرهنگی است.



آبادان ـ دیوار مشترک بین مسجد و کلیسا



دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷ ـ سال نود و سوم ـ شماره ۲۷۱۷۹

باید نخبگان را به میدان آورد



وجیهه تیموری

دکتر تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس و استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. صبح زود در اتاق پر کتابش وقت گفتگو و ملاقات به ما می‌دهد. موضوع صحبت روند تغییرات فرهنگی در ایران است و بخشی نیز به تغییرات ساختاری در خانواده منتهی می‌شود که در گفتگویی جداگانه چاپ می کنیم.

فرهنگ امری زایا و متغیر است؛ مثل زبان. رودی است که می‌رود و در مسیرش هم آنچه بر سر راه دارد در خود حل می‌کند و هم از آنچه بر آن وارد می‌شود اثر می‌پذیرد.

تغییرات فرهنگی در هر دوره و در هر بسترفرهنگی، اتفاق می‌افتند فقط مسیر این تغییرات است که می‌تواند به سمت اعتلا باشد یا به سمت ابتذال.

بین فرهنگ و نیروهای اجتماعی، نهادها و شرایط ساختاری هر جامعه، رابطه متقابلی وجود دارد و مسیر تغییرات فرهنگی یک جامعه بدون توجه به روند تغییرات اجتماعی و نیز درک گذشته تاریخی، تعامل بین شرایط ساختاری و کنشگران فرهنگی، ممکن نیست. این کار بر عهده عالمان و متخصصان عرصه فرهنگ است و جامعه‌شناسان از پیشکسوتان و سردمداران این تعهد و تخصص‌اند.

***وقتی از فرهنگ و تغییرات فرهنگی حرف می‌زنیم درباره چه حرف می‌زنیم؟**

وقتی از فرهنگ حرف می‌زنیم در واقع نمی‌دانیم از چه حرف می‌زنیم، به این دلیل که همه آدم‌ها درباره فرهنگ حرف می‌زنند. البته افراد جامعه درباره خیلی مسایل حرف می‌زنند؛ از سرطان و اماس گرفته تا قیمت مسکن و ... . فرقش این است که متخصص سرطان و راه‌های درمان آن تقریبا مشخص است اما درباره فرهنگ همه خود را متخصص می‌دانند و نظر می‌دهند. جامعه ما جامعه‌ای است که به طور ریاکارانه‌ای از خودش تصویر فرهنگی ارائه می‌دهد و همه کسانی که در آن زیست می کنند احساس می کنند دغدغه فرهنگی و فهم فرهنگی دارند.

همچنین مشخص نیست وقتی می گوییم فرهنگ، منظورمان فرهنگ نخبگان است یا فرهنگ عامه؟ همه ما به شکلی در فرهنگ عمومی زیست می کنیم، سوار ماشین می‌شویم، در ترافیک می‌مانیم، در معرض آلودگی هوا هستیم یا خرید و فروش می کنیم. وقتی در فرهنگ عمومی زیست می کنیم پس از آن دور نیستیم و آدم بی‌فرهنگ یا دور از فرهنگ نداریم فقط بعضی‌هامان خیلی فرهنگی هستیم و فرهنگ خاص داریم و بعضی‌هامان فقط فرهنگ عمومی داریم. از سوی دیگر وقتی در ساحت گفتگو قرار می گیریم، با فرهنگ نخبگان سرو کار پیدا می کنیم و در ساحت زیست که قرار می گیریم با فرهنگ عمومی مواجه می‌شویم. بنابراین وقتی درباره فرهنگ و تغییرات فرهنگی صحبت می کنیم باید مشخص کنیم کجا قرار داریم و می‌خواهیم درباره کدام ساحت بحث کنیم.

***پس متولی فرهنگی و تخصص فرهنگی هم باید مشخص باشد؟**

بله اما در جامعه ایران سازمان انتقال فرهنگ و متولی فرهنگ نداریم. در هر جمعی بیشترین حرف از فرهنگ را کسانی می‌زنند که کمترین تخصص را در این زمینه دارند زیرا ساختار مناسبات فرهنگی ما به هم ریخته است. تا دیروز کسی که اهل خواندن حافظ و سعدی و قرآن‌شناس بود و شعر و ادبیات می‌دانست، معرکه‌گردان محافل فرهنگی بود و افرادی که پای صحبت او می‌نشستند، اشباع فرهنگی می‌شدند و چیزی می‌آموختند و دستاوردی داشتند اما الان فقط اطلاعات عمومی پیدا می کنیم و افراد متخصص هم جوک می گویند و حرف‌های عمومی می‌زنند.

*** پس دچار نوعی ریزش و سایش و انتقال فرهنگی شده‌ایم.**

بگذارید توضیح دهیم چگونه این اتفاق افتاده است. ریزش فرهنگی ما از ساحت نخبگانی به سطح توده است، همان پذیرش از پایین به بالا. سایش نیزدر عرصه فرهنگ عمومی اتفاق می‌افتد و به دنبال آن فرهنگ نخبگانی دچار فرسودگی می‌شود و از بین می‌رود. مثلا معنای متعالی در سطح فرهنگی و ادبی و اجتماعی در باب زندگی که در سطح نخبگانی تولید می‌شود، از طریق رسانه وارد جامعه می‌شود و به سطح عمومی می‌رسد و به سرعت به ضد خودش بدل می‌شود. در نتیجه جامعه به سادگی امور اخلاقی را به سخره می گیرد.

البته این ویژگی فرهنگ عامه است که همه چیز را به سخره می گیرد و دچار فرسودگی می کند. به بیان دیگر اگر فرهنگ نخبگانی جای فرهنگ عامه را بگیرد کارش می‌شود به سخره گرفتن؛ اما اگر فرهنگ سازمان یافته باشد، تولید و سایش و ریزش درست اتفاق می‌افتد و زایش مستمر فرهنگی توسط نخبگان صورت می گیرد ولی در جامعه ما متأسفانه این اتفاق به صورت معکوس رخ داده و به جای این که نخبگان تولید فرهنگ کنند، سلبریتی‌ها تولید فرهنگ می کنند و باعث می‌شوند جامعه دچار افت فرهنگی شود و کسی شنوای سخنان فرهنگی در سطح نخبگانی نباشد.

*** این روندی که فرمودید همان روند تغییرات فرهنگی است که می خواهیم درباره‌اش صحبت کنیم؟**

بله، تغییر فرهنگی که اتفاق افتاده همین است، هرچند مناسب و خوب نیست و فرهنگ عامه را همه‌جا حاکم کرده است. از هر ۱۵ برنامه تلویزیون، ۴ تا مداحی است یکی بحث فرهنگی. شما در کل مراسم دهه فجر یک بحث جدی در باب انقلاب اسلامی ندارید ولی تا دلتان بخواهد مداحی گری درباره انقلاب اسلامی می‌بینید و می‌شنوید؛ درباره عاشورا و کتابخوانی و مصرف گرایی و مسایل پزشکی هم این وجه مداحی غالب است. این غلبه وجه عامه، تغییر فرهنگی است ولی تغییر خطرناکی است که در جامعه اتفاق افتاده و خفگی فرهنگی را به دنبال دارد. برای همین است که در سالیان اخیر تولیدات فرهنگی فاخر بسیار کم یا به ندرت می‌بینیم. نمونه بارزش در حوزه موسیقی است که همچنان موسیقی دوران ظهور انقلاب را نشان می‌دهیم و درباره آن منازعه می کنیم ولی در عمل موسیقی قبل انقلاب سلطه پیدا کرده و همه‌جا نوای موسیقی لاله‌زاری و لس‌آنجلسی به گوش می‌رسد و این نشان خفگی نخبگانی و فرهیختگانی است.

تکرار می کنم تغییر فرهنگ اتفاق افتاده ولی تغییر فرهنگی‌ای که می‌تواند به ابتذال فرهنگی و خفگی فرهنگی و تعطیلی فرهنگی بینجامد.

***اول بحث فرمودید یکی از عواملی که مفهوم «فرهنگ» را مبتذل کرده این است که برای گفتگوی فرهنگی سراغ متخصص فرهنگی نمی‌رویم. من با شما که متخصص فرهنگ هستید دارم گفتگو می کنم و از شما می‌خواهم حالا که می‌دانیم دردمان این است که سازماندهی فرهنگ و تولید فرهنگ از دست متخصص در رفته، راهکار و درمان را نشان دهید.**

اشتباه نکنید. ما همچنان درد را نشناخته‌ایم. ما معتقد نیستیم که تولید فرهنگ از دست متخصص فرهنگ خارج شده. چرا که وقتی در یک جمع نخبگان مانند یک همایش با موضوع فرضی «علل افزایش قیمت دلار در ایران» قرار می گیرید، می‌بینید که هفتاد درصد برنامه دست مدیران کشور است که خودشان عامل افزایش قیمت دلار هستند و سی درصد برنامه دست کارشناسان. مدیر سخنرانی‌اش را می کند و می‌رود و اصلا به سخنان متخصصان گوش نمی‌دهد. در حالی که در محلی که بحث تجدید نظر در باب سیاست‌ها است، مدیر باید بنشیند و گوش دهد و حرف نزند. ما معکوس عمل می کنیم. هفتاد درصد او حرف می‌زند و بعد هم می‌رود و نخبگان هم برای خودشان حرف می‌زنند. من به این مناسبات و از جایی که این بازی اشتباه صورت گرفته معترضم. چرا که باعث شده کسانی که بر امور مختلف حاکمند، گمان کنند عالم و دانشمند و نخبه هم هستند و این بدترین تصوری است که وجود دارد. هرکسی که مدیر است الزاماً از هوشش نیست، ممکن است از چموشی‌اش باشد. اگر هوش داشت که این کار را نمی کرد. خیلی افراد که در حوزه سیاست هستند می‌روند خودشان را استاد دانشگاه معرفی می کنند یا استاد دانشگاه می‌شوند.

این همان اشتباه است. به راستی چرا رییس جمهور، وزیر راه و ترابری، شهردار و ... باید دکتر یا آیت الله باشند؟ این چیزها از کجا در آمده‌اند؟ این همان جابجا شدن عرصه نخبگان و تصمیم‌سازان است.

مدیران باید متخصص باشند نه صاحب القاب و عناوین مهم. کسی که صاحب عناوین مهم بود حرف گوش نمی‌دهد و می گوید من استاد دانشگاه کشورم و نیازی ندارم به حرف کسی گوش بدهم. این توهم دانشمندی در سطح سیاستمداران و مدیران، مشکل اصلی کشور است. وقتی وزیر فرهنگ خود را متخصص و دانشمند می‌داند به هیچ نظر کارشناسی گوش نمی‌دهد جز توجهات خودش و اینجاست که اضمحلال مدیریتی به لحاظ فرهنگی و تخصصی به وقوع می‌پیوندد.

نکته دوم این است که ما هنوز نپذیرفتیم که در حوزه فرهنگ مشکل داریم. ما فکر می کنیم که یک جامعه کاملا فرهنگی هستیم و شاکله نظام هم اندازه رأس آن کامل و فرهنگی است؛ در حالی که به سرعت از رأس به پایین، افت فرهنگی و مناسبات اجتماعی داریم. مدیران ما متوهم هستند و دنبال مدارک و مدارج مهم. تمامی نمایندگان مجلس دنبال این هستند که دکتر شوند و می‌شوند و بعد هم دانشگاه‌های محلی خودشان را تأسیس می کنند که بمانند و سپس دعوا می کنند سر توزیع منابع در مناطق و گرفتاری‌ها در حوزه آموزش ایجاد می کنند.

***پس در دور باطل هستیم.**

بله. راه حلش هم این است که اول توافق نخبگانی در باب مشکلاتمان ایجاد کنیم. دوم سیاستمدار ما بپذیرد که بازی‌اش با فرهنگ بازی غلطی است. سوم برویم سراغ جامعه و فرهنگ عمومی. ما هنوز توافق نخبگانی نکرده و مدیران مجاب نشده، یکراست می‌رویم سراغ فرهنگ عمومی و صبح تا شب به فرهنگ عمومی شلیک می کنیم و به مردم می گوییم حجابت غلط است، دینت غلط است، رانندگی‌ات غلط است، آن کارت غلط است و مدام شلیک می کنیم. در نتیجه فرهنگ عمومی دچار زخم‌خوردگی مفرط شده است و مقاوم شده است و هر آشغال فرهنگی که به او بدهند مصرف می کند.

***یعنی فرهنگسازی را از آخرین مرحله و از مصرف‌کننده فرهنگی شروع کرده‌ایم؟**

بله و غلط است. هنوز مشخص نیست چه کسی باید فرهنگسازی کند و چه چیز را باید بسازد. برای همین است که سیاست‌های وزارت ارشاد در صدا و سیما، در فیلمسازی، در رمان، در سانسور، در مجوزهای کتاب و ... مدام در حال اعوجاج و افت و خیز است.

بایدهرچه سریع‌تر یک بحث آزاد تخصصی بین نخبگان درحوزه فرهنگ، خصوصا وضعیت فرهنگ معاصر در ایران شکل بگیرد. وظیفه این کار هم بر عهده دانشگاه‌ها و رسانه‌ها و گروه‌های ذی نفوذ است. باید اجازه دهیم که از بستر تعاملاتی مابین نخبگان و صاحبان اندیشه و خرد یک ترند به وجود بیاید و فرایندی شکل بگیرد به نام فرهنگ ایرانی.

ما یک چیزهایی در کتاب داریم، یک چیزهایی خارج از فرهنگ و کشور خودمان و یک چیزهایی هم در آسمان معلق‌اند که معلوم نیست متعلق به کجایند و همین ذرات معلق فرهنگی نفس ما را گرفته‌اند و دارند خفه‌مان می کنند. آن ایده‌آل‌هایی که در کتاب‌اند دور از دسترس‌اند؛ آن‌هایی که بیرونی هستند هم تناسبی با ما ندارند. پس باید یک بازی جدید در ایران شکل بگیرد که هنوز شکل نگرفته است. ما چهل سال از عمر بازی فرهنگی‌مان گذشته است ولی بازی نکرده‌ایم؛ یا اشیای معلق را مصرف کرده‌ایم یا فرهنگ بیگانه را یا دست برده‌ایم در بخشی از فرهنگ سنتی‌مان و آن را مصرف کرده‌ایم و باعث شده‌ایم ذهن‌هامان دچار پریشانی اندیشه و ایده شوند.

باید به صاحبان فرهنگ اجازه حضور مستمر و زمان‌دار بدهیم تا بازی را شکل دهند و قواعد آن را تنظیم کنند و نجوای فرهنگی بلندی که قابل استفاده باشد را سر دهند.

شاعر ما باید مستمر شعر بگوید و نجوای شعرخوانی، مدافعان و دوستداران شعر را پیدا کند. ما شعر را موضوع مسابقات و نمایش‌ها و امتحاناتمان کرده‌ایم؛ رمان‌نویسی و طنزگویی و نقدگویی‌مان هم همین گونه است.

***پس اگر نیازمندی ما تا این حد است چرا عرصه تولید فرهنگ مان این قدر محصور و محدود است؟**

برای این که توافق نکرده‌ایم چه چیزی برای جامعه لازم است. درمورد مصرف آب، نوشابه، کتاب، فست فود، مسافرت، ترافیک، مشق شب و هیچ چیز دیگر هم توافق نداریم که مشکل کجاست. فقط در همه عرصه‌ها وارد شده‌ایم و همه را زخمی کرده‌ایم و جامعه هم رفته سراغ تصمیمات خودش؛ به سادگی هم این وضع درست نمی‌شود مگر این که نخبگان جامعه با خودشان یک نجوای درونی بکنند. از این نجوای درونی یک نجوای بیرونی شنیده شود که بتوان آن را به شکل کالای فرهنگی عرضه کرد و مردم را مخاطب قرار داد والاهرچه تولید شود تحکمی است و سیاسی و ایدئولوژیک و دولت مدار و موقتی و ناپایدار.

*** شما تأکید دارید که تولید کننده فرهنگی باید نخبه فرهنگی باشد. این نخبگان چه کسانی هستند؟**

وقتی از نخبه فرهنگی حرف می‌زنیم حداقلش این است که اهل فرهنگ و درس‌خوانده و اهل کتاب باشد. یعنی کتاب بخواند. ما دانشجو داریم کتاب نخوانده و نمی‌خواند و دکترایش را هم می گیرد و چه بسا کتاب هم نوشته است. استاد داریم که کتاب نمی‌خواند. این سیستم خیلی عجیب است. طرف درس می‌دهد، مدیر و کارشناس و مشاور است، کار اقتصادی هم می کند و آدم مهم این کشور است ولی کتاب نمی‌خواند. اهل کتاب، به کتاب و خواندن و نوشتن احترام می گذارد. به مدرسه و دانشگاه و عرصه علم احترام می گذارد. برخی معلمان ما به مدرسه بی‌اعتنایند چون کارمندند. برخی استادان ما کارمندند. دولت کارمند استخدام کرده. پس نخبه و اهل فرهنگ، کتابخوان و کتاب‌نویس و دانش‌دوست است اما لزوما در مدرسه و حوزه و دانشگاه و شورای کتاب و فلان وزارتخانه نیست، نمی‌دانم کجاست؛ باید بگردیم و اجازه دهیم این افراد بالا بیایند.

***پس نخبگان که باید ظهور کنند الان کجا هستند؟ در انزوا هستند؟**

نخبگان کشور در انزوا نیستند، مسیر عوض کرده‌اند و رفته‌اند سراغ اخلاق عمومی و بحث اخلاقی می کنند و این که سیستم کشور که سیستم دینی است به جای اخلاق دینی از اخلاق مدنی مورد سوال قرار می گیرد از اینجاست.

اخلاق دینی این است که تو دین داری یا نه؟ اخلاق مدنی این است که وظیفه ملی و مسئولیت اجتماعی‌ات را درست انجام می‌دهی یا نه؟

***چرا نخبگان رفته‌اند سراغ اخلاق مدنی؟**

چون در اخلاق دینی، روحانیت رقیبشان بود و محکوم می‌شدند. برای همین مشروعیت را سپردند به آن‌ها و گفتند خودتان به جامعه جواب بدهید. نتیجه هم مشخص است و این همه ریزش در بحث دینداری در کشور اتفاق افتاد. به بیان دیگر نخبگان، ساحت اخلاق دینی را واگذاردند به علما و رفتند سراغ اخلاق مدنی و حقوق شهروندی و مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی. هرچند در اینجا هم البته اجماع نداریم؛ در واقع هیچ‌جا اجماع کامل نداریم.

مسیری که نخبگان دارند طی می کنند منتهی به سوال از مسئولیت‌پذیری می‌شود و البته سوال خیلی مهمی است. اگر دولت‌ها و نظام سیاسی نخبگان را راحت‌تر گذاشته بودند، احتمالا این دوگانگی میان اخلاق دینی و اخلاق مدنی در ایران شکل نمی‌گرفت و این دو، درهم و با هم پیش می‌رفتند.

*** این تغییرات فرهنگی، بر دغدغه نسل‌فرهنگی امروز چه تأثیری گذاشته است؟**

نسل فرهنگی جدید می‌خواهد بین فرهنگ ایرانی و سنتی و فرهنگ مدرن پیوند برقرار کند. می‌خواهد در جهان مدرن زندگی کند نه در خلوت خودش. نسل گذشته ما خلوت‌گرا بود و عزلت‌گزین؛ در حالی که نسل جدید خیلی عمومی زندگی می کند و دغدغه زیست مدرن و تعامل با جهان و دیگران را دارد.

دغدغه دیگرش این است که می‌خواهد پالایشی در باب گذشته خودش انجام دهد.

ما فرصت پالایش گذشته فرهنگی‌مان را پیدا نکردیم به این دلیل که به سرعت بعد از انقلاب، دچار جنگ و چندگانگی‌های سیاسی شدیم.

دغدغه نسل جدید فرهنگی این است که سابقه فرهنگی‌اش و تناسبش را با امروز ایران و جهان دریابد و بازبینی کند و تلاش بسیار خوبی هم است.

دغدغه سومش این است که می‌خواهد زیست درست و زندگی کردن را طراحی کند و به مردمان بیاموزد که از داشته‌هایشان استفاده کنند.

ما امکان زیست در این سرزمین را از بین برده‌ایم. امروزه هم به لحاظ منازعات سیاسی و هم مسایل درونی نظام سیاسی و هم به لحاظ مسایل محیط‌زیستی و جمعیتی و آب و هوا و شهر و ... زیست سخت شده. همه در شهر زندگی می کنیم، همه در خیابان زندگی می کنیم، همه در ماشین زندگی می کنیم، همه در آلودگی زندگی می کنیم و نسل فرهنگی امروز دغدغه زیست مناسب در همین سرزمین و همین شرایط را دارد.

*** یکی از دغدغه‌های نسل فرهنگی امروز این است که نمی‌داند تنوع فرهنگی را بپذیرد یا به سنت‌ها پایبند باشد.**

اول باید بپذیریم که این کشور خیلی اصیل نیست، مدام مهاجرانی به این کشور آمده‌اند و از این کشور رفته‌اند. خیلی بد است که به خودمان این‌قدر اصالت‌گرایانه نگاه کنیم و جهان خودمان را بهتر از جهان‌های دیگر بدانیم. باید بدانیم و بپذیریم که روزگاری مهاجرپذیر بوده‌ایم و الان مهاجرفرست هستیم و معلوم نیست فردا چگونه باشیم. این جابجایی جمعیت، وجوه پنهان تغییرات فرهنگی را ممکن کرده است.

ما به لحاظ اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، جامعه ای چندگانه‌ایم و باید این تنوع را بپذیریم و مشکل این است که این تنوع را نمی‌پذیریم و می گوییم همه باید یک شکل حجاب داشته باشند، یک قیافه داشته باشند، یک رفتار داشته باشند، یک غذا داشته باشند و ...

اختلالاتی که در ساختار فرهنگی ما به وجود آمده نتیجه همین بی‌توجهی به تنوع فرهنگی است. ما می‌خواهیم یکسان‌سازی فرهنگی را دیکته کنیم و یک لباس بر کل جامعه بپوشانیم ولی جامعه خسته است از این یکسان‌سازی اجباری.

باید برگردیم به گذشته تاریخی و بپذیریم که یک جامعه متنوع و متکثر هستیم نه یکپارچه و یکسان.

جامعه متنوع و متکثر هم به سیاست‌های متنوع، فتواهای متعدد و زمزمه‌های متکثر نیاز دارد. یک شاعر نیاز ندارد، به شعرای متعدد نیاز دارد؛ یک موسیقی لازم ندارد، به موسیقی‌های متعدد نیاز دارد؛ همان‌طور که به یک دانشگاه و یک برنامه واحد نیاز ندارد، به دانشگاه‌های متعدد نیاز دارد. ما اما یک نوع دانشگاه داریم که در جاهای متعدد بنا شده و یک برنامه برای همه آن‌ها وجود دارد و این بسیار مبتذل است.

***پس این یکسان‌سازی خودش عامل تعطیلی فرهنگی است؟**

بله. وقتی شما می‌گویید همه باید هر روز صبح یک مدل چایی بخورند، افراد مقاومت می کنند و چایی که نمی‌خورند هیچ، چیزهایی که می‌خواهند بخورند را در همین لیوان چایی می‌ریزند و می‌خورند.

خلاصه کلام این که تنوع را پذیرفتن نشانه بلوغ جامعه است. باید به بلوغ برسیم.

در حالی که سیاست ما نابالغ است و یک نسخه دارد و این تنوع را نمی‌پذیرد و جامعه باید این همه هزینه و مشکلات را تحمل کند.

*** سپاس از شما و به امید رسیدن به این بلوغ هر چه زودتر.**





دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷ ـ سال نود و سوم ـ شماره ۲۷۱۷۹

باید نخبگان را به میدان آورد



● وجیهه تیموری

دکتر تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس و استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران است. صبح زود در اتاق پر کتابش وقت گفتگو و ملاقات به ما می‌دهد. موضوع صحبت روند تغییرات فرهنگی در ایران است و بخشی نیز به تغییرات ساختاری در خانواده منتهی می‌شود که در گفتگویی جداگانه چاپ می کنیم.

فرهنگ امری زایا و متغیر است؛ مثل زبان. رودی است که می‌رود و در مسیرش هم آنچه بر سر راه دارد در خود حل می‌کند و هم از آنچه بر آن وارد می‌شود اثر می‌پذیرد.

تغییرات فرهنگی در هر دوره و در هر بسترفرهنگی، اتفاق می‌افتند فقط مسیر این تغییرات است که می‌تواند به سمت اعتلا باشد یا به سمت ابتذال.

بین فرهنگ و نیروهای اجتماعی، نهادها و شرایط ساختاری هر جامعه، رابطه متقابلی وجود دارد و مسیر تغییرات فرهنگی یک جامعه بدون توجه به روند تغییرات اجتماعی و نیز درک گذشته تاریخی، تعامل بین شرایط ساختاری و کنشگران فرهنگی، ممکن نیست. این کار بر عهده عالمان و متخصصان عرصه فرهنگ است و جامعه‌شناسان از پیشکسوتان و سردمداران این تعهد و تخصص‌اند.

***وقتی از فرهنگ و تغییرات فرهنگی حرف می‌زنیم درباره چه حرف می‌زنیم؟**

وقتی از فرهنگ حرف می‌زنیم در واقع نمی‌دانیم از چه حرف می‌زنیم، به این دلیل که همه آدم‌ها درباره فرهنگ حرف می‌زنند. البته افراد جامعه درباره خیلی مسایل حرف می‌زنند؛ از سرطان و اماس گرفته تا قیمت مسکن و ... . فرقش این است که متخصص سرطان و راه‌های درمان آن تقریبا مشخص است اما درباره فرهنگ همه خود را متخصص می‌دانند و نظر می‌دهند. جامعه ما جامعه‌ای است که به طور ریاکارانه‌ای از خودش تصویر فرهنگی ارائه می‌دهد و همه کسانی که در آن زیست می کنند احساس می کنند دغدغه فرهنگی و فهم فرهنگی دارند.

همچنین مشخص نیست وقتی می گوییم فرهنگ، منظورمان فرهنگ نخبگان است یا فرهنگ عامه؟ همه ما به شکلی در فرهنگ عمومی زیست می کنیم، سوار ماشین می‌شویم، در ترافیک می‌مانیم، در معرض آلودگی هوا هستیم یا خرید و فروش می کنیم. وقتی در فرهنگ عمومی زیست می کنیم پس از آن دور نیستیم و آدم بی‌فرهنگ یا دور از فرهنگ نداریم فقط بعضی‌هامان خیلی فرهنگی هستیم و فرهنگ خاص داریم و بعضی‌هامان فقط فرهنگ عمومی داریم. از سوی دیگر وقتی در ساحت گفتگو قرار می گیریم، با فرهنگ نخبگان سرو کار پیدا می کنیم و در ساحت زیست که قرار می گیریم با فرهنگ عمومی مواجه می‌شویم. بنابراین وقتی درباره فرهنگ و تغییرات فرهنگی صحبت می کنیم باید مشخص کنیم کجا قرار داریم و می‌خواهیم درباره کدام ساحت بحث کنیم.

***پس متولی فرهنگی و تخصص فرهنگی هم باید مشخص باشد؟**

بله اما در جامعه ایران سازمان انتقال فرهنگ و متولی فرهنگ نداریم. در هر جمعی بیشترین حرف از فرهنگ را کسانی می‌زنند که کمترین تخصص را در این زمینه دارند زیرا ساختار مناسبات فرهنگی ما به هم ریخته است. تا دیروز کسی که اهل خواندن حافظ و سعدی و قرآن‌شناس بود و شعر و ادبیات می‌دانست، معرکه‌گردان محافل فرهنگی بود و افرادی که پای صحبت او می‌نشستند، اشباع فرهنگی می‌شدند و چیزی می‌آموختند و دستاوردی داشتند اما الان فقط اطلاعات عمومی پیدا می کنیم و افراد متخصص هم جوک می‌گویند و حرف‌های عمومی می‌زنند.

*** پس دچار نوعی ریزش و سایش و انتقال فرهنگی شده‌ایم.**

بگذارید توضیح دهیم چگونه این اتفاق افتاده است. ریزش فرهنگی ما از ساحت نخبگانی به سطح توده است، همان پذیرش از پایین به بالا. سایش نیزدر عرصه فرهنگ عمومی اتفاق می‌افتد و به دنبال آن فرهنگ نخبگانی دچار فرسودگی می‌شود و از بین می‌رود. مثلا معنای متعالی در سطح فرهنگی و ادبی و اجتماعی در باب زندگی که در سطح نخبگانی تولید می‌شود، از طریق رسانه وارد جامعه می‌شود و به سطح عمومی می‌رسد و به سرعت به ضد خودش بدل می‌شود. در نتیجه جامعه به سادگی امور اخلاقی را به سخره می گیرد.

البته این ویژگی فرهنگ عامه است که همه چیز را به سخره می گیرد و دچار فرسودگی می کند. به بیان دیگر اگر فرهنگ نخبگانی جای فرهنگ عامه را بگیرد کارش می‌شود به سخره گرفتن؛ اما اگر فرهنگ سازمان یافته باشد، تولید و سایش و ریزش درست اتفاق می‌افتد و زایش مستمر فرهنگی توسط نخبگان صورت می گیرد ولی در جامعه ما متأسفانه این اتفاق به صورت معکوس رخ داده و به جای این که نخبگان تولید فرهنگ کنند، سلبریتی‌ها تولید فرهنگ می کنند و باعث می‌شوند جامعه دچار افت فرهنگی شود و کسی شنوای سخنان فرهنگی در سطح نخبگانی نباشد.

*** این روندی که فرمودید همان روند تغییرات فرهنگی است که می خواهیم درباره‌اش صحبت کنیم؟**

بله، تغییر فرهنگی که اتفاق افتاده همین است، هرچند مناسب و خوب نیست و فرهنگ عامه را همه‌جا حاکم کرده است. از هر ۱۵ برنامه تلویزیون، ۴ تا مداحی است یکی بحث فرهنگی. شما در کل مراسم دهه فجر یک بحث جدی در باب انقلاب اسلامی ندارید ولی تا دلتان بخواهد مداحی گری درباره انقلاب اسلامی می‌بینید و می‌شنوید؛ درباره عاشورا و کتابخوانی و مصرف‌گرایی و مسایل پزشکی هم این وجه مداحی غالب است. این غلبه وجه عامه، تغییر فرهنگی است ولی تغییر خطرناکی است که در جامعه اتفاق افتاده و خفگی فرهنگی را به دنبال دارد. برای همین است که در سالیان اخیر تولیدات فرهنگی فاخر بسیار کم یا به ندرت می‌بینیم. نمونه بارزش در حوزه موسیقی است که همچنان موسیقی دوران ظهور انقلاب را نشان می‌دهیم و درباره آن منازعه می کنیم ولی در عمل موسیقی قبل انقلاب سلطه پیدا کرده و همه‌جا نوای موسیقی لاله‌زاری و لس‌آنجلسی به گوش می‌رسد و این نشان خفگی نخبگانی و فرهیختگانی است.

تکرار می کنم تغییر فرهنگ اتفاق افتاده ولی تغییر فرهنگی‌ای که می‌تواند به ابتذال فرهنگی و خفگی فرهنگی و تعطیلی فرهنگی بینجامد.

***اول بحث فرمودید یکی از عواملی که مفهوم «فرهنگ» را مبتذل کرده این است که برای گفتگوی فرهنگی سراغ متخصص فرهنگی نمی‌رویم. من با شما که متخصص فرهنگ هستید دارم گفتگو می کنم و از شما می‌خواهم حالا که می‌دانیم دردمان این است که سازماندهی فرهنگ و تولید فرهنگ از دست متخصص در رفته، راهکار و درمان را نشان دهید.**

اشتباه نکنید. ما همچنان درد را نشناخته‌ایم. ما معتقد نیستیم که تولید فرهنگ از دست متخصص فرهنگ خارج شده. چرا که وقتی در یک جمع نخبگان مانند یک همایش با موضوع فرضی «علل افزایش قیمت دلار در ایران» قرار می‌گیرید، می‌بینید که هفتاد درصد برنامه دست مدیران کشور است که خودشان عامل افزایش قیمت دلار هستند و سی درصد برنامه دست کارشناسان. مدیر سخنرانی‌اش را می کند و می‌رود و اصلا به سخنان متخصصان گوش نمی‌دهد. در حالی که در محلی که بحث تجدید نظر در باب سیاست‌ها است، مدیر باید بنشیند و گوش دهد و حرف نزند. ما معکوس عمل می کنیم. هفتاد درصد او حرف می‌زند و بعد هم می‌رود و نخبگان هم برای خودشان حرف می‌زنند. من به این مناسبات و از جایی که این بازی اشتباه صورت گرفته معترضم. چرا که باعث شده کسانی که بر امور مختلف حاکمند، گمان کنند عالم و دانشمند و نخبه هم هستند و این بدترین تصوری است که وجود دارد. هرکسی که مدیر است الزاماً از هوشش نیست، ممکن است از چموشی‌اش باشد. اگر هوش داشت که این کار را نمی کرد. خیلی افراد که در حوزه سیاست هستند می‌روند خودشان را استاد دانشگاه معرفی می کنند یا استاد دانشگاه می‌شوند.

این همان اشتباه است. به راستی چرا رییس جمهور، وزیر راه و ترابری، شهردار و ... باید دکتر یا آیت الله باشند؟ این چیزها از کجا در آمده‌اند؟ این همان جابجا شدن عرصه نخبگان و تصمیم‌سازان است.

مدیران باید متخصص باشند نه صاحب القاب و عناوین مهم. کسی که صاحب عناوین مهم بود حرف گوش نمی‌دهد و می گوید من استاد دانشگاه کشورم و نیازی ندارم به حرف کسی گوش بدهم. این توهم دانشمندی در سطح سیاستمداران و مدیران، مشکل اصلی کشور است. وقتی وزیر فرهنگ خود را متخصص و دانشمند می‌داند به هیچ نظر کارشناسی گوش نمی‌دهد جز توجهات خودش و اینجاست که اضمحلال مدیریتی به لحاظ فرهنگی و تخصصی به وقوع می‌پیوندد.

نکته دوم این است که ما هنوز نپذیرفتیم که در حوزه فرهنگ مشکل داریم. ما فکر می کنیم که یک جامعه کاملا فرهنگی هستیم و شاکله نظام هم اندازه رأس آن کامل و فرهنگی است؛ در حالی که به سرعت از رأس به پایین، افت فرهنگی و مناسبات اجتماعی داریم. مدیران ما متوهم هستند و دنبال مدارک و مدارج مهم. تمامی نمایندگان مجلس دنبال این هستند که دکتر شوند و می‌شوند و بعد هم دانشگاه‌های محلی خودشان را تأسیس می کنند که بمانند و سپس دعوا می کنند سر توزیع منابع در مناطق و گرفتاری‌ها در حوزه آموزش ایجاد می کنند.

***پس در دور باطل هستیم.**

بله. راه حلش هم این است که اول توافق نخبگانی در باب مشکلاتمان ایجاد کنیم. دوم سیاستمدار ما بپذیرد که بازی‌اش با فرهنگ بازی غلطی است. سوم برویم سراغ جامعه و فرهنگ عمومی. ما هنوز توافق نخبگانی نکرده و مدیران مجاب نشده، یکراست می‌رویم سراغ فرهنگ عمومی و صبح تا شب به فرهنگ عمومی شلیک می کنیم و به مردم می گوییم حجابت غلط است، دینت غلط است، رانندگی‌ات غلط است، آن کارت غلط است و مدام شلیک می کنیم. در نتیجه فرهنگ عمومی دچار زخم‌خوردگی مفرط شده است و مقاوم شده است و هر آشغال فرهنگی که به او بدهند مصرف می کند.

***یعنی فرهنگسازی را از آخرین مرحله و از مصرف‌کننده فرهنگی شروع کرده‌ایم؟**

بله و غلط است. هنوز مشخص نیست چه کسی باید فرهنگسازی کند و چه چیز را باید بسازد. برای همین است که سیاست‌های وزارت ارشاد در صدا و سیما، در فیلمسازی، در رمان، در سانسور، در مجوزهای کتاب و ... مدام در حال اعوجاج و افت و خیز است.

بایدهرچه سریع‌تر یک بحث آزاد تخصصی بین نخبگان درحوزه فرهنگ، خصوصا وضعیت فرهنگ معاصر در ایران شکل بگیرد. وظیفه این کار هم بر عهده دانشگاه‌ها و رسانه‌ها و گروه‌های ذی نفوذ است. باید اجازه دهیم که از بستر تعاملاتی مابین نخبگان و صاحبان اندیشه و خرد یک ترند به وجود بیاید و فرایندی شکل بگیرد به نام فرهنگ ایرانی.

ما یک چیزهایی در کتاب داریم، یک چیزهایی خارج از فرهنگ و کشور خودمان و یک چیزهایی هم در آسمان معلق‌اند که معلوم نیست متعلق به کجایند و همین ذرات معلق فرهنگی نفس ما را گرفته‌اند و دارند خفه‌مان می کنند. آن ایده‌آل‌هایی که در کتاب‌اند دور از دسترس‌اند؛ آن‌هایی که بیرونی هستند هم تناسبی با ما ندارند. پس باید یک بازی جدید در ایران شکل بگیرد که هنوز شکل نگرفته است. ما چهل سال از عمر بازی فرهنگی‌مان گذشته است ولی بازی نکرده‌ایم؛ یا اشیای معلق را مصرف کرده‌ایم یا فرهنگ بیگانه را یا دست برده‌ایم در بخشی از فرهنگ سنتی‌مان و آن را مصرف کرده‌ایم و باعث شده‌ایم ذهن‌هامان دچار پریشانی اندیشه و ایده شوند.

باید به صاحبان فرهنگ اجازه حضور مستمر و زمان‌دار بدهیم تا بازی را شکل دهند و قواعد آن را تنظیم کنند و نجوای فرهنگی بلندی که قابل استفاده باشد را سر دهند.

شاعر ما باید مستمر شعر بگوید و نجوای شعرخوانی، مدافعان و دوستداران شعر را پیدا کند. ما شعر را موضوع مسابقات و نمایش‌ها و امتحاناتمان کرده‌ایم؛ رمان‌نویسی و طنزگویی و نقدگویی‌مان هم همین گونه است.

***پس اگر نیازمندی ما تا این حد است چرا عرصه تولید فرهنگ مان این قدر محصور و محدود است؟**

برای این که توافق نکرده‌ایم چه چیزی برای جامعه لازم است. درمورد مصرف آب، نوشابه، کتاب، فست فود، مسافرت، ترافیک، مشق شب و هیچ چیز دیگر هم توافق نداریم که مشکل کجاست. فقط در همه عرصه‌ها وارد شده‌ایم و همه را زخمی کرده‌ایم و جامعه هم رفته سراغ تصمیمات خودش؛ به سادگی هم این وضع درست نمی‌شود مگر این که نخبگان جامعه با خودشان یک نجوای درونی بکنند. از این نجوای درونی یک نجوای بیرونی شنیده شود که بتوان آن را به شکل کالای فرهنگی عرضه کرد و مردم را مخاطب قرار داد والاهرچه تولید شود تحکمی است و سیاسی و ایدئولوژیک و دولت مدار و موقتی و ناپایدار.

*** شما تأکید دارید که تولید کننده فرهنگی باید نخبه فرهنگی باشد. این نخبگان چه کسانی هستند؟**

وقتی از نخبه فرهنگی حرف می‌زنیم حداقلش این است که اهل فرهنگ و درس‌خوانده و اهل کتاب باشد. یعنی کتاب بخواند. ما دانشجو داریم کتاب نخوانده و نمی‌خواند و دکترایش را هم می‌گیرد و چه بسا کتاب هم نوشته است. استاد داریم که کتاب نمی‌خواند. این سیستم خیلی عجیب است. طرف درس می‌دهد، مدیر و کارشناس و مشاور است، کار اقتصادی هم می کند و آدم مهم این کشور است ولی کتاب نمی‌خواند. اهل کتاب، به کتاب و خواندن و نوشتن احترام می گذارد. به مدرسه و دانشگاه و عرصه علم احترام می گذارد. برخی معلمان ما به مدرسه بی‌اعتنایند چون کارمندند. برخی استادان ما کارمندند. دولت کارمند استخدام کرده. پس نخبه و اهل فرهنگ، کتابخوان و کتاب‌نویس و دانش‌دوست است اما لزوما در مدرسه و حوزه و دانشگاه و شورای کتاب و فلان وزارتخانه نیست، نمی‌دانم کجاست؛ باید بگردیم و اجازه دهیم این افراد بالا بیایند.

***پس نخبگان که باید ظهور کنند الان کجا هستند؟ در انزوا هستند؟**

نخبگان کشور در انزوا نیستند، مسیر عوض کرده‌اند و رفته‌اند سراغ اخلاق عمومی و بحث اخلاقی می کنند و این که سیستم کشور که سیستم دینی است به جای اخلاق دینی از اخلاق مدنی مورد سوال قرار می گیرد از اینجاست.

اخلاق دینی این است که تو دین داری یا نه؟ اخلاق مدنی این است که وظیفه ملی و مسئولیت اجتماعی‌ات را درست انجام می‌دهی یا نه؟

***چرا نخبگان رفته‌اند سراغ اخلاق مدنی؟**

چون در اخلاق دینی، روحانیت رقیبشان بود و محکوم می‌شدند. برای همین مشروعیت را سپردند به آن‌ها و گفتند خودتان به جامعه جواب بدهید. نتیجه هم مشخص است و این همه ریزش در بحث دینداری در کشور اتفاق افتاد. به بیان دیگر نخبگان، ساحت اخلاق دینی را واگذاردند به علما و رفتند سراغ اخلاق مدنی و حقوق شهروندی و مسئولیت‌پذیری و تعهد اجتماعی. هرچند در اینجا هم البته اجماع نداریم؛ در واقع هیچ‌جا اجماع کامل نداریم.

مسیری که نخبگان دارند طی می کنند منتهی به سوال از مسئولیت‌پذیری می‌شود و البته سوال خیلی مهمی است. اگر دولت‌ها و نظام سیاسی نخبگان را راحت‌تر گذاشته بودند، احتمالا این دوگانگی میان اخلاق دینی و اخلاق مدنی در ایران شکل نمی گرفت و این دو، درهم و با هم پیش می‌رفتند.

*** این تغییرات فرهنگی، بر دغدغه نسل‌فرهنگی امروز چه تأثیری گذاشته است؟**

نسل فرهنگی جدید می‌خواهد بین فرهنگ ایرانی و سنتی و فرهنگ مدرن پیوند برقرار کند. می‌خواهد در جهان مدرن زندگی کند نه در خلوت خودش. نسل گذشته ما خلوت‌گرا بود و عزلت‌گزین؛ در حالی که نسل جدید خیلی عمومی زندگی می کند و دغدغه زیست مدرن و تعامل با جهان و دیگران را دارد.

دغدغه دیگرش این است که می‌خواهد پالایشی در باب گذشته خودش انجام دهد.

ما فرصت پالایش گذشته فرهنگی‌مان را پیدا نکردیم به این دلیل که به سرعت بعد از انقلاب، دچار جنگ و چندگانگی‌های سیاسی شدیم.

دغدغه نسل جدید فرهنگی این است که سابقه فرهنگی‌اش و تناسبش را با امروز ایران و جهان دریابد و بازبینی کند و تلاش بسیار خوبی هم است.

دغدغه سومش این است که می‌خواهد زیست درست و زندگی کردن را طراحی کند و به مردمان بیاموزد که از داشته‌هایشان استفاده کنند.

ما امکان زیست در این سرزمین را از بین برده‌ایم. امروزه هم به لحاظ منازعات سیاسی و هم مسایل درونی نظام سیاسی و هم به لحاظ مسایل محیط‌زیستی و جمعیتی و آب و هوا و شهر و ... زیست سخت شده. همه در شهر زندگی می کنیم، همه در خیابان زندگی می کنیم، همه در ماشین زندگی می کنیم، همه در آلودگی زندگی می کنیم و نسل فرهنگی امروز دغدغه زیست مناسب در همین سرزمین و همین شرایط را دارد.

*** یکی از دغدغه‌های نسل فرهنگی امروز این است که نمی‌داند تنوع فرهنگی را بپذیرد یا به سنت‌ها پایبند باشد.**

اول باید بپذیریم که این کشور خیلی اصیل نیست، مدام مهاجرانی به این کشور آمده‌اند و از این کشور رفته‌اند. خیلی بد است که به خودمان این‌قدر اصالت‌گرایانه نگاه کنیم و جهان خودمان را بهتر از جهان‌های دیگر بدانیم. باید بدانیم و بپذیریم که روزگاری مهاجرپذیر بوده‌ایم و الان مهاجرفرست هستیم و معلوم نیست فردا چگونه باشیم. این جابجایی جمعیت، وجوه پنهان تغییرات فرهنگی را ممکن کرده است.

ما به لحاظ اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، جامعه ای چندگانه‌ایم و باید این تنوع را بپذیریم و مشکل این است که این تنوع را نمی‌پذیریم و می گوییم همه باید یک شکل حجاب داشته باشند، یک قیافه داشته باشند، یک رفتار داشته باشند، یک غذا داشته باشند و ...

اختلالاتی که در ساختار فرهنگی ما به وجود آمده نتیجه همین بی‌توجهی به تنوع فرهنگی است. ما می‌خواهیم یکسان‌سازی فرهنگی را دیکته کنیم و یک لباس بر کل جامعه بپوشانیم ولی جامعه خسته است از این یکسان‌سازی اجباری.

باید برگردیم به گذشته تاریخی و بپذیریم که یک جامعه متنوع و متکثر هستیم نه یکپارچه و یکسان.

جامعه متنوع و متکثر هم به سیاست‌های متنوع، فتواهای متعدد و زمزمه‌های متکثر نیاز دارد. یک شاعر نیاز ندارد، به شعرای متعدد نیاز دارد؛ یک موسیقی لازم ندارد، به موسیقی‌های متعدد نیاز دارد؛ همان‌طور که به یک دانشگاه و یک برنامه واحد نیاز ندارد، به دانشگاه‌های متعدد نیاز دارد. ما اما یک نوع دانشگاه داریم که در جاهای متعدد بنا شده و یک برنامه برای همه آن‌ها وجود دارد و این بسیار مبتذل است.

***پس این یکسان‌سازی خودش عامل تعطیلی فرهنگی است؟**

بله. وقتی شما می گویید همه باید هر روز صبح یک مدل چایی بخورند، افراد مقاومت می کنند و چایی که نمی‌خورند هیچ، چیزهایی که می‌خواهند بخورند را در همین لیوان چایی می‌ریزند و می‌خورند.

خلاصه کلام این که تنوع را پذیرفتن نشانه بلوغ جامعه است. باید به بلوغ برسیم.

در حالی که سیاست ما نابالغ است و یک نسخه دارد و این تنوع را نمی‌پذیرد و جامعه باید این همه هزینه و مشکلات را تحمل کند.

*** سپاس از شما و به امید رسیدن به این بلوغ هر چه زودتر.**





میدان مشق

جشن‌های آمریکایی در قلب تهران



● ارغوان زمان فشمی

چندسالی می‌شود که ویترین برخی مغازه‌ها در ایران به‌مناسبت کریسمس با کاج تزیین می‌شوند، به‌مناسبت هالووین با کدوتنبل و به‌مناسبت ولنتاین با عروسک‌ها و شمع‌های قرمز. گاهی آش به‌قدری شور می‌شود که نهادهای مرتبط با موضوع مجبور به نشان‌دادن واکنش و ممنوع‌کردن تزیینات مرتبط با جشن‌های غربی در مکان‌های عمومی می‌شوند.

اعمال این محدودیت‌ها نه‌تنها به جمع‌شدن بساط کریسمس و ولنتاین و هالووین منجر نشده، بلکه اخیرا اخبار برگزاری تور جشن رنگ هندی‌ها و جشن آب‌پاشی ارمنی‌ها نیز به‌گوش می‌رسد.

مردم دور هم جمع می‌شوند و به همدیگر رنگ یا آب می‌پاشند و محیط زیست و منابع آبی را به فنا می‌دهند!

تأسف‌آور است که ما ایرانیان با داشتن کوله‌باری از تاریخ تمدن و جشن‌های زیبای باستانی، چشم به تقویم کشورهای دیگر داشته باشیم و در همان حال که از ماهیت بسیاری از جشن‌های ایرانی بی‌خبریم، چنان دنبال خرید بوقلمون و کدوتنبل برویم گویی قرن‌هاست که در کشورمان روزهای شکرگزاری و هالووین جشن گرفته می‌شوند!

در حالی که اسپانیایی‌ها هنوز برای جشن‌گرفتن، گاوهای وحشی را عصبانی و در خیابان رها می‌کنند یا چندین تن گوجه‌فرنگی را به هم پرتاب و حیف و میل می‌کنند و آمریکایی‌ها در جشن هالووینشان همدیگر را می‌ترسانند، جشن‌های پرمعنا و باستانی ایران مانند نوروز و چهارشنبه‌سوری و شب یلدا همچنان زیبایی خود را به رخ می‌کشند. پس چرا به‌جای مناسبت‌های خودی به سوی فرهنگ بی‌خودی رفته‌ایم؟

یادم می‌آید وقتی نوجوان بودم، برگزاری مراسم چهارشنبه‌سوری برای مدت چند سال در مناطقی از تهران با مخالفت افراطی‌ها روبه‌رو شد. نتیجه چه بود؟ تبدیل جشن چهارشنبه‌سوری به یک میدان جنگ واقعی!

جوان‌هایی که اجازه نداشتند دورهم جمع شده و آتش روشن کنند و از روی آن بپرند، رو به استفاده از ترقه و نارنجک‌های خانگی آوردند که می‌توانستند در یک لحظه آنها را پرتاب کنند و دیگران متوجه نشوند کار چه کسی بوده!

جشن‌های دیگرمان را هم به همین شکل خراب کردیم. شب یلدا به‌جای دورهم جمع شدن با فامیل و تفأل به حافظ، با یک‌عده غریبه به جشن‌های مخصوص یلدا در رستوران‌ها و کافه‌ها رفتیم و نوروز هرطور شده سفری جور کردیم تا چشممان به چشم فامیل نیفتد!

این وسط، جشن‌های غیرایرانی فرصت عرض‌اندام پیدا کردند؛ جشن‌های شیک و بی‌دردسری که گذاشتن عکس‌هایشان در اینستاگرام و تلگرام کلاس داشت!

یک‌بار هم که شده از خودمان بپرسیم چرا در کشوری که پرچم آمریکا به آتش کشیده می‌شود، جشن‌های آمریکایی طرفدار دارند؟ مگر خودمان عمری نگفته‌ایم انسان از هرچه منع شود نسبت به آن حریص می‌شود؟

ما برای حفظ فرهنگ خودمان چه کرده ایم که توقع داریم فرهنگ های بیگانه به جای آن ننشینند؟

بد نیست این را هم از خودمان بپرسیم که آیا شادی گمشده‌ای که سال‌ها با تبلیغ فضای غم و اندوه در جامعه و ممنوعیت برگزاری جشن‌ها و کنسرت‌ها و مناسبت‌های شاد از مردم دریغ کردیم، آنها را به دنبال شادی‌های پراکنده به هرسو نکشانده است؟

زیرگذر اینترنت

اخلاق در محاق

اوایل دهه هفتاد، روزنامه‌ای منتشر می‌شد که فقط به پوشش اخبار حوادث می‌پرداخت. آن سال‌ها در آن روزنامه ماجراهایی می‌خواندم که به‌قول نویسندگانشان در «غرب» اتفاق افتاده بودند، اخبار قتل و غارت، تجاوز، فرزندان نامشروع. گاهی این ماجراها برای من که نوجوانی بیش نبودم بیش از حد تکان‌دهنده به‌نظر می‌رسیدند. یک‌بار داستانی نقل شده بود از مردی که در یک جاده بین‌شهری در یکی از ایالت‌های آمریکا با دیدن اتومبیلی در کنار جاده که به‌نظر می‌رسید راننده‌اش به کمک نیاز دارد، متوقف شد و به کمک راننده شتافت. اما راننده آن اتومبیل یک سارق زورگیر بود که با تهدید چاقو همه اموال مرد بینوا را از او گرفت و با دست و پای بسته در جنگل رهایش کرد.



آن روزها با خودم فکر می‌کردم چقدر خوب است که ما ایرانی‌ها این‌قدر با هم مهربانیم و چنین خشونت‌ها و جنایاتی در کشورمان اتفاق نمی‌افتد. اگرچه آن زمان دزدی و قتل و قاچاق در ایران هم وجود داشت، اما دستکم خلافکاران وطنی آن‌قدر بامعرفت بودند که از احساساتِ انسانی که قصد کمک به آنها را داشت، سوءاستفاده نکنند. شاید هم من به‌عنوان نوجوانی که فقط روزنامه‌های منتشرشده در داخل کشور را می‌خواندم از وقوع چنان اتفاقاتی در ایران بی‌خبر مانده بودم!

آن روزنامه به بهانه چاپ این‌دست داستان‌ها، کشورهای اروپایی و آمریکایی را «غرب وحشی» و مردمشان را هوسباز و لاابالی و بی‌اخلاق می‌نامید، غافل از این که کمتر از یک‌دهه بعد، وقوع اتفاقات مشابه در ایران، تیتر روزنامه‌ها می‌شود و مردم از روی بی‌اعتمادی به یکدیگر حتی نمی‌توانند دست یاری به سوی کسی دراز کنند.

در جوامع امروزی به دلایل گوناگون، تغییرات فرهنگی شتاب بیشتری پیدا کرده‌اند. در کنار این موضوع که وضعیت اجتماعی و اقتصادی هر جامعه به‌نوبه خود در تغییرات فرهنگی آن جامعه موثر است و ارزش‌های سنتی دائما درحال عقب‌رفتن به‌نفع ارزش‌های مدرن هستند، گسترش فضای مجازی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی نقش بزرگی در پیوند هرچه بیشتر فرهنگ‌ها ایفا می‌کند و جهان روزبه‌روز بیشتر به یک دهکده شبیه می‌شود.

هر اتفاقی در هرگوشه از این کره خاکی به‌سرعت می‌تواند تبدیل به تیتر اول رسانه‌های جهان شود و هرکس می‌تواند زندگی هر کس دیگر را در هرجای دنیا الگوی زندگی خودش قرار بدهد.

در این میان فرهنگ‌ها و حتی خرده‌فرهنگ‌ها فرصت می‌یابند تا درهم نفوذ کنند. هر کشوری که در این عرصه حرفی برای گفتن داشته باشد، فرهنگ خود را به کشورهای دیگر تزریق و از این راه دایره تأثیر خود را در جهان وسیع‌تر و پررنگ‌تر می‌کند. اما کشورهایی که به غنی‌سازی فرهنگ و حفظ ارزش‌های فرهنگی خود نپرداخته باشند، خود را در مقابل فرهنگ‌های دیگر می‌بازند و به تدریج از دایره تأثیرگذاری بر جهان خارج می‌شوند.

متأسفانه بررسی‌ها نشان می‌دهند که تغییرات فرهنگی که طی دهه‌های اخیر در کشور ما رخ داده‌اند، بیشتر حاصل خودباختگی در مقابل فرهنگ‌های بیگانه بوده تا تلاش برای تأثیرگذاری بر آنها. این وضعیت می‌تواند به کمرنگ شدن ارزش‌های فرهنگی جامعه ایران و تضعیف هویت ایرانی بینجامد.

توجه به آمار و اخبار و تیترهای رسانه‌ها، وضعیت فرهنگی مطلوبی را در ایران امروز تصویر نمی‌کند:

* *به گفته مؤسسه مطالعات فرهنگی ایران، در سال‌های اخیر، خیانت زناشویی «زنانه‌تر» شده است و الگوهای سنتی مردانه به دلیل تغییر سبک زندگی در حال فروریختن‌اند.*
* *به گفته دکتر محمود گلزاری، روان‌شناس و معاون سابق وزارت ورزش و جوانان، ارتباط دختران و پسران نسبت به سی‌سال گذشته سه برابر شده و زمان شروع رابطه به دوران تحصیلی راهنمایی و نوع رابطه از عاطفی به جنسی رسیده است.*
* *از هر چهار ایرانی، یک‌نفر اختلال روانی دارد!*
* *میانگین سن اعتیاد در ایران به ۱۴ سال کاهش پیدا کرده است.*

در این میان برخی اخبار آزارنده‌ترند. پاییز امسال، رییس‌پلیس پایتخت اعلام کرد در تهران، آمار سرقت‌های خرد افزایش و آمار سرقت‌های کلان و مسلحانه کاهش پیدا کرده است. این آمار نشان می‌دهد که در حال حاضر شرایط اقتصادی موثرتر از شرایط فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کنند و اخلاق را در جامعه به محاق می‌برند.

عجب آن که برخی رسانه‌ها هنوز با بیان آمار مشابه در «غرب وحشی» سعی در توجیه وضعیت امروز جامعه ایران دارند و نگرانی‌هایشان را همچنان پشت گزارش‌ها و تیترهایی مانند «از سرقت هر ساعت دو خودرو در تهران تا سرقت هر ۲۷ ثانیه یک خودرو در آمریکا» پنهان می‌کنند. بماند که در تیتر ذکرشده، به‌شکلی هدفمند آمار سرقت در یکی از شهرهای ایران با آمار سرقت در کل شهرهای قاره پهناور آمریکا مقایسه شده است تا نتیجه مطلوب به‌دست آید!

اگر می‌خواهیم در مسیر تغییرات ناگزیر و ناگریز فرهنگی، اخلاق برنده نهایی باشد، شایسته است هرچه زودتر اجازه بدهیم جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، واقعیت‌های جامعه را بیان کنند و به‌جای تهیه گزارش از آمار بیکاری در ایتالیا و تورم در ونزوئلا و سرقت در آمریکا، به درمان دردهای خودمان بپردازیم.

تماشاخانه

● داستانی ساخته‌اند درباره این که اگرچه ژاپن توسط آمریکا مورد حمله اتمی قرار گرفت، اما ژاپنی‌ها هرگز برای تلافی بر سر آمریکا بمب نریختند و جنگ لفظی هم راه نینداختند. در عوض چنان زمام تکنولوژی دنیا را به دست گرفتند که امروز تلفن روی میز رییس جمهور آمریکا هم پاناسونیک است!

● این تصویری است از جشن نوروز سال ۱۳۹۴ در کاخ سفید؛ فرهنگ زودتر از جنگ، کشورها را تسخیر می‌کند!



آینده رازآلود بشر



سید مسعود رضوی

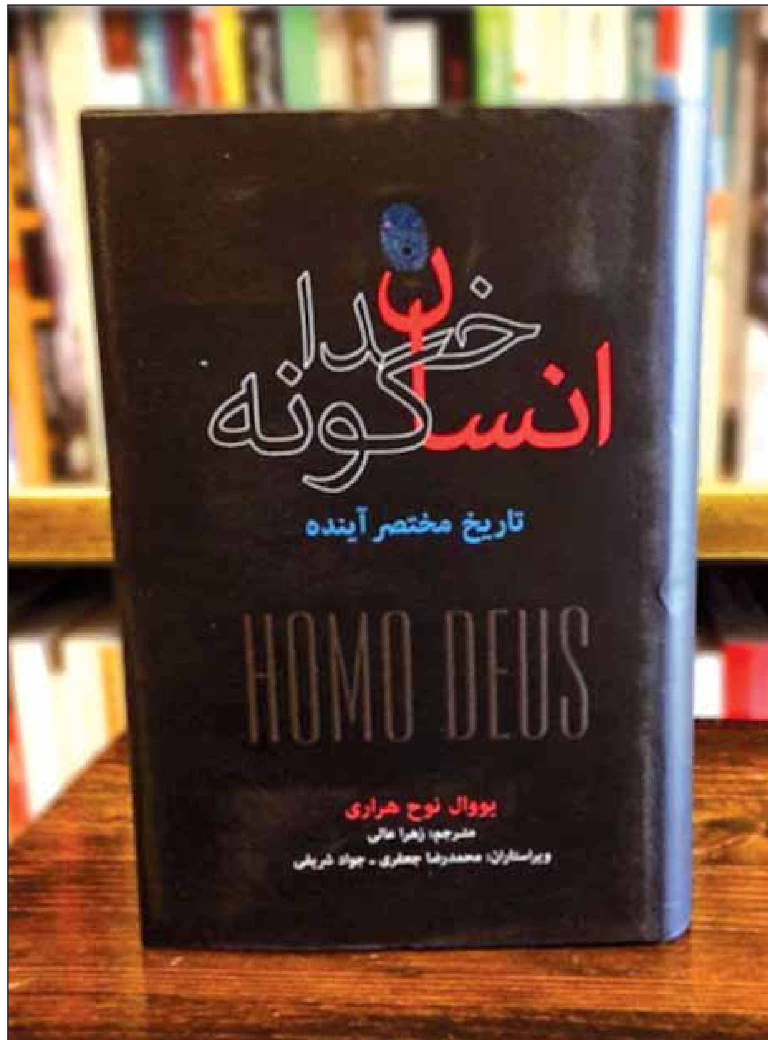
نگاهی به کتاب «انسان خداگونه» ـ «تاریخ مختصر آینده» اثر یووال نوح هراری/ ترجمه زهرا عالی/ نشر نو ۱۳۹۷

در شماره پیش، کتاب «انسان خردمند» اثر یووال نوح هراری را معرفی کردیم و به اختصار در باب ارزش تحولی که نویسنده در نگرش به جامعه و سیر تکاملی بشر ارائه کرده است، سخن گفتیم. آن اثر، نیمه نخست از کتابی تاریخی محسوب می‌شود که ابتدا گذشته انسان و سپس آینده او را مورد کاوش قرار داده است. نگارش تاریخ آینده و اساساً آینده پژوهی یا فوتوریسم، نباید پیش‌گویی تلقی شود، پیش‌گویی و خوابگزاری و فال‌بینی و امثال این نوع علوم غریبه، به جهان نو و انسان خردمند تعلق ندارد؛ بلکه بازمانده‌ای از عصر اساطیر و عهد عتیق است و میراث نیاکان باستانی ما در دوره‌هایی است که از علم و خرد و ابزارهای دقیقه خبری نداشتند.

برخلاف پیش‌گویی، پیش‌بینی و گمانه‌زنی براساس اطلاعات موجود و بحث و بررسی امکانات بشر در تاریخ حال و آینده محتمل، یک ایده هوشمندانه در روزگار ماست. پیش‌بینی، بخشی از آماده‌سازی ذهن و فکر و روان، و نیز زمینه‌سازی و تکمیل امکانات برای خیزش به سوی افق‌های بلند و بزرگ است. نوعی ماجراجویی و بازیابی تخیلاتی است که از حیطه خیال و هنر، به سوی واقعیت و تحقق گام برمی‌دارند. زمانی، داستان‌های تخیلی ژول ورن، نویسنده فقید و نامدار فرانسوی، تنها قصه‌هایی برای سرگرمی خوانندگان بودند و تخیلات ذهن داستان‌پرداز یک نویسنده بزرگ. اما همه آن «خیال» یا بهتر بگوییم «آرزوها»، جامه واقعیت پوشیدند، همچنان که دروازه ستارگان و جنگ ستارگان و تمامی فیلم‌های علمی ـ تخیلی، اندک اندک دستمایه تغییرات و اختراعات غیرقابل باور در زمینه اخترفیزیک و سفیرهای ماهواره‌ای و فضایی بوده و هستند.

یووال نوح هراری، وقتی کتاب «انسان خردمند» را می‌نوشت، کلاس‌های اینترنتی و آنلاین برگزار می‌کرد. برای درک اهمیت مخاطبان او که از دانشگاهیان و نخبگان سراسر جهان بودند، کافی است بگوییم که ۶۵هزار نفر به صورت مجازی در آن دوره درسی شرکت کردند و مستقیماً از هراری درس و دانش آموختند. انسان خردمند، مقدمه‌ای بر نظریات بدیع و خیزش‌گرانه ذهن یک دانشمند نامتعارف بود. کتاب «انسان خداگونه» یا «تاریخ مختصر آینده» دستاوردهای این پژوهش‌ها و گفتگوها و نوشته‌های انقلابی است. این اثر سه بخش دارد:

۱ـ انسان خردمند جهان را تسخیر می‌کند.
۲ـ انسان خردمند به جهان معنا می‌بخشد.
۳ـ انسان خردمند سلطه‌اش را از دست می‌دهد.



هراری در این کتاب دوره‌های تاریخی بشر را مجددا براساس سلطه بی‌چون و چرای انسان بر طبیعت پی می‌گیرد، اما بی‌خودی و از کف دادن مهار تسلط برخود را نادیده نمی‌انگارد. از دوران اسطوره‌ها و سپس دوران باور به برتری نوع انسان در خلقت، زمان درازی نمی‌گذرد. تمدن در چند قالب انسان را تعریف کرده و به او اختیارات و اقتدارات فراوان بخشیده است. اما آیا انسان این توانایی را حفظ کرده که محیط‌زیست و شرایط حیات، حقایق درونی مانند خیر و شر و آسایش و آرامش روانی را نیز به مثابه ارزش‌ها و نعمت‌های حیات نگاه دارد؟

پاسخ این پرسش‌ها تا زمان اکنون، یعنی دوران معاصر، چندان مثبت و امیدوار کننده نبوده‌اند. حال در پیش‌بینی وضع آینده چه رخ خواهد داد و چه اتفاق‌هایی در انتظار بشر است؟ روزهای سختی از راه خواهند رسید و این امر محصول پیش‌گویی‌های آخر زمانی نیست، بلکه پیش‌بینی درست و علمی درباره آینده، به ما بیم و انذار می‌دهد که به مراقبت بیشتری نیاز داریم.

انسان و زمین، حیات و جان و روان ما، در مجموعه‌ای ظریف و درهم تنیده، ممکن است برای همیشه نابود و فراموش شوند. ما هنوز نمی‌دانیم که آیا تنها موجودات هوشمند و دارای حیات در کیهان هستیم یا خیر؟ دستکاری و تخریب ما از محیط کوچک و شکننده زمین، کاری نابخردانه و رخدادی فاجعه بار بوده و هست!

آیا آینده تیره و تار است؟ نویسنده کتاب «انسان خداگونه» به روشنی پاسخ نمی‌دهد. نه هشدار می‌دهد که سرعت کم کنیم و نگذاریم آنچه خود می‌سازیم بر ما حاکم شود، نه می‌گوید پیش به سوی آینده، به تاخت! فقط می‌گوید و وصف می‌کند که: آینده چنین چیزی خواهد بود. نه الزاما آینده زندگان جوان و میانسال و پیر، بلکه ـ تا حدودی ـ آینده فرزند دبستانی من میانسال و بیشتر از فرزند من، فرزند فرزندم. مگر همین حالا بشر نمی‌کوشد اتومبیل خود را بسازد؟ و بسیار چیزهای دیگر که طلیعه آن دورانند؟ آرای نویسنده پرسش برانگیز است. کوشیده است برای برخی پرسش‌ها پاسخی بیابد و برای برخی نیز پاسخی ندارد ...

کتاب به ما نشان می‌دهد بشر در کجای تاریخ خود ایستاده است و ممکن است به کجا برود. شاید به نظر ما، نقطه‌ای که نویسنده تعیین می‌کند و می‌گوید این جاییم، دقیقا همان نقطه‌ای نباشد که گمان می‌کنیم در آن هستیم. اما به نظر نمی‌رسد چندان هم از آن دور باشیم. ما نیز به اندازه همه مردمی که درگیر اینترنتند، درگیر آنیم. ما نیز برای مقابله با خشکسالی به ابر مصنوعی می‌اندیشیم و بودجه‌اش را کنار می‌گذاریم. ما هم به اندازه همه جاهای دیگر دنیا درگیر مسأله حدود و ثغور آینده‌ایم؛ آینده‌ای که دقیقا نمی‌دانیم چگونه خواهد بود، اما حضورش را امروز، بیش از همیشه حس می‌کنیم و می‌کوشیم بر آن اثر نهیم و تنقیحش کنیم. مسأله قطعا این نیست که یا آن آینده محتمل را بلااختیار بپذیر و فنا شو، یا نپذیر و ناگزیر فنا شود. هر چه تازه است بیگانه است. اما بیگانه‌ها سرانجام چندان بر جا می‌مانند که رفته رفته به امری آشنا و مستعمل بدل می‌شوند. صلب می‌شوند و جای صلب‌های استوار گذشته را که دود شده و به هوا رفته‌اند می‌گیرند.

روزگاری دوچرخه مرکب شیطان بود، اما امروزه وسیله عالی و درخشانی برای ورز دادن و سلامت جسم است که عقل سالم هم در آن جای دارد! این قانون را می‌دانیم که هر آنچه سخت است دود می‌شود و به هوا می‌رود. اما ما باز هم سخت و استوار می‌مانیم و مقاومت می‌کنیم تا دود شویم و به هوا رویم. حق داریم مقاومت کنیم. این حق را نیاکان ما داشتند، برای ما هم محفوظ است. ما به واسطه همین مقاومت است که در آینده مشارکت می‌کنیم، اصلاحش می‌کنیم و بر آن اثر می‌گذاریم ...

قبلا گفتم که هراری ساختارشکن و کوبنده است. او تمامی دگم‌ها و تعصبات ذهنی را در هم می‌شکند تا جای تازه‌ای برای بررسی عینی واقع‌نگرانه باز شود و ذهن ما درگیر پرسش‌های بزرگ و مفید برای خودمان و برای نوع بشر و محیط زیست و ابزارهایمان می‌نماید. در ابتدای کتاب، فصل «دستور کارنوین انسان» با این عبارات آغاز می‌شود:

«در سپیده دم هزار سوم، بشریت از خواب برمی‌خیزد، کش و قوسی به دست و پایش می‌دهد و چشم‌هایش را می‌مالد. بقایای کابوسی‌ترسناک همچنان در ذهنش چرخ می‌زند ...»

این همان پرسش‌ها و همان اوهامی است که ما در نتیجه اعتمادبه‌نفس و خودخواهی بیهوده‌مان ایجاد کردیم. زمین و جانداران، گیاهان و تمامی اجزای حیات به مخاطره افتاده‌اند و ما با همه امکانات عظیممان، فقیرتر شده‌ایم. فقری که اگر گسترش یابد ما را تباه می‌کند! آیا چه سرانجامی در انتظار ماست؟

خواندن کتابی مانند انسان خردمند و سپس انسان خداگونه که روایت نابی از تاریخ گذشته و آینده است، برای همه انسان‌های اهل مطالعه و پرسشگر ضروری است. در این‌باره بعداً بیشتر و به صورت انتقادی سخن خواهیم گفت؛ به ویژه درباره پردازش اطلاعات و تحول در آگاهی و فرایندهایی که ممکن است هوشمندتر از خود ما باشند و به دست خود ما ساخته شده‌اند و همین هراس از اکنون ما را رها نمی‌کند که شاید هوش مصنوعی بر ما استیلا یابد و در آن صورت بردگی انسان محتمل خواهد بود.

چهل سال

از ۱۵ آبان تا ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ به دلیل اعتصاب روزنامه نگاران در همراهی با انقلاب ،روزنامه اطلاعات منتشر نشد.

وقایع انقلاب اسلامی که درستون زیر از نظرتان میگذرد از منابع معتبر خارج از روزنامه تهیه و ارائه شده است.

سوم دی

*به گزارش ساواک عده ای از پزشکان رضاییه به اتفاق روحانیون افراطی!،اصناف،فرهنگیان و طبقات که به تدریج حدود ۸۰۰۰نفر شدند به عنوان اعتراض به واقعه بیمارستان شاهرضای مشهد با دادن شعار در خیابان های شهر به راه افتادند .در ساعت ۱۲:۳۰ در مسجد اعظم رضاییه اجتماع ویکی از روحانیون افراطی به نام غلامرضا حسنی مطالبی عنوان نموده و از مردم به ویژه ارتشی ها خواسته کار خود را رها نموده وبه گروه مخالف بپیوندند . در این تظاهرات ماشاالله بزچلو .کیل دادگستری، دکتر اسدالله حیدری معماری استاد دانشگاه رضاییه و علی نصراللهی نماینده بازار نقش رهبری را به عهده داشتند .

*بنا به گزار ش ساواک، کمیته ای به نام امداد متواریان در بازار تهران تشکیل و سربازان متواری را پناه داده و ترتیب مخفی کردن و مواظبت از آنان را فراهم نموده و سربازانی که از تبریز متواری شده‌اند از طریق قاضی طباطبایی به کمیته مزبور معرفی گردیده اند.

*بنا به گزار ش ساواک در این روز دکاکین بازار شهرهای زنجان و قزوین تعطیل است وفقط مغازه های مایحتاج عمومی باز می باشند. ضمناً شهر قزوین متشنج ومردم در بلاتکلیفی به سر می برند. در شهر زنجان نیز مردم حالت آشفته ای دارند و به دلیل بیکاری در طبقات مختلف در گروه های چند نفری در سطح خیابان های شهر اجتماع نموده و منتظر تحولی جدید می باشند.

* به گزارش ساواک چند هزار نفر از مردم اصفهان و کارمندان و کارگران پالایشگاه اصفهان در مسجد حکیم مشغول تظاهرات و گوش کردن به سخنرانی چند تن از آخوندها و گویندگان بودند و رهبری آنان را آیت الله خادمی به عهده داشت.

* گروهی از تظاهر کنندگان یکی از اتومبیل های سفارت آمریکا را در مقابل سفارت آمریکا در تهران به آتش کشیدند . در جریان همین واقعه برخی از سربازان ایرانی حافظ سفارت نیز به نفع آیت الله خمینی شعار داده و فریاد می زدند یانکی به خانه ات برگرد.

* بنا به گزارش ساواک از مشهد یک سرهنگ شهربانی به نام طاهری پس از صرف نهار در چلوکبابی واقع در خیابان نادری مورد حمله عده ای اخلال گر واقع بعد از دستگیری او را به منزل (آیت الله) شیرازی می‌برند که با دخالت مامورین فرمانداری نظامی و پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی هوایی افسر مزبور آزاد و دو نفر درجه دار در اثر پرتاب سنگ مجروح شدند .

* در حدود ۵هزار نفر تظاهرکننده در کرمانشاه راهپیمایی و بعد از گذشتن از جلوی استانداری در خیابان های شاه بختی ، شهناز، جلیلی به سمت مسجد جلیلی حرکت کردند . تظاهرات در ساعت ۱۶:۳۰ بدون درگیری خاتمه یافت.

* برابر گزارش ناحیه ژاندارمری خراسان : در تظاهرات ضد ملی و میهنی که در شهرستان نیشابور تشکیل گردیده اکثر روسای ادارات و مسئولین وکارمندان عالی رتبه آن شهرستان شرکت داشته اند. از جمله کارمندان و قضات دادگستری که خود آنان باید برابر مقررات متخلفین را مجازات نمایند در این گونه تظاهرات شرکت و باعث تشویق محرکین و افراطیون می گردند.

* بنا به گزارش ساواک تهران حدود ساعت ۱۵:۳۰ تعداد ۱۰۰۰ نفر در نزدیکی پل چوبی اقدام به تظاهرات ضد ملی می نمایند . همچنین در همین ساعت در جلوی پمپ بنزین دروازه دولت عده ای از تظاهر کنندگان مانع ورود اتومبیل هایی که قصد بنزین زدن داشته اند می شدند ودر خیابان سعدی شمالی نیز حدود ۵هزار نفر اقدام به تظاهرات ضد ملی نموده اند.

قاب امروز



جشن نمایشگاه صنایع دستی و گردشگری پارس/عکس از: رضا قادری

سرایه

خواهی که شود دل تو چون آیینه
ده چیز برون کن از میان سینه
حرص و دغل و بخل و حرام و غیبت
بغض و حسد و کبر و ریا و کینه

خاقانی

پند بزرگان

* به کسی که حقیقت را جستجو می کند باور داشته باش و به کسی که مدعی دستیابی به حقیقت است شک کن.

آندره ژید

* برنده ترین سلاح یک زن تقوا و نجابت اوست.

ارسطو

امروز در تاریخ

نامه کریمخان زند به امپراتور هند

۲۴ دسامبر سال ۱۷۶۵ میلادی کریم خان زند رئیس وقت کشور ایران در دفتر کار خود در شیراز به منشی اش گفت که نامه ای به «شاه عالم» امپراتور هند بنویسد و این اقدام او را که به انگلیسی ها امتیاز و اختیار داده است تقبیح و محکوم کند .بنویسد که اجازه داد و ستد در بندر؛ بله، ولی امتیاز و اختیار؛نه.

«شاه عالم» امپراتور وقت هند به کمپانی هند شرقی انگلستان در منطقه بنگال اختیارات دیوانی و امتیاز کشت خشخاش و تولید تریاک و حقوق دیگر داده بود.

کریمخان که نظر به گسترش بازرگانی خارجی داشت دو سال پیش از آن به بازرگانان انگلیسی اجازه داده بود که در بوشهر ـ به کار داد و ستد مال التجاره بپردازند.

رضاشاه وزارت دربار را منحل کرد

رضا شاه پهلوی در پی بی اعتماد شدن نسبت به تیمور تاش وزیر دربار، سوم دی ماه ۱۳۱۱ وی را برکنار و وزارت دربار را هم منحل کرد.رضاشاه در توجیه اقدام خود، وزارت دربار را دستگاهی زائد و پُرهزینه اعلام داشت و دستور داد که از آن پس، نامه های ارسالی مردم، از طریق یک منشی نظامی به اطلاع وی برسد.از همین روز تیمورتاش درخانه اش عملاً بازداشت بود .

آموزش و پرورش اجباری

سوم دی ماه سال ۱۳۲۱ دولت وقت ایران لایحه قانون تعلیمات اجباری و رایگان را برای بررسی و تصویب به مجلس شورای ملّی داد.

این لایحه که قبلا به تصویب شورای وزیران رسیده بود به تصویب پارلمان نیز رسید، قانون شد و به اجرا گذارده شد. طبق این قانون؛ تعلیمات عمومی ایران اجباری، رایگان و یکسان شد.

عرضه اوراق قرضه ملی

اوراق قرضه ملّی یکم دیماه ۱۳۳۰ انتشار یافت و از دو روز بعد، عرضه آن در شعب بانک ملّی ایران آغاز شد که مورد استقبال مردم قرار گرفت.

هدف از انتشار اوراق قرضه ملّی، ترمیم احتمالی کَسری بودجه کشور بود که با توجه به ملّی شدن نفت، مخالفت و تهدیدهای دولت لندن و احتمال قطع یا کاهش درآمدهای مربوط از جمله درآمدهای حاصل از عوارض گمرکات جنوب می رفت.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۴۸۷۵

غلامحسین باغبان

				پرستار کودک	لوله تنفسی / مقر پاپ		استاد فن مناظره	غارت
								چ
								واحد پول ما / سطح
						آخر / چالک وسط شکم		
				نخستین خلیفه عباسی				
معبد تاریخی کنگاور	زبان رساننده		شعبه‌ها					درس مذهبی / فرومایه
			سوگ					در باز کن برقی / نیم صدای بره
			میان / شب نزول قرآن			رمق آخر / ترنج		
		یازده / ملخ دریایی			دشمن باطل / آرایش صحنه			
				همداستان کلیله / سه انگلیسی				رتبه‌ها / سوره ۳۸
								برقی
			سرود اوستایی					روشن و تابناک / سریال احمد کاوری
			مخفف او را					

حل ۴۸۷۴

				وجود دارد	[illegible]	ک	[illegible]	فرزند نوه
				ه	چ	ی	ت	ن
				س	و	ف	ن	جمع نفس / پزشکی
				ت	ا	اسب آذری / ساز کلیسا	ب	ط
				ملودی	ن	آ	ه	کلام هشدار / بسیار شیرین
[illegible]	غیر اصلی و جانبی	ج	بیماری پوستی	أ	خ	ر	ک	ش
م	ح	ر	شفقت	ه	ا	ک	ا	با خبر / شامل همه
ج	ا	ب	[illegible] / سالخورده	ن	م	[illegible]	ر	ه
ل	ش	[illegible]	م	ک	مفقود / [illegible]	ک	ی	پ
س	ی	د	س	[illegible] / آب دیده	م	ا	د	قاصد / [illegible]
ا	ه	ه	ن	أ	س	ف	ا	[illegible] / گوگول
ن	ا	ن	محصول خبازی	ش	ک	ک	د	ی
س	ی	ه	دعوت به سکوت	ک	و	ا	ن	[illegible] / ابر کوچک

سودوکو ۲۳۶۲

			۳			۶	۷	
	۷	۵	۹	۴	۱	۳		
								۱
۱	۹		۲					
۸			۱		۷			۴
					۸		۹	۳
۷								
		۳	۵	۱	۹	۷	۲	
	۲	۸			۶			

۸	۳	۵	۲	۴	۹	۱	۷	۶
۱	۷	۶	۸	۳	۵	۲	۴	۹
۲	۴	۹	۱	۷	۶	۸	۳	۵
۵	۸	۳	۹	۶	۲	۴	۱	۷
۴	۲	۱	۵	۸	۷	۹	۶	۳
۹	۶	۷	۳	۱	۴	۵	۸	۲
۷	۵	۸	۴	۹	۳	۶	۲	۱
۳	۱	۲	۶	۵	۸	۷	۹	۴
۶	۹	۴	۷	۲	۱	۳	۵	۸

حل ۲۳۶۱